

امام زمان
علیه السلام
«جلد اول»
در بیانات استاد



عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَجْرَ الشَّرِيفِ

امام زمان

دریانات استاد

حضرت استاد سید حسن ابطحی رحمۃ اللہ علیہ

شناسنامه کتاب

نام کتاب: امام زمان در بیانات استاد (جلد اول)

مؤلف: جمعی از محققین از شاگردان حضرت استاد سید حسن ابطحی

ناشر:

تعداد صفحات: ۲۸۸

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۰

چاپخانه:

شمارگان: ***

قطع: وزیری

شابک — — — ۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره — — — ۹۶۴-۹۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

ووصلني الله على سيدنا محمد وآله وأجمعين

سَيِّدِ الْإِسْلَامِ الْمُبَارَكِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

فهرست

موضوع	صفحه
فهرست	۵
«پیشگفتار»	۲۱

فصل اول

«ایمان و معرفت به امام زمان ارواحناده»

بخش اول

«ایمان به امام زمان ارواحناده»

«طریقه و آثار ایمان به امام زمان ارواحناده»	۲۵
«ایمان به امام زمان ارواحناده به انسان آرامش می دهد»	۲۵
«ایمان به امام زمان ارواحناده، ما را برادر پیامبر اکرم می سازد»	۲۶
«امام زمان ارواحناده برای مؤمنین خیر است»	۲۷
هر چه ایمان مان بالا برود به امام زمان نزدیک تر می شویم	۲۸

بخش دوم

«معرفت به امام زمان ارواحناده»

- ۳۱ «حدّ اقل و حدّ اکثر معرفت به امام زمان ارواحناده»
- ۳۳ «راه کسب معرفت امام زمان ارواحناده»
- ۳۴ «امام زمان ارواحناده معدن رحمت پروردگار است»
- ۳۵ «امام زمان ارواحناده نشانه‌ی محکم خدا است»
- ۳۶ «امام زمان ارواحناده قلب عالم امکان است»
- ۳۸ «امام زمان ارواحناده همه جا هستند»
- ۳۹ «همه خوبی‌ها در امام زمان ارواحناده جمع است»
- ۴۰ «امام زمان ارواحناده منبع کوثر است»
- ۴۰ «همه چیز ما، در دست امام زمان ارواحناده است»
- ۴۱ «امام زمان ارواحناده کشتی نجات ماست»
- ۴۳ «امام زمان ارواحناده همیشه متوجّه فاطمه‌ی زهرا هست»

فصل دوم:

«وظایف شیعیان نسبت به امام زمان ارواحناده»

بخش اول

«یاد امام زمان ارواحناده»

- ۴۶ «از یاد امام زمان ارواحناده غفلت نکنیم»
- ۴۷ از امام زمان غافل نباشیم
- ۴۷ در همه حال به یاد امام زمان باشیم
- ۴۹ همیشه به یاد امام زمان باشیم
- ۵۰ «امام زمان ارواحناده در بین ما غریب‌اند»
- ۵۱ «مردم از امام زمان ارواحناده فراموش کرده‌اند»
- ۵۲ «یاد و نام امام زمان ارواحناده سبب همه‌ی سعادت‌هاست»
- ۵۳ «یاد امام زمان ارواحناده مایه‌ی آرامش است»
- ۵۴ «ترویج زبانی از امام زمان ارواحناده باعث عزّت می‌شود»
- ۵۵ «قدر لحظات توجّه به امام زمان ارواحناده را بدانیم»
- ۵۷ «امام زمان ارواحناده را با معرفت یاد کنیم»
- ۵۹ «خدا را شکر کنیم که به یاد امام زمان ارواحناده هستیم»
- ۶۰ «بیشترین فعالیت شیطان برای غفلت مردم از یاد امام زمان ارواحناده است»

بخش دوم:

«عشق و محبت به امام زمان ارواحناده»

- ۱ - «محبت به امام زمان ارواحناده» ۶۳
- «ما اکثراً امام زمان ارواحناده را برای خودمان می‌خواهیم» ۶۳
- «وظیفه‌ی ما، اظهار محبت به امام زمان ارواحناده است» ۶۵
- «ما جز محبت امام زمان ارواحناده هیچ چیز نداریم» ۶۵
- «همه‌ی ما باید امام زمانی باشیم» ۶۷
- «باید تمام اظهار محبتمان به امام زمان ارواحناده باشد» ۶۷
- «اگر امام زمان ارواحناده را ببینیم عاشقش می‌شویم» ۶۸
- «وجه مشترک همه‌ی ما: محبت امام زمان ارواحناده است» ۶۹
- «به خاطر محبتمان به امام زمان ارواحناده برای حضرت کاری کنیم» ۶۹
- «هدف ما باید رسیدن به امام زمان ارواحناده باشد» ۷۰
- «امام زمان ارواحناده را از روی محبت یاری کنیم» ۷۲
- «محبت و ولایت‌مان به امام زمان ارواحناده را ارزان نفروشیم» ۷۲
- «از غیر امام زمان ارواحناده دل بکنیم تا به او برسیم» ۷۳
- ۲ - «عاشقان امام زمان ارواحناده» ۷۴
- «ائمه به امام زمان ارواحناده اظهار محبت می‌نمودند» ۷۴
- «عشق به امام زمان ارواحناده را از امام صادق بیاموزیم» ۷۷
- عشق به امام زمان را از امام صادق بیاموزیم ۷۸
- حضرت دعای ندبه را می‌خواند، همین دعای ندبه‌ای که شما می‌خوانید، در دعای ۷۹

- «سید بن طاووس و سید بحر العلوم عاشق امام زمان ارواحناده بودند» ۸۰
- «اظهار محبت حاج ملا آقا جان به امام زمان ارواحناده» ۸۱
- «محبت مرحوم حاج سید رضا ابطحی رحمه الله به امام زمان ارواحناده» ۸۳
- ۳ - «حالات عشاق امام زمان ارواحناده» ۸۳
- «عاشق امام زمان ارواحناده برای ظهور، لحظه شماری می کند» ۸۳
- «عشق جوان آمریکایی به امام زمان ارواحناده» ۸۴
- «عشاق امام زمان ارواحناده، روز جمعه خیلی محزون اند» ۸۶
- «دعای ندبه، دعای عشاق امام زمان ارواحناده است» ۸۶
- دعای ندبه، دعای عشاق امام زمان است ۸۷
- عاشق امام زمان در روز عید محزون است ۸۸
- «عشق به امام زمان ارواحناده، سبب ملاقات است» ۸۸

بخش سوم

«دعا برای امام زمان ارواحناده»

- «به جای دعا برای خود، برای امام زمان ارواحناده دعا کنیم» ۹۱
- دعا برای امام زمان ، به خودمان بر می گردد ۹۲
- «دعا برای فرج امام زمان ارواحناده دعا برای رفع همه ی مشکلات است» ۹۳
- «دعا، در امر فرج امام زمان ارواحناده تاثیر دارد» ۹۴

بخش چهارم

«انتظار فرج امام زمان ارواحناده»

- ۹۶ «انتظار فرج، عاشق امام زمان ارواحناده را می سازد».
- ۹۸ «منتظر فرج، در همه حال منتظر امام زمان ارواحناده است».
- ۹۹ «منتظر فرج، خودش را کاملاً از نظر روحی آماده می کند».
- ۹۹ «منتظر فرج، تزکیه ی نفس می کند».
- ۱۰۰ «منتظر فرج، قبل از ظهور کارهایش را ردیف می کند».
- ۱۰۲ «منتظر فرج، همه چیزش را مرضی آن حضرت می کند».
- ۱۰۲ باید همه چیزمان امام زمانی باشد
- ۱۰۳ «حضرت عیسی، در انتظار فرج امام زمان ارواحناده».

بخش پنجم

«ارتباط با امام زمان ارواحناده»

- ۱۰۷ ۱ - «امکان ارتباط با امام زمان ارواحناده».
- ۱۰۷ «داشتن رابطه با امام زمان ارواحناده مانعی ندارد».
- ۱۰۷ «ارتباط بدنی با امام زمان ارواحناده برای بعضی، و ارتباط روحی برای همه».
- ۱۰۸ «رابطه با امام زمان ارواحناده دو نوع است».
- ۱۰۹ دو نحوه رابطه با امام زمان
- ۱۱۰ «رابطه ی بدنی و روحی با امام زمان ارواحناده امکان دارد».

- «همه جا می توانیم امام زمان ارواحفاده ۱۱۱
- را بینیم و با ایشان ارتباط داشته باشیم» ۱۱۱
- «ارزش انسان به سنخیت روحی اش با امام زمان ارواحفاده است» ۱۱۳
- در اعمال، افکار، عقائد، با امام زمان سنخیت پیدا کنیم ۱۱۴
- «سنخیت روحی، تنها راه رسیدن به خدمت امام زمان ارواحفاده است» ۱۱۵
- «با امام زمان ارواحفاده رابطه پیدا کنیم تا عزیز شویم» ۱۱۵
- «امام زمان ارواحفاده عالمی که با ایشان در ارتباط باشد را انتخاب می کنند» ۱۱۶
- ۲ - «اهمیت و چگونگی ارتباط روحی با امام زمان ارواحفاده» ۱۱۷
- «ارتباط روحی با امام زمان ارواحفاده مهمتر از ارتباط بدنی با ایشان است» ۱۱۷
- «ارتباط روحی با امام زمان ارواحفاده، ۱۱۸
- باید فقط برای رفع مشکلات روحیمان باشد» ۱۱۸
- «ارتباط روحی با امام زمان ارواحفاده دو پایه دارد» ۱۱۸
- «دائماً با امام زمان ارواحفاده حرف بزنیم تا ارتباط روحی با ایشان پیدا کنیم» ... ۱۱۹
- «آنقدر درخواست کنیم تا با امام زمان ارواحفاده ارتباط برقرار کنیم» ۱۲۰
- «امام زمان ارواحفاده را همیشه در کنار خودمان بینیم» ۱۲۲
- امام زمان را همیشه در کنار خودمان بینیم ۱۲۲
- «در همه حال، باید احترام بدنی امام زمان ارواحفاده را رعایت کنیم» ۱۲۴
- «حق امامت امام زمان ارواحفاده را در محضرشان رعایت کنیم» ۱۲۵
- «امام زمان ارواحفاده را در زندگیمان وارد کنیم» ۱۲۷
- ۳ - «روش های ارتباط با امام زمان ارواحفاده» ۱۲۸
- الف - «توسل به امام زمان» ۱۲۸
- «توسل به امام زمان ارواحفاده رمز موفقیت است» ۱۲۸

- «لا اقل روزی نیم ساعت با امام زمان ارواحنافداه صحبت کنیم» ۱۲۸
- «اگر روزی پنج دقیقه ۱۲۹
- با امام زمان ارواحنافداه خلوت کنیم به همه چیز می‌رسیم» ۱۲۹
- «در شبانه روز دقایقی با امام زمان ارواحنافداه خلوت کنیم» ۱۳۰
- «حوائجمان را از امام زمان ارواحنافداه درخواست کنیم ولی دعوا نکنیم» ۱۳۰
- «امام زمان ارواحنافداه ۱۳۳
- به سفارشات ابوالفضل العباس با محبت ترتیب اثر می‌دهند» ۱۳۳
- ب - «مناجات با امام زمان ارواحنافداه» ۱۳۴
- «اهمیت مناجات با امام زمان ارواحنافداه» ۱۳۴
- «نمونه‌هایی از مناجات با امام زمان ارواحنافداه» ۱۳۴
- تقاضای ملاقات از امام زمان در دعای ندبه ۱۳۷
- ج - «بیعت با امام زمان ارواحنافداه» ۱۳۸
- «در روز عید غدیر باید با امام عصر بیعت کنیم» ۱۳۸
- «با دعای عهد، با امام زمان ارواحنافداه بیعت کنیم» ۱۳۹
- ۴ - «موانع ارتباط با امام زمان ارواحنافداه» ۱۴۱
- «برای رسیدن به وصال امام زمان ارواحنافداه، باید آدم شویم» ۱۴۱
- «ما با امام زمان ارواحنافداه اهلیت نداریم» ۱۴۱
- «سیاهی قلب، ما را از امام زمان ارواحنافداه دور می‌کند» ۱۴۳
- «حجاب‌های روحی، مانع استفاده از نور امام زمان ارواحنافداه است» ۱۴۴

بخش ششم

«یاری امام زمان ارواحناده»

- ۱ - «اهمیت یاری امام زمان» ۱۴۹
- «آرزوی ائمه خدمتگزاری به امام زمان ارواحناده بود» ۱۴۹
- «باید معاون امام زمان ارواحناده بشویم» ۱۵۰
- «ما کاری برای امام زمان ارواحناده نکردیم» ۱۵۱
- «یاری امام زمان ارواحناده، سبب یاری خدا به انسان می شود» ۱۵۲
- «وقت سربازگیری امام زمان ارواحناده است» ۱۵۳
- «برای ظهور امام زمان ارواحناده آماده باشیم» ۱۵۴
- «مانعی برای ظهور امام زمان ارواحناده نداشته باشیم» ۱۵۵
- ۲ - «راه‌های یاری و خدمت به امام زمان ارواحناده» ۱۵۶
- «انجام واجبات، اولین قدم برای یاری امام زمان ارواحناده» ۱۵۶
- «تزکیه نفس بهترین راه یاری حضرت است» ۱۵۷
- «برای یاری امام زمان ارواحناده خودمان را بسازیم» ۱۵۸
- «برای یاری امام زمان ارواحناده، روحیه‌ی بندگی را در خود ایجاد کنیم» ۱۶۱
- باید به فرامین امام زمان عمل کنیم ۱۶۳
- «همیشه مأموم امام زمان ارواحناده باشیم» ۱۶۴
- «باید در مقابل امام زمان ارواحناده تسلیم محض باشیم» ۱۶۵
- «اگر خواسته‌های امام زمان ارواحناده را پیاده کنیم، یار حضرت هستیم» ۱۶۷
- «برای یاری امام زمان ارواحناده» ۱۶۸

- از کوچکترین ظلم به زیردستان پرهیز کنیم» ۱۶۸
- «برای خدمتگزاری به امام زمان ارواحنافداه، عدل و داد را پیاده کنیم» ۱۶۹
- «برای کمک به امام زمان ارواحنافداه، مردم را از خواب غفلت بیدار کنیم» ۱۷۰
- «بهترین خدمت به امام زمان ارواحنافداه، تربیت انسان هاست» ۱۷۱
- ۳- «صفات یاران امام زمان ارواحنافداه» ۱۷۳
- «امام زمان ارواحنافداه، شوخی بر نمی دارد» ۱۷۳
- «یاران امام زمان ارواحنافداه تزکیه‌ی نفس کرده‌اند» ۱۷۴
- «یاران امام زمان ارواحنافداه وابستگی‌هایشان را برطرف کرده‌اند» ۱۷۹
- «یاران امام زمان ارواحنافداه حدّ خود را می‌شناسند» ۱۸۰
- «یاران امام زمان ارواحنافداه یقین کامل دارند» ۱۸۱
- «یاران امام زمان ارواحنافداه استغناء طبع کاملی دارند» ۱۸۲
- «یاران امام زمان ارواحنافداه سرّ نگه دار هستند» ۱۸۳
- «اصحاب خاصّ امام زمان ارواحنافداه مربّی دیگران هستند» ۱۸۴
- تزکیه‌ی نفس، اوّلین شرط یاری امام زمان است ۱۸۷
- «سنخیت روحی با امام زمان ارواحنافداه دارند» ۱۸۸

فصل سوم

«دشمنی با امام زمان»

- ۱۹۲ «امام زمان ارواحناده دو دسته دشمن دارد»
- ۱۹۳ هیچ چشمی لایق نیست؛ پس او را نمی‌شود دید!
- ۱۹۴ «بعضی با نام امام زمان ارواحناده دشمنی می‌کنند»
- ۱۹۵ «با راه امام زمان ارواحناده مبارزه نکنیم»
- ۱۹۶ «عواقب دشمنی با امام زمان ارواحناده»
- ۱۹۶ «عاقب امام زمان ارواحناده نشویم»
- ۱۹۷ «امام زمان ارواحناده دوستانش را عزیز و دشمنانش را ذلیل می‌کند»
- ۱۹۸ «با دشمنان امام زمان ارواحناده قاطع برخورد کنیم»
- ۲۰۰ «نام انجمن حجّیه را دشمنان امام زمان ارواحناده، علّم کرده‌اند»

فصل چهارم

«عنایات امام زمان ارواحناده به شیعیان»

بخش اول

«محبت امام زمان ارواحناده به دوستانش»

- ۲۰۴ «امام زمان ارواحناده به دوستانش اظهار محبت می‌کند»
- ۲۰۵ «امام زمان ارواحناده معز الاولیاء هستند»
- ۲۰۵ «امام زمان ارواحناده به ما محبت دارند»
- ۲۰۶ «امام زمان ارواحناده همیشه به ما توجه دارند»
- ۲۰۸ «امام زمان ارواحناده، هرگز ما را فراموش نمی‌کنند»
- ۲۰۹ «امام زمان ارواحناده برای ما در کراهی زمین مانده است»
- ۲۱۱ «امام زمان ارواحناده ما را از خطرات حفظ می‌کند»
- ۲۱۲ «مهمترین کار امام زمان ارواحناده دعا برای ما است»
- ۲۱۲ «امام زمان ارواحناده نگه دارنده‌ی ما از ناراحتی‌هاست»
- ۲۱۳ «امام زمان ارواحناده، کشتی نجات ما هستند»
- ۲۱۴ «امام زمان ارواحناده خفی الالطاف هستند»

بخش دوم

«ربوبیت و تعالیم امام زمان ارواحناده»

- ۲۱۷ «امام زمان ارواحناده با غیبتشان ما را تربیت می‌کنند»
- ۲۱۸ «حکمت را باید از امام زمان ارواحناده دریافت کنیم»
- ۲۱۹ «کلاس‌های امام زمان ارواحناده در بُعد ملکوتی دایر است»
- ۲۲۰ «چراغها را خاموش کرده»
- ۲۲۰ «و از خورشید وجود امام زمان ارواحناده استفاده کنیم»
- ۲۲۲ «امام زمان ارواحناده تمام علم را می‌آورد و بشر را کاملاً رشد می‌دهد»
- ۲۲۳ «حضرت عیسی، در انتظار تعلیمات امام زمان ارواحناده است»

فصل پنجم:

«ملاقات با امام زمان ارواحنافداه»

- ۱ - «راه‌های ملاقات با امام زمان ارواحنافداه» ۲۲۶
- «ملاقات با امام زمان ارواحنافداه دو نوع است» ۲۲۶
- «کسب معرفت امام زمان ارواحنافداه مهم‌تر از ملاقات با حضرت است» ۲۲۷
- «هر زمان اراده کنیم امام زمان ارواحنافداه را خواهیم دید» ۲۲۸
- ۲ - «امکان ملاقات با امام زمان ارواحنافداه» ۲۳۰
- «هر که می‌گوید: نمی‌شود امام زمان ارواحنافداه را دید، بدترین آدم است» ۲۳۱
- «تشنه‌ی امام زمان ارواحنافداه بشویم تا با آن حضرت ملاقات کنیم» ۲۳۲
- «قدم به قدم به امام زمان ارواحنافداه نزدیک شویم» ۲۳۴
- «گریه بر امام حسین سبب ملاقات با امام زمان ارواحنافداه می‌شود» ۲۳۵
- «برای ملاقات با امام زمان ارواحنافداه، ظرفیت ایجاد کنیم» ۲۳۶
- «طریقه‌ی ملاقات با امام زمان ارواحنافداه در بیداری» ۲۳۸
- «امام زمان ارواحنافداه در چشم ما تصرّف می‌فرمایند» ۲۳۹
- «اصحاب خاص، امام زمان ارواحنافداه را همیشه به یک صورت می‌بینند» ۲۴۰
- ۳ - «موانعی در ملاقات با امام زمان ارواحنافداه» ۲۴۱
- «زیاد دیدن امام زمان ارواحنافداه برای بعضی عادی می‌شود» ۲۴۱
- ۴ - «ملاقات‌هایی با امام زمان ارواحنافداه» ۲۴۲
- «ملاقات شخص مسلول با امام زمان ارواحنافداه» ۲۴۲
- «ملاقات حاج محمد علی فشنودی با امام زمان ارواحنافداه» ۲۴۳
- «لطف امام زمان ارواحنافداه به حاج علی بغدادی» ۲۴۶

فصل ششم

«ایام خاص و رابطه آنها با امام زمان ارواحناده»

بخش اول

«رابطه ماه شعبان با امام زمان ارواحناده»

- ۲۵۱ «شب نیمه‌ی شعبان، شب مناجات با امام زمان ارواحناده است»
- ۲۵۲ «نیمه‌ی شعبان در مراحل کمالات تاثیر فوق‌العاده‌ای دارد»

بخش دوم

«ماه رمضان و سفره‌ی امام زمان ارواحناده»

- ۲۵۸ «در ماه رمضان سر سفره‌ی امام زمان ارواحناده بنشینیم»
- ۲۵۹ «شب قدر، شب سلطنت امام زمان ارواحناده بر عالم هستی است»
- ۲۶۰ «بهترین دعاها در شب قدر، دعا برای امام زمان ارواحناده است»
- ۲۶۱ «توجه به امام زمان ارواحناده در شب قدر»
- ۲۶۱ «شب قدر، همه‌ی کارها دست امام زمان ارواحناده است»
- ۲۶۲ «شب قدر، دست به دامن امام زمان ارواحناده بشویم»
- ۲۶۳ «شب قدر، شب ملاقات با امام زمان ارواحناده است»
- ۲۶۳ «انتظار تشریف فرمایی امام زمان ارواحناده در مجالسمان»

بخش سوم

«شب عاشورا و امام زمان ارواحناده»

- ۲۶۶ ۱ - «حزن امام زمان ارواحناده در شب عاشورا»

- ۲۶۶ «شب عاشورا، شب عزای امام زمان ارواحنفاده است».
- ۲۶۷ «امام زمان ارواحنفاده صاحب عزای مجلس سید الشهداء هستند».
- ۲۶۸ ۲ - «برنامه امام زمان ارواحنفاده در شب عاشورا».
- ۲۶۸ «امام زمان ارواحنفاده در شب عاشورا».
- ۲۶۸ برنامه‌ی سید الشهداء را پیاده می‌کنند».
- ۲۷۱ «امام زمان ارواحنفاده اصحابش را تصفیه می‌کند».
- ۲۷۱ «امام زمان ارواحنفاده با افراد ناخالص هم گام نمی‌شود».
- ۲۷۲ «امام زمان ارواحنفاده همه‌مان را غربال می‌کند».
- ۲۷۳ «امام زمان ارواحنفاده در این زمان هم، یار می‌خواهند».
- ۲۷۴ ۳ - «تجدید عهد با امام زمان ارواحنفاده در شب عاشورا».
- ۲۷۴ «سالی یک بار با امام زمان ارواحنفاده، تجدید عهد بیعت کنیم».
- ۲۷۵ «همه چیز در دستان امام زمان ارواحنفاده است».
- ۲۷۵ «در شب عاشورا تکلیفمان را با امام زمان ارواحنفاده روشن کنیم».
- ۲۷۹ «تعهداتی با امام زمان ارواحنفاده در شب عاشورا».

بخش چهارم

«رابطه روز جمعه با امام زمان ارواحنفاده»

- ۲۸۴ «روز جمعه روز مهمانی امام زمان ارواحنفاده است».
- ۲۸۵ «در روز جمعه، هر کجا هستید متوسّل به امام زمان ارواحنفاده باشید».
- ۲۸۶ «روز جمعه به دنبال الطاف امام زمان ارواحنفاده باشیم».
- ۲۸۶ «ساعت آخر روز جمعه متعلّق به امام زمان ارواحنفاده است».

«پیشگفتار»

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله سید حسن ابطحی رحمه الله از جمله معدود علمایی بودند که با جدّیت و پشتکار فراوان، بیشتر عمر شریفشان را صرف تبلیغ نام و یاد حضرت بقیة الله ارواحناده نموده و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار ننمودند.

از این استاد بزرگ اخلاق بیش از پنجاه جلد کتاب و صدها ساعت سخنرانی و کلاس درس در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، قرآنی، تربیتی، تزکیه نفس و پرسش و پاسخ، تنها با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت با سبکی بسیار ساده و

جذاب و تاثیرگذار، به یادگار مانده است.

اینک در این کتاب که با نام «امام زمان ارواحناده در بیانات استاد» منتشر می شود کوشیده ایم سخنان بیدار کننده و عالمانه ایشان در خصوص حضرت بقیه الله ارواحناده را جمع آوری نموده و در اختیار دوست داران و منتظران آن حضرت قرار دهیم تا شاید دلی را متوجه قلب عالم امکان نماییم و ان شاء الله رضایت آن وجود مقدس و استاد عزیزمان را کسب نماییم.

جمعی از محققین از شاگردان استاد سید حسن ابطحی



فصل اول

ایمان و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف





بخش اول

ایمان به امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف



«طریقه و آثار ایمان به امام زمان ارواحناده»

ایمانی که از راه چشم و گوش و حواس ظاهری وارد قلب می شود زیاد ارزش و دوام ندارد، به همین دلیل اگر ایمانی به حضرت بقیه الله ارواحناده داشته باشید و بخواهید از راه دیدن در قلبتان مستقر شود خوب است ولی زیاد عمیق نیست زیرا این ایمان، ایمان به غیب نیست بلکه ایمان به شهود است.

از نظر اهل کمال، ایمانی خوب است که به غیب باشد. ایمان به غیب از راه عقل به قلب وارد می شود.

لذا فکر و تعمق کنید، شاید موفّقین به این ایمان تعدادشان خیلی کم باشد ولی این ایمان است که ما را به کمال می رساند. هر ایمانی که از راه فکر، عقل، تحقیق و علم و دانش در دل مستقر شود خوب است.

در عقائد، انسان باید از این طریق ایمان پیدا کند. ایمانی که با چشم بیاید با چشم از بین می رود، ایمانی که از راه فکر باشد خیلی ارزش دارد.

«ایمان به امام زمان ارواحناده به انسان آرامش می دهد»

الآن اگر حضرت بقیه الله ارواحناده را ملاقات کنید و حضرت به شما اطمینان بدهند که من همه جا پشتیبان شما هستم و با شما خواهم بود، ببینید چه آرامشی دارید؟

خیلی آرامش خواهید داشت. بعضی از افراد، در خواب هم که می بینند آرامش پیدا می کنند. یک جوان نسبتاً معصیت کاری یک گرفتاری برایش پیش آمده بود، خیلی متزلزل بود؛ مبلغ زیادی بدهکاری پیدا کرده بود و طلبکارها هم خیلی به او فشار آورده بودند. می گفت: یک شب امام زمان ارواحناده را در خواب دیدم، حضرت به من فرمودند: «ناراحت نباش»؛ همین یک کلمه! من یک آرامشی پیدا کردم مثل اینکه صدها میلیون تومان پول توی بانک کنار گذاشته ام، یک همچنین حالتی! این علامت ایمان است.

«ایمان به امام زمان ارواحناده، ما را برادر پیامبر اکرم می سازد»

روزی پیامبر اکرم نشسته بود، اشک می ریخت و اظهار محبت می کرد. سلمان اجازه گرفت و جرأت کرد که پرسد: آقا چرا گریه می کنید؟

فرمود: چقدر شوق دارم برادرانم را ببینم.

سلمان عرض کرد: آیا ما برادر شما نیستیم؟

فرمود: شما اصحاب من هستید. برادران من کسانی هستند که نه مرا دیده اند، نه خدا را می بینند و نه امامشان را می بینند ولی - به تعبیر من - آنچنان به امام غائبشان، به امام ندیده شان، از روی معرفت و کمالات، عشق می ورزند که خواب ندارند^(۱).

۱ - «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي، مَرَّتَيْنِ فَقَالَ: مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتِهِمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْرُجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَمَاتِهِمْ لَأَحْدَهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرُوطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعُضَا أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يَنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ» بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۲۳.



جمعی از شما را می‌شناسم که شب نیمه‌ی شعبان خواب نداشتند، در مسجد جمکران و یا در خانه اشک می‌ریختند که آقا آیا می‌شود صبح که ما از خواب بلند می‌شویم، جمال مقدّست را ببینیم و شما را زیارت کنیم؟

پیامبر اکرم شمایی را که ایمان به غیب دارید برادر می‌گوید. به شرط اینکه ایمان واقعی داشته باشید، کارهایتان با کارهای امام زمان ارواحناده ردیف باشد، طوری باشید که وقتی حضرت در دلتان، در خانه‌تان، در زندگیتان وارد می‌شود، تماشای محبوب حضرت و مرضی آن حضرت باشد.

اگر اینطور باشید، محبوب‌ترین بشرید که پیامبر اکرم در روی کره‌ی زمین در نظر دارد.

«امام زمان ارواحناده برای مؤمنین خیر است»

در میان مخلوقات پروردگار بخصوص امروز در کره‌ی زمین و بلکه در تمام عالم هستی، وجود مقدّسی که از همه بیشتر رنگ خدایی دارد، مظهر خدا است، صفات الهی در او تجلّی نموده و بلکه اگر انسان بخواهد خدا را ببیند باید آن حضرت را ببیند، وجود مقدّس حجة بن الحسن ارواحناده است. که خدای تعالی درباره او می‌فرماید:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^(۱).

بقیه الله، یعنی خدا خواسته از خودش آثاری بگذارد، نمونه‌ای در میان مردم نشان بدهد که به مجرد اینکه او را می‌بینند خدا را دیده باشند.

اگر او را شناختند خدا را شناخته باشند (۱).

اگر به او محبت کنند به خدا محبت کرده باشند (۲).

لذا ما ان شاء الله بهترین مخلوق خدا هستیم اگر قدر خودمان را بدانیم.

بیائیم مؤمن بشویم. بیائیم بقیه الله را برای خودمان حفظ کنیم. این جمله یک پیامی دارد، یک پیام بسیار مهم که به نظر من تمام مراحل سیر و سلوک و رسیدن به کمالات در این جمله و این پیام هست. آن پیام این است که:

شما مؤمن بشوید تا بقیه الله مال شما بشود و الا همه چیز برایتان بهتر از بقیه الله خواهد شد. مؤمن بشوید تا بقیه الله مال شما بشود.

مؤمن بشوید تا در آغوش بقیه الله باشید.

هر چه درجات ایماتان ان شاء الله بالا برود به امام زمان ارواحنا فدا می شوید.

آنهایی که می فهمند چه می گویم هر چه می توانند مراحلشان را بالا ببرند.

اول قلبشان را پاک کنند، تزکیه نفس کنند و بعد مراحل ایمانشان را بالا ببرند تا بقیه الله برایشان خیر باشد.

هر چه ایمان مان بالا برود به امام زمان نزدیک تر می شویم

اگر روزی بنا شد انسان همه چیزش را اعم از شغلش، مالش، شخصیتش و حیثیتش را فدای امام زمان ارواحنا فدا کند باید این کار را بکند، چون امام زمان ارواحنا فدا

۱ - کافی، ج ۴، ص ۵۷۹. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه صغیره.

۲ - «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.



از هر چیزی برای انسان بهتر است.

هم دنیای انسان را درست می‌کند، هم سلامتیش را تأمین می‌کند، هم شب اول قبر او را درست می‌کند، هم برزخش را درست می‌کند، هم قیامتش را درست می‌کند، هم بهشتش را درست می‌کند.

اگر شغل انسان بگوید: امام زمان را بگذار کنار، بگوید: من تو را می‌گذارم کنار.
اگر رئیس اداره به او بگوید: اینقدر حرف امام زمان را نزن! بگوید: دیگر اسم تو را نخواهم برد.

اگر مال انسان گفت که: دیگر بس است، چقدر اسم امام زمان را می‌بری! بگوید: مال نمی‌خواهم، جاه و مقام نمی‌خواهم.

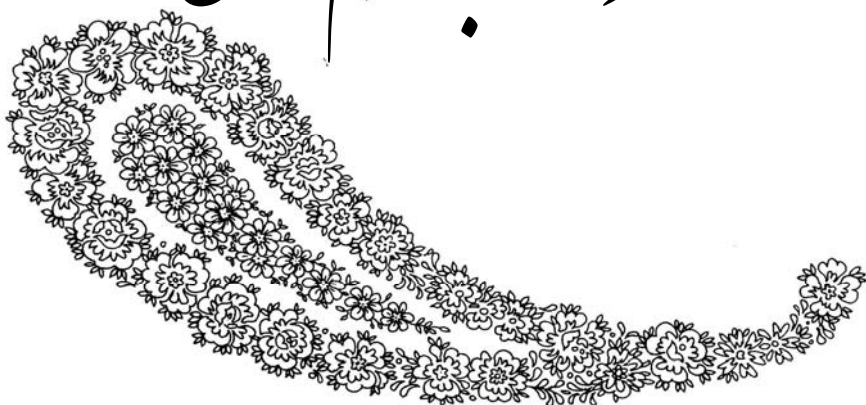
به خاطر اینکه خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^(۱)



بخش دوم

عَلَّاهُ
فَرْجَ الشَّرِيفِ

معرفت به امام زمان



«حدّ اقل و حدّ اکثر معرفت به امام زمان ارواحنافداه»

اقل معرفت نسبت به امام زمان ارواحنافداه که ما باید آن را قبول داشته باشیم که اگر قبول نداشته باشیم تقریباً منکر حضرت حساب می‌شویم این است که آن حضرت را امامی که واجب‌الاطاعة است بدانیم که باید هر چه می‌گوید گوش کنیم^(۱).
و دیگر اینکه او در همین بدن گوشت و پوست و استخوانی است^(۲).
و اینکه احاطه بر تمام مردم کره‌ی زمین دارد، حالات همه‌ی مردم را می‌داند^(۳).
این اقل معرفتی است که ما باید نسبت به امام زمانمان داشته باشیم.

اکثر معرفت حضرت هم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن است که خدای تعالی می‌فرماید:
﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾^(۴) که منظور ائمه‌ی اطهار هستند^(۵) در آخر آیه

۱ - «أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَ وَاَرِثُهُ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّذُّ إِلَيْهِ وَ التَّأْخُذُ بِقَوْلِهِ...» بحار الأنوار، ج ۴، ص ۵۵.

۲ - «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَىَّ...» سورة كهف، آیه ۱۱۰ «ثُمَّ أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَعْنِي أَكَلُ الطَّعَامِ يُوحَىٰ إِلَىَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ يُعْنِي قُلْ لَهُمْ أَنَا فِي الْبَشَرِيَّةِ مِثْلُكُمْ وَ لَكُنْ رَبِّي خَصَّنِي بِالنَّبُوَّةِ دُونَكُمْ» بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۷۲.

۳ - «عنه قال: فَإِنَّا بَحِيْطٌ عَلَمْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغُزُّبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ مَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَيَّ مَا كَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً وَ تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۴ - سورة مبارکه نور، آیه ۳۵.

می فرماید: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» که منظور، امام زمان ارواحناده است (۶).

گاهی امام زمان ارواحناده را از بُعد بشری با بشر مقایسه می کنیم که همان است که در بالا اشاره شد؛ اما یک زمان با خدا مقایسه می کنیم لذا باید خدا را بشناسیم تا یک پله پایین تر که امام زمان ارواحناده است را بتوانیم بشناسیم.

در دعای ماه رجب می خوانید: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ»^(۷) هیچ جدایی بین تو ای خدا و این ولات امر نیست الا اینکه اینها مخلوق و بنده ی تو هستند.

۵ - «قَدْ رَوَى عَنِ الصَّادِقِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ فَقَالَ: هُوَ مِثْلُ ضَرْبَةِ اللَّهِ لَنَا - فَالْتَبَّى وَالثَّائِمَةُ أَجْمَعِينَ مِنْ دَلَالَاتِ اللَّهِ وَآيَاتِهِ الَّتِي يَهْتَدَى بِهَا إِلَى التَّوْحِيدِ وَمَصَالِحِ الدِّينِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» توحيد للصدوق، ص ۱۵۷.

۶ - «روى عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: دخلت إلى مسجد الكوفة، وأمير المؤمنين يكتب بإصبعها و يتبسم، فقلت له: يا أمير المؤمنين، ما الذي يضحكك؟ فقال: «عجبت لمن يقرأ هذه الآية و لم يعرفها حق معرفتها». فقلت له: أى آية، يا أمير المؤمنين؟ فقال: «قوله تعالى: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» أنا المصباح. فى زُجاجة الزجاجة الحسن و الحسين ، كأنها كوكبٌ دُرِّي و هو على بن الحسين ، يوقد من شجرة مباركة محمد بن على، زِيوتُهُ جعفر بن محمد لا شَرْقِيَّة موسى بن جعفر، و لا غَرْبِيَّة على بن موسى، يكاد زِيوتُهُ يضيء محمد بن على، و لو لم تَمَسُّهُ نارٌ على بن محمد، نُورٌ على نُورِ الحسن ابن على، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ القائم المهدي و يضربُ اللَّهُ الْأُمُثَالَ لِلنَّاسِ و اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» البرهان فى تفسير القرآن، ج ۴، ص ۷۲.

۷ - «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مِمَّا خَرَجَ عَلَى يَدِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ مَا حَدَّثَنِي بِهِ خَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَتَبْتُهُ مِنَ التَّوْقِيعِ الْخَارِجِ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ادْعُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبِ اللَّهِ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَ لَأَ أَمُرُكَ الْمُأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ الْمُتَسَيِّرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلَنُونَ لِعَظَمَتِكَ أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَغْطِئُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ...» بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۹۳.



«راه کسب معرفت امام زمان ارواحناده»

متأسفانه اکثراً اینطور هستند که اگر یک ساعت خدمت امام عصر روحی فداه برسند، این را بیشتر دوست دارند تا این که معرفت به امام زمان ارواحناده داشته باشند. کوشش کنید دلتان و روحتان را بسازید، چرا که چشم، گاهی خوب می بیند و گاهی هم نادرست می بیند، اکثراً امام زمان ارواحناده را می بینند ولی ایشان را نمی شناسند^(۱) چرا که می خواهند از راه دیدن با چشم سر، آن حضرت را ببینند. سعی کنید از راه چشم به طرف امام زمان ارواحناده نروید، از راه گوش، از راه بو نروید، چرا که اینها ملاک نیست. این فکر درست نیست که هر کس بوی خوبی داشت امام زمان است، یا هر که قیافه ی خوبی داشت امام زمان است، یا هر که خالی روی گونه اش داشت امام زمان است، و یا هر که خط خوبی داشت امام زمان ارواحناده است! چون امام زمان ارواحناده و اهل بیت از نظر قیافه و یا صدا مثل افراد متوسطانند، لااقل در جلوه ی ظاهری بهترین خط را نمی نویسند ولی صحیح ترین را می نویسند، بهترین قیافه را ندارند ولی سالم ترین هستند، مثلاً چشمان ضعیف نیست، گوششان ضعیف نیست که نیاز به عینک و سمعک باشد.

و رسول اکرم که اعظم مخلوق خدا است وقتی با عرب ها می نشست، از نظر ظاهر هیچ فرقی با بقیه نداشت و کسی نمی توانست از ظاهر، ایشان را بشناسد^(۲).

۱ - «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطُأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسُهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حِينَ قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ - إِنَّكَ لَأَنْتَ يُونُسُ قَالَ أَنَا يُونُسُ الغيبة للنعماني، ص ۱۶۴.

۲ - «عَنْ أَبِي دَرٍّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَصْحَابِهِ فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَذَرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ فَطَلَبْنَا إِلَى النَّبِيِّ ﷺ أَنْ يَجْعَلَ مَجْلِسًا يَعْرِفُهُ الْغَرِيبُ إِذَا أَتَاهُ فَبَيْنَا لَهُ دُكَّانًا مِنْ طِينٍ وَ كَانَ يَجْلِسُ عَلَيْهِ وَ نَجْلِسُ بِجَانِبَيْهِ» بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

«امام زمان ارواحناده معدن رحمت پروردگار است»

امام زمان ما ارواحناده یک آقایی است که مظهر رحمت پروردگار است^(۱).

در زیارت جامعه کبیره عرض می‌کنیم: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهل بیت النبوة» تا می‌رسد به این جمله که: «و معدن الرحمة»^(۲).

ائمّه‌ی اطهار معدن رحمت خدا هستند. شما اگر هر چیزی را که دارای معدن باشد بخواهید، باید از معدنش بگیرید. فیروزه‌ای که از معدن نیاید هیچ است. طلایی که از معدن طلا نیاید هیچ است. اینها معدن رحمت خدا هستند.

در دعای کمیل عرض می‌کنیم

«و برحمتک التی وسعت کل شیء»^(۳). خدا را قسم می‌دهیم به رحمتش که این رحمت شامل همه چیز می‌شود.

و در دعاهاى ماه رجب عرض می‌کنیم «یا مرسل الرحمة من معادنھا»^(۴). ای خدایی که رحمت را از معدنش برای ما می‌فرستی.

معدن رحمت، ائمّه‌ی اطهار اند. خدا هم از معدن رحمت برای ما می‌فرستد و

۱ - «أُخْرِجُ مِنْهُ عَلٰی بَنِیِّ مُحَمَّدٍ الْهَادِیِّ الدَّاعِیِّ اِلَیَّ سَبِیْلِی وَ الْخَازِنَ لِعِلْمِی الْحَسَنَ وَ اُكْمِلُ ذَلِکَ بِاَبْنِیِّهَا م ح م د رَحْمَةً لِّلْعَالَمِیْنَ...» کافی، ج ۱، ص ۵۲۸. در روایتی علامه مجلسی رحمه الله از مفضل بن عمر از امام صادق نقل می‌کند که حضرت بقیة الله ارواحناده بعد از ظهورشان برای اهل مکه سخنرانی کرده و در بخشی از آن می‌فرماید «فَلَوْ لَا اَنْ رَحْمَةً رَبِّکُمْ وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَ اَنَا تِلْکَ الرَّحْمَةُ لَرَجَعْتُ اِلَیْهِمْ مَعَكُمْ فَقَدْ قَطَعُوا الْاَعْدَارَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ اللّٰهِ وَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ فِیْرِجْعُون» بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳ - مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۴ - مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ماه رجب.



رحمت خدا هم شامل همه چیز می‌شود. خیلی عجیب است. شامل همه چیز! حتی شامل شیطان هم می‌شود!

آن وقت یکی از این معادنِ رحمت، حجة بن الحسن ارواحناده است که در تمام دنیا از افتخاراتمان این است که ما مأموم این امام هستیم.

«امام زمان ارواحناده نشانه‌ی محکم خدا است»

امروز آیه‌ی محکم پروردگار و نقطه‌ی حقیقی پرگار و قطب دایره‌ی امکان، حضرت بقیه الله ارواحناده است.

اگر کسی امام زمانش را شناخت، خدا را شناخته. که در زیارت جامعه عرض می‌کنیم «من عرفکم فقد عرف الله»^(۱).

نشانه‌ی محکم و مستدل و قوی خدا، نشانه‌ای که حکم شده نشانه‌ی خدا است، امروز در روی کروی زمین غیر از حجة بن الحسن ارواحناده کس دیگری نیست.

اگر امامت را شناختی و فهمیدی که امام زمان ارواحناده همه چیز توست و هر چه که غیر از آن حضرت باشد پوچ است! اگر فهمیدی امروز که تو نفس می‌کشی و حیات داری و روزی می‌خوری، اینها همه‌اش از وساطت حجة بن الحسن ارواحناده است که می‌فرماید: «بِیَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى»^(۲) آن وقت نشانه‌ی محکم الهی را یاد گرفته‌ای، این علم ارزش دارد. این علم پنجاه درصدش تحصیلی است و پنجاه درصد مهمش هم باید خدا به انسان بدهد. که عمده‌اش همان قسمت دوم این پنجاه درصد است که آن

۱ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه صغیره.

۲ - زاد المعاد مفتاح الجنان، ص ۴۲۳.

خیلی مهم است که می‌فرمایند: «العلم نورٌ يَقْذِفُهُ اللهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ»^(۱) «علم یک نوری است که خدای تعالی آن را در قلب کسی که بخواهد می‌اندازد. حکمت تعلیم می‌دهد چون آیه‌ی محکمه را شناختی، چون آن آیت الله العظمی را فهمیدی.

«امام زمان ارواح‌نفاذ قلب عالم امکان است»

ما باید اعتقاد داشته باشیم که امام زمان ارواح‌نفاذ قلب عالم امکان است. مثلاً اگر شما به هر کجای بدنتان دست بزنید، قلبتان که همان روحتان است متوجه می‌شود چون حسّاس است. اگر در یک لحظه به ده جای بدن شما، ده تا سوزن فرو کنند، تمام ده مورد را احساس می‌کنید. و درد این سوزن، شما را از درد آن سوزن، باز نمی‌دارد. وقتی ذهنتان روی یک سوزن می‌رود نمی‌گویید: جای دیگر نمی‌سوزد بلکه می‌گویید: ده جای بدنم می‌سوزد.

این مَثَل برای این است که امام «لَا يَشْغُلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ»^(۲) است و ده‌ها و بلکه هزارها احساس را یک دفعه درک می‌کند و یک دفعه می‌تواند صحبت‌های همه را درک کند. چون او قلب است، مرکز حسّاسیت عالم است.

شما هر کجای عالم که باشید، اگر عالم را بدن فرض کنید و امام زمان ارواح‌نفاذ را قلب تمام این عالم فرض نمائید، هر کجای عالم اشکالی پیدا کند او متوجه می‌شود.

۱ - مصباح الشریعة، ص ۱۶.

۲ - بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۷۱. اشاره به فرازی است که ضمن دعا‌های مأثوره مختلفی وارد شده. این فراز از دعا در واقع در مورد خدای تعالی وارد شده است اما چون امام مَثَلِ اعلای الهی و آینه تمام نمای الهی است و تمام صفات فعل خدای تعالی در او متجلی شده است این صفت را هم دارا هستند.



سلول‌های بدن را اگر به جای بشر بگیریم که شاید تعداد افراد بشر از این سلول‌ها بیشتر نباشد، و اگر تمام بدن را کره‌ی زمین بگیریم، هر سلولی که درد بگیرد قلب و روح متوجه می‌شود.

ما چون محدودیم فقط درد را متوجه می‌شویم. حالا اگر تمام سلول‌ها عقل و فکر و دانش می‌داشتند با روح انسان صحبت می‌کردند و روح صحبتشان را می‌فهمید این مثال کاملاً تطبیق می‌کرد.

اگر انسان بخواهد ارتباط روحی خود را با امام زمان ارواحناده بیشتر کند باید توجه و یقینش را به آن حضرت بیشتر نماید و بداند که آن حضرت هر کجای عالم که باشد صدای او را می‌شنود و متوجه او هست.

«امام زمان ارواحناده، بر همه چیز احاطه‌ی علمی دارند»

روح مقدّس و احاطه‌ی علمی حضرت در همه جا هست و حاضر و غائب ندارد.

شما بدانید که در همه جا عملتان را خدا و پیغمبر و مؤمنون که ائمه‌ی اطهار هستند، در هر حالی که باشید می‌بینند؛ که در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^(۱).

و احاطه‌ای را که خدا به وضع ما دارد امام زمان ارواحناده هم دارد، ما را می‌بینند و حضور روحی هم دارند اما بدن شریف حضرت ولی عصر همه جا ممکن نیست باشد. بدن که نمی‌شود در همه جا باشد! ما اگر می‌گوئیم همه جا ایشان حضور دارند بدنشان منظور نیست بلکه روح مقدّس و احاطه‌ی علمیشان منظور است. همین الآن که ما اینجا نشسته‌ایم قطعاً بدن شریفشان در یکی از نقاط کره‌ی زمین هست ولی در همه

جا نیست.

اما آنکه تقاضا می‌کنیم و خواهش می‌کنیم و یا وقتی که روضه‌ی حضرت ابوالفضل خوانده می‌شود می‌گوئیم حضرت حضور پیدا می‌کند، روح و بدن هر دو حضور پیدا می‌کنند، نه اینکه فقط روحشان حضور داشته باشد^(۱).

«امام زمان ارواحنفا ده همه جا هستند»

شخصی می‌گفت: من یک حوائجی داشتم به حرم حضرت موسی ابن جعفر رفتم، کسی توی حرم نبود، دیدم یک آقای آمد به همه‌ی ائمه سلام کرد اما به امام زمان ارواحنفا ده که رسید سلام نکرد.

می‌گوید: من با خودم گفتم: ایشان کیست؟

دیدم آمد طرف امام جواد ، باز زیارت امام جواد را که می‌خواست بخواند به همه‌ی ائمه سلام کرد اما به امام زمان سلام نکرد! نزدیکش رفتم فرمود: فلان حاجت را داری؟ دعای «یا من اظهر الجمیل» را بخوان حاجت برآورده می‌شود.

می‌گوید: تا برگشتم دیدم درها بسته است و آقا هم تشریف ندارند.

یک نفر دیگر هم برای من نقل می‌کرد می‌گفت: زیارت آل یاسین را می‌خواندم، هر یک از سلام‌ها را که می‌گفتم در گوشم می‌گفتند: «و علیک السلام».

۱ - «این مطلب اشاره‌ای به تشرف معروف مرحوم حاج محمد علی فشندی رحمه الله به محضر حضرت ولی عصر در عرفات دارد که بطور کامل در کتاب ملاقات با امام زمان ارواحنفا ده صفحه ۲۴۳ آمده است که در آنجا چنین می‌خوانیم حاج محمد علی فشندی رحمه الله می‌گوید که «آقا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده بودند فردا شب من به خیمه شما می‌آیم چون شما به عمویم حضرت ابوالفضل متوسل می‌شوید».



امام زمانتان هست، همه جا هم هستند. یک خُرده گوش می‌خواهد، یک خُرده چشم می‌خواهد، یک خُرده قلب می‌خواهد، یک خُرده‌ای پاکی می‌خواهد؛ اینها را درستش کنیم.

«همه خوبی‌ها در امام زمان ارواحنافداه جمع است»

آنچه خوبان همه دارند حضرت ولی عصر ارواحنافداه تنها دارد.

شما در دنیا یک خوبی پیدا کنید که وجود داشته باشد و در امام زمان ارواحنافداه نباشد!

در زیارت جامعه می‌خوانیم «إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرَ كُنْتُمْ أَوَّلُهُ وَأَصْلُهُ وَفَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ^(۱)».

اگر اتفاق خوب است امام زمان ارواحنافداه در رأس اتفاق‌کنندگان عالم قرار گرفته و از همه بیشتر اتفاق می‌کند.

اگر محبت پدر و مادر شما را صد میلیارد اضافه‌اش کنند باز محبت امام زمان ارواحنافداه نسبت به شما بیشتر از آن است. آنقدر مهربان است که حساب ندارد. به قدری با محبت است که حد ندارد.

بهترین اخلاق را دارد. عفو دارد، بزرگواری است و خیلی از چیزها را ندیده می‌گیرد. هیچ کس تا به حال امام زمان ارواحنافداه را با اخم ندیده، هر کس به حضرت رسیده اوّل امام زمان ارواحنافداه به او سلام کرده، همیشه متبسم بوده، اینها مواردی است که در کتاب‌ها نوشته‌اند.

«امام زمان ارواحنفاذه منبع کوثر است»

یکی از نهرهای بزرگ کوثر، وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحنفاذه است که روی سر همه کس جاری است و برای همه کس هست و آن کسی از این کوثر بیشتر استفاده می کند که ظرف بزرگ تر و ظرفیت بیشتری داشته باشد.

به خدا قسم اگر به خاطر اینکه ما امامی داریم مثل حجة بن الحسن ارواحنفاذه، تمام عمر سر به سجده بگذاریم باز نتوانستیم شکرش را بجا بیاوریم!

این منبع حکمت، این مرکز خیر کثیر، اگر ان شاء الله مردم آمادگی پیدا کنند و حضرتش ظهور کند و از او علم و حکمت سرازیر بشود، نادان ترین مردم آن زمان از داناترین مردم این زمان، ارزششان بیشتر می شود.

این که می گویند برای فرج دعا کنید^(۱)، برای این است که ما بتوانیم از این حکمت الهی، از این علم الهی بهره مند شویم.

«همه چیز ما، در دست امام زمان ارواحنفاذه است»

همه ی امور در دست آن حضرت است، حتّی نفس کشیدن ما، حتّی تمام لحظات عمر ما در دست امام زمان ارواحنفاذه است. او واسطه ی فیض است «بیمنه رُزقِ الوری^(۲)» این رزق، تنها رزق ظاهری نیست، تمام معارفی که باید موجودات عالم هستی، اعم از ملائکه و (فعلاً در آسمان چهارم) انبیاء و شهداء و صدّیقین و صالحین

۱ - «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲ - زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۲۳.



که می‌خواهند از خدا استفاده کنند، خدای تعالی به حضرت ولی عصر عنایت می‌کند و آن حضرت به آنها فیض می‌دهد.

اگر آتشی جلوی این نور را نگیرد، اگر ظلمتی در مقابل این نور قرار نگیرد، اگر گناهان ما سایه بر این نور نیاندازد، اگر دوری از انسانیت ما این نور را خاموش و یا در پرده قرار ندهد، اگر اعمال زشت ما، صفاتِ رذیله‌ی ما مانند ابری جلوی این خورشید را نگیرد این نور دائماً بر بشریت فرو می‌ریزد و بشریت را منور می‌کند، دل‌ها پُر از حکمت می‌شود، قلب‌ها پُر از نور علم و دانش می‌گردد.

«امام زمان ارواحناده کشتی نجات ماست»

کشتی نجات این دنیایی که پر از ظلم و جور شده، وجود مقدس حضرت بقیه الله است که باید ما سوار این کشتی بشویم و زیر سایه‌ی این کشتی باشیم و دستان به دامن این کشتی باشد.

اگر شما پسر پیغمبر هم باشید و از این کشتی تخلف کنید اگر چه بر کوه‌هایی از ثروت و قدرت بالا بروید ﴿لَا عَاصِمَ لَكُمْ الْيَوْمَ﴾^(۱) در یک چنین وضعی بدون سوار شدن در کشتی، «عاصم» یعنی نگه دارنده‌ای ندارید.

اگر فرزند امام زمان ارواحناده هم باشید و تخلف از راه و روش امام عصر کنید غرق می‌شوید.

حالا آخرت فرزندان پیغمبر مسئله‌ی دیگری است، اما در دنیا اگر شما خدای نکرده از دستورات الهی، از دستورات امام زمانتان پیروی نکردید بدانید که غرق

می‌شوید و برای شما هیچ نگه دارنده‌ای نیست.

به خدا قسم همین امروز همه‌ی شما را امام زمان ارواحناده صدا می‌زند و به عنوان فرزند هم ممکن است صدا بزند که: فرزندانم **إِرْکُبْ مَعَنَا**^(۱) با ما باشید. در زیارت جامعه می‌گوییم که **«مَعَكُمْ مَعَكُمْ»**^(۲) یعنی ما با شما هستیم.

چطوری ما با امام زمان ارواحناده هستیم؟

باید دلمان با حضرت باشد.

اعمالمان با حضرت باشد.

زندگی‌مان با حضرت باشد.

همه چیزمان با حضرت باشد.

یعنی آنچه که حضرت دوست دارد در شما و در زندگیتان پیاده بشود.

آنچه که حضرت تنفر دارد نه با شما باشد و نه در زندگیتان پیاده شده باشد.

از اسمتان گرفته تا دکور خانه‌تان و تا تربیت فرزندان و تا خودتان، همه‌اش باید با حضرت باشد.

یک کاری نکنید که از امام زمانتان دور بشوید و صدای آن حضرت را نشنوید، تا آنجا که با کفار باشید و توی دنیا غرق بشوید.

۱ - سورة مبارکه هود، آیه ۴۲.

۲ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.



«امام زمان ارواحنفاده همیشه متوجه فاطمه‌ی زهرا هست»

به خدا قسم امام زمان شما که قلب عالم امکان است، شب و روز متوجه فاطمه‌ی زهرا است. یعنی همانطوری که درباره‌ی امام جواد دارد، درباره‌ی بعضی از ائمه دارد، حتی درباره‌ی ساداتی که بعد از ائمه‌ی اطهار آمده بودند دارد که اینها زیاد به یاد فاطمه‌ی زهرا بودند.

حضرت جواد در حالی که هنوز از نظر ظاهر طفل بود و تازه می‌خواست حرکت کند، دست‌ها را به زمین زده، سر را بالا نگه داشته، دارد اشک می‌ریزد و فکر می‌کند.

حضرت رضا از ایشان سؤال فرمودند که: فرزندم چه شده؟

عرض کرد: به یاد مصائبی که به مادرم فاطمه زهرا وارد شده افتادم. به خدا قسم آنها را از قبر بیرون می‌آورم و آتش می‌زنم^(۱).

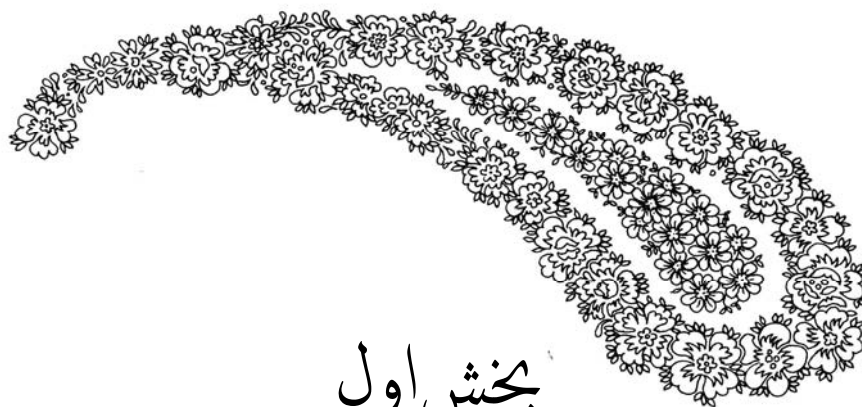
۱ - «عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: إِنِّي عِنْدَ الرِّضَا إِذْ جِئَ بِأَبِي جَعْفَرٍ وَ سِنَّهُ أَقَلُّ مِنْ أَرْبَعِ سِنِينَ فَضَرَبَا بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَأَطَالَ الْفِكْرَ فَقَالَ: لَهُ الرِّضَا بِنَفْسِي فَلَمْ طَالَ فِكْرُكَ فَقَالَ: فِيمَا صُنِعَ بِأُمِّي فَاطِمَةَ أَمَا وَاللَّهِ لَأُخْرِجَنَّهُمَا ثُمَّ لَأُخْرِقَنَّهُمَا ثُمَّ لَأُذْرِينَهُمَا ثُمَّ لَأَنْسِفَنَّهُمَا فِي الْيَمِّ نَسْفًا فَاسْتَدْنَاهُ وَ قَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ» بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۵۹.



فصل دوم

و ظایف شیعیان نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف





بخش اول

یاد امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف



«از یاد امام زمان ارواحفاده غفلت نکنیم»

یک نفر از چهارده معصوم در بین ما مانده که او هم مخفی است، هیچ کس به یادش نیست، هیچ توجهی به او نداریم!

شب وقتی به خانه می‌رویم، اوّل می‌گوییم: شام چه داریم؟ بعد می‌گوییم: کجا بخوابیم که سرما نخوریم، گرما نخوریم!

اصلاً به یاد امام زمانمان نیستیم. به هیچ وجه.

اقلاً یک کاری کنیم که حضرت را متوجّه خودمان کنیم.

از خانه حرکت می‌کنی و می‌روی برای کسب و کار و زندگی‌ات، اقلّاً به فکر این باش که شاید در راه که می‌روی، خدمت امام زمان ارواحفاده برسی.

وقتی می‌خوابی، اقلّاً به یاد این باش که شاید امام زمان ارواحفاده را در خواب ببینی.

به مکه یا کربلا که می‌روی، به یاد این باش که شاید امام زنده‌ات را زیارت کنی.

ما باورمان نیامده که حضرت هستند و بر ما احاطه دارند^(۱)!

از حضرت بقية الله ارواحفاده غافل نباشید. او امام زمان ماست.

۱ - «فَإِنَّا يَحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغُزُّبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ» فرازی از نامه امام عصر به شیخ مفید رحمه الله. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.



از امام زمان غافل نباشیم

ما باید از او پیروی کنیم و هر روز صبح و شب او را ببینیم.

گاهی می‌شود یک عمر بر انسان گذشته، حتی به فکر دیدن حجة بن الحسن ارواحناده هم نیفتاده و بدتر از آن این است که اگر خدا این توفیق را به کسی داده، با او معاندت می‌کنند.

امام زمان ارواحناده زنده است، در بین ماست. که در دعای ندبه عرض می‌کنیم:

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغِيبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا»^(۱)

صبح به صبح بنشینید و بگویید: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ».

اگر با ادب هستید، بایستید، دست به سینه بگذارید و به آن حضرت اظهار ادب کنید.

حضرت علی بن موسی الرضا تا اسم امام زمان ارواحناده برده می‌شد، دستش را روی سرش می‌گذاشت و در مقابل اسم حضرت بلند می‌شد و تعظیم می‌کرد و می‌فرمود: «وَعَجَّلَ فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ»^(۲)

در حالی که فرق حضرت رضا با ما خیلی است.

در همه حال به یاد امام زمان باشیم

هر مسلمانی اگر ادب داشته باشد لازم است به خاطر غذایی که سر سفره

۱ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲ - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، ج ۱، ص ۲۴۹.

گذاشته‌اند به صاحب خانه بگویند: دست شما درد نکند.

غذایی که می‌خورید و هر جا که هستید، آن غذا و آن ملک، مال امام زمان ارواح‌نفاذ است^(۱)، لا اقل برای حضرت دعا کنید و در این جهت جدی باشید.

می‌خواهید بخوابید بگویید: «یا صاحب الزمان».

بیدار می‌شوید بگویید: «یا صاحب الزمان».

جایی از بدنتان درد می‌کند بگویید: «یا صاحب الزمان».

انسان باید نمک‌شناس باشد، اول هر صحبت و کارتان این را بگویید.

انسان در دل باید همیشه به یاد امام زمان ارواح‌نفاذ باشد، همه‌ی تقوا از همین جا شروع می‌شود یعنی اگر انسان خودش را تحت فرماندهی امام زمان ارواح‌نفاذ ببیند، روحیه‌ی فرمانده در فرمان‌بردار تأثیر می‌گذارد، لذا اخلاقیات امام زمان ارواح‌نفاذ در شما تأثیر می‌گذارد. افرادی که ارادت به امام زمان ارواح‌نفاذ دارند در شما اثر می‌گذارند و صفات الهی در شما ظهور و بروز می‌کند.

این را باید جدی بگیرید و تصمیم داشته باشید به یاد ولی نعمتان باشید چون واقعاً غیر از این عمل کردن، بی‌حیائی است.

نعمت‌هایی که انسان در زندگی از آن برخوردار است همه را از دست امام زمان ارواح‌نفاذ دریافت کرده است.

حالا که قدم‌هایی در راه کمالات برداشته‌اید کوشش کنید شیطان شما را از یاد امام زمان باز ندارد و هر چه می‌توانید خودتان را به امام زمان ارواح‌نفاذ نزدیک کنید و یار

۱ - «بِیْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ وَ بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرًا» مفاتیح الجنان، دعای عدیله.



ایشان باشید.

برای یک سرباز حضور و غیاب یک فرمانده که فرمان‌هایش مشخص است فرقی نمی‌کند.

همه‌ی گرفتاری ما خواب غفلت‌مان است. هر کس هم در هر مقامی که باشد باز نسبت به بعضی امور غافل است، ماها اصلاً غافلیم.

* * *

امام زمان‌مان توی این کره‌ی کوچک زمین با ما زندگی کند^(۱) و به یادش نباشیم؟! به فکرش نباشیم؟! حالا با او در ارتباط نیستیم بماند، با او ملاقات نمی‌کنیم بماند، به یادش هم نباشیم؟ و برایمان اهمیت هم نداشته باشد که چه وقت ممکن است تشریف بیاورد؟

همیشه به یاد امام زمان باشیم

یک عاشق، یک علاقمند، یک کسی که وجود مقدس امام عصر را قبول داشته باشد، و بداند که آن حضرت در بین ما زندگی می‌کند، یک چنین انسانی کمالش، مقامش، تمام شخصیتش باید به این باشد که همیشه به یاد مولایش حجة بن الحسن ارواح‌نافداه باشد.

و اگر خدای نکرده ما نام آن حضرت را برای مجلس گرم کردنمان و یا به خاطر این که یک حالی پیدا کنیم یا به خاطر اینکه مردم بگویند در این مجلس نام امام عصر

۱ - «بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيِّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا» مفاتيح الجنان، دعای ندبه. «عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ يَقُولُ إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبْهًا مِنْ يَوْسُفَ أَنْ يَكُونَ صَاحِبُكُمْ الْمَظْلُومُ الْمَجْهُودُ حَقَّهُ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسُهُ كَمَا أَدْنَى لِيَوْسُفَ حِينَ قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ - إِنَّكَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يَوْسُفُ» الغيبة للنعماني، ص ۱۶۴.

برده شده، اگر برای این جهت باشد این خلاف ادب است.

ما باید عشقمان و محبتمان ایجاب کند که در هر کجا که می‌نشینیم از آن حضرت حرف بزنیم، در هر کجا که هستیم با آن حضرت باشیم.

من افراد عاشق حجة بن الحسن ارواحفاده را دیده‌ام، اینها بعضی‌هایشان آنچنان علاقمندند، آنچنان اظهار عشق می‌کنند که لحظه‌ای آرام ندارند.

* * *

کوشش کنید به خاطر حضرت بقية الله ارواحفاده و به خاطر اینکه به آن حضرت برسید و دست آن حضرت را ببوسید و دستتان در دست حضرت قرار بگیرد، همه‌ی لذائذ را کنار بریزید و فقط با آن حضرت مناجات داشته باشید.

«امام زمان ارواحفاده در بین ما غریب‌اند»

زمانی که بهائی‌ها در این مملکت همه کاره بودند. ما به حول پروردگار در مشهد مقدس، میدان و خیابان صاحب‌الزمان را در محله‌ی بهائی‌ها در شب تولد حضرت ولی عصر به نام آن حضرت نام گذاری کردیم.

آنقدر آقا مظلوم است، آنقدر آقا بی‌کس است که من در آن شب دیدم آقا به وسیله‌ی یک شخصی که خدمتش رسیده بود فرموده بودند که: از زحمات فلانی از قول ما قدردانی کن!

آقا ما کاری نکردیم، قربانت برویم. ما جانمان چه باشد، چیزی نداریم که نثار قدم دوست کنیم، ما که هستیم که شما مولای عزیزمان از ما تشکر کنی؟

یکی از دوستان آقا ولی عصر می‌گفت: که خدمت آقا مشرف شدم حضرت سرشان را گذاشتند روی شانه‌ی من، آنقدر گریه کردند که لباس من تر شد.

ما باید اینقدر پست باشیم که آقا در بین ما غریب باشد؟!



«مردم از امام زمان ارواحنافداه فراموش کرده‌اند»

عصر تنها توی اتاق نشسته بودم گریه می‌کردم می‌گفتم: آقا امروز هم تمام شد شما نیامدید ما چه کنیم؟

به دلم اینطور افتاد که خیلی از مردم هنوز من را قبول ندارند!! من بیایم آن وقت با اینها چه کنم؟

ای وای بر ما، ای وای بر من، ای آقای مظلوم، ای آقای مجهول، ای قربانت برویم که خدا در قرآن فرموده: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^(۱).

این انسان ظالم، این انسان جاهل، این انسان نادان، هنوز نمی‌تواند امام زمان ارواحنافداه را بپذیرد؟!

ای خدا کمکمان کن؛ یا بقیة الله خودت کمک کن.

خدایا ما صبر آن حضرت را که نداریم! ما شرح صدر آن حضرت را که نداریم! ما نهایت هر چقدر هم که شرح صدر داشته باشیم مثل پیغمبران گذشته که نفرین می‌کردند، باید نفرین کنیم.

شماها دوست امام زمان ارواحنافداه هستید، اگر بدانید با چه غربتی امام زمان ارواحنافداه منتظر این است که شماها درست بشوید تا ظهور کند. به خدا قسم اگر این مسئله را احساس کنید شب خواب ندارید تا اینکه به فکر درست کردن خودتان باشید.

«یاد و نام امام زمان ارواحنافداه سبب همه‌ی سعادت‌هاست»

با اینکه همه‌ی مردم مسلمان و بلکه غیر مسلمان انتظار ظهور و فرج حضرت بقیة الله ارواحنافداه را دارند ولی متأسفانه در میان ما شیعیان فقط نام و اعتقادی در ردیف سایر ائمه از او باقی مانده است! در حالی که ما باید بیشتر از این متوجّه مقام مقدّس آن حضرت باشیم.

به خدا قسم مسئله‌ی امام عصر آنقدر عجیب است که هر کس هر چه بیشتر بتواند به آن حضرت نزدیک‌تر بشود دنیایش بهتر و آخرتش هم بهتر می‌شود. من تجربه دارم، نام مقدّس ولی عصر شفادهنده‌ی امراض است. ذکر آن حضرت دل را روشن می‌کند.

یاد آن حضرت محبوبیتی برای انسان در بین مردم ایجاد می‌کند که انسان را همه دوست دارند و توفیقات عجیبی نصیب انسان می‌شود.

امام زمان ارواحنافداه عزیزی است که در بین ما هست ولی ما او را نمی‌شناسیم. خوشا به حال کسانی که توفیق زیارت آن حضرت را پیدا کرده‌اند. من از ابتدای زندگی چیزی که زیاده‌تر از همه در فکرم بوده به خاطر تعلیماتی که پدرم به من می‌داد و بعد هم اساتیدم مخصوصاً استاد بزرگوارم مرحوم حاج ملا آقا جان که بسیار پر معنویت بود به من چیزی را که تعلیم داد مضمون این شعر بود که:

«نیست در لوح دلم جز الف قامت یار»

«چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم»



«یاد امام زمان ارواحنافداه مایه‌ی آرامش است»

امام زمان ارواحنافداه به تو نزدیک است، ائمه به تو نزدیک‌اند، پس آرام بگیر، دلت باید آرام شود.

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^(۱). با یاد خدا قلب‌ها آرام می‌شود.

یاد خدا و ذکر خدا هم امام زمان ارواحنافداه است. امام می‌فرماید: «نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ»^(۲) ما ذکر خدا هستیم.

تو که امام زمان با آن همه قدرت و با آن همه عظمت در کنارت هست، از چه می‌ترسی؟ به چه چیزی اعتماد می‌کنی! به پولت؟ به قدرت؟

هیچ نادانی شده که محکم‌ترین چیزها در کنارش باشد و برود به سست‌ترین چیزها تکیه کند؟

به خدا قسم، کسی که معتقد به خدا و امام عصر باشد، تکیه به قدرتمندترین مردم کره‌ی زمین برای او مثل تکیه به خانه‌ی عنکبوت است.

به هر هدفی که می‌خواهی بررسی از امام زمان ارواحنافداه بخواه که به آن هدف خواهی رسید و اگر نرسیدی بدان که از ضعف تو است.

۱ - سورة مبارکه رعد، آیه ۲۸.

۲ - فی حدیث طویل «عَنْ سَعْدِ الْخِفَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: يَا سَعْدُ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا الْخَلْقُ، إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ سَعْدٌ فَقُلْتُ: بَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، فَقَالَ: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ فَالْتَهُي كَلَامَ وَالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ رِجَالٌ وَنَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ وَنَحْنُ أَكْبَرُ» الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸.

«ترویج زبانی از امام زمان ارواحناده باعث عزّت می شود»

به خدا قسم، اگر با امام زمانتان باشید، اولاً بدنتان مریض نمی شود، مریض هم بشود فوراً آقا می آید شفایتان می دهد.

اگر در امور دنیایتان گرفتار بشوید فوراً آقا لطف می کند.

حتّی اگر در باطن اعتقاد زیادی به امام زمان ارواحناده نداشته باشید ولی زبانتان مروج حجة بن الحسن ارواحناده باشد آقا عزیزتان می کند، عزیز می شوید، محبوب دل همه می شوید.

عجیب است، اگر کسی حتّی زبناً ترویج نام حضرت را بکند، چون محبّت مراحل دارد یک محبّت زبانی است که فقط می گوید: آقا من تو را دوست دارم، اما در دلش دوستی نیست، این محبّت زبانی فقط در خصوص امام زمان ارواحناده کار می کند.

یعنی تو زبناً بگو: من آقا را دوست دارم، تو زبناً ترویج آقا را بکن، تو زبناً مثلاً شب نیمه‌ی شعبان درباره‌ی امام زمان ارواحناده صحبت کن، آقا بزرگت می کند، محبوبت می کند.

اما اگر با ایمان آقا را ببینی، با چشم دل ببینی، جان و مالت را در راه او قرار بدهی، در دنیا و آخرت برایت مفید است.

اگر انسان ایمان داشته باشد یعنی با قلب، امام زمانش را دوست داشته باشد کارهایی هم که مناسب با مقام یک دوست است انجام می دهد.



«قدر لحظات توجّه به امام زمان ارواحناده را بدانیم»

خدا رحمت کند یکی از علمای بزرگ قم به نام مرحوم میرزا تقی زرگری رحمه الله که من در کتاب «پرواز روح» اسمش را نوشته‌ام، ایشان برای خود من این قضیه را نقل می‌فرمودند - البته ما در جریانش بودیم منتهی بعد قضیه را از ایشان پرسیدم - که: در سابق بین مسجد جمکران تا قم، خیلی فاصله بود. یعنی شهر قم کوچک بود، یک آسیابی در آنجا بود که رفقا صبح جمعه در آنجا جمع می‌شدند تا دسته جمعی پیاده به جمکران بروند.

در کنار آسیاب مقداری آب و چند تا درخت بود که آنجا صبحانه را می‌خوردند و بعد برای مسجد جمکران می‌رفتند، توی راه هم با هم صحبت می‌کردند، همه اهل معنا بودند، صحبت‌هایشان غیبت و اینها نبود! چون اگر غیبت می‌کردند حضرت بقیة الله ارواحناده آنها را به مسجد جمکران راهشان نمی‌داد. اگر دروغ می‌گفتند امام زمان ارواحناده آنها را راه نمی‌داد. یعنی پایشان را روی خاک و گل مسجد می‌گذاشتند توی مسجد هم می‌رفتند ولی راهشان نمی‌داد، می‌فهمید چه می‌گویم؟ اگر معصیت‌های دیگر هم می‌کردند حضرت راهشان نمی‌داد. آنجا فقط قلب پاک پذیرفته است.

در عین حال مرحوم میرزا تقی رحمه الله می‌گفت: که من آن روز زودتر رفته بودم سر آسیاب تا جمع بشویم. یک قدری ماندم دیدم حالم خیلی خوش است.

اگر یک وقت‌هایی حال خوشی دارید، توجّهتان زیاد است قدر بدانید ممکن است همانطوری که ایشان بودند باشید.

درست است که رفقا رفقای خوبی هستند، نخبه هستند، امام زمانی هستند ولی ممکن است من را از این حال بیاندازند، می‌گوید: گفتم خودم می‌روم!

شروع کردم به رفتن. آنچنان حال توجّه عجیبی داشتم که نتوانستم در راه متوجّه کسی بشوم. گاهی هم از دور می دیدم بعضی ها که شب جمعه آنجا بودند یا دارند به طرف قم بر می گردند، من خودم را یک خرده کنار می کشیدم که اینها به من برخورد نکنند که من معطل حرف زدن بشوم. آمدم تا وارد مسجد جمکران شدم، دیدم کسی هم توی مسجد نیست. ایستادم در مقابل محراب (این محراب همان جایی بوده که حسن مثله گفت که من دیدم حضرت در آنجا روی تخت نشسته) می گوید: آنجا ایستادم اشعاری را برای حضرت می خواندم که:

«با خدا جویان بی حاصل مها تا کی نشینم»

«باش یک ساعت خدا را تا خدا را با تو بینم»

«گاه گاهی با نگاهی گرنوازی جور نبود»

«مستحقم زانکه صاحب خرمنی من خوشه چینم»

این اشعار را می خواندم و اشک می ریختم. رسیدم به یک مصرعی که به صورت سؤال بود، گفتم: آقا آیا اینطور است؟ دیدم صدایی از طرف محراب آمد که: بله اینطور است.

با شنیدن صدا، افتادم غش کردم دیگر نفهمیدم چه شد! (گاهی انسان آمادگی ندارد)

بعد رفقاییش می رسند سر آسیاب از یکی دو نفر از طلبایی که از طرف مسجد می آمدند طرف شهر، سؤال می کنند که شما میرزا تقی را ندیدید؟ چون خیلی دیر شده و ایشان هنوز نیامده اند!

گفتند: با یک آقایی داشت می رفت، چنان هم با این آقا گرم صحبت بود که با ما اصلاً احوالپرسی نکرد. یکی از آنها گفته بود حتّی من سلامش کردم، آن آقا جواب داد



ولی خود میرزا تقی رویش به طرف آن آقا بود و جواب من را نداد.

اینها فهمیدند که میرزا تقی رفته، آمدند به نفر دوّم، نفر سوّم، نفر چهارم؛ به هر که رسیدند همان حرف‌ها را زدند که میرزا تقی داشت با یک آقای می‌رفت منتهی به کسی توجه نمی‌کرد و با آن آقا گرم صحبت بود.

وقتی که می‌رسند به مسجد می‌بینند در آنجا غش کرده افتاده، وقتی او را به هوش می‌آورند می‌پرسند: پس آقای که همراه شما بود کجاست؟ چرا آن آقا به شما رسیدگی نکرد؟ چرا شما اینجا تنها هستید و آن آقا چه شد؟

وقتی مقداری برایش خصوصیات را که از دیگران شنیده بودند گفتند، ایشان باز دو مرتبه داد زد و افتاد، که در طول راه یک ساعت آقا با من بوده و من متوجه نبودم! یک وقتی حال خوشی دارید، حال توجّهی دارید بدانید این یک ملاحظاتی است که آقا خودشان را به شما نشان نمی‌دهند و الا هستند، قدر بدانید.

«امام زمان ارواحنfade را با معرفت یاد کنیم»

ماها هر چه گریه کنیم، همه روز هم که گریه کنیم باز هم امام زمان ارواحنfade را فراموش کرده‌ایم. به خدا قسم باز هم فراموشش کرده‌ایم. تازه آنهایی که می‌خواهند امام زمان را یاد کنند بیشتر جسارت می‌کنند.

یادم هست یک وقتی توی ماشین اتوبوس داشتیم با مرحوم استادمان حاج ملاّ آقا جان رحمه الله می‌رفتیم تهران.

یک نفر گفت: برای سلامتی امام زمان ارواحنfade صلوات ختم کنید. همه صلوات فرستادند، ایشان خیلی خوشحال شد.

بعد گفت: برای سلامتی خودتان هم صلوات بفرستید. دیدم ایشان با اینکه خیلی

مرد مهربانی بود، یک خُرده اخمهایش توی هم رفت!

بعد گفت: برای سلامتی راننده صلوات بفرستید. ایشان ناراحت شد.

بعد گفت: برای سلامتی شاگرد شوفر و سلامتی ماشین هم صلوات بفرستید، ایشان بلند شد، خدا می داند نزدیک بود او را بکشد، که تو اسم آقای من را با اسم راننده و شاگرد شوفر و ماشین ردیف کرده‌ای؟ تو چه می‌گویی؟

او گفت: آقا من نفهمیدم، نمی‌دانستم.

خاک بر سر ماها، که در منبر همه را دعا می‌کنیم وقتی می‌خواهیم بلند شویم برویم، می‌گوییم: «و عَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ».

آن وقت توی مجلس‌مان هم می‌خواهیم بیاید! بعضی‌ها هم که اصلاً از امام زمان ارواح‌نفاذ یادشان می‌رود.

من به یک منبری گفتم: آقا شما اسم امام زمان ارواح‌نفاذ را نبردید؟

گفت: فراموش کردم!

گفتم: عذر بدتر از گناه همین است. فراموش کردی؟

ماها خیلی امام زمان ارواح‌نفاذ را فراموش کرده‌ایم. نانش را می‌خوریم، نه اینکه ماها نانش را می‌خوریم، همه‌مان نانخور حضرتیم^(۱).

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ^(۲)

۱ - «الْحَجَّهَ الْخَلْفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي بَقَائُهُ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَ بِمِثْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ يَوْجُودُهُ ثَبَّتَ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ...» زاد المعاد مفتاح الجنان، ص ۴۲۳ دعای عدیله کبیر.

۲ - سید بن طاووس می‌گوید: من پس از خواندن زیارت امام عصر در روز جمعه به این شعر تمثیل می‌جویم و به آن حضرت اشاره نموده، می‌گویم: «نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ» مفتاح الجنان، زیارت امام زمان ارواح‌نفاذ.



یا حَجَّةَ اللَّهِ، یا بقیةِ اللَّهِ. آقا جان روح من فدایت. ما در هر لحظه باید به یاد شما باشیم اما فراموشت می‌کنیم! چه کنیم آقا، معرفت نداریم.

مگر امام زمان ارواحفاده هم‌ردیف کسی واقع می‌شود؟ شوfer، شاگرد شوfer، ماشین؟

انسان باید غیرت داشته باشد.

«خدا را شکر کنیم که به یاد امام زمان ارواحفاده هستیم»

در دعای افتتاح می‌خوانیم «اللَّهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ بَيْنَا وَ غَيْبَةً وَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا» دشمنانمان زیاد و جمعیتمان کم است «وَ تَظَاهَرُ الزَّمانِ عَلَيْنَا» همین امشب یک تلفنی داشتیم از یک نفر از گویندگان که از دوستان ما است می‌گوید: از اول ماه مبارک رمضان تا حالا من در جمعی، از امام زمان ارواحفاده زیادتر صحبت کردم، اعتراض‌ها شروع شد! دسته جمعی علیه من قیام کردند و گفتند: اگر می‌خواهی اینطور ادامه بدهی دیگر منبر نرو!

«وَ تَظَاهَرُ الزَّمانِ عَلَيْنَا»^(۱) زمان تظاهر می‌کند، خودش را نشان می‌دهد بر ضرر امام زمان ما و علیه ما! حالا باید چکار کرد؟

من فکر می‌کنم باید شکر کنید که وقتی اسم امام زمان ارواحفاده را می‌شنوید شما بدتان نمی‌آید.

خدا می‌داند من کسی را دیدم پهلویم پای یک منبری نشسته بود، آهسته با خودش می‌گفت: ای بابا این هم که همه‌اش امام زمان، امام زمان در آورده!

ناراحت بود که چرا اسم امام زمان ارواحناده برده می شود!

یک کسی درباره ی من گفته بود: ایشان چیزی بلد نیست فقط امام زمان را بلد است.

گفتم: خدا کند که راست بگوید. فقط دلم می خواهد امام زمان ارواحناده را بلد باشم، و هیچ چیز دیگر بلد نباشم.

می خواهیم چکار کنیم؟

«نیست در لوح دلم جز الف قامت یار»

همه شما بگویید، ان شاء الله همین طور هم باشید و من هم می گویم که همین طور باشم.

خدایا تو شاهد باش و در قلبمان هم قرار بده.

«چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم»

خدا رحمت کند استاد ما مرحوم حاج ملا آقا جان به من می فرمود: که هر چه می خواهی از امام زمان ارواحناده بخواه، هر چه می گویی از امام زمان ارواحناده بگو.

پدر من هم در این جهت خیلی به گردن من حق داشت. یک حالت انتظار شدیدی داشت.

«بیشترین فعالیت شیطان برای غفلت مردم از یاد امام زمان ارواحناده است»

در یک قسمت از آسمان و کرات بالا، بعضی از ملائکه ی مقرّب و انبیاء مرسل اجتماع دارند و برای مقدّمات ظهور حضرت بقیه الله ارواحناده طرح می ریزند.

چون مهلت و عمر شیطان تا زمان ظهور آن حضرت است، لذا شیاطین خیلی



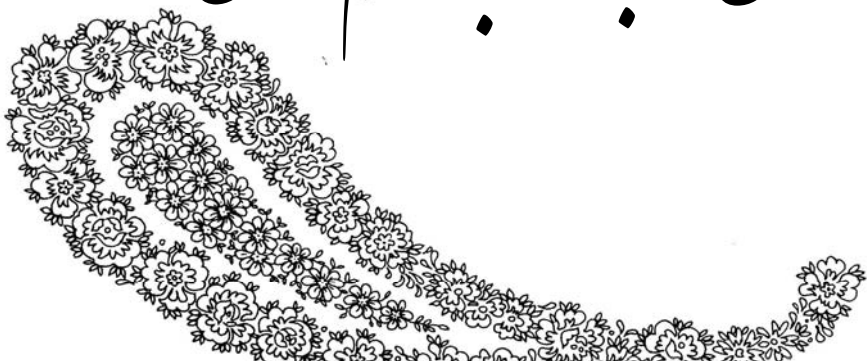
اصرار دارند که از اسرار آن جلسه اطلاع پیدا کنند و خدا هم آن جلسه را کاملاً سری نگه داشته، چون اگر شیطان از زمان ظهور اطلاع پیدا کند، فعالیتش را برای اینکه این مسئله انجام نشود زیاد می‌کند.

ضمناً بیشترین فعالیت شیطان این است که مردم را از یاد امام زمان ارواحنفاً غافل کند تا مردم طالب فرج نباشند و حالت انتظار پیدا نکنند تا خدا ظهور را به تأخیر بیاندازد و در نتیجه مهلت شیطان بیشتر بشود.



بخش دوم

عشق و محبت به امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف



۱- «محبت به امام زمان ارواحنافداه»

«ما اکثرأ امام زمان ارواحنافداه را برای خودمان می خواهیم»

یک عده از ما افراد می خواهیم که حضرت تشریف بیاورد تا خورد و خوراکمان روبه راه شود، زحمتمان کم شود، درآمدمان بیشتر شود و خلاصه در مجموع وقتی که جمع بندی می کنیم می بینیم که هدف استراحت خودمان است، خودمان را دوست داریم نه امام زمان ارواحنافداه را!

پیرزنی نقل می کرد می گفت شب جمعه ای مسجد جمکران خیلی شلوغ بود. در خواب حضرت بقیة الله ارواحنافداه را دیده بود. عرض کرده بود که آقا الحمدلله خیلی اینجا وضعش روبراه شده و جمعیت زیادی به اینجا می آید.

حضرت فرموده بودند اینها برای خودشان می آیند. برای من همان یکی دو نفر سابق، همانها هستند.

حالا می خواهیم برویم سؤال کنیم؟

از یک آقائی سؤال کردند شما برای چه اینجا آمدید؟

گفت: من مدتی است ازدواج کرده ام بچه دار نشده ام، آمده ام اینجا امشب دعا کنم بچه دار بشوم.

خوب، آمدن ایشان که برای بچه‌دار شدن خودش بوده!

شما برای چه آمده‌اید؟

ما مستأجریم خانه نداریم، اذیتمان می‌کنند آمده‌ایم حضرت خانه‌ای به ما بدهد.

ایشان هم که برای خانه آمده!

همین‌طور گشتیم توی این هزار نفر جمعیت؛ حضرت یک‌یک از همه سؤال کرد،

هر یکی یک چیزی گفت!

آیا غیر از این است؟ انصافاً غیر از این است؟

بهشت هم که بخواهیم، باز خودمان را خواسته‌ایم. یعنی اگر بگوییم که ما می‌رویم

مسجد جمکران که خدا اینقدر ثواب به ما بدهد که وقتی مریدیم برویم توی بهشت؛ باز

هم خودمان را دوست داریم، می‌خواهیم خودمان راحت باشیم و توی جهنم نیافتیم.

بعد حضرت راه رفتند تا رسیدند به یک نفری که او در فراق حضرت زانوها را در

بغل گرفته بود. حضرت از او سؤال کردند که چرا اینجا آمده‌ای؟ گفت: آمده‌ام شاید این

فراغ بین من و امام زمانم را بتوانم برطرف کنم!

این‌طور شخصی چند تا توی مسجد جمکران داریم؟ چند تا توی حرم امام رضا

داریم؟

چند نفر در مجالس و محافل مختلف داریم که زیبا دوست باشند؟ زیبا پرست

باشند و جمال باطنی حجة بن الحسن ارواح‌افاده را ببینند و عاشق او باشند و محبت به او

داشته باشند، چند تا این‌طوری سراغ دارید؟



«وظیفه‌ی ما، اظهار محبت به امام زمان ارواحنافداه است»

امام زمان ارواحنافداه امامی است که در اَمَن الهی است^(۱)، خدا حفظش می‌کند هیچ مرض و بلایی متوجه حضرت نمی‌شود. دعایی که ما برای حضرت انجام می‌دهیم که: «وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ»^(۲) تنها اظهار محبت به آقا کرده‌ایم.

شما دوستی دارید که هیچ احتیاجی به شما ندارد و شما می‌گویید: من فدای شما، من قربان شما، معنای این کلمه یعنی نزدیکت شوم.

دستش را می‌بوسید می‌روید کنارش می‌نشینید، اظهار محبت می‌کنید، اینها هیچ فایده‌ای برای او ندارد، اما هم خوشحال می‌شود و هم دوستانش را می‌شناسد و هم تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای و ادب کرده‌ای.

وظیفه‌ی ما اظهار محبت به امام زمان ارواحنافداه است.

«ما جز محبت امام زمان ارواحنافداه هیچ چیز نداریم»

ما جز محبت امام زمان ارواحنافداه هیچ چیز نداریم. گفت:

«نَیْسَتْ دِر لَوْح دِلَم جَز الْف قَامَتْ یَار»

«چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم»

خدا می‌داند چه کنم؟ حرف دگر یاد نداد استادم.

۱ - «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُأْمُونُ» مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۲ - مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

نه پدر نه استاد، نه سایرین حرف دیگری یادمان ندادند.

گفتند: فقط بگو: امام زمان.

استادم می گفت: اگر می خواهی آدم خوبی باشی و استادت امام زمان ارواحناده باشد، الگویت را امام زمان ارواحناده قرار بده.

شاید باور نکنید این را نمی گویم که شما انجام بدهید چون مال من بود، مخصوص من بود و برای حالتی که من داشتم بود. یک مدّت زیادی ایشان به من گفته بود: رو به قبله بنشین روزی هزار مرتبه بگو: «یا صاحب الزّمان».

* * *

دوستان نزدیک من می دانند، من هر جا رفته ام، هدفم و فکرم همین بوده، یعنی مگر می شود یک انسان شیعه غیر از این باشد؟

چرا بعضی اینقدر خوابند؟ انسان امام معصوم داشته باشد، امامی که در بین ما زندگی می کند، آن وقت اینقدر از او غافل باشد؟

بعضی خیال می کنند اگر اسم امام زمان ارواحناده را بردند مردم می گویند: وای تو که هستی؟ اینها وسوسه ی شیطان است. هر چه می خواهند بگویند!

ما درد و بلای امام زمان را به جانمان خریداریم. ما فحش هایی که می خواهند برای این جهت به ما بدهند برای ما بهترین افتخار است.

یک نفری توی یک اداره رفته بود ناراحت شده بود که به او بد گفته بودند.

گفته بودند: تو امام زمانی هستی، حجتی هستی، فلان هستی!

گفتم: وقتی تو آدم خوبی هستی که تو را کنار دیوار بگذارند و یک گلوله توی مغزت به خاطر محبّت به امام زمان ارواحناده بزنند و تو خوشحال بشوی.

«همه‌ی ما باید امام زمانی باشیم»

دلی سیاه تر از آن دل که متوجّه امام زمان ارواحناده نباشد نیست، من از آن سیاه‌تر فکر نمی‌کنم. حالا هر که می‌خواهد باشد.

دلی که در شبانه روز، یک ساعت یا لااقل یک لحظه متوجّه امام زمان ارواحناده نشود، دل نیست سنگ است.

یک کسی به من می‌گفت: شنیده‌ام شما امام زمانی هستی؟
گفتم: اگر قبول کنند. شما می‌توانی یک کاری کنی این را تثبش کنی که قبول بشود؟
گفت: همه می‌گویند.

گفتم: خدا کند امام زمان ارواحناده از دهن همه این حرف را بشنود.
باید همه‌ی ما امام زمانی باشیم.

«باید تمام اظهار محبّتمان به امام زمان ارواحناده باشد»

انسان چه می‌خواهد که محبوبش باشد و امام زمان ارواحناده آن را نداشته باشد؟
و به چه چیز بغض دارد که در وجود مقدّس امام زمان ارواحناده باشد؟

فطرت انسان به علم و صداقت و عصمت و دوستی علاقمند است. به جمال باطنی و ظاهری علاقمند است، که همه‌ی اینها در وجود مقدّس حضرت بقیه الله ارواحناده هست و هر چه هم دارد از خدا دارد.

«اگر امام زمان ارواحناده را ببینیم عاشقش می شویم»

انسان تحت تأثیر حواس قرار می گیرد، اینکه می بینید ما آنطوری که باید امام زمان را دوست داشته باشیم دوست نداریم به خاطر این است که او را ندیده ایم.

«گرش بینی و دست از تُرنج بشناسی»

«روا بود که ملامت کنی زلیخا را»

این که یک چند دقیقه آقا را ببینی و با او صحبت کنی و در همان وقت هم یقین داشته باشی که او حجة بن الحسن ارواحناده است!

اکثر این دوستان که آقا را ملاقات نمی کنند به خاطر این است که طاقت نمی آورند. به خدا قسم اینطور است. من مکرر افرادی را دیده ام که اینهایی که خدمت حضرت تشرّف پیدا کرده اند بعد حالت اعصابشان به هم ریخته.

یک نفر که اظهار محبّت به امام زمان ارواحناده می کند انسان می خواهد او را بغل کند، دستش را ببوسد، پایش را ببوسد، تا چه برسد به اینکه خود آقا را ببیند.

من اشخاصی را دیده ام، که یک سیدی را دیده اند با اینکه خودشان احتمال می دادند حضرت نباشد ولی آنقدر حالشان عجیب بود که حساب نداشت.

همه ی شما محبّت دارید، این را بدانید شما قلبتان مملوّ از محبّت امام زمان ارواحناده هست، منتهی او را ندیده اید، وقتی هم که ان شاء الله مشرّف شدید به محضر حضرت و آقا را دیدید حتماً باید یک استعداد فوق العاده ای به شما بدهند تا شما بتوانید خودتان را کنترل کنید.

اگر استعداد ندهند نمی توانید.

«وجه مشترک همه‌ی ما: محبت امام زمان ارواحنfade است»

وجه مشترکی که همه‌ی ما با هم داریم این است که دوست امام زمان ارواحنfade هستیم.

علامت دوستی شما همین مقدار است که اگر همین امشب خواب امام زمان ارواحنfade را ببینید، تا چند روز، تا چند ماه، تا چند سال خوشحالید. این علامت دوستی است. من بیشتر از این نمی‌گویم. حالا بعضی‌هایتان را من می‌شناسم که به خاطر حضرت بقیة الله ارواحنfade شب و روز ندارید.

یک شخصی برای من نقل می‌کرد. می‌گفت که: چند شب قبل تا صبح نشستم گریه کردم برای حجة بن الحسن ارواحنfade که شاید چشمم به جمالش روشن شود. بعد خوابیدم و در خواب حضرت را دیدم. همه‌مان این دوستی را داریم.

«به خاطر محبتمان به امام زمان ارواحنfade برای حضرت کاری کنیم»

من می‌دانم همه‌ی شما امام عصر را دوست دارید، دلیلش هم این است که اگر همین امشب ان شاء الله هر کدام از شما خواب امام زمان ارواحنfade را ببینید خیلی خوشحال می‌شوید. و در مقابل اگر خواب یکی از دشمنان فاطمه زهرا را ببینید چقدر ناراحت می‌شوید. همین علامت دوستیتان است.

دوستی از همین جاها معلوم می‌شود؛ از این بیشتر نمی‌توانم برایتان توضیح بدهم. یک نفر خواب حضرت بقیة الله ارواحنfade را می‌بیند صبح با یک شعفی می‌آید پیش من در حالی که اشک از چشمش می‌ریزد و می‌گوید: دیشب خواب آقا را دیدم.

وقتی خواب یکی از دشمنان اهل بیت را می بینند می آیند می گویند: آقا ما چه گناهی کردیم که دیشب مثلاً خواب معاویه را دیدیم! چکار کردیم؟
می گویم: کاری نکرده ای، خواب اهمیت ندارد.
می گوید: نه من یک اشکالی در کارم هست.

این علامت دوستی ما است و این اندازه محبت بحمدالله در همه ی شماها دوستان امام زمان هست.

حالا دوستی بعضی هایتان آنقدر هست که شب تا صبح اشک می ریزید برای اینکه یک جواب مختصری از امام زمانتان بگیرید، گریه ها می کنید.

حالا ما تا آن حد را نمی گوییم که شامل همه بشود ولی اینکه گفتیم شامل همه خواهد شد.

پس ان شاءالله ما دوستیم و باید آماده باشیم که وقتی آقا تشریف می آورند یک کاری کرده باشیم، اینطور نباشیم که وقتی مریضی داریم می رویم درب خانه ی امام زمان، وقتی مقروضیم می رویم درب خانه ی امام زمان ارواحنافداه. نه، این جور نباشیم.
باید قلبمان متوجه باشد، طوری باشیم که وقتی می رویم در مقابل حضرت تبسم کنند و بفرمایند: بارک الله تو یک همچنین خدمتی کردی، یک همچنین فعالیتی کردی.

«هدف ما باید رسیدن به امام زمان ارواحنافداه باشد»

ما از این زحماتی که برای شماها می کشیم، هدفی جز اینکه همه مان ان شاءالله از سربازان خوب امام زمان ارواحنافداه بشویم، نداریم. چون همه ی حرف هایمان در همین حول و حوش است.



اگر حرف‌های متفرقه‌ی دیگری هم می‌زنیم باز از یک طریقی به همین جا منتهی می‌شود و هیچ کاری به این جهت نداریم که تقوایمان چه باشد، بهشتیمان چه باشد، آخرتمان چه باشد، اصلاً این مسائل نباید برای ما مطرح باشد!

بهشتیمان باید امام زمان باشد.

آخرتمان باید امام زمان باشد.

ما تزکیه‌ی نفس می‌کنیم به خاطر اینکه مقرب امام زمان باشیم.

اگر عبادت می‌کنیم به خاطر این است که مقرب امام زمان باشیم.

اگر گناه را ترک کردیم به خاطر این است که با امام زمان مرتبط باشیم.

اگر صفات حمیده‌ای پیدا می‌کنیم به همین جهت است

و اگر صفات رذیله‌ای را ترک می‌کنیم باید به همین جهت باشد.

ما همه چیزمان باید برای حضرت باشد.

حالا اگر نیستیم باید برای این جهت تربیت بشویم و اگر هم هستیم که خوشا به حالمان.

و راه تربیت شدنش هم این است که آنقدر بگوییم تا از زبان وارد قلبمان، و از قلبمان برگردد به تمام اعضاء و جوارحمان و ما را اینطور بسازد.

ما بهشت بدون امام زمان را می‌خواهیم چکار کنیم!

نعمت بدون زیر سایه‌ی امام زمان بودن را می‌خواهیم چکار کنیم؟

این همه توی دنیا کسانی هستند که پول دارند، ثروتمندند، مرفه‌اند، زندگی خوبی دارند ولی امام زمان ارواحنافه را ندارند مثل یک کپسول نجاست‌اند.

«امام زمان ارواح‌نفاذ را از روی محبت یاری کنیم»

حضرت سید الشهداء شب عاشورا خطبه‌ای خواند و به اصحابش فرمود: ای اصحابم، من بیعت را از شما برداشتم، یعنی تکلیفتان نمی‌کنم که با من باشید. اینجا یک نکته‌ای است که خیلی برای سالکین الی الله مهم است؛ توجه کنید که ان شاء الله شما هم همین‌طور باشید.

چون یاری امام زمان ارواح‌نفاذ بر هر فرد مسلمانی مخصوصاً اگر امام زمان ارواح‌نفاذ در خطر بیافتد، حتی اگر نامش در خطر بیافتد واجب است. اما چرا ابی عبد الله این جمله را فرمود؟

چون می‌خواهد اصحابش را از راه محبت به طرف خدا ببرد. تکلیف نباشد یعنی بیایید عشق پیدا کنید، حسین را دوست داشته باشید.

شما هم امام زمانتان را دوست داشته باشید. از باب دلسوزی نمی‌خواهد جلو بیایید، از باب محبت جلو بیایید. غربال اگر پیش بیاید معلوم می‌شود چه کسی به خاطر محبت و چه کسی به خاطر دنیا و چه کسی حتی به خاطر بهشت و عزم مکان بهشت می‌ماند.

«محبت و ولایت‌مان به امام زمان ارواح‌نفاذ را ارزان نروشیم»

بعضی‌ها هستند که مسئله‌ی ولایت خاندان عصمت را ارزان می‌فروشند. گاهی می‌شود که اگر یکبار او را مسخره کنند ولایتش را از دست می‌دهد. یا اگر بگویند: تو در محبت امام زمان ارواح‌نفاذ زیاده روی می‌کنی، دیگر محبت امام زمان ارواح‌نفاذ را کنار می‌گذارد!



ماها ضعیفیم، استقامت نداریم. ضعف و عدم استقامت در دینمان، در ولایتمان، در محبتمان نسبت به خاندان عصمت و طهارت ، همان فروختن آیات پروردگار به قیمت کم است که خدای تعالی می فرماید: ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^(۱).

در مجلسی انسان قرار می گیرد که همه اهل معصیت اند. وقتی که او هم اهل معصیت می شود، ولایتش را فروخته! برای اینکه محبتش را فراموش کرده! تو دوستی داری که الآن ناظر بر اعمال توست و با این گناه داری او را می رنجانی! با این معصیت، با نشستن در این جلسه، او را می رنجانی و او را به غضب درمی آوری. امام زمانت را ارزان نفروش.

شما می دانید حضرت بقیه الله ارواحنfade دائماً به ما نگاه می کنند. آن وقت شما اگر اینجا با اهل معصیت نشستی، گناه کار شدی، حضرت بقیه الله را به قیمت ارزان فروختی. محبت حجة بن الحسن ارواحنfade را ارزان فروختی!

تو شیطان را قبول کردی، فرمان نفس امّارهات را قبول کردی و فرمان امام زمانت را ترک کردی! سست عنصر و سست قامت بودی و استقامت ابداً در تو نبوده و هر کس استقامتش در دین ضعیف باشد، مشمول این آیهی شریفه است که می فرماید: «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا».

«از غیر امام زمان ارواحنfade دل بکنیم تا به او برسیم»

از این مسائل دنیا خودمان را جدا کنیم و محبت دنیا در دلمان نباشد، این وابستگی ها نباشد، که خدای تعالی می فرماید:

﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^(۱).

سبیل خدا، راه خدا و صراط مستقیم، آقا امام زمان ارواحناده است.

اگر می خواهید به امام زمان ارواحناده برسید باید از هر چه غیر او است دل بکنید.

«اگر خواهی آری به کف دامن او» «برو دامن از هر چه جز اوست برچین».

۲- «عاشقان امام زمان ارواحناده»

«ائمه به امام زمان ارواحناده اظهار محبت می نمودند»

پیغمبر اکرم (درباره آن حضرت) می فرمود: پدرم به قربانت، مادرم به قربانت، ای کسی که هم اسم من هستی، ای کسی که شبیه من هستی، ای کسی که شبیه موسی بن عمران هستی^(۲).

امیرالمؤمنین با یکی از اصحاب نشسته بودند آهی کشیدند و فرمودند: «شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ^(۳)» چقدر من دوست دارم که او را ببینم. در خطبه ای دیگر فرمود: چقدر من

۱- سورة مبارکه توبه، آیه ۴۱.

۲- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَأْتِي عَلَى أَنْتَ مَنِّي وَأَنَا مِنْكَ وَأَنْتَ أَخِي وَزَيْرِي فَإِذَا مِتُّ ظَهَرْتَ لَكَ ضَعَائِي فِي صُدُورِ قَوْمٍ وَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ صَمَاءٌ صَلِيمٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ وَلِيَّةٍ وَبِطَانَةٍ وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ شَيْعَتِكَ الْخَامِسَ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ مِنْ وَلَدِكَ تَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مُتَأَسِّفٍ مُتَلَهِّفٍ حَيْرَانَ عِنْدَ فَقْدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ يَا أُمِّي سَمِيحِي وَشَبِيحِي وَشَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ أَوْ قَالَ جَلَابِيبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدُسِ الْحَدِيثُ» بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷.

۳- «عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ



شوق دارم اصحاب و یاران و دوستانش را ببینم^(۱).

امام باقر می فرماید: اگر من زمان آن حضرت را درک می کردم خودم را با او نگه می داشتم و در خدمت او بودم «اما ائی لو ادرکت لأبقيت نفسی لصاحب هذا الامر^(۲)».

روزی دیگر امام باقر فرمودند: «بابی و امی المسمی باسمی، و المکنی بکنیتی، السابع من بعدی^(۳)». پدرم به قربانت، مادرم به قربانت، هم اسمش اسم من است هم کنیه اش کنیه من، او هفتمین (امام) بعد از من است.

باز می فرمایند: «بابی یملاً الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً^(۴)» پدرم

⇒ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَبَّيْنَا بِمَهْدِيكُمْ هَذَا فَقَالَ: إِذَا دَرَجَ الدَّارِجُونَ وَ قَلَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ ذَهَبَ الْمُجْلِبُونَ فَهَنَّاكَ إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ: أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلَكُمْ رَحِمًا اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ يَبَعَهُ خُرُوجًا مِنَ الْعَمَةِ وَ اجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ فَأَنَّى جَارَ لَكَ فَاعْزِمْ وَ لَا تَتَنَّ عَنْهُ إِنَّ وَفَّقْتَ لَهُ وَ لَا تُجِيزَنَّ عَنْهُ إِنْ هُدِيَ إِلَيْهِ هَاهُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صدره شَوْقًا إِلَى رُؤْيِيهِ» بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵

۱ - «عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي الثَّقَفُ مِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُمْ سَمِعُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ فِي خُطْبَةٍ لَهُ: اللَّهُمَّ وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَأْرُزُ كُلُّهُ وَ لَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ وَ أَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ كَيْلًا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَ لَا يَضِلُّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بَلْ أَيْنَ هُمْ وَ كَمْ أَوْلِيَاؤُكَ الْفَالِقُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمَانِ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدَرًا الْمُتَّبِعُونَ لِقَادَةِ الدِّينِ الْإِمَامِ الْهَادِيَنِ الَّذِينَ يَتَأَدَّبُونَ بِآدَابِهِمْ وَ يَنْهَجُونَ نَهَجَهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْجُمُ بِهِ هُمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ فَتَسْتَجِيبُ أَرْوَاحُهُمْ لِقَادَةِ الْعِلْمِ وَ يَسْتَلِيمُونَ مِنْ حَدِيثِهِمْ مَا اسْتَوْعَرَ عَلَى غَيْرِهِمْ وَ يَأْتُسُونَ بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْمُكْذِبُونَ وَ أَبَاهُ الْمُسْرِفُونَ أَوْلِيَاؤُكَ أَتْبَاعُ الْعُلَمَاءِ صَحْبُوا أَهْلَ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَوْلِيَائِهِ وَ دَانُوا بِالتَّقِيَّةِ عَنْ دِينِهِمْ وَ الْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَأَرْوَاحُهُمْ مُعَلِّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى فَعَلِمَاوَهُمْ وَ أَتْبَاعُهُمْ خُرُسٌ صُمْتُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مُنْتَظَرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ وَ سَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَمَحُقُ الْبَاطِلَ بِهَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ وَ يَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيِيهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ ذَوْلَتِهِمْ وَ سَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَ إِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِ عَدْنٍ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِ» کافی، ج ۱، ص ۳۳۵، باب نادر فی حال الغیبة.

۲ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.

۳ - الغیبة للنعمانی، ص ۸۶.

۴ - الغیبة للنعمانی، ص ۸۶.

به قربان کسی که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند همانطوری که پر از ظلم و جور شده باشد.

امام صادق می‌فرماید: «و لو ادرکنه لخدمته ایام حیاتی»^(۱) اگر من زمان او را درک می‌کردم تا وقتی زنده هستم خدمتگزارش بودم.

باز در جای دیگر می‌فرماید: «سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجایع الأبد»^(۲) آقاجان غیبت تو تمام مصائب مرا به فجایع ابدی وصل کرده است.
امام کاظم فرمود:

«بَابِي مَنْ لَيْلَةٍ يَرَعَى النُّجُومُ سَاجِدًا وَ رَاكِعًا»^(۳). پدرم به قربان آن کسی که ستارگان شب‌ها او را مشاهده می‌کنند که تا صبح رکوع می‌کند و سجود می‌کند. «بابی من لا يأخذه في الله لومة لائم»^(۴). پدرم به قربانت ای آقای که وقتی کسی ملامت می‌کند که چرا این طوری هستی هیچ تأثیری در تو نمی‌کند.

و باز فرمودند: «بابی القائم بأمر الله»^(۵). پدرم به قربانت ای کسی که به امر الهی ایستاده‌ای تا او امر پروردگار را اطاعت کنی.

امام هشتم فرمود: «بابی و امی سَمِيَّ جَدِّي و شَبِيهِي و شَبِيه مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»^(۶). پدر و مادرم به قربان کسی که هم اسم جد من است و شبیه خود من است و

۱ - الغيبة للنعمانی، ص ۲۴۵.

۲ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۳.

۳ - «قسمتی از دعای طولانی حضرت موسی بن جعفر به عنوان تعقیب نماز عصر» فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۰۰.

۴ - فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۰۰.

۵ - فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۰۰.

۶ - الغيبة للنعمانی، ص ۱۸۰.



شبیهِ موسی بن عمران است.

همه‌ی ائمه خطاب به حضرت بقیه الله ارواحناده گفته‌اند پدر و مادرم به فدایت، و این بزرگ‌ترین جمله‌ای است که انسان در مقام محبت باید بگوید.

* * *

این یوسفی است که همه‌ی ائمه در فراقش گریه می‌کردند.

حسین بن علی کم شخصیتی نیست! امام صادق کم شخصیتی نیستند! در عین حال فرموده‌اند اگر ما زمان او را درک می‌کردیم تا آخر عمر خدمتگزارش بودیم^(۱)!

«عشق به امام زمان ارواحناده را از امام صادق بیاموزیم»

امام صادق شما که پدر بزرگوار این آقااست زانوهایش را روز جمعه، روز عید، روز نیمه‌ی شعبان، شاید هم هر روز توی بغلش می‌گرفت، صدا می‌زد ای پسر پیغمبر، ای آقای همه، ای عزیز همه، «عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ اَرٰی الْخَلْقَ وَ لَا تُرٰى»^(۲) «بر من سخت است که همه را ببینم و تو را نبینم».

چند نفر از اصحاب رفتند خدمت امام صادق دیدند حضرت نشسته

۱ - «عَنْ خُلَادِ بْنِ الصِّغَارِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَلْ وُلِدَ الْفَقَائِمُ فَقَالَ: لَا وَ لَوْ اَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ اَيَّامَ حَيَاتِي» الغيبة للنعماني، ص ۲۴۵.

۲ - «وَأَمَّا دُعَاءُ النَّدْبَةِ الْمُشْتَمِلُ عَلَى الْعَقَائِدِ الْحَقَّةِ وَ التَّأْسَفِ عَلَى غَيْبِهِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَمَرَوْى بِسَنَدٍ مُّعْتَبَرٍ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ إِذْ إِنَّ قِرَاءَتَهُ مَسْنُونَةٌ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ أَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمِ عِيدِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ عِيدِ الْأَضْحَى وَ يَوْمِ عِيدِ الْغَدِيرِ، وَ هُوَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ لَهُ الْحَمْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ....» زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۳۰۳.

زانوهایش را در بغل گرفته آنچنان گریه می کند که همه متوحّش شدند که چه خبر است؟

عرض کردند: آقا خدای نکرده مسئله ای پیش آمده؟

حضرت فرمود: در کتاب بزرگی که از پیغمبر به ما ارث رسیده نگاه می کردم، احادیثی مربوط به زمان غیبت بود، شیعیان ما در زمان غیبت چه می کشند! چقدر دلشان برای امام زمانشان آب می شود. بعد مطالبی فرمود و تمام اصحاب گریه کردند^(۱). رو کرد به روح مقدّس حجة بن الحسن ارواحفاده و خطاب کرد که: ای کاش من زمان ظهور تو را درک می کردم و در تمام عمرم خدمتگزاری بودم^(۲).

عشق به امام زمان را از امام صادق بیاموزیم

ما انسانیم، ما باید به انسانی عشق بورزیم. ما که مجنون عامری نیستیم که به هر چیزی عشق بورزیم. ما باید به یک موجودی که خدا به او محبّت دارد و امام صادق به او عشق می ورزد عشق بورزیم.

ما وقتی این قضیه را درباره ی مجنون می شنویم، که نشسته بود می نوشت لیلی لیلی.

«گر میسر نیست بر من کام وی» «عشق بازی می کنم با نام وی»

می گوییم لابد بهترینش همین است!

حالا مجنون، دیوانه ای بود که این کار را می کرد؛ من و شما باید چکار کنیم؟

۱ - کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲ - الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۵.



من و شما باید پیروی از امام صادقمان کنیم که سَدیر صیرفی می‌گوید: دیدم که حضرت گاهی که تنها بود رو به قبله می‌نشست با امام زمان ارواحناده حرف می‌زد^(۱).
می‌فرمود: پدر و مادرم به قربانت.

گاهی رو می‌کرد به مردم می‌فرمود: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدِمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^(۲) «اگر من او را درکش کنم تمام عمرم خدمتگزارش هستم.

چه اشکال دارد که ما هم عشق و علاقه‌ای به یک چنین فردی پیدا کنیم؟
مرحوم مجلسی در کتاب زادالمعاد، به سند معتبر از امام صادق نقل می‌کند که حضرت دعای ندبه را می‌خواند، همین دعای ندبه‌ای که شما می‌خوانید^(۳)، در دعای ندبه می‌گوید: «أَيْنَ بَقِيَةِ اللَّهِ».

* * *

بقیه الله کجاست؟ پسر فاطمه‌ی زهرا کجاست؟ آنقدر آیین آیین، یعنی کجاست کجاست، می‌فرماید؛ زانوهای غم را در بغل می‌گیرد و اینطور دارد صحبت می‌کند. تا جایی می‌رسد که می‌گوید «بابی انت و امی»، پدر و مادرم به قربانت! پدر و مادرم

۱ - «عَنْ سَدِيرِ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو بَصِيرٍ وَ أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ فَرَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى التُّرَابِ وَ عَلَيْهِ مِسْحٌ خَبِرِي مُطَوَّقٌ بِلَا جَبٍ مُقَصَّرُ الْكُمَيْنِ وَ هُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِدِ الثَّكَلِيِّ ذَاتِ الْكَيْدِ الْحَرِيِّ قَدْ نَالَ الْحُزْنَ مِنْ وَجْنَتَيْهِ وَ شَاعَ التَّغْيِيرُ فِي عَارِضِيهِ وَ أَلْبَى الدُّمُوعُ مَخْجَرِيهِ وَ هُوَ يَقُولُ: سَبْدِي غَيْبَتُكَ نَفْتٌ رُقَادِي وَ ضَيَّقْتُ عَلَى مِهَادِي وَ ابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فَوَادِي» کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲ - الغيبة للنعمانی، ص ۲۴۵.

۳ - «أَمَّا دُعَاءُ التَّذْبَةِ الْمُشْتَمِلُ عَلَى الْعَقَائِدِ الْحَقَّةِ وَ النَّاسَفِ عَلَى غَيْبَتِهِ عَجَلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَمَرُوى بِسَنَدٍ مُعْتَبَرٍ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ إِذْ إِنَّ قِرَاءَتَهُ مَسْنُونَةٌ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ أَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمِ عِيدِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ عِيدِ الْأَضْحَى وَ يَوْمِ عِيدِ الْغَدِيرِ» زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۳۰۳.

فدایت، «بابی انت و امّی و نفسی»، جانم به قربانت آقا، «عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ اَرٰی الْخَلْقَ وَ لَا تُرٰى». بر من سخت است که همه را ببینم و تو دیده نشوی.

«سید بن طاووس و سید بحر العلوم عاشق امام زمان ارواحناده بودند»

عاشق حضرت می دانید کیست؟ سید ابن طاووس رحمه الله است. اما آنها هم لیاقت نداشتند ولی خُب یک خُرده ای زمینه اش را آماده کرده بودند تا حضرت اظهار لطف کردند.

سید بحر العلوم رحمه الله کسی است که وارد حرم حضرت امیر می شود می بیند آقا بالا سر نشسته اند، دارند قرآن می خوانند. می گوید:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رُخْت نظاره کردن سخن خدا شنیدن^(۱)

در بین نماز، جمعیت دارند پشت سرش نماز می خوانند دیدند سید در موقعی که می خواهد بلند شود بایستد همین طور متوقّف شده، مات و حیران به دَم در نگاه می کند. جمعیت هم همین جور ماندند که چرا ایشان اینطور است!

بعد از نماز یکی از خَصّیصین ایشان سؤال کرد آقا چه شد؟

گفت: دیدم آقا از درِ حرم داخل شد، من مبّهوت جمالش شدم^(۲).

در آن دسته ی سینه زنی طویرج دیدند این مرجع تقلید، که با اصحابشان با علما دارند حرکت می کنند به طرف کربلا، یک دفعه عبا را انداخت، قبا را کند، عمامه را

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۲ - بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۷.



گذاشت کنار و رفت توی هیئت سینه زنی، با یک مشت مردم دهاتی که دارند سینه می‌زنند شروع کرد به سینه زدن، خیلی تعجب کردند.

بعد عرض کردند: آقا شما چرا اینطور کردید؟

فرمود: دیدم حجة بن الحسن ارواحناده دارد بین اینها سینه می‌زند، من هم رفتم^(۱).

ما این جوری باید باشیم. مبهوت جمال آقا بود. اینها لیاقت دارند. آن وقت سید بحر العلوم رحمه الله به آنجا می‌رسد که یکی از شاگردان نزدیکش می‌گوید: نشسته بود سرش پایین بود، من هم پهلویش نشسته بودم.

یک نفر از آن دور سؤال کرد که: آیا در زمان غیبت کبری می‌شود خدمت امام زمان رسید؟

او جواب نداد. چون آدم اینقدر نادان و احمق باشد که حالا تازه سؤال می‌کند که می‌شود رسید، یا نمی‌شود رسید؟

سید بحر العلوم رحمه الله به او جواب نفرمود. ولی آهسته گفت: که چطور نمی‌شود خدمتش رسید که مکرر حضرت مرا در بغل گرفته است!

«اظهار محبت حاج ملا آقا جان به امام زمان ارواحناده»

خدا رحمت کند استاد ما حاج ملا آقا جان رحمه الله را، دعای معمولی را می‌خواند می‌گفت: آقا جان. و مثل اینکه دست آقا را گرفته همین‌طور می‌بوسید و اظهار علاقه می‌کرد! و واقعاً اینطور بود.

۱ - کتاب ملاقات با امام زمان ارواحناده، ج ۲، ص ۳۱۸ - کرامات حسینیه، ج ۲، ص ۲۱۴.

من را بیدار می کرد می گفت: فلانی بلند شو مثلاً برای نماز شب یا نماز صبح. می دیدم آن اطاق را یک بوی عطر عجیبی پر کرده که به خدا قسم عطر معمولی نبود. ماها کجاییم؟

وقتی که شب می خوابید، رو به قبله می خوابید. یک دستش را دراز می کرد. می گفتم: آقا چرا این طوری می خوابید؟

می گفت که: من مثل گداهایی که کنار کوچه و بازار تمام بدنشان کبود است و سر راه مردم می خوابند و یک دستشان را می کشند که شاید کسی یک چیزی بیاندازد کف دستشان، می خوابم که آقام اگر در خواب از این مسیر عبور کردند به این گدایشان یک لطفی کنند.

اینطور بعضی ارتباط برقرار می کردند.

این شعر را زیاد می خواند. می گفت:

«نیست در لوح دلم جز الف قامت یار»

«چه کنم، حرف دگر یاد نداد استاد»

ما هم ادای او را در می آوریم. لیاقت اینکه حتی اسم حضرت را به زبان جاری کنیم نداریم، واقعاً خودم را لایق نمی دانم، اما چه کنم حرف دگر یاد نداد استاد.

می نشست می گفت: «یا صاحب الزّمان». شما هم اینطور باشید. اگر می خواهید در دنیا عزّت داشته باشید، همین طوری که من می گویم باشید.

می نشینید بگویید: «یا صاحب الزّمان»

بر می خیزید بگویید: «یا صاحب الزّمان».

من بیدارش می کردم، از طرز نفس کشیدنش معلوم بود که در خواب عمیقی است.



بیدارش می‌کردم، چشم‌هایش را باز می‌کرد می‌گفت: «یا صاحب الزّمان». عادت کرده بود.

«محبّت مرحوم حاج سید رضا ابطحی رحمه الله به امام زمان ارواحنافداه»

پدرم بدون تردید یکی از منتظرین ظهور حضرت بقیة الله ارواحنافداه بود که شب و روز در فراقش قرار نداشت، اشک می‌ریخت و گریه می‌کرد.

فراموش نمی‌کنم او نیمه‌های شب از خواب بر می‌خواست و از خدای تعالی فرج حضرت را طلب می‌کرد و به ما می‌فرمود: بهترین اعمال انتظار فرج است.

ایشان مکرّر خدمت حضرت رسیده بود و در راه رسیدن به این سعادت عظمی زیاد تلاش می‌کرد.

در یکی از سفرهای عمره‌ی مفرده که در خدمتشان بودم، در نیمه شبی در مسجدالحرام دیدم مثل زن بچه مرده گریه می‌کند.

سؤال کردم چه شده؟

فرمود: از سر شب مکرّر به دور خانه‌ی کعبه به نیت زیارت حضرت طواف کرده‌ام ولی هنوز به زیارتشان موفّق نشده‌ام.

من او را دلداری دادم و به احتمال قوی آن شب، عاقبت به مقصد رسید.

۳- «حالات عاشق امام زمان ارواحنافداه»

«عاشق امام زمان ارواحنافداه برای ظهور، لحظه شماری می‌کند»

یک وقتی یک کسی به من گفت که در خواب دیدم که چهارده سال دیگر امام زمان

ظاهر می شود.

من خیلی ناراحت شدم. تعبیر کردم گفتم: منظور چهارده روز دیگر بوده. در قطار بودیم، گاهی می خوابیدیم گاهی بیدار می شدیم. در خواب دیدم آقائی به من فرمودند: تو اگر عاشق بودی، تو اگر محب بودی، چهارده روز هم حاضر نبودی صبر کنی!

ماها عاشق نیستیم.

یک روز خدمت یکی از علما بودیم گفت: شما چقدر اسم امام زمان را می برید؟ شاید صدهزار سال دیگر حضرت نیاید!

آن عالم بزرگی بود، روی یک نادانی گفت، عالم بود ولی در این جهت نادان بود، خدا می داند اگر آنجا آزاد بودم بر سر او می زدم. چطور دل تو می آید، تو چطور محبی هستی که می گویی شاید. شاید هم نگو، خدا می داند من گاهی می خواهم بگویم: خدایا مثلاً فردا صبح امام زمان بیاید، دلم نمی آید، می گویم همین الآن بیایند. عشق انسان، علاقه انسان این طوری است.

«عشق جوان آمریکایی به امام زمان ارواحنا فدا»

قبل از انقلاب در مشهد، ما از این توریست هایی که وارد ایران می شدند دعوت می کردیم که بیایند و از اسلام تحقیق کنند. طبعاً چند نفر مترجم به زبان های مختلف داشتیم. اینها هم دسته دسته می آمدند.

من مقید بودم که اینها در دو مسئله اعتقادی کاملاً وارد باشند. یکی در مسئله خلافت بلا فصل علی بن ابیطالب، یکی هم مسئله وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فدا.



لذا ما خودمان را موظف می‌دانستیم که اگر درباره‌ی اثبات وجود خدا زیاد با آنها بحث نمی‌کنیم، یا درباره‌ی اثبات نبوت پیغمبر اکرم بحث نمی‌کنیم، این دو مسئله را کاملاً با آنها بحث کنیم که از این جهت ما آنها را آماده کنیم که در مقابل دشمنان اسلام و تشیع و دشمنان حضرت بقیة الله ارواحناده آماده باشند.

لذا من با یک جوان آمریکایی که اسمش داوود یا دیوید بود، شب‌های مختلف راجع به امام عصر صحبت می‌کردم، ولی یک شب جمعه‌ای بود حالا چطور شد یک حال توجه فوق‌العاده عجیبی به او دست داد که خدا می‌داند این حال توجه باید برای هر یک از دوستان امام عصر و شیعیان باشد.

گفت: این شخصی که شما می‌گویید آیا توی همین مردم است؟
گفتم: بله^(۱).

گفت: مثلاً در بین مردم زندگی می‌کند؟
گفتم: بله.

گفت: پس چرا شما اینطور راحت نشسته‌اید؟ شما یک همچین امامی که قلب عالم امکان است، همچین موجودی که همه‌ی سعادت در نزد اوست، یک همچین فردی که یدالله و عین‌الله و اذن‌الله و لسان‌الله است^(۲)، این زنده باشد، توی این ربع مسکونی زندگی کند، در بین همین مردم معمولی باشد و شما راحت نشسته باشید؟! ما در مسجد صاحب الزمان مشهد بودیم اتفاقاً نزدیک نماز بود و اجتماعی توی

۱ - «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا» مفاتيح الجنان، دعای ندبه.

۲ - «عَنْ أَشْوَدَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ فَأَنْشَأَ يَقُولُ ابْتِدَاءً مِنْهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَنَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ وَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ» کافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

مسجد بودند، او پرده را عقب زد گفت: اینها چرا بیکار نشسته‌اند؟ چرا داد نمی‌زنند؟
چرا فریاد نمی‌زنند؟

یک همچنین حالی پیدا کرده بود، چون ما یک‌طوری با او بحث کرده بودیم که یقین کرده بود امام عصر وجود دارد و خدا می‌داند آن شب تا صبح گریه کرد، یک حال توجّه روحی با امام زمان ارواح‌نفاذ پیدا کرده بود که بعد از چند روز به من می‌گفت: مثل اینکه آقا در دل من است، شعاع نور مقدّسش در دل من تابیده و من با او حرف می‌زنم و او جواب مرا می‌دهد.

«عشاق امام زمان ارواح‌نفاذ، روز جمعه خیلی محزون‌اند»

دوستان امام زمان ارواح‌نفاذ جمعه‌ها محزون‌اند، نه اینکه تحمیلی محزون باشند، و آنهایی که بیشتر از ما منتظرند، عصر جمعه بیشتر محزون‌اند و بیشتر از ما دلشان می‌سوزد و بیشتر از ما در ارتباط با حضرت‌اند و بیشتر از ما هم امام زمانشان و موقعیت حجّه بن الحسن ارواح‌نفاذ را می‌فهمند و زیاد محزون می‌شوند.

«دعای ندبه، دعای عشاق امام زمان ارواح‌نفاذ است»

دعای ندبه در روزهای عید برای عشاق ضرورت دارد که خوانده شود.
ندبه یعنی گریه‌ی با صدا. کسی را که عقده‌اش ترکیده می‌گویند بگذارید گریه کند.
روز عید همه‌ی مردم خوشحالند اما آن که در فراق امام زمان ارواح‌نفاذ می‌سوزد می‌گوید: ای کاش من هم خوشحال بودم چون خوشحالی من بدون ظهور معنا ندارد.
شما اگر عشاق مجازی را دیده باشید هر چه افراد اطرافشان خوشحال‌ترند آنها ناراحت‌تر هستند. کسی که اهل محبّت و عشق است عاشق امامش هست ممکن است



گنه کار باشد اما این شخص دعای ندبه را بیشتر دوست دارد و بیشتر می خواند.
 یک ولی خدایی را دیدم که هیچ وقت دعای ندبه را نمی توانست تمام کند، تا به
 این کلمات می رسید «این ابن النبی المصطفی^(۱)» غش می کرد و می افتاد.

دعای ندبه، دعای عشاق امام زمان است

دعای ندبه مال عشاق است. کسانی که عشق به آینده ی خوبِ مردم مسلمان دارند
 دعای ندبه می خوانند.

کسانی که دوست دارند مردم از بدبختی نجات پیدا کنند دعای ندبه می خوانند.
 کسانی که مردم دوست اند، کسانی که انسانند، دعای ندبه می خوانند.
 غصّه می خورند برای اینکه چرا مردم گرفتارند! چرا مردم نمی توانند به حقّشان
 برسند.

دعای ندبه یعنی دعای گریه. گریه ی بلند، بلند.

چرا باید دعای ندبه بخوانند؟

شما اگر یک ناراحتی داشته باشید و توی یک مجلس جشنی بروید که همه
 خوشحال اند آنجا شما یک گوشه ای می نشینید و با خودتان فکر می کنید که ای کاش
 من هم خوشحال بودم!

یک مریض اگر در یک مجلسی که همه می گویند و می خندند و سر حال اند او دارد
 درد می کشد محزون تر می شود، می گوید: ای کاش من هم مثل اینها می توانستم
 خوشحال باشم.

دوستان امام زمان ارواحناده روز جمعه باید محزون باشند یعنی نه اینکه تحمیلی محزون باشند نه، طبعاً عصر جمعه یک قدری حزن خودش را نشان می دهد. اکثراً اینطورند، عصرهای جمعه ناراحت می شوند، محزون می شوند.

حتی یک نفر می گفت: من در عصر جمعه با اینکه می روم تفریح در عین حال محزونم. چون انسان یک سیم ارتباطی با اولیای خدا دارد.

عاشق امام زمان در روز عید محزون است

معنای دعای ندبه این است که خدایا، همه در روز عید خوشحال اند ولی ما محزونیم، چشمان را به در دوخته ایم که شاید محبوب ما، معشوق ما هم بیاید و ما هم مثل همه ی مردم خوشحالی مان تکمیل شود، لذا در دعای ندبه با فریاد گریه می کنیم و می گویم: «این بقیه الله»، یعنی آن باقی مانده ی علم خدا، آن مابقی معرفتی که باید به خدا داشته باشیم، آن مابقی صفات پروردگار چه شد؟

«عشق به امام زمان ارواحناده، سبب ملاقات است»

یک کسی از متدینین و مقدّسین مشهد بود که بسیار مرد خوبی بود، خدا رحمتش کند مکرّر خدمت حضرت رسیده بود.

شخصی آمد به من گفت که: چرا این آدم این همه خدمت حضرت رسیده ولی آن شخص که معروف به دیانت است که واقعاً هم من قبولش داشتم نرسیده؟!

گفتم: می رویم از خودشان می پرسیم.

با آن شخص متدین در یک جا برخورد کردیم از او پرسیدم که: این اعمال عبادی را برای چه انجام می دهی؟



گفت: چون خدا دوست دارد من انجام می‌دهم.

گفتم: هیچ وقت شده به این نیت اعمال عبادیت را انجام بدهی که شاید چشمت به محبوبت حضرت بقیة الله ارواحناده بیافتد؟
یک قدری تأمل کرد و گفت: نه.

ولی آن یکی می‌گفت: من هر که را می‌بینم که ظاهر الصلاح است، قیافه‌ی متشرعی دارد قدری نگاهش می‌کنم شاید آقایم حجة بن الحسن ارواحناده باشد. در حرم می‌روم به همه نگاه می‌کنم شاید امام زمان من در بین این مردم باشد.
من به آن دوستان گفتم: فرق این دو نفر این است. درست است آن یکی متدین است، همه چیز هم دارد، اما این شخص عاشق است.

همین‌طور هم بود. مکرر خدمت حضرت مشرف شده بود. گاهی حضرت بقیة الله ارواحناده را در حرم حضرت رضا دیده بود، گاهی در مسجد جمکران دیده بود.

شما هم همین‌طور باشید، نمی‌خواهم بگویم ساده لوحی کنید و تا دیدید یک نفری خوش قیافه است بروید به نیت امام زمان ارواحناده دامنش را بگیرید و به او اظهار محبت کنید. نه!

نگاهش کنید. شاید آقا باشد.

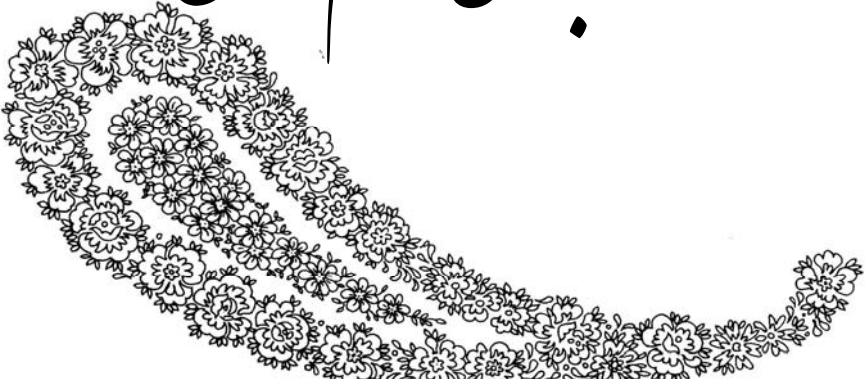
«هر که را بینم گمانم که تویی»

انسان اگر دوستش را گم کرده باشد به همه نگاه می‌کند شاید دوستش آن کسی باشد که دارد می‌رود. اگر از پشت سر نشناسد می‌رود از جلو نگاهش می‌کند.



بخش سوم

دعا برای امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف





«به جای دعا برای خود، برای امام زمان ارواحنافداه دعا کنیم»

در قرآن خدای تعالی می‌فرماید: ﴿إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها﴾^(۱)
معنای آیه شریفه این است که وقتی تو برای امام زمان دعا کردی امام زمان ارواحنافداه هم برای تو دعا می‌کند.

وقتی جدّی دعا کردی امام هم جدّی دعا می‌کنند، اما اگر با حواس پرتی دعا کردی امام جدّی برایت دعا نمی‌کند.

اگر با توجّه بعد از هر نماز گفتی: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا» وقتی شب قدر با آن اهمیت و فرصت کم و لحظات حسّاس این دعا را انجام دادی و در اوقات دیگر که بیشتر فرصت داری بعد از هر نماز این دعا را خواندی و در هر وقتی که به یاد امام زمانت افتادی در قنوت نماز این دعا را گفتی؛ آن وقت امام زمان ارواحنافداه تو را دعا می‌کند.

منتها فرق دعای تو با دعای حضرت این است که دعای آن حضرت مستجاب هم هست!

وقتی در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان دائماً می‌گویی: «اللَّهُمَّ كُنْ

لَوْلَيْكَ^(۱)...» حضرت هم یقیناً تو را دعا می‌کند.

لذا ما معتقدیم که هر چه می‌خواهید برای خودتان دعا کنید برای امام زمانتان دعا کنید. چون وقتی او دعا کرد دعایش در حقّ شما مستجاب است.

دعا برای امام زمان ، به خودمان بر می‌گردد

در زیارت آل یاسین قسمت عمده‌اش دعای بعد از زیارت است که می‌فرماید «اللهم صلّ علی محمد حجّتک فی ارضک و خلیفتک فی بلادک...»^(۲) یعنی خدایا رحمت خاصّه‌ات را بر وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحناده بفرست، تا آخر دعا که همه‌اش برای حضرت بقیة الله ارواحناده است.

یقین بدانید همان جا حضرت می‌ایستد برای شما دعا می‌کند، چون نمی‌شود شما برای امام زمان ارواحناده دعا کنید و حضرت برای شما دعا نکند! واجب است که او برای شما دعا کند، همانطوری که جواب سلام واجب است!

وقتی گفتم: «اللهم واحفظه من بین یدیه و من خلفه...»^(۳) بعضی اشک از چشمشان جاری است زیرا محبوب‌ترین موجودات کره‌ی زمین را دعا می‌کنیم و سلامتی‌اش را از خدا می‌خواهیم.

۱ - این دعای شریف را تمام کتب روایی در زمره اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ذکر فرموده‌اند مانند: کافی، ج ۴، ص ۱۶۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۰۳. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹.

۲ - این زیارت یکی از زیارات حضرت بقیة الله ارواحناده است که اصل آن در ضمن یکی از توقیعات آن حضرت در احتجاج طبرسی رحمه الله، جلد ۲ صفحه ۴۹۲ آمده و همچنین در بحار الانوار جلد ۵۳، صفحه ۷۱ و جلد ۹۸، صفحه ۲ و مفاتیح الجنان نقل شده است.

۳ - بحار الانوار جلد ۵۳، صفحه ۷۱ و جلد ۹۸، صفحه ۲.



درست است حضرت ولی عصر در أمن الهی است^(۱)، خدا اراده کرده که او را نگه دارد ولی در دعا می‌گوییم: خدایا او را از پیش رو، از پشت سر، از بالای سر، از پایین پا، از سمت راست و از سمت چپ حفظ کن.

اینها همه معنایش این است که من این آقا را دوستش دارم، او هم می‌گوید: من هم تو را دوست دارم.

منتها دعای تو قبلاً مستجاب شده و او امام مأمون است و دعای امام زمان ارواحنا فداه درباره‌ی تو به اجابت می‌رسد.

خیلی برای حضرت دعا کنید. نتیجه‌ی دعا در حقّ ولی عصر به خودتان بر می‌گردد و اظهار محبّت به وجود مقدّس حضرت ولی عصر کرده‌اید و بخصوص این دعا را زیاد بخوانید که این نتایج را هم دارد.

«دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فداه دعا برای رفع همه‌ی مشکلات است»

دعایی که اساس رفع همه‌ی گرفتاری‌هاست چیست؟

آیا علم می‌خواهید؟

زندگی خوب می‌خواهید؟

بهشت می‌خواهید؟

می‌خواهید مردم در رفاه باشند؟

می‌خواهید عدالت در سراسر عالم برقرار شود؟

این که ما می‌خواهیم بی‌کس نباشیم. اینکه ما می‌خواهیم سرخود ول نباشیم. این

۱ - «السَّلامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُأْمُونُ» مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

تقاضای فوق العاده ای نیست، این حقّ ماست. منتها این حقّ را فراموش کرده ایم. دعا برای فرج حضرت بقیة الله ارواحناده همه‌ی اینها را درست می‌کند.

«دعا، در امر فرج امام زمان ارواحناده تاثیر دارد»

هر شیعه‌ای که دعا برای فرج می‌کند، هر جمعی که دست به دعا بر می‌دارند و برای فرج آن حضرت دعا می‌کنند و هر اشکی که در فراق آن حضرت از چشمی یا از چشمانی می‌ریزد و یا هر دعای ندبه‌ای که با سوز و گداز خوانده می‌شود، همه‌ی اینها در فرج امام عصر مؤثر است.

نهایت، ما آنقدر کارهایی کرده‌ایم که برای خودمان حجاب‌هایی بوجود آورده‌ایم و فاصله‌هایی بین خودمان و امام زمان قرار داده‌ایم که الآن در یک تاریکی فوق العاده‌ای زندگی می‌کنیم که صدها حجاب، فاصله، دیوار اطراف این سلول زندانی که ما هستیم گذاشته‌اند. آنقدر که اصلاً فراموش کرده‌ایم که ممکن است حتی یک‌درصد امام عصر تشریف بیاورد.

این حجاب‌ها از طرفی با گناهانمان، با غفلت‌هایمان، با بی‌توجهی‌هایمان زیاد می‌شود و از طرفی هم با دعا‌هایمان، با مناجات‌هایمان، با اشکمان و با دعای ندبه‌مان برداشته می‌شود.

و خدای تعالی یک‌یک این حجاب‌ها را از بین می‌برد ولی تا حجاب آخر، تا دیوار آخر را خراب نکنند، شما متوجّه نور نمی‌شوید. دعا برای فرج، فرج می‌رساند. منتها یک مقدار تحمّل می‌خواهد.

بیایم به جای همه‌ی مداحی‌ها، به جای همه جشن‌ها، به جای همه‌ی مسائلی که درباره‌ی حضرت بقیة الله ارواحناده عرض می‌کنیم یک چیزهایی بگوییم که مردم را نسبت به معرفت آن حضرت روشن کنیم.



بخش چهارم

انتظار فرج امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف



«انتظار فرج، عاشق امام زمان ارواحناده را می سازد»

ما دوست داریم و محبتمان ایجاب می کند که بگوئیم: امام زمان ارواحناده یک چشم به هم زدن و حتی نزدیک تر از آن می آیند یعنی باید این طوری باشیم. کسانی که می گویند: خیلی مانده است تا امام زمان ارواحناده بیاید، اینها لااقل اهل محبت نیستند.

هیچ وقت هیچ عاشقی این حرف را نمی گوید. بر فرض هم که بداند خیلی مانده است، دلش نمی آید که به زبان بیاورد. چنین کسانی که می گویند: خیلی مانده است تا آن حضرت بیاید، از کسانی هستند که به فکر خودشان، به فکر شکمشان و بهشتشان هستند و اهل محبت نیستند.

شما می بینید که در محبت های ظاهری هم همین طور است.

آقا تلفن زده که من امروز عصر راه می افتم و فردا می رسم یعنی یک شبانه روز طول می کشد. او که منتظر است ناراحت است می گوید: بلند شوم اتاق را مرتب کنم وضع را منظم کنم. البته شاید بعضی ها بگویند حالا حوصله داری، همان لحظه ای که می خواهد بیاید یک ساعت قبل کارها را می کنیم!

ولی عاشق یک التهایی برای آمدن معشوقش دارد.



انتظار فرجی که افضل اعمال است^(۱) اگر انسان بگوید تا فردا حتماً حضرت نمی‌آید و از امروز تا فردا دیگر انتظار ندارد و از حالت انتظار خارج می‌شود و فردا هم که روی جریان طبیعی می‌آید، دیگر انسان منتظر نیست!

انتظار این است که انسان لحظه شماری بکند که الآن حضرت می‌آید و یا یک لحظه‌ی دیگر می‌آید.

مثل مهمانی که انسان زیاد دوستش دارد و خبر هم داده که حتماً می‌آید ولی لحظه و ساعتش را تعیین نکرده است. انسان در اولین فرصت، خانه و وضع و وسائل پذیرائی‌اش را مرتب می‌کند و منتظر می‌نشیند.

و لذا اینکه می‌گویند: مکتب انتظار، مکتب سازندگی است، واقعاً اینطور است و انسان را می‌سازد.

امام زمان ارواحناده بیاید و من حریص به دنیا باشم؟!

امام زمان ارواحناده بیاید و من گنهکار باشم؟!

امام زمان ارواحناده تشریف بیاورند و من در فلان صفت رذیله باشم؟!

نه، زود خودش را جمع و جور و آماده می‌کند و لذا افرادی که می‌فهمند حضرت ولی عصر چه می‌خواهد، زود خودشان را می‌سازند.

۱ - «مِمَّا كَتَبَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْثَمُمِيُّ وَ اعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ الْجَنَّةُ لِلْمُؤَحِّدِينَ وَ النَّارُ لِلْمُجْهِدِينَ وَ لَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ مِنْهَا وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ انْتَظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمِّي انْتَظَارُ الْفَرَجِ وَ لَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُرْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا الْحَدِيثُ».

بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۷.

«منتظر فرج، در همه حال منتظر امام زمان ارواحناده است»

دنیاى بعد از ظهور نسبت به دنیاى قبل از ظهور مثل بهشت است نسبت به زندان. ما در دنیا صدها گرفتارى داریم، هر کارى مى‌کنیم از این گرفتارى‌ها نجات پیدا نمى‌کنیم. فکر مى‌کنیم این گرفتارى ما مربوط به این است که فلان شخص در رأس کار است او را عوض مى‌کنیم مى‌بینیم باز هم گرفتاریم. گرفتارى پشت سر هم، ناراحتی‌ها، بدبختی‌ها، گرانی‌ها، تورم‌ها، انسان را فلج مى‌کند.

بى‌عدالتی‌هایی که واقعاً انسان گاهی مى‌بیند که چقدر باید به بشر بى‌عدالتی بشود. هر کارى مى‌کنیم مى‌بینیم درست نمى‌شود، و همه‌ی اینها مثل این است که توى جهنّم انسان بخواهد یک محیط خنکى را برای خودش درست بکند، ولى نمى‌شود.

و این وضع ادامه خواهد داشت تا وقتی که آن فرزند پاک فاطمه‌ی زهرا بیاید. و لذا از خدا بخواهید و هر چه دعا دارید در این جهت کنید که خدا فرج امام زمان را برساند. و فکر هم نکنید خیلی مانده، نه.

ان شاء الله خیلی نزدیک است. بعضی‌ها معتقدند دیر هم شده، یعنى خیلی زودتر از اینها بنا بود امام عصر ظاهر بشود و گناهان ما و بى‌توجهی‌های ما و بى‌محبتی‌های ما باعث عقب افتادنش شده.

دعا کنید. بهترین اعمال این است که شما انتظار فرج امام زمان ارواحناده را داشته باشید^(۱) و کسی هم که منتظر یک محبوبی هست طبعاً از خدا مى‌خواهد که خدایا او را

۱ - «قَالَ النَّبِيُّ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمِّي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ وَ لَا يَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۶.



برسان؛ چشمش به در است که چه وقت از در وارد می شود. آنهایی که انتظار واقعی دارند هر صبح جمعه که از خواب بیدار می شوند منتظرند که صدای دلربای امام عصر را بشنوند.

«منتظر فرج، خودش را کاملاً از نظر روحی آماده می کند»

منتظر امام زمان ارواحفاده، آن کسی است که جان و مالش را اوّل بدهد، تمام صفات رذیله را از خودش دور کند، کمالات لازم را در خودش بوجود بیاورد، خودش را درست کند و بعد بگوید: آقا بیا.

آن وقت از دو حال خارج نیست یا ظهور عمومی و فرج کلی است، یعنی زمان ظهور رسیده که شما می شوید از مقرّبین دستگاه امام زمان ارواحفاده.

یا زمان ظهور نرسیده که اگر شما صفات رذیله را از بین بردی و صفات حسنه را در خودت ایجاد کردی و منتظر واقعی شدی حضرت برای تو ظهور می کنند.

یعنی اگر اهل دنیایی تمام آن مزایایی که بعد از ظهور هست به تو می دهند، مریض نمی شوی، و اگر مریض شدی زود خوب می شوی و زندگیّت رو به راه می شود.

اگر اهل معنویات باشی از خود حضرت بطور مستقیم تمام مسائل روحی و کمالات را دریافت می کنی.

منتها انسان وقتی به آن مرحله می رسد صاحب سرّ است، احدی نمی فهمد که این شخص با حضرت چه ارتباطی دارد، شب تا صبح مشغول راز و نیاز است، با حضرت نشسته گرم صحبت است، صبح شما خیال می کنید که نماز صبحش را هم نخوانده است.

«منتظر فرج، تزکیه‌ی نفس می کند»

اوّل قدمی که یک منتظر ظهور باید بردارد این است که خودش را بسازد، تزکیه‌ی

نفس کند. به جهت اینکه وقتی حضرت ببیند که تو حسودی، توی جبهه راهت نمی دهد، توی دوستان خودش راهت نمی دهد؛ بداند ضعیفی و استقامت نداری توی سربازان خودش قرارت نمی دهد؛ بداند چرتی هستی و گاهی به یاد خدا و دین می افتی و گاهی نمی افتی تو را راه نمی دهد؛ بداند در صراط مستقیم نیستی تو را راه نمی دهد. حالا خودت می دانی، باید هیچ یک از این مسائل در وجود تو نباشد و تزکیه ی نفس کنی.

«منتظر فرج، قبل از ظهور کارهایش را ردیف می کند»

بنابراین کوشش کنیم ان شاء الله یک جوری باشد که وقتی آقا تشریف می آورند شروع کرده باشیم، اقلّاً یقظه را داشته باشیم، بیدار شده باشیم، ترک گناه کرده باشیم، واجباتمان را صحیح انجام بدهیم.

شما وقتی می خواهید یک خانه ای بسازید فکر می کنید در آن چطور باشد، پرده اش چطور باشد، خصوصیاتش چطور باشد، همه ی اینها را ملاحظه می کنید در حالی که شاید بعدش فروختید و دست کس دیگری افتاد!

در اینجا هم دینتان را، مراحتان را، حمد و سوره ی نمازتان را، مسائلتان را یاد بگیرید، احکامتان را متوجّه باشید، قیافه ای داشته باشید که اگر الآن امام زمان ارواحناده آمد بتوانید لا اقلّ خودتان را متشرّع نشان بدهید.

من برای همین جهت است به تمام دوستان گفته ام محاسنتان را نتراشید، چون یک وقت امام زمان ارواحناده می آید می گوید: آقا این چه وضعی است؟

عادت به چیزی نداشته باشید، سیگار نکشید، دهانتان بوی سیگار ندهد، می خواهید با امام زمانتان ملاقات کنید، من مکرّر دیده ام دوستان وقتی می خواهند بیایند با من معانقه کنند احساس می کنم که تازه عطر زده اند. در حالی که شاید من زکام



باشم و اصلاً بوی عطر را متوجّه نشوم. شما برای یک معانقه، یک بوی خوبی تهیه می‌کنید، برای امام زمانتان چکار می‌کنید؟

همیشه لباس‌تان تمیز باشد حتّی همه‌ی جزئیات را رعایت کنید، همیشه مرتّب باشید. اگر الآن امام عصرتان از در وارد شد، به در و دیوار نگاه کرد بفرمایند: بارک الله. اگر آیات قرآن را به دیوار کوبیده باشید می‌فرمایند: بارک الله، اما اگر عکس یک هنرپیشه را به دیوار منزلتان زده باشید، آیا باز هم به شما می‌گویند: بارک الله؟ اگر می‌گویند؟ بزنید.

اگر نمی‌گویند؟ بردارید، همین الآن که رفتید خانه بردارید. همین الآن وضع قلبتان که مرحله‌ی مهمّ‌تری است را بررسی کنید، توی قلبتان وسوسه‌های شیطانی نباشد؛ به فلان نامحرم نگاه کردید یک تصویری از آن در قلبتان منعکس می‌شود، این کار را نکنید، از امام زمانتان بترسید.

کوشش کنید تمام وجودتان جوری باشد که امام زمان ارواحفاده را خوشحال کند. من گاه گاهی انگشتر عقیقم را همین طور بی توجّه دست چپم می‌کنم بعد می‌گویم: در روایت دارد انگشتر عقیق را در انگشت راست کنید^(۱)، می‌گویم در بیاورم در انگشت راستم بکنم. چرا؟

شاید الآن امام زمان ارواحفاده تشریف بیاورند، خواستند لطفی بفرمایند، به من یک توجّهی بفرمایند - گرچه همیشه توجّه معنوی دارند - نگویند: چرا این کار که مستحب بوده انجام ندادی؟

۱ - «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: تَخَتَّمُوا بِالْعَقِيقِ بِيَارَكٍ عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا فِي أَمْنٍ مِنَ الْبُلَاءِ» وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۹۰ بَابُ اسْتِحْبَابِ اسْتِصْحَابِ الْعَقِيقِ فِي السَّفَرِ وَالْخَوْفِ وَ فِي الصَّلَاةِ وَ فِي الدُّعَاءِ.

«منتظر فرج، همه چیزش را مرضی آن حضرت می‌کند»

یک ضابطه‌ی کلی برایتان عرض می‌کنم، اگر می‌خواهید در صراط مستقیم قرار بگیرید، خانه‌تان را طوری بسازید و زندگیتان را طوری ترتیب بدهید که اگر الآن امام زمان از در تشریف آوردند هیچ ایرادی به زندگی شما نگیرند. اعمالتان طوری باشد که اگر امام زمان ارواحناده تشریف آوردند هیچ ایرادی به اعمال شما نداشته باشند. زن و بچه‌تان طوری باشند که اگر امام زمان ارواحناده تشریف آوردند هیچ ایرادی از آنها نگیرند. شغلتان طوری باشد که اگر امام زمان ارواحناده تشریف آوردند هیچ ایرادی نگیرند. اگر این طوری شدید و یک مدّت هم ادامه دادید آن وقت امام زمان ارواحناده به دیدن شما می‌آید؛ به خدا قسم می‌آید، اما وقتی که اینطور نیستید چه توقّعی دارید؟

باید همه چیزمان امام زمانی باشد

این را ان شاء الله هر جوری هست جدّاً رعایتش کنید، گاهی انسان یک جوری توی مردم حرکت می‌کند که اگر بگویند این امام زمانی است می‌گویند این با آن قیافه‌اش؟ با آن اعمالش؟ با آن زبان هرزه‌اش امام زمانی است؟! در حالی که این شخص توی دلش پُر از محبّت است، ما دیده‌ایم.

گاهی در تلویزیون می‌بینید یک جوان نشسته، همه جور هم ممکن است از سر و صورتش معصیت ببارد اما تا اسم امام زمان ارواحناده را می‌برند اشکش می‌ریزد! محبّت قلبی دارد، ایمان دارد، با زبان و قدمش هم به طرف امام زمان ارواحناده آمده اما عملش درست نیست!

بیا باید تصمیم بگیریم که اگر امام زمان ارواحناده تشریف بیاورد و وارد خانه‌هایمان



بشوند بفرمایند: «خوب زندگی داری، زنِ بسیار متدین خوبی داری، بچه‌هایت را خوب تربیت کرده‌ای، دلت هم پاک است، بارک‌الله، خوب آماده هستی».

«حضرت عیسی، در انتظار فرج امام زمان ارواحنا فدا»

حضرت عیسی تا حالا تقریباً دو هزار سال است انتظار کشیده که یک افتخاری به او بدهند که دو رکعت نماز پشت سر حضرت بقیه الله ارواحنا فدا بخواند^(۱). این هم که فرموده‌اند: حضرت ولی عصر پس از ظهور به ایشان تعارف می‌کند^(۲) نه اینکه حضرت عیسی با آن حضرت همدوش باشند، بلکه به خاطر آقایی حضرت است.

«خواجه آن است که باشد غم خدمتکارش»

خدمتکاری که این همه وقت منتظر مقدم یک چنین آقائی است، خُب آقا اظهار لطف می‌کند.

وقتی که حضرت در راه نجف پیاده راه می‌رود و علامه‌ی حلّی رحمه الله روی اسب نشسته، این تواضع صد برابر بیشتر از آن تواضعی است که به حضرت عیسی می‌فرماید: آقا شما بفرمایید جلو!

من نظرم این است که حضرت عیسی خیس عرق می‌شود که چرا یک چنین پیش

۱ - «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فِي حَدِيثٍ لَهُ طَوِيلٍ اخْتَصَرْنَاهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِفَاطِمَةَ يَا بِنْتِي إِنَّا أُعْطِينَا أَهْلَ الْكِبَرِ سَبْعًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلَنَا إِلَى أَنْ قَالَ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَهْدَى هَذِهِ الْأُمَّةُ الَّتِي يَصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكَبِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ: مِنْ هَذَا ثَلَاثًا» الغيبة للطوسي، كتاب الغيبة للحجة، ص ۱۹۱.

۲ - «قال رسول الله ﷺ فَيُلْتَقِ الْمُهْدَى وَقَدْ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ كَأَنَّمَا يَقْطُرُ مِنْ شَعْرِهِ الْمَاءُ فَيَقُولُ الْمُهْدَى تَقَدَّمَ صَلِّ بِالنَّاسِ فَيَقُولُ عِيسَى إِنَّمَا أُقِمَّتِ الصَّلَاةُ لَكَ قَالَ فَيَصَلِّي عِيسَى خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وَلَدِي فَإِذَا صَلَّيْتُ قَامَ عِيسَى حَتَّى جَلَسَ فِي الْمَقَامِ قَبَايَعَهُ» منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجة، ص ۴۴.

آمدی کرد، چرا رفت صف اول ایستاد؛ گرچه حضرت عیسی پیغمبر اولوالعزم است، خیلی با عظمت است حتی تالی تلو حضرت ابراهیم یا مساوی با حضرت ابراهیم است. اما در عین حال اگر می دانست یک چنین تعارفی می شود شاید صف جلو نمی ایستاد، می رفت آن عقب ها که اینطور خجالت نکشد.

حضرت بقیة الله ارواحنا فداه کجا و حضرت عیسی و حضرت ابراهیم کجا! حضرت ابراهیمی که در تفسیر آیه ی ﴿وَ اِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ اِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^(۱) دارد که وقتی حضرت ابراهیم با قلب سالم رفت درب خانه ی خدا، خدا او را از شیعیان علی بن ابیطالب قرارش داد.

در روایت دارد که نگاه کرد به ملکوت آسمان ها، دید یک خورشید تابان معنوی دارد در آسمان می درخشد که تمام ماسوی الله را نورانی کرده.
گفت: خدایا این کیست؟

خدای تعالی فرمود: او علی بن ابی طالب است.
دید یک ستاره هایی هم مثل کرات مجذوب خورشید، دارند دورش می گردند.
پرسید: اینها که هستند؟

فرمود: اینها شیعیان علی بن ابیطالب اند.

گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ عَلِي بْنِ أَبِيطَالِبٍ».

خدا تشیع او را امضاء کرد و در قرآن فرمود: «وَ اِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ»^(۲).

۱ - سورة مبارکه صافات، آیات ۸۴ و ۸۳.

۲ - «عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى - وَ اِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمَّا خَلَقَ إِبْرَاهِيمَ كَشَفَ لَهُ بَصَرَهُ فَنَظَرَ فَرَأَى نُورًا إِلَى جَنْبِ الْعَرْشِ فَقَالَ: إِلَهِي مَا هَذَا النُّورُ فَقَالَ: هَذَا



آن وقت حضرت ابراهیم که تازه با اصرار و تقاضا شیعه‌ی علی بن ابیطالب و شیعه‌ی امام زمان ارواحنافداه شده، حضرت عیسی هم یک شیعه‌ی امام زمان ارواحنافداه است. یک خدمتگزار امام زمان ارواحنافداه است.

البته آقای حضرت بقیه الله ارواحنافداه آنقدر زیاد است که همانطور که در روایت دارد، تعارف می‌کنند، می‌گویند: شما بفرمایید. تو هم به هر حال یک عده پیروانی داری، همه ایستاده‌اند ببینند حضرت عیسی با حضرت بقیه الله ارواحنافداه چه رفتاری می‌کند، تا آنها هم اظهار ارادت کنند.

و لذا اول دسته‌ای که به حضرت بقیه الله ارواحنافداه ایمان می‌آورند، مسیحی‌ها هستند. چون می‌بینند حضرت عیسی اقتدا کرد و او را به عنوان امام قبول کرد. ان شاء الله آن روز را خواهیم دید. ان شاء الله ما آن روز توی صفوف جماعت باشیم و به آقا اقتدا کنیم. به خدا قسم ارزش دارد انسان تمام عمر منتظر بماند که پشت سر حضرت دو رکعت نماز بخواند.

یکی از اولیای خدا در مکاشفه‌ای دیده بود که حضرت عیسی فرموده بود: در این مدت من در انتظار همان دو رکعت نمازی هستم که با حضرت حجة بن الحسن روحی فداه در کره‌ی زمین بخوانم. حقیقت هم همین است.

⇒ نُوْرٌ مُّحَمَّدٍ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي وَ رَأَى نُورًا مِنْ جَنِّهِ فَقَالَ: إِلَهِي مَا هَذَا النُّوْرُ فَقَالَ: نُوْرٌ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ نَاصِرٍ دِينِي إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ: إِبْرَاهِيمُ إِلَهِي وَ سَيَدِي أَرَى نُوْرًا قَدْ أَخَذُوا بِهِ لَمْ يَخْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا أَنْتَ فَقِيلَ: يَا إِبْرَاهِيمُ هَؤُلَاءِ شِيعَتُهُمْ - شِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ وَ بِمَا تُعْرِفُ شِيعَتَهُ قَالَ بِصَلَاةٍ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ وَ الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْقَنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ التَّخْتُمِ فِي الْيَمِينِ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ - اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ فَأَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِبِرَاهِيمٍ» بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۵۱.



بخش پنجم



عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَ الشَّرِيف

ارتباط با امام زمان



۱- «امکان ارتباط با امام زمان ارواحنفاده»

«داشتن رابطه با امام زمان ارواحنفاده مانعی ندارد»

آنچه که ممنوع است، اصلِ رابطه داشتن با امام زمان ارواحنفاده نیست؛ بلکه واسطه‌ی بین مردم و امام زمان ارواحنفاده شدن و این ادعا را داشتن است^(۱).

کسانی که به آن مقام می‌رسند، هیچ وقت حتّی نزدیک‌ترین افرادشان نمی‌فهمند که آنها با امام زمان ارواحنفاده ارتباط دارند. آنها وقتی به این مقام می‌رسند حتّی یک لحظه هم یاد امام زمانشان را ترک نمی‌کنند!

«ارتباط بدنی با امام زمان ارواحنفاده برای بعضی، و ارتباط روحی برای همه»

ارتباط خصوصی از نظر بدنی با امام زمان ارواحنفاده ممکن نیست ولی شاید یک عده از رجال الغیب باشند که ما آنها را نمی‌شناسیم و کسی هم آنها را نمی‌شناسد و خود آنها هم حاضر نیستند که خودشان را معرفی کنند، اما این ارتباط را دارند، ولی اینکه بطور عموم مردم بخواهند از وجود امام عصر استفاده کنند، در زمان غیبت کبری نمی‌شود.

۱ - «اشاره به توقیع شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به جناب علی بن محمد سمري رحمه الله» الغیبة للطوسی، کتاب الغیبة للحجة، ص ۳۹۵.

حتّی اگر یک نفر بگوید که من رفت و آمدی با حضرت ولی عصر دارم و می روم مسائل را می پرسم و جواب برای شما می آورم، این شخص ادّعای باییت کرده و درست نیست. این ارتباط در زمان غیبت صغری بوده و در زمان غیبت کبری نیست.

«رابطه با امام زمان ارواحنا فداه دو نوع است»

به طور کلی رابطه با امام بر دو قسم است چه امام حاضر باشد و چه غائب، فرقی نمی کند.

یک وقت منظور از رابطه داشتن با امام این است که هر وقت بخواهیم بتوانیم برویم او را ببینیم. یک وقت هم معنای رابطه این است که انسان مثل احمد بن اسحاق قمی رحمه الله که با حضرت امام حسن عسکری رابطه داشت، (رابطه داشته) باشد.

او در قم زندگی می کرد و امام حسن عسکری در سامراء بودند، سالی یک بار خدمت امام می رسید و سؤالاتش را می پرسید و اگر سهم سادات یا سهم امام داشت به حضرت تقدیم می کرد و آن حضرت هم به او دستور فرمودند که مسجد امام حسن عسکری را در قم بسازد^(۱).

پس یک معنای رابطه به این صورت است. حالا شما باید این رابطه را با امام زمان خودتان داشته باشید، یعنی حضرت ولی عصر شما را بشناسند و شما هم حضرت را بشناسید. این معنای رابطه است.

دیدن و نشستن و چشم و ابروی حضرت را نگاه کردن و با حضرت صحبت



کردن، ولی معرفت نداشتن را رابطه نمی‌گویند.

ندیدن و ملاقات نکردن، ولی امام را شناختن و به سخنانش توجه کردن و حرف‌هایش را عمل کردن را رابطه می‌گویند و منظور قرآن شریف هم همین بخش از رابطه است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾^(۱) یعنی در زمان غیبت صبر کنید و همدیگر را وادار به صبر کنید و با امام زمانتان روحاً ارتباط برقرار کنید^(۲).

دو نحوه رابطه با امام زمان

(پس) رابطه با امام زمان ارواحناده به دو نحوه است. یک نحوه این است که انسان برود درب خانه‌ی حضرت و مقابل بدن حضرت بنشیند یا مثلاً حضرت را به خانه یا هر جای دیگری دعوت کند!

این نحوه ارتباط تا زمان ظهور برای احدی ممکن نیست و هر کس این ادعا را بکند افترا زننده و کذاب است یعنی بگوید: من می‌توانم رابطه با امام زمان ارواحناده برقرار کنم و سؤالات مردم را ببرم و جواب بیاورم^(۳). یک نحوه‌ی دیگر این است که حضرت اراده می‌کنند که با شما ارتباط برقرار کنند و مطالب را برای شما بگویند. اما اینکه اختیار دست شما باشد غلط است.

۱ - سورة مبارکه آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲ - «عَنْ بَرِيدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ فِي مَعْنَى قَوْلِهِ تَعَالَى - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا قَالَ اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَ». الغيبة للنعماني، ص ۲۷.

۳ - «در این مورد توضیحاتی از حضرت استاد در کتاب ملاقات با امام زمان ارواحناده قسمت پیشگفتار و همچنین در کتاب مصلح غیبی صفحات ۹۵ تا ۱۰۰ آمده است».

رابطه‌ی دوم، رابطه روحی است. آن رابطه‌ای است که با خدا هم می‌توانید برقرار کنید.

می‌نشینید توی اتاق می‌گویید: خدایا این حاجت مرا بده؛ عین این رابطه را می‌توانید با امام زمان ارواحناده هم داشته باشید. خدا و امام زمان ارواحناده با ما حرف می‌زنند اما بدنی از آنها نمی‌بینیم و صدا هم لازم نیست به گوش ما برسد، بلکه از لقاء سخن از جانب خدا به دلمان مطالبی فهمیده می‌شود، مثلاً مطالب زیادی را که نمی‌دانستیم به ما لقاء می‌کند^(۱).

«رابطه‌ی بدنی و روحی با امام زمان ارواحناده امکان دارد»

ما مردم شیعه علاوه بر اینکه همه‌مان باید امام زمان ارواحناده را بشناسیم و اقتدا به او بکنیم حتی باید منتظر ملاقاتش هم باشیم. نمی‌خواهم عرض کنم رابطه جسمانی باشد، اینکه مثلاً حضرت در فلان محلّ باشد و من بروم از او سؤالی بکنم، ولو این هم به عنوان انتظار، ممکن است.

اما اگر یک مقدار حال داشته باشید و توجّهی داشته باشید، در اسرع وقت به امام زمان ارواحناده می‌رسید.

رابطه‌ی روحی پیدا کنیم. ببینیم امام زمان ارواحناده از ما چه خواسته! آیا اگر ما دارای صفات رذیله بودیم، خدای نکرده غیبت کردیم، تهمت زدیم، خدای نکرده صفات زشتی از خودمان نشان دادیم آیا می‌توانیم رابطه‌ی روحی با حجة بن الحسن ارواحناده پیدا کنیم؟!



«همه جا می توانیم امام زمان ارواحناده

را ببینیم و با ایشان ارتباط داشته باشیم»

رابطه با خدا و ائمه و امام زمان ارواحناده از نظر فکر ما، با حقیقت فرق می کند. اگر الآن به شما بگویند با امام زمانان رابطه پیدا کنید خیال می کنید که باید در بیابانی که حضرت زندگی می کنند بروید و درب خانه اش را بزنید و اجازه ی ورود پیدا کنید و رفت و آمد خانوادگی داشته باشید!

این رابطه ای است که ما فکر می کنیم!

این رابطه، رابطه ی صوری، ظاهری است.

شان افراد متقی بالاتر از این است که چنین رابطه ای با هم داشته باشند تا چه برسد به قلب عالم امکان، حجة بن الحسن ارواحناده!

در زمان پیغمبر اکرم ، اصحابش با آن حضرت رابطه ی صوری را داشتند، و اینطور رابطه ای را بعضی از زن های پیغمبر در کمال نفاق با ایشان داشتند، اینطور رابطه ای را همه ی مردم با یکدیگر دارند، کفار با کفار و مسلمان ها با مسلمان ها رفت و آمد دارند.

خدای تعالی اینطور رابطه را نفرموده! او نمی خواهد شما رابطه ی ظاهری و خانوادگی با امام زمان ارواحناده پیدا کنید. اگر این را می خواست او را در بیابان ها قرار نمی داد و در غیبت نبود و با همه رفت و آمد می کرد.

یا وقتی که صحبت از ملاقات با امام زمان ارواحناده می شود بیشتر ذهنمان در حرم و بیابان و محفلی می رود که آقا امام زمان ارواحناده را آنجا ببینیم، اگر بگوئیم ما با امام زمان ارواحناده ملاقات کرده ایم یا ملاقات داریم به ملاقات ظاهری تعبیر می کنیم.

علتش این است که اکثراً از دید بچه‌گانه‌ی خودمان به مسائل نگاه می‌کنیم، فکر ما محدود است، هر چه را که می‌بینیم همان را ملاک قرار می‌دهیم و تمام چیزها را هم با همان ملاک قیاس می‌کنیم، اما حقیقت غیر اینها است.

ما در قرآن «لِقَاءَ اللَّهِ^(۱)» یعنی ملاقات با خدا داریم، لقاء با امام زمان ارواحانفاده داریم، لقاء با ملائکه داریم، لقاء با حقایق و معنویات داریم. معنای هیچ کدام از اینها ملاقات بدن آنها نیست.

معنای ملاقات این نیست که با چشمتان ببینید. لقاء یعنی درک کردن، گرفتن، شناختن، او را احساس کردن.

اگر شما به مقام یقین برسید آن وقت خدا را با چشم دل احساس می‌کنید.

یکی از کمالات انسان، یقین است. ما به خداوند یقین علمی داریم، در این حرفی نیست، حتی حاضریم از نظر علمی بر اثبات وجود خدا استدلال کنیم. این را لقاء الله نمی‌گویند. اما یک لقاء و یقینی است که اسمش عین‌الیقین است یعنی یقیتان آنچنان قوی می‌شود که وقتی در مقابلتان در و دیوار هست شما دیگر در و دیوار را نمی‌بینید. انسان خدا را با چشم خاکی که نمی‌بیند بلکه با چشم خدایی می‌بیند.

همانطور که لقاء خدا را فهمیدید لقاء امام زمان ارواحانفاده را هم بفهمید.

اگر گفتند با امام زمانتان رابطه پیدا کنید یا ملاقات کنید معنایش این نیست که بروید و بدن حضرت را ببینید. بدن حضرت غیر خود حضرت است، بدن آقا غیر از خود آقا است.

۱ - عبارت «لِقَاءَ اللَّهِ» یک مورد سوره عنکبوت، آیه ۵ و عبارت «لِقَاءَ رَبِّهِ» یک مورد سوره کهف، آیه ۱۱۰ و «لِقَاءَ رَبِّهِمْ» یک مورد سوره فصلت، آیه ۵۴ و چهار مورد هم عبارت «لِقَاءَنَا» تکرار شده است.



اگر امام به همین بدن ظاهری که هم قدّ و قواره و هم شکل ما است بود، این امام اهمیتی نداشت و بر ما مزیتی نداشت!

امام زمان ارواحناده، قلب عالم امکان است یعنی روح مقدّسش احاطه‌ی بر ماسوی الله دارد.

شما وقتی در میان منزل هستید اگر فکر کنید در حرم، سخنان شما را علی بن موسی الرضا بهتر می‌شنود و در خانه کمتر، به مقام معرفت امام نرسیده‌اید. در همه جا می‌شود امام را دید و مشاهده‌اش کرد.

لذا رابطه هم از همین قرار است. همانطور که می‌شود او را دید همانطور هم می‌شود رابطه داشت و با او حرف زد، او سخنان ما را می‌شنود، ما هم سخنان او را باید بشنویم.

«ارزش انسان به سنخیت روحی‌اش با امام زمان ارواحناده است»

ارزش هر کس به تقوا و پاکی باطنی‌اش است، به عمل صالح اوست، اگر به صرف دیدن امام زمان ارواحناده ارزش پیدا می‌کرد ابوجهل و ابوسفیان از همه بیشتر ارزش داشتند.

ارزش این است که انسان سنخیت با امام زمان ارواحناده پیدا کند که اگر سنخیت پیدا شد حضرت به خانه‌ی فقیرانه‌ی تو هم می‌آیند، همانطور که اجداد بزرگوارش رفتند.

خدا خواسته شما با امام محشور باشید چون شما خلیفه‌الله هستید و او هم خلیفه‌الله است؛ متنها شما از وجود مقدّس امام زمان ارواحناده استفاده می‌کنید اما او از ذات مقدّس پروردگار.

اگر شما (می خواهید) سنخیت روحی پیدا کنید هر چه امام زمانت خواست تو هم بخواه و آن باش، چون خواسته‌ی او خواسته‌ی خدا است ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾^(۱) و خواسته‌ی تو خواسته‌ی خدا است لذا ارزش داری.

اگر انسان ارزش خود را فهمید می‌تواند روی خود کار کند. اینجا است که آن حضرت به تو اعتناء می‌کند.

اگر مربی انسان امام زمان ارواحفاده شد، این شخص خوب تربیت می‌شود.

در اعمال، افکار، عقائد، با امام زمان سنخیت پیدا کنیم

برای رسیدن به کمالات باید در اعمال، افکار و عقائد دقت داشته باشید.

طوری باشید که حضرت حجة بن الحسن شما را بپسندد و این فکر، خودش عاملی است برای رسیدن به کمال.

متوجه باشید که آقا همیشه ناظر اعمال شما است، این فکر هم عاملی است برای رسیدن به کمال.

و دیگر انتظار فرج است که اگر شما جزء منتظرین باشید، بدانید که تحت تربیت امام زمان ارواحفاده قرار گرفته‌اید و ایشان مربی شما است، این هم عامل مهمی است برای رسیدن به کمالات.

این مطلب مشخص است و زیاد هم دیده شده که اگر شخصی یک صفت رذیله مثل بُخل را داشته باشد، شما که این صفت را ندارید نمی‌توانید با او معاشرت کنید، می‌گویید: من بخیل نیستم و نمی‌توانم با شخص بخیل دوست باشم. پس متوجه باشید



که یک صفت زشت او باعث دوری شما از آن شخص شده است.

بنابراین اگر شما هم یک صفت رذیله داشته باشید همان صفت زشت مانع ارتباط شما با امام زمان ارواحناده می شود و بدانید که آقا هم شما را نخواهند پذیرفت. پس اوّل کاری که یک منتظر انجام می دهد این است که باید خودش را مهیا کند، خودش را طوری بسازد که وقتی آقا ان شاء الله تشریف آوردند او را به عنوان یار و سرباز قبول کنند.

«سنخیت روحی، تنها راه رسیدن به خدمت امام زمان ارواحناده است»

رسیدن به محضر حضرت بقیة الله ارواحناده تنها یک راه دارد و آن هم این است که سنخیت روحی با ایشان پیدا کنید.

تزکیه ی نفس کنید، خودتان را به کمالات روحی برسانید.

از نظر عقائد، از نظر اعمال، از نظر افکار، همانطوری باشید که امام عصر می خواهند، آن وقت دقیقاً در صراط مستقیم هستید.

صراط مستقیم یعنی امام زمان ارواحناده و راه رسیدن به آن حضرت.

بعد از مراحل تزکیه نفس، یک فرد سالک الی الله که به طرف کمالات روحی قدم بر می دارد، مراحل توکل و تسلیم و رضا و اخلاص و خلوص و توحید و فناء، او را چنان بالا می برد که می تواند با حضرت بقیة الله ارواحناده هم نشین شود.

«با امام زمان ارواحناده رابطه پیدا کنیم تا عزیز شویم»

بعضی خیال می کنند وقتی که می گوئیم «اَیْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِیَاءِ وَ مُدِلُّ الْأَعْدَاءِ» این مال زمان ظهور است! نخیر. همین الآن تو ارتباط را با امام زمانت تقویت کن و از اولیای

امام بشو بین عزیز می شوی یا نه؟ خود امام زمان ارواحناده تو را عزیزت می کند.

و با امام زمان ارواحناده دشمنی بکن بین ذلیل می شوی یا نه؟

ماها اکثرأ ذلّمان به خاطر این است که با امام زمان ارواحناده ارتباطمان کم است.

با امام زمانتان رابطه پیدا کنید؛ همه اش به فکر خوردن و خوابیدن و استراحت و اینها نباشید.

در شبانه روز یک ساعتی نیمه های شب فرش را کنار بزنید پیشانیان را بگذارید روی زمین و در مقابل امام زمانتان بگویند: آقا ما به شما ارادت داریم.

به زبان خودت بگو، به خدا قسم، هم عزیز می شوی، هم پول دار می شوی، هم دنیایت اصلاح می شود و هم آخرت.

«امام زمان ارواحناده عالمی که با ایشان در ارتباط باشد را انتخاب می کنند»

علمایی که روی اخلاص درب خانه ی امام زمان ارواحناده بروند، حضرت آنها را نگه می دارند. حضرت مرجع تقلید انتخاب می فرمایند.

امام به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله می نویسند که: «تو درب خانه ات را باز کن و حوائج مردم را برآور «وَاقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْصُرُكَ»^(۱) ما یاریت می کنیم».

امام زمان ارواحناده افراد را انتخاب می کنند حالا ما از این مسائل دور هستیم و

۱ - «اشاره به توقیعی که از طرف حضرت بقیة الله ارواحناده به وسیله حاج شیخ محمد کوفی رحمه الله برای آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله در نامه ای ارسال می شود که متن مبارک آن نامه عبارت از این است: قُلْ لَهُ ارْخَصْ نَفْسُک، وَاجْعَلْ مَجْلِسُک فِی الدَّهْلِیز، وَاقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْصُرُک». کتاب ملاقات با امام زمان ارواحناده، ص ۱۰۶.



ارتباطی نداریم نباید بگوییم که خبری نیست. باید ایشان را طوری معرفی کنیم که همه چیز ما هستند، همانطور که خدای تعالی معرفی کرده «بِمِنْه رُزِقَ الْوَرَاءَ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^(۱).

۲- «اهمیت و چگونگی ارتباط روحی با امام زمان ارواحنافداه»

«ارتباط روحی با امام زمان ارواحنافداه مهمتر از ارتباط بدنی با ایشان است»

شما می‌توانید با امام زمان ارواحنافداه ارتباط روحی برقرار کنید. به خدا قسم اگر کسی روی این برنامه بیشتر از روی ملاقات بدنی تمرکز بکند با حضرت در ارتباط قرار می‌گیرد، بطوری که هم حرف‌هایش را به حضرت بزند و هم حرف‌های حضرت را بشنود.

ما فکر می‌کنیم باید صدای حضرت وارد گوشمان بشود! بلکه القائی است که در قلب ایجاد می‌شود. انسان دارد با حضرت حرف می‌زند می‌بیند دلش پر از «لیک» شد پر از جواب شد.

* * *

(یا) مثلاً شما زیارت آل یاسین را خوانده‌اید و به حضرت متوسّل شده‌اید و حال توجّه‌ای به شما دست داده و احساس می‌کنید که در محضر حضرت هستید و حضرت هم ممکن است جواب سلام شما را بدهند؛ این اشکالی ندارد و باید باشد.

* * *

۱ - مفاتیح الجنان، فرازی از دعای عدیله.

روزی یک یا دو ساعت یا دائماً با امام زمان ارواحناده حرف بزنید.

کم کم ببینید الهاماتی از ناحیهی حضرت برایتان پیش می آید و بعد کم کم ممکن است صدا بشنوید.

بدن تابع روح است. وقتی با روح ایشان ارتباط داشتید بدنشان را هم خواهید دید.

«ارتباط روحی با امام زمان ارواحناده»

باید فقط برای رفع مشکلات روحیمان باشد»

ارتباط روحی با امام زمان ارواحناده، برای این منظور نداشته باشیم که مشکلات مادیمان را برطرف کنند، زندگیمان مرتب بشود یا اینکه قرضمان ادا شود.

بلکه ارتباط داشته باشیم که مشکلات روحیمان را برطرف کنند تا بتوانیم با آن ثقل اکبر در ارتباط باشیم، به سرچشمه‌ی معرفت دسترسی پیدا کنیم، احکام و معارفمان که در این مدت غیبت خدشه دار شده است را اصلاح کنند.

خدای تعالی این وجود مقدس را اصلاً برای همین هدف در روی زمین قرارشان داده است که در دعای ندبه عرض می کنیم: «خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذاً» خدایا او را در دنیا قرارش داده‌ای برای اینکه نگه دارنده‌ی ما باشد.

تا ناراحتی پیدا می کنیم برویم درب خانه‌ی ایشان، ناراحتی ما را دفع کنند حتی اگر ناراحتی در اثر ندانم کاری‌هایمان بوجود آمده رفعش کنند.

«ارتباط روحی با امام زمان ارواحناده دو پایه دارد»

ارتباط روحی دو پایه دارد:

یکی یقین بر اینکه امام زمان ارواحناده همه جا هست.



یکی هم شناخت و معرفت نسبت به حضرت.

اگر این دو چیز پیدا شود انسان ارتباط پیدا کرده است و در ارتباط روحی صدا در گوش انسان نمی آید بلکه در دل القاء می شود. ولی اگر شخص در مرحله ی پایین است طبعاً حجاب هایی دارد و نمی تواند ارتباط زیادی با امام زمان ارواحناده داشته باشد.

«دائماً با امام زمان ارواحناده حرف بزنیم تا ارتباط روحی با ایشان پیدا کنیم»

می بایست با امام زمان ارواحناده رابطه ی روحی پیدا کرد.

مثلاً صبح که از خواب بیدار می شوید تا نشستید بگویید: «السَّلام علیک یا بن رسول الله»

می خواهید بخوابید، بگویید: آقا جان اجازه می دهید بخوابم؟ ببخشید، و بعد بخوابید.

در شبانه روز همیشه به یاد امام زمان ارواحناده باشید.

وقتی حمام می روید، غسل زیارت حضرت بقیة الله ارواحناده را بکنید.

وقتی وارد حرم امام رضا می شوید، مثل وقتی که رفیقان را گم کرده اید و احتمال می دهید که در حرم او را ببینید، یک نگاهی در جمعیت بکنید شاید امام زمانتان را ببینید.

به حضرت اظهار محبت کنید، البته اظهار محبت ما مثل آن مورچه ای که برای حضرت سلیمان ران ملخ برد می باشد، ولی اگر این کارها را انجام بدهید ارتباط روحی قوی با حضرت پیدا می کنید.

مسئله ی ارتباط روحی با امام زمان ارواحناده خیلی مهم است.

این اعتقاد را داشته باشید که امام زمان ارواحناده همه جا هستند، روح مقدّسشان احاطه بر ماسوی الله دارد.

«آنقدر درخواست کنیم تا با امام زمان ارواحناده ارتباط برقرار کنیم»

شما هر جا باشید امام زمان ارواحناده صدای شما را می شنود، اگر می خواهید ارتباط پیدا کنید اوّل او را بشناسید و از او تقاضا کنید ارتباط روحی برقرار شود^(۱).

یقین قوی تری پیدا کنید که خدا و امام زمان ارواحناده از قلب ما اطلاع دارند، حرف های ما را می شنوند چون سلام هایی که به عنوان خطاب در زیارت می دهیم معنایش این است که آنها می شنوند و آیه ی قرآن هم هست که خدای تعالی می فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسِرَى اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^(۲) یا می فرماید: ﴿وَكُلَّ شَيْءٍ اَخْصَيْنَاهُ فِيْ اِمَامٍ مُّبِيْنٍ﴾^(۳).

آیات قرآن را نمی شود منکر شد لذا مسلّم است که امام هر جا باشد می شنود. پس باید شب و روز بطور جدّی التجا کنیم چون او می شنود و پیام به او می رسد.

۱ - صاحب مکیال المکارم در جلد دوم، صفحه ۲۷۳ می نویسد: «لا فرق بین حضور الامام و غیبتة فانها صاحب المرئی و السمع کما فی زیارته الماثورة عنه و لا یخفی علی الامام شیء من احوال الانام کما هو المصرح به فی الروایات المستفیضة بل المتواترة معنی، بل هو من القطعیات عندنا الی آخره» و به عنوان نمونه روایت زیر را نقل می نماید: «عن سید بن طاووس فی کشف المحجّة بإسناده من کتاب الرّسائل للکلینی عمّن سمّاه قال: کتبتُ إلی أبی الحسن أنّ الرّجل یجبُّ أنّ یفّضی إلی امامه ما یجبُّ أنّ یفّضی إلی ربّه قال فکتبَ إنّ کانَ لک حاجة فحرّک شفتیک فإنّ الجوابَ یأتیک» بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۵۵.

۲ - سورة مبارکه توبه، آیه ۱۰۵.

۳ - سورة مبارکه یس، آیه ۱۲.



اگر پیام شما به او می‌رسد آنقدر پشت آن را بگیر تا رابطه‌ای برقرار شود.

فکر نکنید رابطه این است که بگویید: حضرت آمد و آنجا نشست!

از کجا معلوم که حضرت باشد؟

آنقدر افراد می‌گویند: ما حضرت را در حرم دیده‌ایم!

از کجا فهمیدید که او پسر امام عسکری است؟

به این سادگی‌ها و کوچکی‌ها نیست، حتی گاه این مسائل جنبه‌ی توهین به امام را پیدا می‌کند.

بر اساس عشق و محبت قبول دارم؛ اما حضرت به قیافه‌های مختلف به چشم افراد دیده شده است چون اگر شما به یک قیافه می‌دیدید به همه می‌گفتی و انسان فضول زیاد است لذا به این آسانی‌ها نیست.

بعد از خیلی درخواست کردن اگر لیاقت داشته باشی انتخابت می‌کنند و الاً محال است و راه قطعی دیگری وجود ندارد.

حتی سیصد و سیزده نفر قبل از ظهور رابطه‌ی روحی دارند، همه که خدمت حضرت نیستند^(۱)! اگر انسان بخواهد جزء افراد اولیه باشد باید آنقدر قوی باشد که حضرت ظهور را به او بگویند و چون ممکن است روابط توأم با وسوسه شیطان باشد، لذا شما باید فرق بین الهام و وسوسه را بدانید، فرق بین صدای امام با صدای شیطان را بدانید.

۱ - در روایات متعددی از ائمه اطهار که دلالت بر تجمع اصحاب آن حضرت بدون وعده و میعاد در هنگام ظهور در مکه دارند وارد شده است که یک نمونه را ذکر می‌کنیم: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ يَجْمَعُونَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ» بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۸.

«امام زمان ارواحناده را همیشه در کنار خودمان ببینیم»

شما در میان خودتان حضرت بقیه الله ارواحناده را باید احساس کنید، باید حضرت را ببینید، نمی‌گویم جلوی‌شان همیشه بایستید، لااقل وقتی که رویتان را به طرف امام می‌کنید می‌بینی امامت هست، چه نشسته باشد، چه خوابیده باشد، چه ایستاده باشد، تو باید در مقابل او ایستاده باشی.

وقتی توجه به ایشان می‌کنی و با او حرف می‌زنی؛ حالا بصورت شعر باشد، بصورت دعا باشد بصورت عرض حاجت باشد و یا به هر صورتی باشد فرقی نمی‌کند این کار را بکنید.

در مقابل حضرت خیلی باید احترام کرد. امام زمان ارواحناده را باید حتماً در بین خودتان احساس کنید. یعنی اگر احساس نکنیم، همان آیاتی که درباره‌ی کورها گفته شده، درباره‌ی کرها گفته شده، شامل ما هم ممکن است بشود.

همیشه باید حضرت را در بین خودتان بدانید و وقتی که می‌خواهید با ایشان حرف بزنید و به ایشان خطاب کنید، خیلی باید احترام کنید، خیلی باید مواظب باشید. اینها را ان شاء الله رعایت کنید.

امام زمان را همیشه در کنار خودمان ببینیم

امام عصر را همیشه در کنار خودتان ببینید و بدانید آن وجود مقدس است که در این دنیای پر از دردسر و گرفتاری ما را نگه داشته است.

«بَعْدَ مَنْزِلِ نَبَوْدِ در سفر روحانی»

«عاشق ار معشوق را بی وصل بیند عاشق است»



آن حضرت در بعضی کلماتشان می‌فرمایند: «بر من سخت است که ناراحتی‌های شما را ببینم». عین همان کلامی که خدا در قرآن درباره‌ی پیغمبر اکرم نقل می‌کند که: ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾^(۱).

* * *

در زمان ظهور، ما دائماً خودمان را در محضر امام زمان ارواحنا فدا می‌بینیم. به هر حال همه‌ی مردم عاشق امام زمان ارواحنا فدا هستند، اگر بنا باشد همه همراه بدن حضرت باشند، چه می‌شود؟ شش میلیارد جمعیت، چگونه ممکن است که با آن حضرت باشند؟

روزی یکی از بزرگان از من می‌پرسید که: وقتی حضرت تشریف آوردند، دوست داری کجا باشی؟

گفتم: هر جا که حضرت بخواهند و مأموریت بدهند.

گفت: نمی‌خواهی کنار حضرت باشی؟

گفتم: اگر این خواسته را همه بخواهند بی‌نظمی بوجود می‌آید و آیا در زمان ظهور هم باید این آرزو را داشته باشیم که در کنار حضرت باشیم؟ یعنی آنقدر درک نداشته باشیم که همه جا در کنار حضرت هستیم! و حضرت بر ما محیط است؟! ما الآن باید این مسئله را بفهمیم.

اگر قبل از ظهور نفهمیم بعد از ظهور برای امام زمان ارواحنا فدا اسباب دردسر می‌شویم.

همه می‌گویند: ما می‌خواهیم در آن اتاقی بنشینیم که امام زمان ارواحنا فدا در رأس

اتاق نشسته باشد و ما دائماً به حضرت نگاه کنیم!

نه، اگر کسی در منزل خودش مثلاً در مشهد باشد و امام زمان ارواحناده در مکه باشند، همان جا می تواند بگوید که حضرت در کنارش نشسته اند، در بُعد معنوی اینطور باید گفت.

«در همه حال، باید احترام بدنی امام زمان ارواحناده را رعایت کنیم»

ائمه اطهار چون بدنشان در کره‌ی زمین نیست شاید احترام بدنی در مقابلشان ضرورت نداشته باشد، یعنی می شود نشسته یا خوابیده و یا دراز کشیده با آنها صحبت کرد و این کار اهانت نیست.

اما حضرت بقیة الله ارواحناده چون بدن ایشان داخل کره‌ی زمین است ما باید یک احترام خاص بدنی نسبت به حضرت داشته باشیم، اگر خطاب به ایشان کردید کوشش کنید چون مخاطبتان حضرت است، ایستاده باشید. مخصوصاً جمله «قائم» که گفته بشود، حتماً باید انسان بایستد، تعظیم کند هر چه می تواند احترام کند به جهت اینکه بدن حضرت داخل کره‌ی زمین است و احترام خاصی دارد^(۱).

حالا درجه‌ی اعلایش این است که نام حضرت که برده می شود انسان بایستد، باز اعلا تر این است که دستش را بگذارد روی سرش بگوید: من تسلیمم.

۱ - «عن تنزیه الخواطر: سئل الصادق عن سبب القیام عند ذکر لفظ القائم من ألقاب الحجّة. قال: لأنّ له غیبة طولانیة، و من شدّة الرأفة إلى أحبّته ینظر إلى کلّ من یدکره بهذا اللقب المشعر بدولته و الحسرة بغریته، و من تعظیمه أن یقوم العبد الخاضع لصاحبه عند نظر المولی الجلیل إلیه بعینه الشریفة، فلیقم و لیطلب من الله جل ذکره تعجیل فرجه». إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۴۹.



این جوری خیلی امیدش بیشتر است که به حضرت بقیة الله ارواحناده نزدیک شوید، همین ادب‌هایی را که تعلیم می‌گیرید کم‌کم ان‌شاءالله باید بلد بشوید. این که بگویید: حالش را ندارم! حوصله‌اش را ندارم! پایم درد می‌گیرد! چه لزومی دارد بایستیم! در کار نباشد.

حتی در جلسات عمومیمان گاهی یک شاعری شعر می‌خواند و خطاب به حضرت می‌کند من بارها خواسته‌ام بگویم بایستید. ولی با خودم می‌گویم ان‌شاءالله خود حضرت صرف‌نظر می‌فرماید و الاً وقتی یک شاعری، خطاب به حضرت می‌کند و حضرت را مخاطب قرار می‌دهد ما نباید نشسته باشیم و شیرینی بخوریم.

«حق امامت امام زمان ارواحناده را در محضرشان رعایت کنیم»

انسان در محضر حضرت بقیة الله ارواحناده باید علاوه بر حفظ و رعایت آداب ظاهری، حق امامت ایشان را هم رعایت کند. گاه می‌شود حضرت خودش را به ما نشان نمی‌دهد چون ممکن است خدای نکرده کافر یا فاسق شویم.

حضرت رضا وقتی که نام حضرت را می‌شنیدند از جا بلند می‌شدند و دستشان را روی سرشان می‌گذاشتند و می‌فرمودند: «اللهمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»^(۱).

وقتی نام حضرت برده می‌شود چون ممکن است نظر خاصی مرحمت بفرمایند باید حواس انسان جمع باشد.

۱ - «روی عن الرضا فی مجلسه بخراسان أنه قام عند ذکر لفظه القائم، و وضع یدیه علی رأسها الشریف و قال: اللهمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ» این روایت در منتخب الاثر، صفحه ۵۰۵ و ۵۰۶ به نقل از کتاب مرآت الکمال و همچنین به نقل از الزام الناصب جلد ۱، صفحه ۲۴۹ آمده است.

اسماعیل هرقلی وقتی خدمت حضرت می‌رسد دستش را به دامن حضرت می‌اندازد.

حضرت فرمودند: برو.

او گفت: نه من رها نمی‌کنم.

دوباره حضرت فرمودند: برو.

حضرت خضر فرمود: خجالت نمی‌کشی که امام زمانت دو مرتبه فرموده‌اند: برو و نمی‌روی^(۱)؟

ما آداب معاشرت با حضرت را بلد نیستیم.

پدر علامه‌ی مجلسی می‌گوید: وارد حرم حضرت هادی و حضرت عسکری شدم دیدم حضرت کنار ضریح ایستاده‌اند.

اگر ما باشیم خودمان را به دامن حضرت می‌اندازیم و ادب را رعایت نمی‌کنیم.

اما او می‌گوید: آنجا ایستادم زیارت جامعه را خواندم.

حضرت فرمودند: زیارت خوبی است.

بعد فرمودند: «بیا جلو».

چند قدمی رفتم اما تمام بدنم می‌لرزید که نکند خلاف ادب کاری انجام دهم.

حضرت فرمود: «بیا جلو».

باز چند قدمی رفتم دو مرتبه فرمودند: «باز هم بیا» و رفتم تا اینکه در بغل حضرت

قرار گرفتم^(۲).

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۱.

۲ - «این ملاقات را علامه مجلسی رحمه الله در بحار الانوار ج ۱۰۲ با اندک اختلافی نقل کرده‌اند».



«امام زمان ارواحناده را در زندگیمان وارد کنیم»

ان شاء الله دوستان این کار را بکنند که اگر می خواهند بخوابند یک سلامی خدمت حضرت بقیه الله ارواحناده عرض کنند.

اگر پدر شما بالای سر شما ایستاده باشد و شما هم خوابتان گرفته باشد به پدر می‌گویید: «با اجازه، شب بخیر من می‌خواهم بخوابم».

لا اقل این کار را می‌کنید. صبح هم که از خواب بلند می‌شوید می‌بینید باز پدر بالای سرتان ایستاده به او سلام می‌کنید.

نسبت به حضرت بقیه الله ارواحناده این کار را دوستان بکنند.

* * *

تو بیشتر از سایرین اظهار محبت کن تا نگاهت کنند، اینها زمینه‌ی ارتباط است.

اما وقتی بی حال کنار ایستادی نگاه به محبوب نمی‌کنی، نه اظهار ارادت، نه ادبی!

باید دائم برویم هر جور هستیم خودمان را به امام زمان ارواحناده نزدیک کنیم تا

جزء یاران حضرت بشویم، جزء یاران خدا بشویم، جزء اصحاب خاص حضرت

بشویم، دائم بگوئیم و درخواست کنیم تا از اصحاب خاص بشویم که اگر نگفتیم

نمی‌شود.

۳- «روش‌های ارتباط با امام زمان ارواحناده»

الف - «توسل به امام زمان»

«توسل به امام زمان ارواحناده رمز موفقیت است»

من یکی از چیزهایی که به اکثر افرادی که می‌خواهند در راه کمالات همیشه موفق باشند توصیه می‌کنم این است که: دستتان به دامن امام زمانتان باشد.

بگویید: آقا جان، یا صاحب‌الزمان، دست ما را بگیر.

یا بقیة الله، ما نمی‌توانیم در این دنیا خودمان را کنترل کنیم.

این همه مظاهر فساد، این همه گرفتاری‌ها، این همه بدبختی‌ها، این همه وسائل غفلت از یاد شما وجود دارد.

چقدر ما وسیله‌ی غفلت داریم؟ شما همین الآن که اینجا نشسته‌اید به هر جا نگاه کنید باعث غفلت از خداست.

«لا اقل روزی نیم ساعت با امام زمان ارواحناده صحبت کنیم»

لا اقل روزی نیم ساعتی، با حضرت حرف بزنید.

به خدا قسم حضرت همه جا هستند.

رو به قبله بنشینید و زیارت آل یاسین را که نهایتاً ده دقیقه طول می‌کشد بخوانید.

بعد بگویید: آقا جان، پایم درد می‌کند، آقا جان کم پولم، خانه ندارم...



هر چه بیشتر با حضرت رابطه‌تان را برقرار کنید ارتباطتان بیشتر می‌شود. یک روز هم می‌شود که آقا تشریف می‌آورند می‌فرمایند: «چیه عزیزم»؟

این که می‌گویم، اتفاق افتاده.

یکی از دوستان می‌گفت: یک سال من هر روز صبح می‌گفتم: آقاجان، قربانت بروم.

فقط همین یک جمله.

می‌گفت: یک روز که توی اطاقم تنها نشسته بودم دیدم یک کسی دست به سر من کشید فرمود: «من هم تو را دوست دارم».

من به او گفتم: آقا روز اول این حرف را به تو زده. بلکه دوست داشته که آمدی و رو به قبله نشستی اظهار ارادت کردی، ولی خُب انسان است طاقت ندارد.

می‌گوید: همان جا که برگشتم دیدم آقا بالای سرم ایستاده نزدیک بود قالب تهی کنم.

«اگر روزی پنج دقیقه

با امام زمان ارواحناده خلوت کنیم به همه چیز می‌رسیم»

در جلد یک مجلسی بود که جمع زیادی از شخصیت‌ها بودند من صحبت کردم و به آنها گفتم که: شما پنج دقیقه با امام زمان ارواحناده در ارتباط باشید.

اگر شخصیتان بالا نرفت هرچه می‌خواهید به من بگویید.

اگر دنیایان درست نشد هر چه می‌خواهید به من بگویید.

اگر کمالاتان بالا نرفت هرچه می‌خواهید به من بگویید.

در شبانه روز پنج دقیقه کار کردن و همه چیز گرفتن نمی‌ارزد؟

«در شبانه روز دقایقی با امام زمان ارواحنافداه خلوت کنیم»

بیاییم اقلاً در شبانه روز دقایقی با امام زمانمان توی اطاق، خلوت کنیم. عرض ادب کنیم.

به خدا قسم آقایان من تضمین می‌کنم این را، و خدا را شاهد می‌گیرم که صدها نفر تجربه کرده‌اند روزی پنج دقیقه شما در مقابل امام زمانتان رو به قبله بنشینید بگویید: السَّلامَ علیک یا بقیة الله، جانم به قربانت.

صحبت کنید. اگر اهل دعا هستید، اهل زیارت هستید و می‌توانید زیارت بخوانید این زیارت آل یاسین که بسیار زیارت خوبی است این را بخوانید و حوائجتان را بگیرید.

به خدا قسم دنیایان، کارهایتان به بهترین وجه ردیف می‌شود، هیچ مشکلی هیچ وقت در کارتان پیدا نمی‌شود. و آخرتان را هم خدا برایتان تضمین می‌کند

«حوائجمان را از امام زمان ارواحنافداه درخواست کنیم ولی دعوا نکنیم»

آنچه که از ائمه اطهار می‌خواهید، بدانید از خدا خواسته‌اید و هر چه آنها به شما می‌دهند، خدا داده. و هیچ اختلافی هم با هم ندارند. ولی طرز دعا کردن را بلد باشید، دعوا نکنید. که خدای نکرده اگر انسان با ائمه اطهار و ذات اقدس پروردگار دعوا کرد و سر حاجتش خیلی فشار آورد، روایت دارد که هلاک می‌شود. خدای تعالی به انسان با نظر بغض نگاه می‌کند^(۱).

۱ - «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَ رَجَاءٍ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا لَمَّا يَسْتَعِجِلْ



همین که خدا اجازه داده به این زبان معصیت کار ما، نام مقدّس امام زمان ارواحنافداه جاری بشود خیلی نعمت است.

حضرت بقیة الله ارواحنافداه در دعای ندبه می خوانیم که «خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا». خدایا تو او را برای ما در دنیا خلق کردی که عصمت ما باشد، نگهدارنده‌ی ما باشد از تمام ناراحتی‌ها و بلاها و از تمام ضعف‌ها. و پناهگاه ما باشد یعنی هر جا کسی خواست اذیتمان کند برویم طرف او بگوییم: «یا صاحب الزّمان».

هر جا فشاری بر ما آمد بگوییم: «یا صاحب الزّمان».

بگو: یا الله، بگو: یا حجة بن الحسن، ولی دعوا نکن.

گنگ «چیزی که به صلاحمان هست از امام زمان ارواحنافداه بخواهیم»

یک نفر به من می گفت که: من اینقدر این دعاها را که شما نوشته‌اید خوانده‌ام ولی امام زمان ارواحنافداه را در خواب ندیده‌ام!

امام زمان ارواحنافداه می دانند که تو اگر در خواب ایشان را ببینی و یادت هم باشد یک چیزهایی از آن حضرت می خواهی که صلاح تو نیست. و در بیداری هم حتماً خدمتش نخواهی رسید.

«حضرت زهرا سلام الله علیها را واسطه بین خود و امام زمان ارواحنافداه قرار دهیم» آنقدری که من تا حالا تجربه دارم حضرت بقیة الله ارواحنافداه در مقابل فاطمه‌ی زهرا این مادر عزیز، به قدری مؤدّب، به قدری تحت فرمان، به قدری پُر محبّت است که من به شما توصیه می کنم هیچ گاه برای حاجتی حضرت ولی عصر را به

⇒ فَيَقْنَطُ وَيُتْرَكَ الدُّعَاءُ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعِجِلُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ مَا أَرَى الْإِجَابَةَ

الکافی، ج ۲، ص ۴۹۰.

مادرش قسم ندهید چون ممکن است این حاجت شما مصلحت نباشد و امام عصر هم آن طوری که باید رعایت آن ادبی که لازم است بفرماید نتواند انجام بدهد چون تمام کارها در دست خدا است.

* * *

یک چیزی را یادتان بدهم؛ اگر کاری با امام زمان ارواحنفا ده داشتید، از طریق حضرت زهرا وارد شوید.

منظورم این نیست که بگویید: آقا به پهلوی فاطمه‌ی زهرا، این حرف‌ها را شما کمتر بزنید.

اول یک سلام به فاطمه‌ی زهرا کنید بگویید: السَّلامُ عَلَیکَ یا بِنْتَ رَسولِ اللَّهِ، به آقازاده‌تان بگویید که این حاجت ما را بدهند.

از این راه که وارد شوید خیلی زود حجة بن الحسن به شما جواب می‌دهند. امام زمان ارواحنفا ده در مقابل فاطمه‌ی زهرا آنچنان کوچکی می‌کنند که حساب ندارد، مگر اینکه فاطمه‌ی زهرا نگویند و صلاح ندانند چون صلاح آن حضرت همان صلاح خداست^(۱).

«ائمه اطهار، حوائج ما را به امام زمان ارواحنفا ده ارجاع می‌دهند»

شما به هر کدام از معصومین متوسل شوید آنها شما را به امام زمان ارواحنفا ده تحویل می‌دهند و امام زمان ارواحنفا ده حاجت شما را می‌دهند او امروز «ید الله» است. سبک و سنگین هم نکنید همه‌ی آنها امام ما هستند و ما به همه‌ی آنها محتاجیم و

۱ - «عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّصَارِيِّ قَالَ: وَجَّهَ قَوْمٌ مِنَ الْمُتَوَصِّلِينَ وَ الْمُتَصَرِّعِينَ كَامِلَ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْمَدَنِي إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ إِلَى أَنْ قَالَ قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا وَ اللَّهُ يَقُولُ وَ مَا تَشَاوُنُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» الغيبة للطوسي / كتاب الغيبة للحجة، ص ۲۴۷.



همه‌ی آنها «ید الله» هستند اما تشریفات کار ایجاب می‌کند که هر چه می‌خواهیم از امام زمان ارواحناده بخوایم.

نمی‌گوییم دور ائمه‌ی دیگر را خط بکشید!

من سال‌ها است برنامه‌ام این است که صبح به صبح توسّلی به همه‌ی معصومین می‌کنم ولی می‌دانم از هر کدام هر چه بخوایم همه‌ی مرا به عصر تحویل می‌دهند و وقتی به نام مقدّس امام زمان ارواحناده می‌رسم همه را یک جا از ایشان می‌گیرم، هیچ مانعی ندارد! فرقی بین امام زمان ارواحناده و ائمه‌ی دیگر نیست.

«امام زمان ارواحناده

به سفارشات ابا الفضل العباس با محبّت ترتیب اثر می‌دهند»

آن شخص می‌گوید خدمت حضرت رسیدم - ظاهراً در خواب بوده - دیدم حضرت یک نامه‌هایی را می‌خوانند می‌گذارند کنار و بعضی از این نامه‌ها را می‌بوسند می‌گذارند کنار.

گفتم: آقا این نامه‌ها چیست؟

فرمودند: امامزاده‌هایی که مردم به آنها متوسّل می‌شوند سفارش آن افراد را به ما می‌کنند ما هم به آن سفارش‌ها نگاه می‌کنیم.

گفتم: آن نامه‌هایی که می‌بوسیدید آنها مال که بود؟

فرمود: مال عمویم ابا الفضل العباس است.

یقیناً آن نامه‌ای را که می‌بوسند به آن ترتیب اثر هم می‌دهند اگر مصلحت باشد، اگر طرف لیاقت داشته باشد.

خدایا به جانِ ابا الفضل العباس قَسَمَت می دهیم، به جان این باب الحوائج قَسَمَت می دهیم قلب حضرت ابا الفضل را به ما مهربان تر بفرما تا این نامه را برای ما بنویسد که ما یک چند لحظه ای با آقا ملاقات داشته باشیم.

ب - «مناجات با امام زمان ارواحنافداه»

«اهمیت مناجات با امام زمان ارواحنافداه»

کوشش کنید به خاطر حضرت بقیة الله ارواحنافداه و به خاطر اینکه به آن حضرت برسید، دست آن حضرت را ببوسید، دستتان در دست آن حضرت قرار بگیرد، همه ی لذائد را کنار بریزید و فقط مناجات با آن حضرت کنید.

یک کسی از من سؤال می کرد من نمی دانم چه شده، چه حالی پیدا کرده ام، این وسواس نباشد مثلاً که من هر شب جمعه نمی توانم در تهران طاقت بیاورم می خواهم بروم مسجد جمکران، آنجا بنشینم، کنار آن مسجد و با آقایم حجة ابن الحسن ارواحنافداه مناجات کنم. هر که از در وارد می شود نگاهی به قد و قامتش ببیند از من شاید محبوب من، معشوق من او باشد.

«نمونه هایی از مناجات با امام زمان ارواحنافداه»

یا بقیة الله! یا صاحب الامر! روی ما سیاه است، قلب ما سیاه است، یا بقیة الله! آنقدر گرفتاری ها زیاد شده است، آنقدر این شیعیان شما در سراسر عالم گرفتار هستند که حتی به یاد شما هم نمی افتند، آقا جان یکی از القاب شما، الغوث است یعنی پناهگاه. یا صاحب الزمان! وقتی بلا بر سر ما نازل می شود باید به پناهگاه برویم، بگذارید زیر



سایه شما قرار بگیریم، تحت رحمت عامه

شما که «رحمة الله الواسعة» هستید قرار بگیریم. به ما پناه بدهید، درب پناه را به روی ما نبندید.

یا صاحب الزّمان، اگر چه ما با روح مقدّستان که مانند نور خورشید به همه جا احاطه دارد آشنائی داریم و به وصل شما نائلیم اما چه خوش است جمال ظاهری شما را هم ببینیم و به صورتتان نظاره کنیم و سخن خدا را از آن دو لب پاک بشنویم.

* * *

ای قربان آن جمالی که آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری.

آیا کسی می تواند آن قیافه‌ی جذّاب را ببیند و دست از ترنج بشناسد و جان خود را فدا نکند؟

آیا کسی ممکن است متوجّه احاطه‌ی نور پاک آن وجود مقدّس بشود و به غیر او توجّه کند؟

تو مظهر خدائی.

تو آئینه‌ی تمام نمای جلال و جمال الهی هستی.

ای محبوبی که عاشقی مثل امام صادق داری که آن امام بزرگوار و عزیز پروردگار زانوهای غم را در فراق در بغل می گیرد و اشک می ریزد.

یا صاحب الزّمان، شما همان عزیزی هستی که تمام انبیاء و اولیاء انتظار ملاقات را داشته و همه‌ی آنها خود را مقدّمه‌ی ظهور شما می دانسته اند.

انبیاء و ملائکه به محبّت شما ای فرزند بهترین خلق خدا، به خدا نزدیک می شدند و از نور پاکت برای کمالاتشان کمک می گرفتند.

ای جان به قربانت، بر ما سخت است که همه را ببینیم و شما را نبینیم.

ای جان به فدایت که دیده نمی شوی ولی از میان ما بیرون نیستی.

ای جان به قربان آن پاک سرشتی که همه به او محتاج اند و او تنها به خدا محتاج است.

آیا راهی هست که روزی همنشینت گردیم و آن جمال با کمالت را مشاهده نمائیم؟!

آیا راهی هست که در هر کجا که اقامت داری ما هم به عنوان کلب آستانت اقامت کنیم و از فیض حضورت بهره برداریم؟

آیا می شود نام ما را در طومار دوستان بنویسی و این افتخار را به ما بدهی و ما را تا ابد سرافراز نمائی؟!

آیا می شود روزی پرتوی از خورشید جمالت در کلبه‌ی محقر ما بتابد که؛

ز در درآ و شبستان ما منور کن

هوای مجلس روحانیان معطر کن

آیا ممکن است لحظه‌ای گوشه‌ی چشمی به ما کنی که:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند

ای دوازدهمین جانشین پیغمبر اکرم و ای یازدهمین فرزند علی بن ابیطالب .
ما محبت تو را با شیر از مادر گرفته ایم.

آیا ممکن است مانند علی بن مهزیار، مانند علامه‌ی حلی یا لاقل مانند آن مرد
یهودی و مانند آن شخص سنی، ایامی، ساعت هائی یا لاقل چند دقیقه‌ای ما را موفق به



مجالستت کنی و از نعمت دیدارت بهره‌مندمان نمائی؟

اگر به لیاقت ما باشد، چه کسی جز آباء و اجداد بزرگوارت این لیاقت را دارند که با تو همنشین باشد و اگر به لطف و کرم شما باشد، قادری، می‌توانی حتی به سنگی این لیاقت را بدهی و او را لایق محضر مبارکت نمائی.

لیاقت عنایت کن و لو از طریق معجزه باشد و ما را از محضر پر برکت مستفیض فرما.

ای محبوبی که برای نجات بشریت صدها سال در زندان دنیا مانده‌ای و با مردمان مستضعف دنیا همدردی می‌کنی، تو خود از خدا فرجت را بخواه و سر بر سجده در مسجد سهله بگذار و آیه‌ی: «اَمِّنْ یَجِیْبُ» را بخوان که دعای تو مستجاب است.

ای ولیّ خدا که خدا به وجودت افتخار می‌کند و بر ملائکه مباهات می‌نماید، ما را از مهالک زمان غیبت و گرفتاری‌ها و امتحانات سخت آخر الزّمان حفظ کن و هیچگاه و حتی لحظه‌ای دست ما را رها نفرما.

تقاضای ملاقات از امام زمان در دعای ندبه

آقا یا صاحب الزّمان، در حرم امام رضا رفتم، همه را دیدم اما شما را ندیدم، به جمکران رفتم، همه‌ی مردم را دیدم رفقا هم آمده بودند، همه را دیدم اما شما را ندیدم آقا!

آن شخص می‌گفت: شب جمعه کربلا رفتم، ساعت‌ها نشستم اما شما را ندیدم.

آقا، «اگر به دست من افتد فراق را بکشم»

خدایا ما را سرزنش می‌کنند که چرا نام امام زمانتان را می‌برید! خدایا چه کنیم دل‌مان دیگر طاقت نمی‌آورد.

می شود یک عنایتی بکنی؟

«هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلَ قَتْلَقِي^(۱)»؟

آقا جان یک راهی خودتان درست کنید ما بیایم یک گوشه‌ای شما را ببینیم، یک ملاقات به ما بده آقا! یک چند دقیقه‌ای خدمتان برسیم.

حالا لیاقت نداریم نمی‌خواهید با ما حرف بزنید، لااقل نگاهتان کنیم.

ج- «بیعت با امام زمان ارواحنافداه»

«در روز عید غدیر باید با امام عصر بیعت کنیم»

در روز عید غدیر پیوندمان را با امامان حضرت بقیة الله ارواحنافداه محکم کنیم. فرض کنیم در غدیر خم روی خاک‌های آن نشسته‌ایم؛ مسلماً اگر هر یک از دوازده امام آنجا می‌بودند و بنا بود امامت آنها را رسول اکرم اعلام کند، او را روی دست بلند می‌کرد و می‌فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا مِثْلًا حَسَنُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا حَسِينُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، فَهَذَا مُحَمَّدٌ مَوْلَاهُ، فَهَذَا جَعْفَرٌ مَوْلَاهُ، فَهَذَا مُوسَى مَوْلَاهُ»، تا می‌رسید به حضرت مهدی که می‌فرمود: «وَهَذَا مَهْدِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ و این وجود مقدس را معرفی می‌فرمود و طبق وظیفه‌ی هر امامی که در هر زمانی هست باید دستش را برای بیعت با مأمومش دراز کند و با آنها بیعت کند، آنها با او بیعت کنند و آن ولایت کلیه‌ی الهیه که «خليفة الله» است، آنچه خدا باید نسبت به بندگاناش اظهار کند مولای همه‌مان حضرت بقیة الله باید اظهار کند، ما دست او را می‌فشردیم. و می‌گفتیم: آقا! ما مطیع توایم، بنده‌ی توایم، در پناه توایم، ولایت تو را قبول کردیم و باید با امام زمانمان بیعت کنیم.



«با دعای عهد، با امام زمان ارواحناده بیعت کنیم»

در همین دعای عهد که در مفاتیح هست می‌گوید هر روز صبح یک دست را بگذار در دست دیگر و با امام زمان ارواحناده بیعت کن.

خیال نکنید این کار درست نیست، نه. درست است.

کم‌کم می‌بینی این دست که گذاشته‌ای در دست دیگر، در همان لحظه‌ای که می‌گذاری یک نرمی پیدا کرده، کم‌کم ان شاء الله می‌بینی دست خودت نیست، دست دیگری آمده و دست تو را گرفته و می‌گوید: بارک الله.

فکر نکنید امام زمان ارواحناده نیست، او محیط بر شما است، هر جا خدا هست او هم هست، همه جا محضر او است حتی در ذرات دست شما احاطه دارد اگر با واقعیت پیش بروید احساس لطافت دست امام را می‌کنید، اگر چند روزی انجام دهید دیگر احتیاج به نیابت ندارد احساس می‌کنید با خود او بیعت کرده‌اید.

* * *

حالا دست چپتان را بگذارید توی دست راستتان و دست راستتان مال امام زمان بشود. بگویید:

آقا جان یا صاحب الزمان، با شما بیعت می‌کنیم که دستمان ان شاء الله آلوده به معصیت نباشد، قلبمان آلوده به معصیت و گناه نباشد.

یا بقیة الله، آقا جان، روحمان سیاه است، قلبمان سیاه است. هر چه باشیم هر که باشیم، هر عملی که داشته باشیم لایق حرف زدن با شما نیستیم. اما چه کنیم خدای تعالی به ما اجازه داده، خودت هم مهربانی، خودت هم ما را دوست داری.

یا بقیة الله

«دوستان را کجا کنی محروم» «تو که با دشمنان نظر داری»؟

آقا جان، شما وجه الله هستید^(۱)، روح الله هستید، آیت الله هستید^(۲)، نشانه‌ی خدا هستید باید اینطور باشید.

یا بقیة الله، درست است که کار مشکل است ولی ان شاء الله یقیناً خودتان هم کمک می‌کنید، شما هم به ما محبت می‌کنید، که ما به خدا برسیم، به شما برسیم، به حقیقت ولایت و توحید برسیم، به حقیقت عبودیت و جهاد با نفس برسیم، در صراط مستقیم دین قرار بگیریم.

یا بقیة الله، یا صاحب الزمان، آقاجان، ما از همین الان با شما قرار می‌گذاریم که ما بنده‌ی شما باشیم، مطیع شما باشیم. کاری که قلب شما را رنجیده می‌کند ان شاء الله انجام ندهیم. شما هم به ما لطف کنید.

فقط یک لطف به ما داشته باشید و آن اینکه ما را از خواص خودتان قرار بدهید. یا بقیة الله، آیا قبول است؟

خوشا به حال آن گوشی که قبولی را شنیده باشد.

خوشا به حال آن کسانی که این مسائل را درک می‌کنند.

۱ - «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: نَحْنُ اَلْاِمَامَانِى الَّذِى اَعْطَاهَا اللّٰهُ نَبِيَّنا وَ نَحْنُ وَجْهُ اللّٰهِ تَتَقَلَّبُ فِى الْاَرْضِ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ عَرَفْنَا مِنْ عَرَفْنَا وَ جَهِلْنَا مِنْ جَهِلْنَا فَامَامَهُ الْيَقِيْنُ وَ مَنْ جَهِلْنَا فَامَامَهُ السَّعِيْرُ» بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۴.

۲ - «عَنْ طَارِقِ بْنِ شَهَابٍ عَنْ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنَّهُ قَالَ: يَا طَارِقُ الْاِمَامُ كَلِمَةُ اللّٰهِ وَ حُجَّةُ اللّٰهِ وَ وَجْهُ اللّٰهِ وَ نُورُ اللّٰهِ وَ حِجَابُ اللّٰهِ وَ آيَةُ اللّٰهِ يَخْتَارُهُ اللّٰهُ وَ يَجْعَلُ فِيْهِ مَا يَشَاءُ وَ يُوْجِبُ لَهُ بِذَلِكَ الطَّاعَةَ وَ الْوَلَايَةَ عَلَى جَمِيْعِ خَلْقِهِ فَهُوَ وَلِيُّهُ فِى سَمَاوَاتِهِ وَ اَرْضِهِ». بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۶۹.



۴- «موانع ارتباط با امام زمان ارواحنfade»

«برای رسیدن به وصال امام زمان ارواحنfade، باید آدم شویم»

برای رسیدن به وصال حضرت ولی عصر لازم نیست سر به بیابان گذاشت، تو آدم بشو، آدم باید با آدم بنشیند و امام زمان ارواحنfade انسان کامل است تو هم انسان کامل باش تا جلیس امام زمان ارواحنfade بشوی.

در بیابان نمی خواهد گم بشوی، در راه خودت در صراط مستقیم حرکت کن، حضرت می آیند و دستت را می گیرند.

از این قضایا خیلی زیاد است، ما راه را گم کرده ایم؛ با اینکه خدای تعالی به ما گفته است روزی ده مرتبه بگویند «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، در عین حال کج می رویم، اشتباه می کنیم و درب خانه ی غیر خدا می رویم، به غیر خدا تکیه می کنیم و با غیر خدا رفیق می شویم!

باید با خدا رفیق بشوی به غیر خدا تکیه نکنی، با خدا هم سخن باشی و راه خدا را بپیمایی، حتی یک گناه اگر بکنی از راه خدا منحرف شده ای.

«ما با امام زمان ارواحنfade اهلیت نداریم»

حضرت نوح وقتی دید فرزندش غرق می شود با صدای بلند داد زد: خدایا ﴿إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي﴾^(۱) بچه ام اهل من بود و تو وعده ات حق است، در عین حال تو

حکیم ترین حاکمین هستی.

خدا فرمود: ای نوح ﴿إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ﴾^(۱) تو خیال کردی هر بچه‌ای که فرزند تو بود اهل تو است؟

نخیر، او از اهل تو نبود، او آنقدر معصیت کرده بود که خودش عمل غیر صالح بود. چه چیزش با تو اهلیت داشت؟

شما هم با خودتان بنشینید صحبت کنید، چه چیز شما با امام زمان ارواحنفاذ اهلیت دارد؟

نماز خواندنتان؟

عبادتتان؟

فکرتان؟

چه چیزتان؟

نه چشمت چشم امام زمانی است.

نه گوشت گوش امام زمانی است.

نه فکرت فکر امام زمانی است.

هیچ چیزت امام زمانی نیست.

امام زمان ارواحنفاذ کجا به فکر دروغ گفتن به دوستانش است؟

امام زمان ارواحنفاذ کجا به فکر کلاه گذاشتن سر دوستانش است؟

امام عصر کجا به فکر این است که خودش را یک جور دیگری غیر از آنچه که هست نشان بدهد و ریاکاری بکند؟



امام عصر کجا توی خانه یک جور، توی مسجد یک جور، و توی مردم یک جور است و حالت نفاق دارد؟

ببینید امام عصر چه جوری است؟

یک سر سوزن بر خلاف خواست پروردگار کاری نمی‌کند^(۱).

شما هم اگر بر خلاف خواست پروردگار کاری نکردی اهل امام زمانی و اَلَّا «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» اهل آن حضرت نیستی.

«سیاهی قلب، ما را از امام زمان ارواحناده دور می‌کند»

خوشا به حال آنهایی که سواد قلب ندارند. یعنی دلشان را سیاهی نگرفته.

این علم و دانش‌ها اگر خدای نکرده برای ما کبر و غرور بیاورد. اگر عنوان آیت الله و دکتر و مهندس و هر چیزی که امروز هست سیاهی قلب بیاورد و ما را از امام زمان ارواحناده دور کند، باید زحمت‌ها بکشیم تا تزکیه‌ی نفس کنیم و این سیاهی‌ها را پاک کنیم.

همه‌ی ماها باید خاک پای امام عصر باشیم.

یک وقت‌هایی انسان دلش می‌خواهد که ای کاش خاک می‌بود و کف پای حضرت روی او گذاشته می‌شد لذا خیلی خوب است که بگوید: «ای کاش من خاک بودم».

انسان خیلی دوست داشت که از این ظواهر یک خُرده‌ای بیرون می‌آمد، به یک حقایقی می‌رسید مقام انسانیت را درک می‌کرد. می‌فهمید که:

۱ - «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ الْأَئِمَّةِ مَوْرِدًا لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئًا شَاءَهُ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ مَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ». تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۰۹.

«اگر آدمی به چشم است و زبان و گوش و بینی»

«چه میان نقش دیوار و میان آدمیت»

این همه نقش دیوار هست.

آدم اخلاق می خواهد، انسانیت می خواهد، گذشت می خواهد.

وقتی که اصحاب حجة بن الحسن را در آیات قرآن توصیف می کنند، خدای تعالی می فرماید: «صَقَّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرصُوصٌ»^(۱). اینها آنچنان به هم چسبیده اند از نظر روحی، از نظر معنوی که مثل یک دیوار هستند، محکم در مقابل دشمنان.

«حجاب های روحی، مانع استفاده از نور امام زمان ارواحناده است»

انسان باید به کمال برسد، به جایی برسد که با هوای نفس مبارزه کند، خواسته های نفسانی را کنار بریزد و بر خود تحمیل کند تا بفهمد در زمان غیبت می توان از امام زمان استفاده کرد همانطور که در زمان ظهور مردم استفاده می کنند، و الا پیامبر اکرم در کیفیت انتفاع از امام زمان ارواحناده، نمی فرمود مثل خورشید پشت ابر است بلکه به شب مثال می زد که هیچ نوری نباشد^(۲).

ما با حجاب های قلبی و افکار مادی که داریم نمی توانیم هیچ استفاده علمی و معنوی از امام زمان ارواحناده کنیم. پس باید بگوئیم برای ما شب است. اگر روز باشد و ابر باشد بالاخره از نور خورشید استفاده می کنیم ولی ما در اتاق تاریک رفته ایم که شب

۱ - سورة مبارکه صف، آیه ۴.

۲ - «عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ هَلْ يَقَعُ لِشَيْعَتِهَا الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ: إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ أَنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص



و روز آن فرقی نمی‌کند.

ما در حجاب‌های ظلمانی قرار داریم که شب و روز برایمان فرقی ندارد حالا خورشید باشد، روز باشد یا نباشد.

وقتی برایمان فرق دارد که مقداری خود را بسازیم، درست شویم. اگر انسان از این سلول مادّیت بیرون بیاید اقلاً از نور پشت ابر استفاده می‌کند.

* * *

امروز هر کجا بروید، شیعیان دل سوخته و مسلمانی هستند که از اوّل عمر به آنها وعده داده شده که یک روز منجی عالم بشریت تشریف می‌آورد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند.

هر کس هر جا ظلمی می‌بیند، یاد این عدالت گستر می‌افتد.
دائماً بخواهیم یا نخواهیم، غافل باشیم یا متوجّه، در حال انتظاریم.
منتظریم آن وجود مقدّس تشریف بیاورد و حقوق مردمان ضعیف را که همه‌ی ما ضعیف هستیم به آنها برگرداند.
همه می‌گویند: آقا بیا.

اگر آقا جواب ما را بدهند که: «من که آمده‌ام، مرا که خدای تعالی فرستاده، من که از عرش آمده‌ام و در کره‌ی خاکی شما زندگی می‌کنم، من که شب و روز ناظر اعمال شما هستم، من که آمده‌ام، تو باید بیایی».

چه می‌کنیم؟

اگر آقا بفرماید: «تو بیا، تو قدمی بردار، من که غائب نیستم، تو غایبی».

چه می‌کنیم؟

اگر کسی لحاف را روی سرش کشیده باشد، باید دیگران بیایند لحاف را بردارند تا عالم را ببیند یا خودش باید اقدام کند؟

«تو بیا، تو این حجاب‌ها را برطرف کن، تو این گناهان را ترک کن، تو پاک شو، تو تزکیه‌ی نفس کن، تو به کمال برس. من که آمده‌ام، من که منتظرم، خدا هم منتظر است که می‌فرماید: ﴿فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَکُمْ مِنَ الْمُتَظَرِّينَ﴾^(۱)».

شما را به خدا، امام زمان ارواحنا فداه باید بیاید یا ما باید برویم؟

ما باید اقدامی کنیم یا او باید اقدامی بکند؟

ما باید از این حجاب‌ها بیرون بیاییم یا او باید از حجاب بیرون بیاید؟

پیامبر اکرم وجود مقدس حضرت را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده^(۲).

خورشید، جهانی را منور کرده، همه جا را منور فرموده، این ما هستیم که پشت ابریم، باید یک حرکتی کنیم، کاری کنیم که این ابرها از بین برود.

ابرهایی که در اثر گناهان دسته جمعی و ظلم‌های دسته جمعی، روی سر ما سایه افکنده را باید دسته جمعی از بین برد.

اما تو اگر می‌خواهی به تنهایی خورشید را ببینی، یک هواپیما بنشین، برو آن طرف ابر، ببین خورشید چه جلوه‌ای دارد، یک قدرت روحی پیدا کن تا بتوانی به آن طرف برسی.

این غل و زنجیرها را قطع کن، این صفات رذیله و این اخلاق ناپسند را از بین ببر، محبت به دنیا را کم کن، اینقدر به فکر مادیات نباش.

۱ - سورة مبارکه یونس، آیه ۲۰.

۲ - کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۳.



غل و زنجیرها که قطع شد، حرکتی می‌کنی، از ابر زمان غیبت بیرون می‌روی، خورشید جمالش را می‌بینی، از نورش استفاده می‌کنی.

* * *

اگر می‌خواهید هر چه سریع‌تر و هر چه بهتر مقرب درگاه امام زمان ارواحناده باشید کاری نکنید که او از شما رنجیده شود، دلش محزون شود، کاری نکنید که او مکدر شود.

کاری کنید که با آن وجود مقدس که جان همه‌مان به قربانش، طوری برخورد کنید که اگر روبرو شوید کوچک‌ترین ایرادی از نظر این «صراط مستقیم»، این «نبا عظیم»^(۱)، این «وجه الله الأكبر»^(۲)، این «عین الله» در شما، در زندگیتان، در فرزندان شما و در اخلاقیات شما وجود نداشته باشد.

اگر غیر از این باشد شرط محبت را عمل نکرده‌اید.

خودت را برای محضر امام زمان ارواحناده پاک کن.

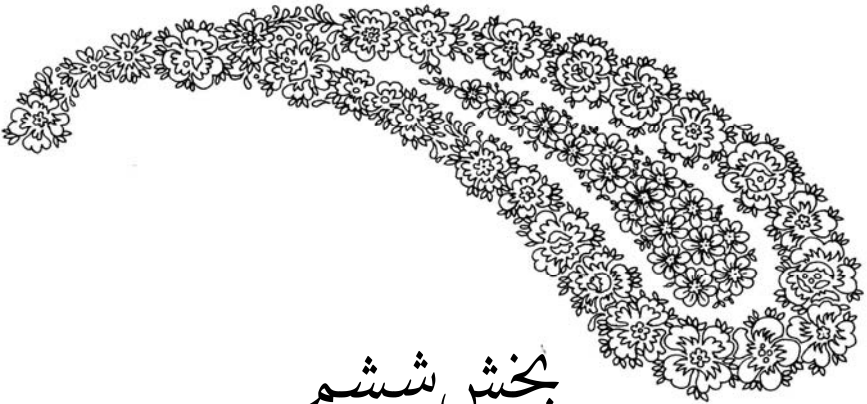
حضرت نه عبادت را، نه شکل و قیافه‌ات را، نه پولت را، نه شخصیت را، هیچ کدام را نمی‌خواهند، بلکه از تو پاکی می‌خواهند که خدای تعالی بعد از یازده قسم می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا﴾^(۳).

امیدوارم این قدم‌هایی را که باید به طرف امام زمان ارواحناده بردارید و اسمش قدم‌های تزکیه‌ی نفس است را محکم بردارید و حجاب‌ها را از بین خودتان و امام زمان ارواحناده برطرف کنید.

۱ - «بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱ باب ۲۵. فی انه النبأ العظیم....»

۲ - «بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۹۱، باب ۵۳. فی انهم جنب الله و وجه الله و یدالله و امثالها».

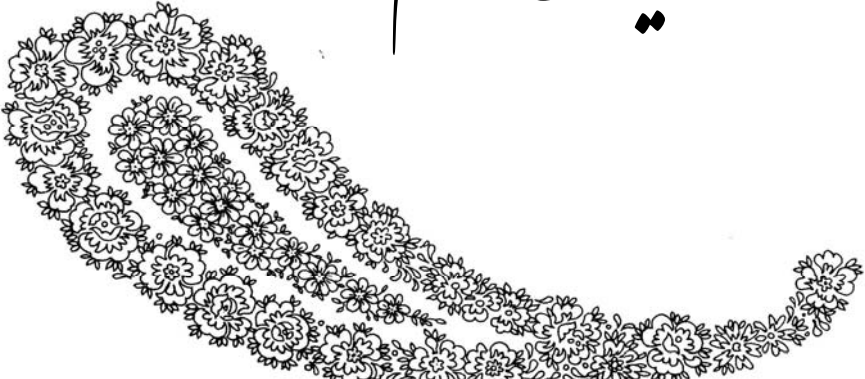
۳ - سورة مبارکه شمس، آیه ۹.



بخش ششم

عَلَّاهُ
فَرَجَ الشَّرِيفِ

یاری امام زمان



۱- «اهمیت یاری امام زمان»

«آرزوی ائمه خدمتگزاری به امام زمان ارواحنا فداه بود»

انسان باید به حضرت ولی عصر اظهار محبت بکند، تا بتواند این دنیای دنی را به سلامتی بگذراند و امتحانش را خوب بدهد و به آن مقامی که حتی ائمه اظهار آرزویش را داشتند، حتی انبیاء آرزویش را داشتند، برسد.

آن مقام این است که هم حضرت سید الشهداء و هم حضرت صادق فرموده‌اند که: «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»^(۱)، اگر من درکش می‌کردم خادمش بودم، خدمتگزارش بودم، در مدتی که زنده بودم.

چون او کاری می‌کند که همه‌ی ائمه آرزویش را داشتند، او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، بلکه حکومت الهی را در دنیا مستقر می‌کند، همه‌ی مظلومین را نجات می‌دهد، همه‌ی ظالمین را سرکوب می‌کند.

* * *

حضرت صادق می‌فرمود: اگر من زمان او را درک می‌کردم، تمام عمرم خدمتگزارش بودم.

شما زمانش را درک کرده‌اید، پس خدمتگزارش باشید.

چه خدمتی از ما بر می آید؟

من فکر می کنم، این خدمت لااقل از همه بر می آید که او را ترویج کنند، نام او را ببرند، مردم را به یاد او بیاندازند.

این اقل کار است، زن و بچه ات را به یاد امام زمان ارواحناده بیانداز.

«باید معاون امام زمان ارواحناده بشویم»

خدای تعالی می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^(۱)، مثل هر رئیس اداره ای که می گوید: هر کس می خواهد کار بکند، من سر صبح می آیم کنار میزش می ایستم به او برنامه های صحیح تر را می دهم تا رتبه اش برود بالا.

انسان دلش می خواهد این مسائل را قاطعانه بگوید منتها چه کنیم یک عده هستند که کورند، محدودند، نمی شود بعضی از حرف ها را به آنها گفت والا خدا می داند امام عصر می آید پای سجاده ی نماز تو می ایستد می فرماید: تو می شوی کمک من، معاون من؟

معاون یعنی کمک، همان که می گوئیم: «اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه» خدایا ما را از انصار و از معاون های امام زمان ارواحناده قرار بده. خیلی مقام به انسان می دهند، اما ما همین جور نشسته ایم و به فکر کمالات نیستیم.

معاون امام زمان ارواحناده بشویم؟! معاون خیلی مهم است. از مشاور و از وزیر و از رئیس و از همه بالاتر است.

همه مان باید از خدا این درخواست را بکنیم.



عرض کردم می آید کنار میزت، کنار سجاده‌ات، کنار نماز تو می ایستد می فرماید:
«می خواهی معاون من بشوی»؟

بله آقا، قربانت برویم. ما چه لیاقت داریم؟
چون دعا کردی که «وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ».

ولی تو با این دروغ‌گویی و با این پشت هم اندازی و این صفات رذیله می خواهی
معاون من بشوی!

این کارها را درست کن بعدش هم یک دستوراتی داری باید انجام دهی که انسان
را می رساند به جایی که جزء معاونین حضرت بقیه الله ارواح‌نفاذ خواهد شد.

انسان در راه خدا کوشش بکند و وقتی که یک همچنین کاری کرد مورد لطف
پروردگار واقع می شود.

«ماکاری برای امام زمان ارواح‌نفاذ نکردیم»

این قدر کرامات و معجزات از ناحیه‌ی اهل بیت عصمت و طهارت امروز
ظاهر شده که من به یکی از دوستان گفتم که اهل بیت دیدند ماهاکاری برای توجّه
مردم به وجود مقدّس حضرت بقیه الله ارواح‌نفاذ نمی کنیم خودشان دست به کار شدند!
ماها برای امام زمان ارواح‌نفاذ کاری نکردیم. برای معرفی حجة بن الحسن ،
برای توجّه مردم به حضرت کاری نکردیم، چه کار کردیم؟

تا یک کلمه به شما می گویند: «شما حجّتی هستید» در حالی که اصلاً نمی دانید
حجّتی یعنی چه، می گویند: پس باید ملاحظه کرد و اسم امام زمان ارواح‌نفاذ را نبرد!
خاک بر سر آن کسی که این حرف را می زند.

انسان اسم اربابش را به همین اندازه هم نبرد؟

امام زمان ارواحناده آن کسی است که «بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^(۱). الآن من و شما اینجا نشسته ایم نفس می کشیم به خاطر امام زمان ارواحناده است، هر کجا هستیم زیر سایه ی حضرت هستیم، دست مقدّسش روی سرمان است.

این همه بی حالی؟!

انسان باید کار کند! او آقای ماست، آن هم یک آقای که مایه ی افتخار همه ی عالم بشریت است، مسیحی ها به او افتخار می کنند، زرتشتی ها به او افتخار می کنند، یهودی ها به او افتخار می کنند، آن وقت او مال شما شده، شما کوتاهی می کنید؟ هر کجا هستید، بر شماها واجب است که ترویج نام مقدّس امام عصر را بکنید، مردم را برای ظهور مهیا کنید.

«یاری امام زمان ارواحناده، سبب یاری خدا به انسان می شود»

اگر شما نیت کنید که اهداف عالیّه ی امام زمان ارواحناده را در وجود خودتان و دوستانتان پیاده کنید، آنچه را که او می خواهد و از شما طلب می کند انجام بدهید، این یاری امام زمان ارواحناده است، فایده اش این است که اگر این کار را انجام بدهید یاری پروردگار و مدد الهی به سراغتان می آید.

«والله العظيم» قسم می خورم که اگر شما امام زمانتان را یاری کنید، خدا شما را از جهت مادی و معنوی یاری می کند.

بعضی از دوستان اظهار می کنند که گرفتاری هایی دارند.



امام زمانت را یاری کن، خدا وعده کرده که تو را یاری کند. یاری خدا هم این است که هم دنیایت را آباد کند و هم آخرتت را، هم تو را در میان مردم عزیز کند و هم دشمنت را ذلیل کند.

فکر نکنید حجة بن الحسن فقط بعد از ظهور «معز الاولیاء و مذلّ الاعداء»^(۱) است، همین الآن هم هست.

تو ترسی را که شیطان در دلت ایجاد می کند کنار بگذار، تو محکم در راه حجة بن الحسن و ترویج نام مقدّسش بایست ببین چه می شود.

خدای من شاهد است که در زندگی مکرّر دیده‌ام کسانی که ترویج نام مقدّس آن حضرت را می کنند و تا اندازه‌ای که برایشان مقدور است یاری حجة بن الحسن را می کنند، اگر تمام مردم کره‌ی زمین دشمنشان باشند، باز هم عزیز می شوند، و برعکس هرچه انسان از ترس اینکه به او وصله بزنند که مربوط به فلان گروه است کمتر نام مقدّس امام زمان ارواحناده را ببرد، ذلیل می شود.

«وقت سربازگیری امام زمان ارواحناده است»

الآن این را بدانید وقت سربازگیری است، سربازهای خوبی هم می خواهند، امام زمان مأمور به باطن است، مأمور به ظاهر نیست^(۲). تو بروی بگویی: من اینطور

۱ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲ - «الْحَسَنُ بْنُ طَرِيفٍ قَالَ: اخْتَلَجَ فِي صَدْرِي مَسْأَلَتَانِ أَرَدْتُ الْكِتَابَ بِهِمَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ فَكَتَبْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِمَنْ يَقْضَى وَ أَيْنَ مَجْلِسُهُ الَّذِي يَقْضَى فِيهِ بَيْنَ النَّاسِ وَ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لِحَمِّي الرَّبِيعِ فَأَغْفَلْتُ ذِكْرَ الْحَمِّي فَجَاءَ الْجَوَابُ سَأَلْتُ عَنِ الْقَائِمِ وَ إِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ...» الإرشاد، ج ۲، ص ۳۳۱. رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ

خوبم، نماز شبم را می خوانم، چه می کنم، چه می کنم... امام زمان ارواحناده یک نگاه به تو می کند می بیند همین الان داری دروغ می گویی تو را طردت می کند، یک سربازگیری خیلی عمیق با حساب و با شرایط است.

خودتان را آماده کنید. سنّ هم برای امام زمان ارواحناده مطرح نیست، چون با اراده پیر را جوان می کند، جوان را پیر می کند، خوب را خوب تر می کند، بدها را حتی ممکن است ببخشد آنها را صالحشان کند، اینها مطرح نیست فقط و فقط دلت را پاک کن، با قلب سالم، دل سالم، خدمت حضرت برس.

جوان ها بیشتر به درد می خورند، به جهت اینکه هم بهتر سربازی ممکن است بروند، هم بهتر ممکن است از نیرویشان استفاده کنند و در محضر حضرت باشند.

بنابراین ارتباط با حضرت پیدا کنید، عمل صالح کنید، بگویید: آقا من می خواهم آنجوری باشم که تو دوست داری.

یک جوری باشید که وقتی در مقابل حضرت ایستادید ایرادی به شما نگیرند، ایرادی به صفات دلتان نگیرند، ایرادی به اعمالتان نگیرند، این را من خیلی دوست دارم دوستان در خودشان پیاده کنند.

«برای ظهور امام زمان ارواحناده آماده باشیم»

ان شاء الله ظهور آن حضرت خیلی نزدیک است یعنی احتمال دارد آن حضرت در زمان ما تشریف بیاورد، لذا ما باید خودمان را آماده کنیم. یعنی اعمالمان را درست کنیم،

⇒ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَخْتِاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يَخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وَلِيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالْوَسْمِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لَبَسِيلٌ مُّقِيمٌ «الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶»



قلبمان را باید تزکیه کنیم و زندگیمان را طوری ترتیب بدهیم که اگر روزی بنا شد آن حضرت ظاهر بشوند، اگر به زندگی ما، به اعمال ما، به صفات ما نظر کنند کوچک‌ترین اشکالی نبینند.

به خدا قسم آنقدر مسئله‌ی حجة بن الحسن حق است، آنقدر مسلم است که به اعتقاد من در عالم آنقدر که به امام زمان ارواحناده مردم معتقدند به پیغمبر اسلام اعتقاد ندارند.

چون تمام مسلمان‌ها نسبت به امام زمان ارواحناده اعتراف دارند و تمام خصوصیات که قرآن برای حجة بن الحسن بیان کرده در کتاب انجیل هم بیان شده است.

«مانعی برای ظهور امام زمان ارواحناده نداشته باشیم»

کسی که می‌خواهد خودش را سرباز امام زمان ارواحناده قرار دهد و دعایش این است که: خدایا مرا از یاران خوب آن حضرت قرار بده، باید طوری حرکت کند که تمام موانع را از سر راه خودش بردارد.

معنای انتظار فرج هم همین است که انسان هیچ مانعی نداشته باشد.

منتظر واقعی کسی است که آماده برای مردن باشد، چون همانطوری که مرگ، ناگهانی می‌آید، روایت دارد که ظهور حضرت هم ناگهانی است^(۱)، یک دفعه می‌گویند: آقا بلند شو بیا.

۱- «عَنْ عَلِيٍّ أَنَّ النَّبِيَّ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ فَقَالَ: مَثْلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يَجْلِيهَا لَوْ قَتَلَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» عيون أخبار الرضا ، ج ۲، ص ۲۶۶.

یک عده از اصحاب حضرت اسمشان «مفقودین» است^(۱)، خانواده‌اش بلند می‌شود می‌بیند مفقود شده است، حضرت او را طلبیده‌اند، رفته، چنین شخصی کارهایش مرتب، بدهکاری‌هایش حساب شده، وضع زن و بچه‌اش مرتب و برنامه‌هایش منظم است.

منتظر است که آقا بگویند: بیا، او هم برود و هیچ معطلی ندارد.

۲- «راه‌های یاری و خدمت به امام زمان ارواحناده»

«انجام واجبات، اولین قدم برای یاری امام زمان ارواحناده»

خدای من شاهد است هدف من از تمام این فعالیت‌ها با این وضعی که دارم فقط و فقط این است که یار برای امام زمان ارواحناده تربیت بکنم. شماها یار امام زمان ارواحناده باشید.

قدم اولش هم این است که واجباتان را انجام بدهید، کوچک‌ترین فعل حرام هم نکنید و تزکیه‌ی نفس کنید.

این یک قدم اول، چون اگر انسان خودش تزکیه‌ی نفس نکرده باشد، خودش پاک نباشد چطور می‌تواند کار پاک بکند؟ چطور می‌تواند حرفش پاک باشد، چطور آدم منافق می‌تواند راست بگوید؟ چگونه یک انسان متقلب می‌تواند بی‌تقلب باشد؟ یک

۱- «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمُفْتَقِدِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً أَنَّهُمْ لَمْ يُفْتَقِدُوا عَنْ قُرْشِهِمْ لَيْلًا فَيَضْبَحُونَ بِمَكَّةَ وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً يَعْرِفُ اسْمَهُ وَاسْمُ أَبِيهِ وَحَلِيتُهُ وَنَسَبُهُ قَالَ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَاناً قَالَ الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.



فرد متکبر، خودخواه، خودنما چطور می تواند مردم را بسازد؟
پس قدم اول این است و ان شاء الله زودتر خودتان را به این هدف برسانید.

«تزکیه نفس بهترین راه یاری حضرت است»

خیلی ها از من سؤال می کنند ما الان در زمان غیبت چگونه امام زمانمان را یاری کنیم؟ خیلی ها شب نیمه شعبان خانه و خیابان و محله شان را چراغانی می کنند، این خیلی خوب است، اظهار محبت است، اما اگر می خواهی امام زمانت را خوشحال کنی باید خانه دلت را به نور آن حضرت چراغانی کنی. راه یاری امام زمان این است که تو خودت را بسازی، تزکیه نفس کنی، از تمام بندهای نفسانی و شیطانی آزاد شوی، راه یاری امام زمان ارواحفاده این است که در مسیر بندگی خدا قدم برداری، راه یاری آن حضرت این است که اخلاقت را شبیه اخلاق آن حضرت کنی و عقایدت را با عقاید آن حضرت یکی کنی. راه یاری آن حضرت این است که برای ظهور آن حضرت دل بسوزانی، کار کنی، قدمی برداری، پولی خرج کنی، به هر طریقی می توانی معارف حضرت را تبلیغ کنی و ترویج دهی. راه یاری آن حضرت این است که با بدعت ها و خرافه ها مبارزه کنی و اسیر خرافات و رسم و رسوم غلط و خارج از صراط مستقیم نشوی و تا آنجا که می توانی مردم را از خرافات و انحرافات باز داری. راه یاری آن حضرت این است که دست یاری دهنده و بازوی توانای آن حضرت باشی، زبانت، زبان حضرت، چشمت، چشم حضرت، قدمت، قدم حضرت و دستت، دست آن عزیز گردد.

راه یاری آن حضرت این است که خانوادهاات را از آتش آخرالزمان حفظ کنی و در خانه و منزلت چیزی که مطابق میل آن حضرت نیست وجود نداشته باشد....

حالا اگر دوست داری به مولای غربیت لبیک بگویی بسم الله، تا دیر نشده بگو لبیک و با آمدنت در صف یاران حضرت ولی عصر ارواحنفا، قلب یوسف زهرا را خوشحال کن.

«برای یاری امام زمان ارواحنفا، خودمان را بسازیم»

من هدفم این است که همه شما از خوبانِ یارانِ امام زمان ارواحنفا باشید. ولی بدانید اگر شما امروز خودتان را برای این جهت ساختید، وقتی که آقا ظهور کند شمایی که از قبل خودتان را از روی عشق و علاقه برای اینکه در کنار امام زمان ارواحنفا باشید آماده کرده اید یک ارزش دیگری دارید ولو اینکه کوتاهی کرده باشید، که من راضی نیستم کوتاهی کنید.

به خدا قسم اینقدر دلم می خواهد که شما هر چه زودتر خودتان را برسانید به یک جایی که اگر آقا تشریف آوردند بگویند: این برای من خوب است، این انتخاب شده، هر چند مثلاً آدم کار آزموده ای نیست، یک فرد مبارزی نیست، با دشمن که روبرو می شود رنگش می پرد ولی چون به فکر من بوده درستش می کنم.

لذا شب و روز مشغول باشید، بگویید: «یا صاحب الزمان».

بگویید: آقا جان من هم می آیم.

بگویید: آقا جان من هم طرفدار توام.

زبانست که درد نمی گیرد هر صبح و شام بگویی: «اللهم عجل لولیک الفر» ج.

دیگر آدمی که زبانش را هم نتواند حرکت بدهد به درد هیچ چیز نمی خورد. دعا که می توانی بکنی! شماها باید برای این جهت ساخته بشوید.

انشاء الله آنهایی که مشغولند، جدی هستند، درباره ی حضرت ولی عصر کتاب



می نویسند، فعالیت می کنند، اینها زیادتر موفّق می شوند، آنهایی هم که اصلاً فعالیت نمی کنند پشیمان می شوند و حسرت می خورند.

لذا هر طوری می توانید ان شاء الله درباره ی حضرت ولی عصر کار کنید، فعالیت کنید، همه شما امام زمانی باشید.

بگذارید دیگران هر چه می خواهند بگویند. هر چه بیشتر فحشتان بدهند اجر تان روز قیامت بیشتر است، اشکال ندارد، چه بهتر. روز قیامت همه را در نامه ی اعمال تان می نویسند که در راه امام زمان ارواح فدا شده به این آقایان فحش دادند.

* * *

ان شاء الله ظهور نزدیک است، خودتان را بسازید.

کلمه ی انتظار یعنی خودسازی، یعنی اگر به شما گفتند: فردا صبح حضرت تشریف می آورند، یک دلهره ای داشته باشید که ای وای من هنوز خودم را نساختم و اگر فردا صبح آقا حجة بن الحسن اعلام ظهور بفرمایند، من با این وضعیت روحی و با این معصیت ها و این گرفتاری ها چه کنم؟

خوشا به حال جمعی که به مراحل کمالات رسیده اند و خوب هم پیشرفت کرده اند و هر چه هم علائق ظاهری داشته باشند آنها را ترک می کنند و به خدمت حضرت موفّق می شوند.

* * *

من از یک چیز خیلی می ترسم و آن این است که آقا ظهور کند در حالی که هنوز بعضی خودشان را نساخته باشند و عقب بیفتند.

ما تا کی می خواهیم خودمان را درست نکنیم! بنشینیم کارمان این باشد که فلانی بد کاری کرده، فلانی خوب کاری کرده؟ پشت سر مردم حرف بزنیم؟ توی فکر زندگی

مردم برویم؟ مردم را از خودمان ناراضی کنیم؟ خدا را از خودمان ناراضی کنیم؟
به خودمان بیائیم.

قبل از اینکه بخواهی بگویی: فلانی فلان اشتباه را کرده، فلانی فلان کار را کرده و
توی زندگی مردم دقیق شوی، توی زندگی خودت دقیق شو^(۱).

تا کی می خواهی حرف زندگی مردم را بزنی و حرف زندگی خودت را نزنی؟
تا کی می خواهی مردم پیش تو مطرح بشوند و خودت مطرح نباشی! عیوب
خودت را نبینی؟

مثل آدمی که آینه را در مقابل خودش نگیرد، اما در مقابل صورت دیگری بگیرد و
بدی های او را توی آینه ببیند.

چه فایده؟

به چه درد انسان می خورد؟

یک خُرده ای تکان بخورید. باید زود، عجله کنید.

امام زمان ارواحناده بر خلاف همه ی ائمه مأمور به باطن است، چون مردم آن زمان
فکرشان کوتاه بود، رشد نداشتند، لذا پیغمبر اکرم کنارش ابوسفیان و ابو بکر و عمر
و عثمان و خیلی از منافقین بودند، اما امام زمان ارواحناده با آدم های حسابی روبرو
است، مردم همه تحصیل کرده اند، فکرشان رشد کرده، به فکر اختراعات و
اکتشافات اند. به فکر کمالات اند. حواستان جمع باشد.

۱ - «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ شَغَلَتْهُ مَعَايِبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ» مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۵ و «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ كَانَ بِعَيْبِهِ بَصِيرًا وَعَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ ضَرِيرًا» غرر الحکم،



تا کی انسان می‌خواهد همین‌طور صفات رذیله در وجودش باشد و توی فکر اصلاح خودش نباشد؟

«برای یاری امام زمان ارواح‌نفاذ، روحیه‌ی بندگی را در خود ایجاد کنیم»

مطلبی که می‌خواهم عرض کنم این است که: حتماً حضرت ولی عصر تشریف خواهد آورد. و شاید تشریف فرمائیشان در زمان ما باشد که اگر در زمان ما باشد باید سریع‌تر خودمان را بسازیم و آماده کنیم.

آمادگی هم این نیست که تیر و کمان را برداریم و برویم در بیابان‌ها، یا شغلان را تعطیل کنیم.

که یک وقتی یک آقای گفته بود: فلان روز حضرت تشریف می‌آورند - که البته خود تعیین وقت کار حرامی است^(۱) - یک عده هم که به ایشان ارادت داشتند همه‌ی کار و کسبشان را ترک کرده بودند توی خانه نشسته بودند و منتظر اعلام ظهور بودند! نه، شما کارهایت را روبه‌راه کن، مرتب باش، اگر در مغازه‌ات باشی و قرار باشد به خدمت حضرت برسی، از همان جا می‌روی، مسئله‌ای نیست اصلاً شاید نیروی رفتن توی کار نیست، کارتان را به شما می‌گویند، هر چه هست باید بکنی، هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند و مشغول کار خودش می‌شود. چیزی که مهم است بنده بودن است،

۱ - در کتاب کافی جلد ۱، بابی با عنوان «باب کراهیه التوقیت» است که مرحوم مجلسی رحمه الله این باب را توضیح می‌دهند و می‌گویند مراد ایشان از کراهیت، حرمت است. مرحوم نعمانی رحمه الله در کتاب غیبه باب ۱۶، تعدادی روایت در این رابطه نقل کرده که مفادشان نهی از توقیت است. مرحوم شوشتری رحمه الله در «النجعة فی شرح لمعة» می‌فرماید: تعیین وقت ظهور حرام است و روایاتی را نقل کردند، مبنی بر اینکه روایات، ظهور بر حرمت دارند.

بنده بشویم.

ان شاء الله امیدواریم همه مان بنده باشیم. و محکم بایستیم، مثل دیوار بتونی که در مقابل حوادث قرار گرفته علاوه بر اینکه خودش هیچ فشاری رویش نمی آید سنگری برای دیگران هم هست، پشت او می روند می ایستند که از خطرات محفوظ باشند. لذا ان شاء الله طوری باشید که در زیر سایه ی هر یک از شما جمعی از خطرات آخر الزمان محفوظ باشند.

* * *

خودتان را عادت بدهید به اینکه محبت دنیا را از دلتان بیرون کنید، نمی گویم پول نداشته باشید، داشته باشید ولی محبتش را نداشته باشید، محبت دنیا را نداشته باشید، لااقل تمرین این جهات را داشته باشید که اگر امام عصر آمدند به مشکلی بر خورد نکنید.

یک وقتی یک عده بودند می خواستند خودشان را بسازند، رفته بودند در خارج شهر، تیر و کمان برده بودند و اسب سواری می کردند که مثلاً اگر حضرت تشریف آوردند تیر و کمان انداختن را بلد باشند!

حضرت همه را که برای سربازی و این کارها نمی خواهد! آنچه که مسلم است این است که باید بنده و مطیع باشیم.

می فرمایند: تو به درد این کار می خوری، این کار را بکن، آن یکی به درد آن کار می خورد، برو آن کار را بکن، تو هم به درد این می خوری که مثلاً اصطبل را تمیز کنی برو بکن، فرقی نمی کند، مسئله ای نیست. هر چه آقا می خواهد تو هم باید همان را بخواهی.

* * *



این روحیه باید در تو پیدا بشود. برو برگرد هم ندارد، هر چه گفتند بدون هیچ مسامحه‌ای باید انجام بدهی.

جای این حرف‌ها نیست که مثلاً بگویی: ما مدّتی روحانی بودیم، آخوند بودیم، چه بودیم، حالا برویم اصطبل را تمیز کنیم!

اگر این را گفتی نمره‌ات صفر است. حتّی اگر توی دلت هم بیاید نمره‌ات صفر است.

امام است، هر چه بفرماید باید اطاعت کرد. خدای تعالی می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^(۱)، این روحیه را باید داشته باشید.

حالا تیر اندازی بلد باشی یا مثلاً هیچ کاری از تو برنیاید بالاخره اگر روحیه‌اش باشد باز هم تو را قبول دارند و تو از یاران حضرت ولی عصر هستی.

اگر هر کار مهمّی را بتوانی انجام بدهی به تو یک خدمات بالاتری را می‌دهند. اما چه بهتر که محبّت به حضرت پیدا کرده و سنخیت روحی با آن حضرت داشته باشی و حضرت تو را بیاورند کنار خودشان قرار بدهند، و تو وزیرِ دستِ راست حضرت باشی، چه از این بهتر! پس بالاخره باید همّت کرد.

باید به فرامین امام زمان عمل کنیم

ما یکی از کارهایی که باید حتماً مقید باشیم این است که به دستوراتشان عمل کنیم، مطیعشان باشیم. حتّی نمازمان را که گفته‌اند اوّل وقت بخوانیم، اوّل وقت بخوانیم.

همه‌ی کارهایمان طبق دستور حضرت بقیة الله ارواحناده باشد. نمی‌شود امام مشغول کاری باشد و مأمومش مشغول کار دیگری باشد. اگر شما داخل یک مسجدی وارد شوید و ببینید که امام جماعت آنجا ایستاده دارد نماز می‌خواند، و یک نفر هم اینجا در سجده است! احتمال می‌دهید که اینها به هم اقتدا کرده باشند؟

اگر ماها اعمالمان صد در صد با این صراط مستقیم تطبیق نکند، البته توجّهی که امام زمان ارواحناده در نماز دارد ما نمی‌توانیم داشته باشیم. ولی می‌توانیم نمازهایمان را اوّل وقت بخوانیم، می‌توانیم مقید باشیم که گناه نکنیم. امام زمان ارواحناده ترک اوّلی انجام نمی‌دهند ما اقلاً گناه نکنیم. اینها را که می‌توانیم. خیلی باید ان‌شاءالله مواظب باشیم.

«همیشه مأموم امام زمان ارواحناده باشیم»

شما فکر کنید چه کرده‌اید که قائل شوید امام عصر امام شما و شما مأموم او بوده‌اید؟

اگر بگویید واجبات را انجام و محرمات را ترک و مستحبات و مکروهات را عمل کرده‌اید، اینکه امامت چهارده معصوم است نه امامت امام زمان ارواحناده! جامعه‌ی ما امامت حضرت ولی عصر را بسیار ضعیف‌تر از اجداد طاهرنش قبول دارند!

یک امام جماعت و یا یک امام جمعه بیشتر مورد توجّه است تا امام زمان ارواحناده!

اصلاً ارتباطی با حضرت نداریم و او از زندگی ما خارج است و ما هم از او امر او خارجیم. حال هر چه اظهار عجز و ناله کنیم که آقا ما حاضریم، ما نوکریم، فایده‌ای



ندارد.

لذا صبح به صبح و شب و روز بایست و بگو: آقا من آماده‌ی خدمتم.

این هم به دروغ و زبان و حرف و لقلقه‌ی زبان نباشد. احاطه‌ی معنوی و روحی حضرت را ببینید و تمام اعضای بدنتان در اختیار حضرت باشد تا بنده‌ی مطلق حضرت باشید^(۱).

افکار، اعمال و حرف‌های شما صد در صد باید با توجّه و با یاد حضرت باشد.

هر کلمه‌ی لغوی که گفته شود همان لحظه از بندگی امام زمان ارواحنfade بیرون هستید! زیرا حضرت حرف لغو نمی‌زند و شما زده‌اید تا چه برسد به گناهان که یقیناً انسان در حین گناه به امام زمانش اقتدا نکرده است، و در آن وقت امام زمان ارواحنfade امام شما نیست چون حضرت از سخن بیجا و لغو و بیهوده مبرا و معصوم هستند. لذا وقتی گفتیم او امام ما است باید صد در صد مطابق اعمال حضرت عمل کنیم.

اگر زبان، گوش، فکر و اعتقاد شما چیزی غیر از آنچه امام زمان ارواحنfade می‌خواهد باشد شما از دایره‌ی امامت حضرت بیرون هستید. لذا باید در صراط مستقیم و در حال جهاد با نفس باشیم تا صد در صد اعتقادات و افکارمان مطابق اعتقادات و افکار حضرت باشد و به او اقتدا کرده باشیم.

«باید در مقابل امام زمان ارواحنfade تسلیم محض باشیم»

اگر با خدا و امام زمان ارواحنfade تعهّد بستید، بر خلاف تعهدتان عمل نکنید که

۱ - همانطور که در زیارت آن حضرت دستور داده شده که چنین عرض کنیم: «السّلام عَلَیک یا مَوْلای سَلامٍ مُّخْلِصٍ لَکَ فِی الْوَلَاءِ أَشْهَدُ أَنَّکَ الْإِمَامُ الْمَهْدِی قَوْلًا وَ فِعْلًا» بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۹۸.

ضعف شما را می‌رساند و استقامت شما را از بین می‌برد. و اینکه لیاقتتان محدود نباشد، در حد معمولی نباشد، در خودتان بی‌نهایت لیاقت ایجاد کنید تا ظرفیتتان وسیع شود.

بعد با ظرف بزرگ قلب و با شرح صدر فوق‌العاده به خدمت حضرت ولی عصر بروید.

اگر می‌خواهید پشت سر امام زمانتان حرکت کنید باید ظرفیتتان زیاد باشد و هیچ وقت نه از طرف شما و نه از طرف حضرت جدائی نباشد. آنچنان باشید که اگر امام معصوم در مقابلتان هر کاری بر خلاف میلان و یا هر چه خوب است انجام داد تکان نخورید.

وقتی حضرت ولی عصر ظهور می‌کنند در روایت است که مطلبی را می‌فرمایند که حتی اصحاب خاص حضرت هم ظرفشان جا ندارد، می‌گویند: شاید او امام زمان نباشد لذا تمام عالم را می‌چرخند و بر می‌گردند و کرنش می‌کنند^(۱)، یک قدرتی دارند که همه‌ی عالم را می‌گردند.

شاید در زمان ما ظهور کنند لذا طوری خودتان را بسازید و بدانید که «عِنْدَ الْإِمْتِحَانِ يَكْرُمُ الرَّجُلُ أَوْ يِهَانُ» مرد از نامرد و بی‌استقامت و بی‌فکر جدا می‌شود.

الآن می‌گوییم هر چه بگویند قبول می‌کنیم. در مقابلشان طوری باشید که حرف

۱- «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الثَّقَائِمِ عَلَى مَنَبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ حَتَّى يَسْتَخْرِجَ مِنْ قَبَائِهِ كِتَابًا مَخْتُومًا بِخَاتَمٍ مِنْ ذَهَبٍ عَهْدُ مَعْهُودٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَيَجْهَلُونَ عَنْهُ إِجْفَالُ الْغَنَمِ فَلَا يَتَّقِي مِنْهُمْ إِلَّا الْوَزِيرَ وَ أَحَدَ عَشَرَ نَقِيبًا كَمَا بَقَوَاعَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَيَجْهَلُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا يَجِدُونَ عَنْهُ مَذْهَبًا فَيَرْجِعُونَ إِلَيْهِ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ الْكَلَامَ الَّذِي يَقُولُ لَهُمْ فَيَكْفُرُونَ بِهِ». بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.



نزید همانطور که حضرت موسی نباید در مقابل خضر حرف بزند و سؤال کند که این مربوط به شرح صدر است؛ شما هم در مقابل امامتان تسلیم محض بوده و در مقابلشان صابر باشید.

«اگر خواسته‌های امام زمان ارواحناده را پیاده کنیم، یار حضرت هستیم»

ممکن است خواسته‌ی دل شما این باشد که یاور امام زمان ارواحناده باشید همانطوری که در دعا می‌خوانید: «اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه» خدایا روزی ما کن که از کمک‌ها و انصار و یاوران امام زمان ارواحناده باشیم.

چطور می‌شود انسان یار امام زمان ارواحناده باشد و برخلاف خواست او کاری بکند؟ از امور جزئی گرفته تا کلی.

مثلاً یک چیزی را می‌دانید که امام زمان ارواحناده دوست دارد اگر خلاف آن را انجام دادید طبعاً دشمن امام زمان ارواحناده هستید، حالا این کار چه گناه باشد و چه مکروه.

وقتی آن کار را انجام دادید آیا می‌توانید بگویید من الآن یار امام زمان ارواحناده و کمک و همراه او هستم؟

اگر نسبت به همسران کوچک‌ترین بی‌ادبی یا بی‌احترامی کنید یقیناً بدانید که امام زمان راضی نیست چون در یک زندگی زناشویی آنچه بیشتر از همه مطلوب حضرت است این است که صفا و صمیمیت و محبت و گذشت باشد.

نگویید او این کار بد را کرد پس من هم می‌کنم! این لجبازی است، بگذارید امتیاز شما این باشد که چون او این کار بد را کرده شما نمی‌کنید.

هر کاری که می‌دانید حضرت دوست دارد چه مربوط به اجتماع، چه سیاست، چه

خانواده‌تان باشد انجام بدهید تا به تمام معنا اسم یار امام زمان ارواح‌نفاذ روی شما گذاشته شود^(۱).

اگر می‌خواهید در اجتماع یار امام زمان ارواح‌نفاذ باشید کاری کنید که همه بگویند کسانی که نام حضرت را می‌برند چقدر درست و صدیق‌اند و اعمال صحیحی دارند. در میان خانه اگر کسی قدم در راه امام زمان ارواح‌نفاذ گذاشته طوری تغییر کند که بگویند: اگر اسلام است، در فلانی خلاصه شده. اگر اخلاق است، در فلانی مجسم شده. اگر انسانیت است، در فلانی دیده می‌شود.

اگر شما اهداف حضرت و خواسته‌هایش را چه در وجود خودتان، چه در خانه‌تان، چه در مملکتان و چه در اجتماعان پیاده کردید یار امام زمان ارواح‌نفاذ هستید، حالا چه در زمان ظهور حضرت باشید و چه نباشید.

«برای یاری امام زمان ارواح‌نفاذ»

از کوچکترین ظلم به زیردستان پرهیز کنیم»

یقین بدانید، هر مردی که در خانه به زن و بچه‌اش ظلم می‌کند به هیچ وجه ارزش آن را ندارد که یار امام زمان ارواح‌نفاذ بشود.

او که نمی‌تواند با چند نفر زیر دستش زندگی صحیحی داشته باشد و در محدوده‌ی خانه‌اش با اینها عدل و داد را برقرار کند، آن وقت می‌خواهد با کسی زندگی کند که او می‌خواهد در کل عالم عدل و داد برقرار کند!

۱ - «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّةٍ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيَّةٍ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكُنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...» نهج البلاغه، ص ۴۱۷.



چنین چیزی نمی شود.

اگر می خواهید پیرو امام عصر باشید، نباید کوچک ترین ظلمی به آنهایی که از شما فرمان می برند و تحت قدرت شما هستند و به آنها امر و نهی می کنید داشته باشید.

«برای خدمتگزاری به امام زمان ارواحنافداه، عدل و داد را پیاده کنیم»

آقایان سعادت‌ی خدا برایتان پیش آورده و آن اینکه خدمتگزار امام زمان ارواحنافداه باشید. یک کاری کنید که خدمتگزار امام زمان ارواحنافداه باشید. یعنی آن کاری که امام عصر می خواهد انجام دهد شما خودتان کنید. منتها به اندازه‌ی خودتان.

حضرت بقیة الله ارواحنافداه می آید عدل و داد بوجود می آورد. شما توی خانه‌تان عدل و داد بوجود بیاورید. نسبت به زن و فرزندان عدل و داد بوجود بیاورید. عادلانه با آنها برخورد کنید، با مهربانی و با محبت با همسر و فرزندان‌تان برخورد کنید. این یک کار خیلی ساده‌ی کوچک و در داخل خانه است.

اگر محیط فرماندهی‌ات وسیع تر است. رئیس یک اداره هستی، در ادارات عدل و داد بوجود بیاور. اگر رئیس یک شهر هستی، عدل و داد در آن شهر بوجود بیاور. اگر رئیس یک مملکت هستی، عدل و داد در آن مملکت بوجود بیاور. اینها کارهایی است که حضرت بقیة الله ارواحنافداه می کنند. منتها تمام کره‌ی زمین مال آن حضرت است^(۱).

اوست که می آید همه‌ی طاغوت‌ها و ابر قدرت‌ها و خائنین به ملت و ممالک مختلف را سرکوب می کند. شما هم اگر می خواهید امام زمانی باشید. از خانه‌تان گرفته تا هر جایی که در توسعه‌ی قدرت و نفوذتان است عدل و داد را برقرار کنید.

۱ - «قَالَ النَّبِيُّ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمْتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ وَ لَا يَزَالُ شِعْبَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۴۲۶.

«برای کمک به امام زمان ارواحنفا، مردم را از خواب غفلت بیدار کنیم»

حضرت مثَلِ اعلای خدا است^(۱). همانطور که خدا همه جا هست حضرت هم احاطه‌ی علمی به همه دارند.

هر جا کار خوبی انجام دهید در خدمت حضرت هستید و وظیفه‌ی هر فرد مسلمان است که مردم را با حضرت آشنا کند. بعضی‌ها در گوشه و کنار منتظر حضرت هستند، خیلی گریه و توسّل می‌کنند اما کوچک‌ترین قدمی در راه کمک به امام زمان ارواحنفا بر نمی‌دارند، یکی از کمک‌ها به امام زمان ارواحنفا این است که مردم را از خواب غفلت بیدار کنید.

توقع امام عصر از همه‌ی مردم مسلمان این است که:

اولاً: خودشان را آماده کنند تا وقتی حضرت تشریف آوردند آنها را بپذیرند.

دوم: اعمال و عقائدشان را با حضرت تطبیق بدهند.

سوم: مردمی را که از امام زمان ارواحنفا غافل هستند، از غفلت نسبت به حضرت بیرون بیاورند.

اگر کسی به این سه کار موفق شود، نه تنها حضرت از او راضی است بلکه جزء اعوان و انصار حضرت قرار می‌گیرد.

۱ - «عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
عَنِ رَسُولِ اللَّهِ فِي رِوَايَةٍ طَوِيلَةٍ، نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى وَالْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى
الَّتِي مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا». بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۲.



«بهترین خدمت به امام زمان ارواحنافداه، تربیت انسان‌هاست»

خدمت به امام زمان ارواحنافداه خدمت به دین مقدس اسلام است.

هر چه انسان به اسلام بیشتر خدمت کند به امام زمان ارواحنافداه بیشتر خدمت کرده است، چون امام زمان ارواحنافداه کار شخصی به آن صورت ندارند که مثلاً بخواهند سوار اسب شوند و شما کمکشان کنید!

در هیچ یک از این گونه مسائل احتیاجی به کسی ندارند.

بهترین خدمت و کمکی که می‌توان کرد همان کاری است که خود آن حضرت هم مشغول آن کار هستند و خدمت به هدف آن حضرت است که تربیت انسان‌ها می‌باشد و این که شما افرادی را که با شما در ارتباطاند به سوی انجام واجبات و ترک محرمات و تزکیه‌ی نفس بکشانید.

این بهترین خدمتی است که می‌توان به آن حضرت کرده باشید.

لذا وظیفه‌ی واجب هر مسلمانی این است که مردم را با آن حضرت آشنا کند تا مطیع فرمایشات او و اجداد و آباء طاهری‌نشان باشند.

* * *

خیلی به فرزندان‌تان اهمیت بدهید، در حضور آنها گناه نکنید. هر چه می‌توانید یاد خدا و یاد حجة بن الحسن ارواحنافداه باشید.

ما در میان خانواده‌هایی که اطراف ما هستند کسانی را داریم که فرزندان‌شان امام زمانی هستند و همیشه به یاد حجة بن الحسن ارواحنافداه هستند، این به خاطر خوبی پدر و مادر است.

این را توجّه داشته باشید که طرز زندگی پدر و مادر در روحیات فرزند خیلی مؤثر است.

شما نگوئید که مدرسه باید او را تربیت کند! این حرف بسیار غلط است.

چهار ساعت مدرسه می‌رود بقیه‌اش در خانه است. در آن چهار ساعت اگر روحيات فرزندان را خراب نکنند، از امام زمان ارواحناده خبری نیست! از حقایق خبری نیست! در یک مدرسه، در یک دبیرستان اگر از بچه‌هایش پرسید شما در آینده می‌خواهید چکاره بشوید شما احتمال می‌دهید یک نفر بگوید من می‌خواهم رضایت امام زمان را به دست بیاورم؟! نه. اینها بدبختی است.

چرا؟ برای اینکه پدر و مادرها در این راه نیستند، در این صراط نبودند.

بنشینید قضایای ملاقات با امام زمان ارواحناده را برای زن و بچه‌تان نقل کنید. چه اشکال دارد؟ چرا ما باید فرهنگمان اینقدر از فرهنگ دین و اسلام دور باشد؟

* * *

شبی یک قصه از قصه‌های همین کتاب ملاقات با امام زمان ارواحناده را بخوانید. بعضی این کار را کرده‌اند. یک جوانی نامه‌ای به همراه عکسش برای من فرستاده بود من دیدم بسیار کم سن و سال است، حدوداً پانزده ساله است ولی یک عشقی به امام زمان ارواحناده دارد که برای من در نامه مفصلش نوشته بود «آنقدر گریه کردم که این نامه را چند دفعه عوضش کردم» باز هم نقاطی را نشانه گذاشته بود که «اینجا جای اشک‌های من است».

برای چه؟ برای اینکه پدر شب‌ها موقعی که ما می‌خواهیم بخوابیم، می‌گوید: فرزندم مؤدب بنشین که من می‌خواهم یک حکایت از حکایات کسانی که با امام زمان ملاقات کرده‌اند را برایت بخوانم. ما دو زانو می‌نشینیم. خیلی هم خوشمان می‌آید و پدرمان برایمان این قصه‌ها را می‌خواند و ما اشک می‌ریزیم.

خُب اگر بچه‌هایتان اهل گریه و اشک و آه هستند، اهل عشق و محبت‌اند، اینطور



قصّه‌هایی را برایشان بخوانید. آن وقت اگر ده دفعه شما قصّه‌ی تشرّف به محضر حضرت ولی عصر ارواحناده را برای جوانتان بخوانید و او گوش بدهد، یقیناً از شما سؤال می‌کند چطور شد اینها به خدمت امام زمان ارواحناده رسیدند و ما نرسیدیم و یا نمی‌رسیم؟

آن وقت جوابش را بده، بگو آنها مردمان پاکی بودند که دروغ نمی‌گفتند، آنها پشت سر مردم بدگویی نمی‌کردند.

به خدا قسم از فردای آن روز بچه‌تان دیگر دروغ نمی‌گوید، دیگر غیبت نمی‌کند و همین‌طور چیزهای دیگر. اینها راه‌هایی است که ما باید انجام بدهیم اما کوتاهی می‌کنیم.

۳- «صفات یاران امام زمان ارواحناده»

«امام زمان ارواحناده، شوخی بر نمی‌دارد»

یک خُرده به خودمان بیاییم. من بنا ندارم که از شما تعریف کنم بگویم که آدم خوبی هستید، شما خیلی باید خوب‌تر از اینها باشید. خیلی باید بالاتر از اینها باشید چون امام شما امام عصر است امام زمان ارواحناده است، حجة بن الحسن است، آن کسی است که شوخی بر نمی‌دارد، امام شما مأمور به باطن است^(۱)، تو در دلت کوچک‌ترین انحرافی داشته باشی، صفات رذیله‌ای داشته باشی، محال است قبولت کند مگر اینکه تو را بسازد.

نباید شما کوچک‌ترین محبت دنیا، کوچک‌ترین صفت رذیله، کوچک‌ترین مسئله‌ای در این ارتباطات داشته باشید. پس در خودسازی عجله کنید تا به امام عصر نزدیک‌تر باشید.

البته اگر امام زمان ارواحناده را قبول دارید! چون زمان ما متأسفانه طوری شده که ما با افراد خوب هم که حرف می‌زنیم باید شک کنیم که آیا آنها امام زمان ارواحناده را قبول دارند یا ندارند. چرا؟ به جهت اینکه عملاً قبول ندارند. عملاً قبول ندارند که امام زمان ارواحناده را در گوشه‌ای از زندگیشان قرارش بدهند.

«یاران امام زمان ارواحناده تزکیه‌ی نفس کرده‌اند»

برای اینکه از اصحاب خاص امام زمان ارواحناده بشوید شاید حدود بیست شرط وجود دارد که من نمی‌توانم آنها را بیان کنم، علتش هم این است که ممکن است انجام نشود بعد سرخوردگی پیدا شود و بعد هم نتوانید راهتان را ادامه بدهید.

اما مهمترین و اولین شرط آن، تزکیه‌ی نفس است که می‌دانید بدون تزکیه‌ی نفس نمی‌شود از اصحاب خاص امام زمان ارواحناده شد.

* * *

کسی که از خواب غفلت واقعاً بیدار شده باشد و اهل تزکیه‌ی نفس باشد از همان لحظه جزء اصحاب امام زمان ارواحناده است، البته اگر واقعاً بیدار شود! چون حضرت بقیة الله افراد سست و سربازهایی که در سربازخانه بی‌نظمی ایجاد می‌کنند را نمی‌خواهند.

خب حالا ما مشغولیم و آقا هم تشریف آوردند چه می‌شود؟

* * *



تو جدّی مشغول باش، آقا می بیند تو مشغول بودی مرحله ی توبه را گذرانده ای مرحله ی استقامت هستی، می گوید: «بارک الله بقیه اش با من، بیا جلو، با یک دست کشیدن، حتّی با یک اراده، با یک گوشه ی چشم، تو را درست می کنند».

«آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند» «آیا شود که گوشه ی چشمی به ما کنند»

اما به شرطی که الآن مشغول باشید، نگوئید خیلی خوب حالا که آقا درستان می کند ما مشغول کارهای خودمان باشیم آقا می آید ما را درست می کند! نخیر.

تو را درست نمی کند، اصلاً به تو اعتنا نمی کند، البته ممکن است که تو را نکشد، که اگر هم کشتند مسئله ای نیست. اما مسلّم بدان اعتنایت نمی کنند.

* * *

امام زمان ارواحنا فداه وقتی ببینند شما چرتی هستید، گاهی به یاد خدا و دین می افتید و گاهی نمی افتید، شما را در میان دوستان خود راه نمیدهند.

وقتی بدانند شما ضعیف هستید و استقامت ندارید و یا در صراط مستقیم نیستید، شما را در زمرهی سربازان خودشان قرار نمیدهند، حالا دیگر خودتان میدانید.

* * *

اصحاب کهف به خاطر استقامتی که در راه دین از خود نشان دادند، هنگام ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه زنده می شوند و از فرماندهان لشکر حضرت خواهند بود^(۱).

شما هم لا اقل یک استقامتی، یک خود نگه داری، یک مسائلی که شرط بودن با امام

۱ - «عَمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعُ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْهُمْ قَوْمُ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ وَ الْمُقْدَادُ وَ مَالِكُ الْأَشْجَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَمَاءَ». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۰.

زمان است را داشته باشید.

بین یاران حضرت بقیة الله ارواحناده با یاران امام حسین فرق چندانی نیست.

* * *

همانطور که آنها بودند، اصحاب حضرت بقیة الله ارواحناده هم باید باشند. مسئله‌ی مهم، استقامت آنها بود!

وقتی شب عاشورا چراغ‌ها را روشن کردند حضرت دیدند فقط چند نفر ماندند، شاید حضرت اشاره کردند که چرا نرفتید؟ اینها مطالب مختلفی گفتند.

یکی گفت: اگر مرا هفتاد بار بکشند قطعه قطعه کنند و باز زنده‌ام کنند دست از یاری شما بر نمی‌دارم^(۱)، چنین مطالبی که خیلی عجیب است توسط آنها گفته شد.

آنها چنین استقامت و قدرت روحی و قاطعیت و صبر و اعتماد به نفس و اعتماد به خدایی داشتند که از همه چیز بُریدند.

نازل‌ترین افراد در روز عاشورا، حُرّ بود یعنی اگر بنا باشد درجات تقسیم بندی شود او پائین‌تر است. اما در عین حال با داشتن قدرت و با داشتن هزار نفر سواره‌ی تحت فرمان^(۲) و با همه‌ی وعده و وعیدها، آنچنان قاطعیت دارد که می‌گوید: من هرگز

۱ - «قَالَ وَ قَامَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيُّ فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا نُخَلِّيكَ أَبَدًا حَتَّى يَعْلَمَ اللَّهُ أَنَّا قَدْ حَفَظْنَا فِيكَ وَصِيَّةَ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ عَلِمْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فِيكَ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُخْرَجُ حَيًّا ثُمَّ أُذْرَى يَفْعَلُ ذَلِكَ بِي سَبْعِينَ مَرَّةً مَا فَارَقْتُكَ حَتَّى أَلْقَى حِمَامِي دُونَكَ وَ كَيْفَ لَا أَفْعَلُ ذَلِكَ وَ إِنَّمَا هِيَ قَتْلَةٌ وَاحِدَةٌ ثُمَّ أَسْأَلُ الْكَرَامَةَ الَّتِي لَا انْقِصَاءَ لَهَا أَبَدًا» اللهوف، ص ۹۲.

۲ - «قَالَ الرَّائِي وَ سَارَ الْحُسَيْنِ حَتَّى صَارَ عَلَى مَرَحَلَتَيْنِ مِنَ الْكُوفَةِ فَإِذَا بِالْحُرِّ بْنِ يَزِيدَ فِي أَلْفِ فَارِسٍ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ أَلْنَا ام عَلَيْنَا فَقَالَ: بَلْ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» اللهوف، ص ۷۷.



جهنّم را بر بهشت ترجیح نمی‌دهم^(۱).

یقین او خیلی مهمّ است، از مال دنیا و همه چیز دنیا که داشت گذشت، او هم می‌توانست بگوید: من فعلاً تقیه می‌کنم بعد توبه می‌کنم.

حرّ تنها مرحله توبه را گذراند که امام حسین قبولش کرد^(۲). ما اگر بخواهیم در محضر حضرت باشیم اقلاً همان حالات اصحاب سید الشهداء را باید داشته باشیم. بنابراین اگر حضرت تشریف بیاورند ما باید شرایطی را بپذیریم از جمله:

ایمان و یقین کامل داشته باشیم.

پاکی کامل داشته باشیم.

فداکاری داشته باشیم که اصحاب سید الشهداء اینها را در یک شبانه روز از خود اظهار کردند.

* * *

اگر امشب یا فردا صبح، ندا دادند که امام زمان ارواحناده ظاهر شده‌اند و فرجشان رسیده و سرباز می‌گیرند و شما یکی از آرزوهایتان این است که از سربازان حضرت باشید، باید مثل سربازان حضرت سید الشهداء باشید.

حضرت سید الشهداء کسانی را انتخاب فرمود که سرشان را دادند.

آنهايي که مفید نبودند و برای دنیا آمده بودند رفتند. ولی بعضی از آن اصحاب گفتند: اگر ما را هفتاد مرتبه بکشند و در آتش بسوزانند و زنده کنند دست از یاری شما

۱ - «فَقَالَ: لَهُ الْمُهَاجِرُ بْنُ أَوْسٍ وَاللّٰهُ إِنَّ أَمْرَكَ لَمُرِيبٌ وَلَوْ قِيلَ لِيْ مِنْ أَشْجَعِ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَمَّا عَدَوْتُكَ فَمَا هَذَا الَّذِي أَرَى مِنْكَ فَقَالَ: وَاللّٰهُ إِنِّيْ أَخِيرَ نَفْسِيْ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَوَاللّٰهِ لَا أَخْتَارُ عَلَى الْجَنَّةِ شَيْئًا وَلَوْ قُطِّعَتْ وَ أُخْرِقَتْ ثُمَّ ضَرَبَ فَرَسَهُ قَاصِدًا إِلَى الْحُسَيْنِ وَ يَدُهُ عَلَى رَأْسِهِ» اللهوف، ص ۱۰۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴.

بر نمی داریم (۱).

اگر دروغ می گفتند و یا مبالغه می کردند مورد قبول قرار نمی گرفتند.

حتی اگر انسان برود در خیمه‌ی حضرت و لایق نباشد باید بیرون برود، نمونه‌اش قضیه‌ی کربلا است اما اگر لایق باشد و خارج خیمه باشد صدایش می زنند.

روایت دارد که اصحاب امام زمان ارواحنفاذ شهبانه خودشان را به حضرت می رسانند (۲).

حضرت بقیة الله ارواحنفاذ اصحابی دارند که خدا در قرآن وصفشان کرده ﴿صَفَّاكَ نَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾ (۳).

اگر انسان تزکیه‌ی نفس نکرده باشد، جهاد اکبر نکرده باشد مثل اصحاب پیامبر در جنگ احد می شود که حضرت به آنها دستور داد که شما در شکاف کوه بمانید، در آن تنگه باشید و نگذارید دشمن به ما حمله کند، آنها دیدند که پایین کوه دارند غنائم جمع می کنند، آمدند برای غنیمت جمع کردن و دشمن حمله کرد و کسی از مردم مسلمان در جنگ احد پیدا نشد مگر اینکه زخمی شده بود (۴).

این محبت دنیا است. حضرت بقیة الله ارواحنفاذ اینجور اصحابی را نمی خواهند. باید یک افرادی باشند «كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ» مثل دیوار بتونی. که هم خودشان

۱ - اللهوف، ص ۹۲.

۲ - «عَنِ الْمُضَلِّ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمُتَّقِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرْشِهِمْ لَيْلًا فَيَضِجُونَ بِمَكَّةَ» کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۲.

۳ - سورة مبارکه صف، آیه ۴.

۴ - تفصیل قضایای غزوه احد در بحار الانوار، ج ۲۰، باب ۱۲ آمده است.



محفوظند و هم دیگران در پناهِشان محفوظند.

اگر این طوری شدیم خوب است و می‌توانیم یاور امام زمان ارواحناده باشیم.
آنچنان باید جهاد با نفس کرده باشیم که جهاد در رکاب حضرت بقیة الله ارواحناده
برایمان جهاد اصغر باشد. اگر این طوری نیستیم یک قدم هم نمی‌توانیم به سوی
کمالات برداریم.

* * *

اگر خواستید خود را برای محضر حضرت بقیة الله ارواحناده آماده سازید، باید اوّل
سستی را کنار بگذارید.

بی‌نظمی و نامرتبی نداشته باشید. باید در زندگیتان نظم داشته باشید.

اگر عهده‌ی کردید به عهدتان وفا کنید.

و باید خیلی مواظب جهات مختلف باشید که اگر امام زمان ارواحناده همین فردا
ظهور کردند صددرصد خودتان را درست کرده باشید. منظم و مرتّب باشید تا ببینیم
امام زمان از شما چه می‌خواهند؟

حضرت بقیة الله ارواحناده اگر به ما دستوری داد ما باید به هر قیمتی که هست عمل
کنیم، باید استقامت داشته و مقاوم باشیم. امام زمان ارواحناده آدم‌های تنبل بی‌حال و
بی‌اراده و کم‌کار را به هیچ وجه دوست ندارد.

«یاران امام زمان ارواحناده وابستگی‌هایشان را بر طرف کرده‌اند»

ما خیلی دوست داریم که از اصحاب حضرت بقیة الله ارواحناده باشیم ولی غلّ و
زنجیرهایی به دست و پایمان بسته شده و ما را به زمین میخ‌کوب کرده که اگر حضرت

تشریف بیاورند به هیچ وجه نمی توانیم از جایمان تکان بخوریم.

لااقلّ حالا که فرصت داریم و هنوز ظهور نشده، این غلّ و زنجیرها را زودتر بکنیم و آماده بشویم که معنای انتظار فرج هم همین است.

صفات رذیله‌ی باطنی غلّ و زنجیر است که باید انسان یکی یکی آنها را از خود رفع کند.

عادت به هیچ چیز نداشته باشید، عادت یعنی وابستگی؛ وابستگی به هیچ چیز و هیچ فردی نداشته باشید.

وابستگی به زن و زندگی و خانه و تشکیلات نداشته باشید، گاهی انسان اینها را دارد و وابستگی ندارد و گاهی ندارد و وابستگی دارد.

انسان باید دنیا را داشته باشد، ولی محبّت به آن نداشته باشد.

لذا یکی از چیزهایی که باید حتماً روی آن کار کنید، فعالیت داشتن و کاری بودن و پر کار بودن و توسعه دادن به ثروت و داراییتان است.

مرد آن است که بتواند هم جنبه‌ی معنوی اش را حفظ کند و هم جنبه‌ی مادی اش را! این که انسان داشته باشد و وابستگی نداشته باشد ارزش دارد لذا انسان باید فعالیت کند، کار کند، در بیاورد آن وقت اگر لایق باشد به دیگران بدهد.

«یاران امام زمان ارواحنا فداه حدّ خود را می‌شناسند»

هرچه انسان بخواهد خود را به امام عصر روحی فداه نزدیک‌تر کند، باید شرایط بیشتری را در خود ایجاد کند تا اینکه حضرت او را از خواصّ خود قرار دهند.

یکی از شرایطی که بسیار اهمیت دارد، این است که انسان حدّ خودش را



بشناسد (۱).

ما غالباً اینطور هستیم که حدّ خودمان را نمی‌شناسیم.

بعضی آنقدر تواضع می‌کنند که مبتلا به دروغ می‌شوند و بعضی هم از آن طرف دچار عُجب و تکبر می‌شوند یعنی خودشان می‌دانند که اطلاعاتی ندارند و چیزی بلد نیستند، اما خودشان را در جایگاهی قرار می‌دهند که مردم فکر کنند آنها اعلیٰ علماء هستند (۲).

حالا ممکن است ما بتوانیم مردم را به هر نحوی که هست گول بزنیم، اما خدا و امام زمان ارواحنا فدا را که نمی‌شود گول زد!

لذا خودتان را عادت بدهید به واقعیت گفتن‌ها، به حقیقت گفتن‌ها.

هر وقت یک مطلبی را می‌گویید، یک ادعایی دارید، یک چیزی را می‌خواهید اظهار کنید، کوشش کنید آنچه را که هست بگویید و روی این کار تمرین کنید. و خودتان را خوب‌تر از آنچه هستید معرفی نکنید.

«یاران امام زمان ارواحنا فدا یقین کامل دارند»

اگر ما بخواهیم در محور حضرت ولی عصر باشیم، باید اقلّ همان حالتی که اصحاب سید الشهداء داشتند را داشته باشیم.

اصحاب سید الشهداء یک یقین کاملی داشتند که ما هنوز آن یقین را نداریم!

۱ - «رَوَى ثِقَاتُ أَهْلِ النَّقْلِ عِنْدَ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي كَلَامٍ افْتِتَاحُهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ أَمَّا بَعْدُ، فَدِمْتَنِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيْمٌ إِنَّهُ لَا يَهِيْجُ عَلَى التَّقْوَى زَرْعُ قَوْمٍ وَلَا يَظْمَأُ عَنْهُ سِنْخٌ أَصْلٍ وَإِنَّ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِيمَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَكَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ» بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲ - «أَصْدَقُ الْمَقَالِ مَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْحَالِ» غرر الحكم، ص ۲۱۲.

یک پاکی کاملی داشتند، یک فداکاری شدیدی داشتند که ما باید آن شرایط را در خود ایجاد کنیم که بطور کلی شرایط مشکلی است، یعنی سال‌ها باید انسان روی آن کار بکند و زحمت بکشد که البته بیشترش را باید خدای تعالی کمک کند.

«یاران امام زمان ارواحناده استغناء طبع کاملی دارند»

یکی از مسائل دیگری که برای یارِ امام زمان شدن خیلی مهم است استغناء طبع است^(۱)، یعنی چه انسان ثروتمند باشد، چه نباشد، باید طبعش غنی باشد، چون اگر طبعش غنی نبود، خدمت امام زمان ارواحناده هم که می‌رسد، تا حضرت دستشان به جیبشان می‌رود که مثلاً تسبیحشان را در بیاورند، او خیال می‌کند که می‌خواهند پول در بیاورند به او بدهند.

انسان اگر گدا طبع باشد، خواهی نخواهی توجّه‌اش به محبوب نیست.

الآن چرا ما می‌خواهیم امام زمان ارواحناده ظهور کنند؟

یک عده می‌گویند: آقا بیایند ما را از این گرفتاری‌ها نجات بدهند، روزیمان زیاد بشود، عدل و داد برقرار کنند تا ما راحت باشیم!

یک عده هم می‌گویند: که امام زمان ارواحناده را می‌خواهیم برای اینکه روحمان را بسازد، به کمالات برسیم، انسان بشویم و با او همنشین باشیم.

اصحاب خاصّ رسول اکرم مهاجرینی بودند که از مکه هجرت کرده بودند و در مدینه در مسجد می‌خوابیدند و از گرسنگی سنگ به شکم می‌بستند^(۲).

۱ - «قال رسول الله ﷺ اسْتَغْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السَّوَاكِ» وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۴۱.

۲ - انوار التنزیل، ج ۱، ص ۲۶۷.



شما هم اگر بخواهید با امام زمان ارواحنافداه باشید، باید استغناء طبع داشته باشید، بگویید: ما در کنار شما باشیم، هرچه می خواهد بشود، بشود. ثروت داشته باشیم یا فقیر باشیم فرقی نمی کند، گرسنه باشیم یا سیر باشیم فرقی نمی کند. این را هم باید تمرین کنیم.

«یاران امام زمان ارواحنافداه سرّ نگه دار هستند»

یکی از چیزهایی که خیلی انسان را نگه می دارد و یقیناً اگر کسی این صفت را نداشته باشد او را نمی پذیرند این است که انسان سرّ نگه دار نباشد. چکار کنیم که سرّ نگه دار باشیم؟

این که زیاد حرف نزنیم، وقتی انسان عادت به پر حرفی کرد، خواهی نخواهی از اسرار خودش، از اسرار دیگران، از معایب خودش، از معایب دیگران، از غروری که متوجّه خودش شده و از مسائل مختلف حرف می زند^(۱)، لذا در روایات زیادی فرموده اند که: صمت داشته باشید^(۲)، صمت یعنی کم و محدود حرف زدن. کم حرف زدن و حفظ اسرار دیگران خیلی اهمیت دارد.

* * *

۱ - «قال امیر المؤمنین مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ وَ مَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ» نهج البلاغه، ص ۵۳۶.

۲ - «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرضا مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْجِلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ الصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ» الكافي، ج ۲، ص ۱۱۳. «بَا أَبَا ذَرٍّ أَرْبَعٌ لَا يَصِيْبُهُنَّ إِلَّا مُؤْمِنٌ، الصَّمْتُ وَ هُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ وَ التَّوَاضُّعُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ قِلَّةُ الشَّيْءِ يَغْنِي قِلَّةَ الْمَالِ» بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۸.

اگر ان شاء الله همه‌ی شما از اصحاب خاص حضرت بودید اینطور نیست که ملکی بیاید و به شما بگوید فلان روز ظهور است، از طریق القاء به قلب است، از اراده به قلب است حال قلب امام با اصحاب ارتباط برقرار می‌کند یا از ناحیه‌ی خدا است به هر حال آن طرف مانع دارد و شیطان نمی‌تواند برود و این طرف هم مخلص است شیطان نمی‌تواند در قلب مخلص وارد شود. یک منبع بالوله به منبع دیگر وصل است هیچ کس اطلاع ندارد از درون آن چه می‌رود، لذا گفته می‌شود تا آمادگی پیدا کنند. اگر آن کسی که می‌خواهد زمینه‌ساز ظهور باشد سر نگهدار نباشد مثل بشکه‌ی سوراخ است که آب در آن نمی‌ماند و از سوراخ خارج می‌شود خدای تعالی هیچ وقت در بشکه‌ی سوراخ، آب یا چیزی نمی‌ریزد. پس اگر آن فرد در گوش رفیقش بگوید هر چند او رفیق خصوصی او هم باشد تا از دهان بیرون آید قبل از اینکه به گوش رفیقش برسد شیاطین شنیده‌اند. در روایات هست شیاطین فریاد می‌زنند بیایید یک خبرهایی هست لذا بداء حاصل می‌شود چون خدا نمی‌خواهد مردم را مجبور به عدل و داد و نظمی که امام زمان می‌آورد بکند، لذا سر بسته وارد دل می‌شود و در آنجا حفظ می‌شود تا موقعی که وقت آن بشود.

«اصحاب خاص امام زمان ارواحنا فدا» مربّی دیگران هستند»

گاهی انسان می‌خواهد فقط خودش را بسازد و تربیت کند، این خیلی خوب است و خدای تعالی هم کمک می‌کند، اما اصحاب حضرت بقیة الله ارواحنا فدا، باید هم خودشان را بسازند و هم دیگران را بسازند والا چرا حضرت اینها را انتخاب بکند!

حضرت اصحابش را می‌خواهد در جامعه بفرستد تا مردم را تربیت کنند. ما فکر می‌کنیم سیصد و سیزده نفر اصحاب حضرت عده‌ای جنگجو هستند و خوب شمشیر



می زنند!

بعد به خودمان که نگاه می کنیم می بینیم ما که تا به حال شمشیر به دست نگرفته ایم! نه، این مسائل نیست شمشیر زدن مال سربازها است ممکن است یک نفر در سَنّی باشد که دستش بلرزد اما از یاران و از نزدیکان حضرت باشد. این شخص به تبلیغ و نفوذ کلمه، به امر به معروف و نهی از منکر عادت کرده است نمی تواند ببیند یک نفر، انحراف دارد.

شما در پشت بام باشید ببینید بچه ای عقب عقب می رود و ممکن است بیافتد، حالا بچه ی شما باشد یا دیگری، متوجه باشد یا نه، به هر حال فریاد می زنید در حالی که اگر بیافتد یا سر و کلاهش می شکند یا در نهایت می میرد، به هر حال بدنش را از دست می دهد اما آن که ولی حضرت است، ولی الله است وقتی می بیند کسی یک انحراف روحی دارد نمی تواند داد نزند و راحت بنشیند. ممکن است اعصابش ناراحت نشود و مقاوم باشد، شرح صدر داشته باشد اما اگر زمینه داشته باشد حتماً امر به معروف می کند، خصوصاً ببیند عده ای غافل اند و متوجه حقیقت نیستند، نهی از منکر می کند، اعتراض می کند، می بیند بچه حواسش نیست نمی گذارد او بیافتد، حالتی به خود می گیرد که اجباراً امر به معروف می کند.

لذا سعی کنید خود را به این مسئله عادت بدهید^(۱)، این حالت را در خود ایجاد کنید، وقتی دیدید کسی خلاف می کند، اگر زمینه دارد بگویید، اگر زمینه ندارد اقلاً حرص بخورید، طوری باشید که تقصیر شما نباشد؛ بلکه زمینه برای تربیت نباشد و الاً شما باید ذاتاً مربی باشید. از بازاری گرفته تا تاجر و روحانی، هر کس هستید اگر در راه

۱ - در روایتی از صفات اصحاب حضرت ولی عصر همین مورد تصریح شده است. بحار الأنوار،

خدا واقع شدید و خواستید از یاران حضرت بقیة الله ارواحنافداه باشید باید حتماً و حتماً مربی باشید.

امام عصر کاسب و تاجر و روحانی به معنای عام نخواسته است. آن کسی یار حضرت است که به عدل و دادی که حضرت بانی آن است و برای آن آمده که همه ی انبیاء و اولیای خدا خواستند این برنامه را پیاده کنند و زمینه نداشتند و حضرت زمینه دارد و پیاده می کند، کمک کند، شما هم کمک به آن عدل و داد باشید، کمک باشید تا آن معارف بخش شود.

یاور یعنی کمک برای رسیدن به هدف، در هیچ روایتی نگفتند امام زمان ارواحنافداه برای شمشیر زدن و از پا درآوردن حکومت ها می آید، او کشورگشا که نیست!

ذوالقرنین نیست که بخواهد از مطلع شمس تا مغرب خورشید را بگیرد، حضرت بقیة الله ارواحنافداه می خواهد دنیا را بگیرد نه برای اینکه حاکم مطلق دنیا باشد، ابر قدرت دنیا باشد!

اگر کسی این نسبت را به امام زمان ارواحنافداه بدهد بزرگ ترین جسارت را به او کرده، مقصد حضرت بقیة الله ارواحنافداه این است که دنیا را پر از عدل و داد کند و لازمه ی این عدل و داد این است که حاکم کل باشد و همه جا را تحت نفوذ حکومت خود قرار دهد والا

لزومی ندارد همه ی سلاطین تحت حکومت امام باشند، چون حضرت به تنهایی ممالک را اداره نمی کند حتماً در هر سرزمینی یک عادل تزکیه ی نفس کرده ای را که معتصم بالله باشد، اعتصام بالله برایش حاصل شده است^(۱) برای حکومت شهر و

۱ - در مورد مقام مقدس و رفیع «اعتصام» مطالبی در «کتاب در محضر استاد» ج ۲، ص ۲۰۶، آمده است.



مملکتی می‌گذارد. والا بگوئیم شخص تحصیلات عالی داشته باشد و به تقوا و پاکی باطن او نگاه نمی‌کنند! نه، اینها جزء شرایط نیست اقلاً باید عادل باشد و تزکیه‌ی نفس کرده باشد. حالا سواد علوم ظاهریش چقدر است اینها خیلی مهم نیست.

انسان باید کوشش کند چه بخواهد در زمان ظهور وزیر دست راست حضرت باشد یا هر کس دیگر باشد به هر حال مطرود حضرت واقع نشود باید کاری کنید که تقوا داشته باشد. در خدمت حضرت نمی‌توانید مخفی کنید که ظاهراً تقوا داشته باشید اما در باطن فاسق و بی‌حیا و بی‌تقوا باشید، صفت مهم این است که در خودتان تقوا و عصمت را بوجود آورید. وقتی بنده‌ی خوب خدا شدید آن وقت مربی می‌شوید و دیگران را تربیت می‌کنید^(۱).

تزکیه‌ی نفس، اولین شرط یاری امام زمان است

یکی از کارهایی که یاران امام عصر باید تمرین و عادت به آن بکنند، مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر است.

اصحاب حضرت باید هم خودشان را بسازند و هم مربی دیگران باشند، و الا امام زمان شما را برای چه می‌خواهد؟ برای همین می‌خواهد که شما را بفرستند که جامعه را اصلاح کنید.

ولی امام زمان ارواحناده کسی است که وقتی می‌بیند یک شخصی انحراف روحی دارد، اصلاً نمی‌تواند راحت بنشیند و اگر طرف زمینه داشته باشد حتماً به او امر به معروف و نهی از منکر می‌کند.

چنین شخصی هر چیزی را می‌خواهد تربیت کند. حتی نمی‌تواند ببیند یک اتاق

۱ - «قال الصادق : العبودية جوهرة كنهها الرّبيبة» مصباح الشریعه، ص ۷.

نامرتب باشد! حتی یک کار کوچک را بی نظم و بی حساب انجام نمی دهد.

اگر صنعتی دارد، کارش را صحیح و کامل به پایان می رساند.

اگر کشاورز است، می بیند که محصول او بهترین محصول هاست و کشاورز نمونه است.

اگر روحانی است، یک روحانی نمونه است.

ربوبیت، یک صفت الهی است که وقتی انسان به مرحله ی کمال رسید و بنده ی واقعی خدا شد ربّ می شود، یعنی مربی می شود^(۱)، بهترین مظهر ربوبیت این است که انسان امر به معروف و نهی از منکر بکند.

«سنخیت روحی با امام زمان ارواحنفا ده دارند»

سیصد و سیزده نفر، از آنهایی هستند که زحمت کشیده اند و سنخیت فکری با امام زمان پیدا کرده اند، چون سنخیت پیدا کرده اند رفیق و مانوس با امام شده اند.

یک نفر مثل علی بن مهزیار سه روز فقط حقّ دارد خدمت امام زمان ارواحنفا ده باشد چون اگر از سه روز بیشتر شد اختلافات ظاهر می شود.

یک نفر هم یک لحظه خدمت امام می رسد.

و یک نفر هم اصلاً نمی تواند از امام جدا شود، اصلاً معنا ندارد جای دیگری باشد.

لذا اگر سنخیت فکری پیش آمد و درست شد انسان می تواند از سیصد و سیزده نفر باشد.

شما فکر کنید و ببینید امام زمان ارواحنفا ده چه خصوصیات دارد، اگر همه ی آن



خصوصیات را در خودتان بوجود بیاورید هم آن حضرت را خواهید دید و هم با او حرف می‌زنید و هم با او مأنوس خواهید بود و هم جزء سیصد و سیزده نفر و بلکه جزء بزرگان آنها خواهید بود.

ولی اگر سنخیت نداشته باشید، هر چه خدا را قسم بدهید و دعا کنید این دعائی است که مستجاب نمی‌شود.

سعی کنید در تمام جهات مرتب باشید، منظم باشید، حتی برای سر و صورت شما، قیافه‌ی شما، کم کم امام زمان ارواحنفا ده حساب می‌کند.

* * *

شما فکر نکنید که سیصد و سیزده نفر اصحاب امام زمان ارواحنفا ده، هر کدام یک‌جوری هستند، هر کدام یک آداب مخصوصی برای خودشان دارند، آدابی که از خانه‌ی پدریشان آورده‌اند، به همان آداب رفتار می‌کنند! نه اینطور نیست.

مطمئنأ بدانید اصحاب امام زمان ارواحنفا ده همه طبق آدابی که حضرت می‌خواهد عمل می‌کنند. و باید کم‌کم این آداب را شما هم یاد بگیرید. چون امام زمان ارواحنفا ده در بدن ظاهری هستند ما هم باید ادب ظاهری را حفظ کنیم.

حتی در یکی از مکاشفات دیده بودند این سیصد و سیزده نفر که در محضر امام زمان بودند از نظر نشستن، از نظر لباس پوشیدن، از نظر نگاه کردن با حضرت هماهنگ بودند^(۱).

۱ - «قال أمير المؤمنين كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْهِمْ وَ الزِّي وَاحِد، وَ الْقَدَّ وَاحِد، وَ الْحَسَن وَاحِد، وَ الْجَمَال وَاحِد، وَ اللَّبَاس

وَاحِد الْحَدِيث» ملاحم و فتن، ص ۲۹۴

حتّی از نظر نگاه کردن، چون یک وقت هست من دارم صحبت می‌کنم شما دارید به من نگاه می‌کنید، یک وقت هست که نه، بی جهت این طرف و آن طرف را نگاه می‌کنید.

حضرت سجّاد از خصوصیاتش این بود که فرزدق درباره‌شان می‌گوید: «يَغْضَى حَيَاءً وَ يَغْضَى مِنْ مَهَابَتِهِ^(۱)» یعنی از روی حیا چشم‌هایش همیشه جلوی خودش را نگاه می‌کرد و از مهابتش و هیبتش چشم‌هایش روی هم می‌آمد.

اصحاب حضرت را دیده بودند که با حضرت جایی می‌رفتند، هر جا حضرت می‌ایستاد، می‌ایستادند؛ هر جا حضرت می‌نشست، می‌نشستند؛ هر جور حضرت عمل می‌کرد، عمل می‌کردند، همه‌ی اینها روی برنامه‌ی امام زمان ارواحناده تنظیم شده بودند.

طوری تنظیم‌اند که آدم ممکن است بگوید که اینها ادا در می‌آورند! ولی نه اینطور نیست.

چون امام قلب است، قلب عالم امکان است. آنهایی که تحت فرمان قلب هستند، تحت تأثیر حضرت‌اند.

شما دستتان تا وقتی که تحت فرمان قلبتان است، مال شماست. اما اگر فلج شد دیگر تحت فرمان قلبتان نیست.

«دست فلج، بارِ گرانی است کشیدن به دوش»

اگر انسان دستش فلج بشود می‌گوید: اگر این دست را نمی‌داشتم بهتر بود.

ماها اگر بخواهیم یار امام زمان ارواحناده بشویم باید تحت فرمان حضرت باشیم.



فصل سوم

عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَ الشَّرِيفِ

دشمنی با امام زمان



«امام زمان ارواحناده دو دسته دشمن دارد»

متأسفانه امام زمان ارواحناده دو دسته دشمن دارد، یک دسته دشمن دانا و یک دسته دوست نادان، که می‌فرمایند: دو دسته هستند که انسان را اذیت می‌کنند: دسته‌ی اوّل: دشمنان متفکر دانا، که از راه وارد می‌شوند و طرف را می‌کوبند. دسته‌ی دوّم: دوستان نادان، که اینها بدترند، مثل کسی که می‌گوید امام زمان ارواحناده را نمی‌شود دید!

تو از کجا می‌گویی که امام زمان ارواحناده را نمی‌شود دید؟ این را چه کسی به تو القاء کرده؟ توی کدام کتاب نوشته!

چیزی که نمی‌شود این است که انسان ادّعی باییت و نیابت بکند. اینکه بگوید: اگر کاری دارید به من بگویید تا من به حضرت بگویم؛ این ارتباط نمی‌شود!

ببینید دشمن دانا از چه راهی به افراد القاء می‌کند؟ خودش چون نمی‌تواند توی جمعیت بیاید بگوید که امام زمان ارواحناده را نمی‌شود دید، می‌آید در گوش این دوست نادان می‌گوید: مقام مقدّس امام زمان ارواحناده خیلی بالاتر است از اینکه هر چشمی او را ببیند!

هیچ چشمی لایق نیست؛ پس او را نمی‌شود دید!

می‌گوییم: پیغمبر اکرم با اینکه از امام زمان ارواحناده بالاتر بود هر روز ابوسفیان و منافقینی که در کنارش بودند او را می‌دیدند. گاهی حضرت طوری در بین مردم می‌نشست که با ابوسفیان و امثال اینها فرقی از نظر لباس و قیافه نداشت؛ یکی می‌آمد می‌گفت: پیغمبر کدام یکی از شما است^(۱)؟

این را می‌آید القاء می‌کند، آن وقت نتیجه این می‌شود که سید ابن طاووس رحمه الله هر چه گفته دروغ است، کتاب‌هایش هم طبعاً دروغ است! سید بحر العلومی که افتخار شیعه است، اینکه گفته حضرت مرا در بغل گرفته دروغ گفته! مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله که مرجع تقلید مردم بوده دروغ گفته! مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله دروغ گفته! همه‌ی علماء دروغ گفته‌اند! و در نهایت این نتیجه را می‌گیرد و می‌شود یک دین دروغی!

لا اقل اگر می‌خواهید این حرف‌ها را بنزید، بیایید این کتاب‌ها را جمع کنید! این مفاتیح را از بین مردم بردارید؛ چون با اینکه یک کتاب دعاست، در آن سه تا قضیه‌ی تشرف به محضر امام زمان ارواحناده نقل شده که هیچ مربوط به موضوع کتاب نیست، کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی رحمه الله را جمع کنید، کتاب نجم الثاقب را جمع کنید!

ببینید دشمن چکار می‌کند؟

۱ - «عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَصْحَابِهِ فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَذَرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ فَيُطَلِّبُنَا إِلَى النَّبِيِّ أَنْ يَجْعَلَ مَجْلِسًا يَعْرِفُهُ الْغَرِيبُ إِذَا أَتَاهُ فَيَبْنِي لَهُ دُكَانًا مِنْ طِينٍ فَكَانَ يَجْلِسُ عَلَيْهَا وَتَجْلِسُ بِجَانِبَيْهِ» بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

بزرگ‌ترین دلیل بر وجود حضرت، همان دیدنشان است، همان نقل‌هایی است که کرده‌اند، چون جزء دلائل محکمی است که آورده‌اند.

بیاییم یک خُرده‌ای تزکیه‌ی نفس کنیم.

علی بن ابیطالب فرمود: از حق تا باطل، چهار انگشت فاصله است، هر چه با گوشت شنیدی قبول نکن، تحقیق کن؛ هر چه با چشمت دیدی قبول کن^(۱).

می‌گوید: من این کتاب را نخوانده‌ام، فلانی را نمی‌شناسم، ولی چون اسم امام زمان را زیاد می‌برد معلوم است یک چیزش هست!

«بعضی با نام امام زمان ارواحنفا ده دشمنی می‌کنند»

شخصی می‌گفت: رفتم خانه‌ی فلانی دیدم این شخص بالای تالار خانه‌اش نوشته «صلی الله علیک یا صاحب الزّمان» تعجب کردم، گفتم عجب آدمی است!

ای وای بر کسانی که این فکر را دارند، روی همه چیز باید اسم امام زمان ارواحنفا ده باشد.

دیگری می‌گفت: من اسم امام زمان ارواحنفا ده را زده بودم توی خانه‌ام، چند تا از دوستانم آمدند خانه‌ی ما، من این نام مقدّس را کندم گذاشتم کنار، که اینها خُرده نگیرند و نروند چیزی بگویند!

من در مشهد توی مسجدی گاهی نماز می‌خواندم، سازنده‌ی مسجد آمد به ما گفت که: نام امام زمان را خیلی اینجا نبرید، مگر شما یک امامی هستید؟

۱ - «لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعٍ؛ فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَ وَضَعَهَا بَيْنَ أُذُنَيْهِ وَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتُ وَ الْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ» نهج البلاغه، ص ۱۹۸.

گفتم: اولاً اگر بنا باشد به این حرف‌ها ادامه بدهی من از این مسجد می‌روم و الحمد لله رفتم، بعد هم باید بگویم ما دوازده امامی هستیم اما یک امام زمان داریم و یک امام زمانی هستیم.

مردم زمان امام صادق هم یک امام زمان داشتند که او امام صادق بود، مردم زمان امام مجتبی هم یک امام زمان داشتند که امام مجتبی بود ما هم یک امام زمان داریم.

«با راه امام زمان ارواحنا فدا» مبارزه نکنیم»

ان شاء الله امیدوارم که همه شما بدون استثناء هر کدامتان اشتباهاتی دارید، یک خُرده‌ای ضعیف‌اید، تازه وارد شده‌اید، بدانید راه، راه یاری حضرت بقیه الله ارواحنا فدا است.

با این راه مبارزه نکنید، معارضه نکنید تحت تأثیر افراد خشک مقدس ناهم قرار نگیرید.

من یک تقاضایی که از همه‌ی شماها دارم این است که فقط با این برنامه مبارزه نکنید، چون اسباب دردسر، هم برای خودتان می‌شود و هم برای ما.

البته آن آقای که ماها را دعوت کرده و ما را به طرف خودش خوانده او می‌داند چکار بکند، اگر یک وقتی یک کسی با این راه مبارزه کند خدا می‌داند همچنین می‌زنند پشت گردن او که حساب ندارد!

راه عزیزی را در پیش گرفته‌اید. یک هدف بزرگی را در پیش گرفته‌اید. لذا جزء

﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^(۱) نباشید.

هدف ما این است.

«عواقب دشمنی با امام زمان ارواحناده»

«هر کس با امام زمان ارواحناده میانه‌ی خوبی نداشته باشد ذلیل می‌شود»

خدای تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾^(۲) کسانی که در این آیه توصیف شده‌اند، در رأسشان حضرت بقیة الله ارواحناده است و هر کس در این راستا قرار بگیرد، او هم شامل یک چنین مسئله‌ای خواهد شد. کسانی که با امام زمان ارواحناده میانه‌ی خوبی ندارند و زیاد اظهار ارادت به آن حضرت نمی‌کنند، بدبخت می‌شوند؛ حتی اگر روحانی یا عالم و یا فرد مقدّسی باشند، این تجربه شده است.

«عاقب امام زمان ارواحناده نشویم»

انسانی که همه چیزش را از امام عصر نمی‌داند، اگر شخصیتش را، علمش را، موجودیتش را، از امام عصر نداند مشمول این آیه است که خدای تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾^(۳) شعور ندارد، اینها حیوانند، ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ﴾^(۴) اینها مثل حیوانند.

۱ - سورة مبارکه هود، آیه ۱۹.

۲ - سورة مبارکه مریم، آیه ۹۶.

۳ - سورة مبارکه بقره، آیه ۱۲.

۴ - سورة مبارکه اعراف، آیه ۷۹.

به جهت اینکه یک نور مقدّسی که امروز مسیحی‌ها به عظمتش پی برده‌اند، زرتشتی‌ها به عظمتش پی برده‌اند، اهل سنت او را می‌شناسند، آن وقت تو شیعه‌ی بی‌شعوری که اسم شیعه را بی‌خود روی تو گذاشته‌اند به خاطر اینکه مبادا تو را به یک جمعیتی وابسته بدانند، کم اسم امام عصر را می‌بری؟

به خدا قسم آن روحانی که اسم امام زمان ارواحناده را روی منبر کم ببرد، نه اینکه نبرد! عاقبت امام زمان ارواحناده است. من این جمله را جدّی و قطعی عرض می‌کنم، عاقبت امام زمان است و اگر چشم بینائی باشد به قیافه‌اش نگاه کند مسلماً مسخ شده مشاهده‌اش می‌کند.

ما باید تمام حرفمان از امام زمان ارواحناده باشد، باید طوطی صفت باشیم.

در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند»

«آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم»

استاد ازل امروز غیر از امام زمان ارواحناده کیست؟

صراط مستقیم ما همین است، راه راست ما همین است.

«امام زمان ارواحناده دوستانش را عزیز و دشمنانش را ذلیل می‌کند»

امام زمان ارواحناده معزّ الاولیاء است و دوستانش را بیشتر از آنچه فکرش را بکنیم عزیز می‌کند.

پس بنابراین سعی کنید که با امام زمان ارواحناده دوست شوید. دیدن امام زمان ارواحناده خیلی دلیل بر پاکی و تقوای کسی نمی‌باشد. خیلی از منافقین که حتّی لحظه‌ای هم به خدا و رسولش ایمان نیاورده بودند هر روز رسول اکرم را می‌دیدند.

پس دیدن مهمّ نیست، داشتن معرفت به این وجود مقدّس خیلی ارزش دارد! ارتباط روحی داشتن با ایشان خیلی مهمّ است، مَثَل او شدن مهمّ است، تقوا و پرهیزکاری مهمّ است، در صراط مستقیم و پشت سر امام زمان ارواحناده حرکت کردن مهمّ است!

«أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ^(۱)» و راه رسیدن به این عزّت این است که انسان با خدا ارتباط داشته باشد، با اهل بیت عصمت و طهارت ارتباط داشته باشد و خودش را زیر سایه‌ی کوثر که فاطمه‌ی زهرا و اولاد او هستند قرار بدهد.

هر کس نسبت به امام زمان ارواحناده کوتاهی بکند مثلاً بتواند در مجلسی نام مقدّس ایشان را ترویج کند و این کار را نکند و کوتاهی کند خداوند او را ذلیل خواهد کرد. چرا که خداوند نسبت به امام زمان ارواحناده خیلی غیور است! می‌خواهد او را عزیز کند، می‌خواهد او را نگه دارد. فکر نکنید با دشمنی کردن با امام زمان ارواحناده انسان ممکن است عزیز بشود! خیر، خدای تعالی انسان را ذلیل می‌کند.

«با دشمنان امام زمان ارواحناده قاطع برخورد کنیم»

دشمنی‌های مختلفی امروز در مملکت شیعه و در شهر شیعه‌نشین با امام زمان ارواحناده انجام می‌شود. آیا این دشمنی نیست که تا انسان می‌آید بیشتر نام امام زمان ارواحناده را ببرد یک تهمتی به او می‌زنند که اینقدر نام او را نبر!

من به یک نفر گفتم، آقا اسم مقدّس امام زمان ارواحناده را توی دفتر کارت و در اداره‌ات بزن.

گفت: مردم بد می‌گویند، من را متّهم می‌کنند!
خُب نرو در آن اداره، حتّی اگر رئیس آنجا هستی، رئیس نباش؛ چهار روز دنیا یک کارگر معمولی باش؛ یک بیل دستت بگیر، سر گذر بایست و برو سر کار و رئیس فلان اداره و مدیر کلّ فلان اداره که نتوانی اسم امام زمانت را بالای سرت بزنی نباش. به همین صراحت.

مگر از گرسنگی می‌میری؟
خاک بر سر تو که خدای تو رئیس اداره‌ات است، خدای تو فلان وزیر است، خدای تو فلانی است!
چه انسان بگوید!

مگر قبطی‌ها، آنهایی که طرفدار فرعون بودند و بچه‌های مردم را می‌کشتند غیر از این می‌گفتند؟ لذا خدای تعالی می‌فرماید: ﴿ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾^(۱)، این طرفدارهای فرعون را در شدیدترین عذاب واردشان کنید.

هر کس می‌خواهد همراه امام زمان ارواحناده باشد باید این اندازه همّت داشته باشد، استقامت داشته باشد.

می‌گوید: آقا من از کجا بخورم؟
انسان در جواب چنین آدمی چه بگوید!

تو که خدا را قبول نداری که می فرماید: ﴿نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ﴾^(۱) یا می فرماید: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾^(۲) یا می فرماید: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾^(۳).

تو که همه چیز آن اداره‌ای است که روبرویت یک زن بدحجاب نشسته و آن طرف هم می‌گویند این نام مقدّس را بالای سرت زن! خدا نکند انسان بدبخت بشود.

این که همه‌ی مسلمان‌ها در شب قدر می‌گویند: خدایا نام ما را از اشیاء بیرون بیاور و جزء سُعداء وارد کن، ما را از بدبختی‌ها نجات بده، چون اکثران با همین فکر بدبخت هستیم، با همین مسئله‌ی عدم تزکیه‌ی نفس! تصمیم‌مان را بگیریم.

یکی می‌گفت: من در سال یک شب می‌آیم تعهّد می‌کنم ولی وسط سال تعهّد را می‌شکنم! خُب این آدم به چه درد می‌خورد؟ حیوانات هم همین طورند. اگر با خدای تعالی تعهّدی کردید و شکستید، توبه کردید و باز به گناه برگشتید، این را بدانید که حیوانات بهتر از شما هستند؛ چون آنها از اوّل تعهّدی به آن صورت نکردند و نشکستند.

«نام انجمن حجتیه را دشمنان امام زمان ارواحنا فدا، علّم کرده‌اند»

این مسئله که به محض اینکه کسی نام امام زمان ارواحنا فدا را می‌برد به او می‌گویند حجتی است؛ کار دشمن دانا که بهائیت است و یا دوستان نادان که پیروان بهائی‌ها از

۱ - سورة مبارکه زخرف، آیه ۳۲.

۲ - سورة مبارکه آل عمران، آیه ۱۷۳.

۳ - سورة مبارکه زمر، آیه ۳۶.

میان مسلمان‌ها هستند می‌باشد.

در حالی که در یک زمان هم انجمن حجّتیہ منحل شد و هم یک سری احزاب سیاسی؛ از آن احزاب سیاسی هیچ اسمی باقی نمانده چون کسی کاری با آنها ندارد، امّا این حربہ‌ی خوبی است برای اینکه امام زمانی‌ها را بکوبند، این اسم حجّتیہ باقی مانده، در صورتی که هر دوی آنها یعنی هم انجمن حجّتیہ و هم آن احزاب، منحل شده‌اند. به هر حال انجمن حجّتیہ مدّت‌ها است که منحل شده امّا دشمنان دانا، از نادانی دوستان نادان سوء استفاده می‌کنند و این مطلب را علّم می‌کنند.

فصل چهارم

عنایات ام زمان عَلَّاهُ به شیعیان



بخش اول

محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دوستانش



«امام زمان ارواحنافه به دوستانش اظهار محبت می کند»

امام عصر آنقدر مهربان است، آنقدر کلمات محبت آمیز به دوستانش می گوید که حساب ندارد.

اگر یک کسی روی اخلاص راه آن حضرت را برود، من نمی توانم بگویم که امام زمان به او چه می گوید. ولی اقل حرفی که به او می زند می گوید: «قربانت بروم»! اما حضرت از این بالاترها به او می گوید.

شما نگوئید: چرا این حرفها را می زنی؟

آقا خودش مهربان است، دوست است. افراد را توی بغل می گیرد، گاهی سر روی شانه ی آنها می گذارد.

من نمی خواهم بعضی مطالب را برایتان بگویم چون ممکن است برای بعضی سنگین باشد.

یک نفر می گفت: حدود نیم ساعت سرم روی شانه ی حضرت بود. سر حضرت هم روی شانه ی من بود. هی درد دل می کرد هی گریه می کرد هی صحبت می کرد، هی گریه می کرد. من گریه می کردم تا حالت ضعفی به هر دویمان دست داد.

شما آقای مهربانتان را نمی بینید! اما آنهایی که دیدند خوشا به حالشان، می دانند چقدر این آقا بزرگوار و مهربان هستند. انسان جانش را بدهد، بهشتش را بدهد،



آخرتش را بدهد.

شما فکر می کنید خدا که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ﴾^(۱) جان شما را می خرد که به شما یک بهشت و یک باغ بزرگی بدهد که بروید در آن بچرید؟ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْخَسُوا نَفْسَ الْفَقِيرِ﴾ جنتی که امام زمان ارواحناده در آن است آن اصل جنت است.

«امام زمان ارواحناده معزّ الاولیاء هستند»

امام عصر معزّ الاولیاء است. همیشه آنهایی را که ولو به صورت ظاهر خدمتگزارش باشند عزیز می کند.

تا وقتی که طرفدار امام زمان ارواحناده هستید!

تا وقتی که در خانه تان اسم امام زمان ارواحناده به دیوار اتاقتان زده شده!

تا وقتی که در سخنانتان اقلاً برای حضرت دعا می کنید و می گوئید: «اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر»، هر چه بشود شما پیروزید.

اما وقتی که خدای نکرده این را از شما گرفتند! لیاقت به شما ندادند که حتی یک مرتبه نام مقدّس امام زمان ارواحناده را ببرید آنجا بدانید هر چه هم به صورت ظاهر موفق باشید و معروف بشوید به ضررتان خواهد بود.

«امام زمان ارواحناده به ما محبت دارند»

ما از محبت چه می فهمیم؟! آنها به ما محبت دارند ما به آنها محبت نداریم. آنها ما را دوست دارند که همه ی تقصیراتمان را ندیده می گیرند که می فرماید: ﴿وَاغْفِرُوا عَنْ

کثیر (۱)

و اَلّا خدای به این روشنی، امام زمان به این روشنی؛ اگر انسان یک لحظه از خدا و امام زمان ارواحنافداه غفلت کرد، گناه کرده.

حتی یک لحظه!

ماها گناه می کنیم با اینکه به ما می گویند خدا، امّا قبول نداریم و باز هم گناهمان را ادامه می دهیم.

به ما می گویند: امام زمان، ولی در عین حال به فکرش نیستیم.

بیاید به خاطر امام زمانتان، به خاطر غربت امام زمانتان خودتان را بسازید که وقتی آقا آمدند و صدا زدند کیست مرا یاری کند؟ شما، همه شما یک دست بگویید: لبیک «یا صاحب الزّمان». سریع هم خودتان را بسازید، امتحان هم دارید، شب تا صبح مشغول کار باشید.

«امام زمان ارواحنافداه همیشه به ما توجّه دارند»

من بالا سر حضرت رضا نشسته بودم نماز امام زمان ارواحنافداه را هم خوانده بودم، یک حال توجّهی داشتم.

گفتم: آقا، ما هم سیدیم، ما پسر عمو هستیم. ما که جای شما را نمی دانیم شما یک صله رحم با ما کنید، منزل ما بیاید. به ما اجازه ی یک ملاقاتی بدهید.

خیلی حال انقلابی پیدا کرده بودم، سرم را گذاشتم به سجده، نمی دانم خواب بودم یا بیدار، هرچه بود، دیدم آقا ایستاده اند به من می فرمایند: «فلانی، ما که همیشه با تو



صله رحم می‌کنیم. ما اگر لحظه‌ای چشممان را از تو بگردانیم تو نابودی. این تو هستی که به یاد ما نیستی!»!

واقعاً این طور است.

«گاه‌گاهی اگر بخواهی به زور خودت را وادار می‌کنی که با ما یک ارتباطی برقرار کنی و صحبتی کنی. و الا اگر ما به یاد تو نبودیم و با تو نبودیم و به تو نمی‌رسیدیم تو اصلاً نبودی».

خدای تعالی این وجود مقدّس را در بین ما قرار داده شما بدانید امام زمان ارواحناده هر روز شما را می‌بیند. هر روز احوال شما را متوجّه است، خودش احاطه دارد بر اعمال شما، در هفته دو مرتبه هم طومار شما را ملائکه‌ی موکّل شما به خدمت حضرت می‌برند^(۱). این که آنجا محزون می‌شود می‌گوید چرا این دوست من گناهانش طوری باشد که ملائکه متوجّه بشوند و آبرویش پیش ملائکه برود. نه اینکه فکر کنید امام زمان ارواحناده نمی‌داند، صریح قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^(۲) دو تا آیه به همین مضمون در قرآن هست. هم خدا می‌بیند و هم پیغمبر و هم امام زمان ارواحناده و هم ائمه ! اینها می‌بینند. منتها گاهی بچه‌ی انسان توی خانه یک بدی می‌کند که انسان محزون می‌شود اما اگر ببیند همسایه بدی‌های بچه‌اش را نوشته و آورده می‌گوید آقا ببین بچه‌ات اینطور است، خیلی انسان ناراحت می‌شود.

۱ - «نَقْلًا مِنْ تَيَّانِ شَيْخِ الطَّائِفَةِ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ رُوِيَ فِي الْخَبَرِ أَنَّ الْأَعْمَالَ تُغْرَضُ عَلَى النَّبِيِّ فِي كُلِّ اثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ فَيَعْلَمُهَا وَكَذَلِكَ تُغْرَضُ عَلَى الْأَئِمَّةِ فَيَعْرِفُونَهَا وَهُمْ الْمَغْنِيُّونَ بِقَوْلِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ». بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۲۹.

۲ - سورة مبارکه توبه، آیه ۱۰۵.

هر گناهی می‌کنید نگذارید تا هفت ساعت بیشتر طول بکشد. جبران‌ش کنید، استغفار کنید، مبدا گناه روی گناه بیاید! قلب امام زمانتان را محزون‌ش نکنید، اینها را ملائکه هفت ساعت بعد می‌نویسند^(۱). اینها قصه نیست. اینها بعضی‌هایش آیات قرآن است و بعضی‌هایش هم روایت است و بعضی‌هایش هم دیده شده است.

بیایید به امام زمانمان رحم کنیم و این آقای مظلوم و غریب را اینقدر اذیت نکنیم. بیایید و تصمیم بگیریم که از این به بعد با گناهمان قلب مقدس این آقای عزیز و مظلوم را نرنجانیم. بیایید تصمیم بگیرید، حواستان را جمع کنید هرچه را که می‌دانید بد است این را دیگر نکنید و هر چه را هم که می‌دانید خوب است انجام دهید.

«امام زمان ارواحناده، هرگز ما را فراموش نمی‌کند»

حضرت بقیه الله ارواحناده در دعاهايشان به پروردگار عرض می‌کنند: خدایا بدی‌های اینها را به ما ببخش اینها گناهکارند به ما ببخش^(۲). «اللهم اهدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^(۳)» خدایا قومم را هدایت کن اگر اشتباهی می‌کنند نمی‌دانند و عالم نیستند!

۱ - «عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا أَجَلَهُ اللَّهُ سَاعَةً فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ لَمْ يَكُتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ مَضَتْ السَّاعَاتُ وَلَمْ يَسْتَغْفِرْ كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَذْكُرُ ذَنْبَهُ بَعْدَ عِشْرِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ فَيَغْفِرَ لَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُنْسَاهُ مِنْ سَاعَتِهِ» کافی، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲ - «نُقِلَ عَنْ ابْنِ طَاوُوسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ سَمِعَ سَحْرًا فِي السُّرَدَابِ عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ أَنَّهُ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اتَّكَالًا عَلَيَّ حُبْنًا وَوَلَايَتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأَصْلَحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِّ بِهَا عَنْ حُسْنِنَا وَأَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَزَحْرْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ».

بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۳ - «أَنَّ النَّبِيَّ ضُرِبَ بِحَرْبِهِ فِي خَدِّهِ يَوْمَ حُنَيْنٍ فَسَقَطَ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ قَامَ وَقَدِ انْكَسَرَتْ رِبَاعِيَّتُهُ وَالدَّمُّ



من عذر می خواهم. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ»^(۱) ما هرگز در کمک به شما کوتاهی و اهمال نمی کنیم و یاد شما را هیچ وقت فراموش نمی کنیم.

«امام زمان ارواحناده برای ما در کره‌ی زمین مانده است»

امام زمان ارواحناده برای ما در این کره‌ی زمین مانده و الا جایش اینجا نیست جایش توی این زندان نیست.

یک کسی امام زمان ارواحناده را در مکاشفه دیده بود که در کنار یک زندان پر مهلکه‌ای با اعمال شاقّه ایستاده و منتظر است تا این‌هایی که به سر و کله‌ی هم می‌زنند یک خرده‌ای آرام بگیرند که بشود با آنها حرف زد. بعد شروع به صحبت کند.

به جان خود حجة بن الحسن اگر چشم دلتان را باز کنید می‌بینید آن انسان کامل، آن کسی که باید اول خدا را شناخت تا بعد انسان او را بشناسد^(۲) آن مثل‌اعلای پروردگار^(۳)، کنار این کره‌ی زمین ایستاده و این مردم دزد و دغل، سر هر چیزی دعوا

⇒ يَسِيلُ عَلَى حُرٍّ وَجْهِهِ فَمَسَحَ وَجْهَهُ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. فَتَرَكْتَ الْآيَةَ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ» بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۷۷.

۱ - «ذُكِرَ كِتَابٌ وَرَدَ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ وَ رَعَاهَا فِي أَيَّامٍ بَقِيَتْ مِنْ صَفَرٍ سَنَةِ عَشْرِ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ عَلَى الشَّيْخِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ التُّعْمَانِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ الْحَدِيثُ» بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲ - «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قَالَ قُلْتُ وَ لَمْ؟ قَالَ يَخَافُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةَ وَ هُوَ الْمُتَنَتِّظُ وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ فِي وَلَادَتِهِ إِلَى أَنْ قَالَ يَا زُرَّارَةَ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفُنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفُنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفُنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي». کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۳ - «السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوِي الثُّهَى وَ أَوْلَى الْحَجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ

می‌کنند و او کنار ایستاده و منتظر است، اگر بیاید همانطور که همدیگر را می‌زنند او را هم خواهند زد!

یازده نفرشان را زدند، اگر او هم بخواهد بیاید جلو توی این دعوای و نابسامانی‌ها او را هم می‌زنند! این یک نفر را خدا کنار نگه داشته و گفته کنار بایست تا اینها آدم بشوند، یک خُرده‌ای همدیگر را بزنند تا خسته بشوند. تا جانشان بالا بیاید بعد تو جلو برو.

آن وقت ظهور امام زمان ارواحفاده است، هر وقت همه‌ی مردم خسته شدند، و گفتند که این کارها چیست که ما داریم می‌کنیم و عقلشان به سرشان آمد، امام زمان ارواحفاده می‌آید. شما ببینید در دنیا چه می‌گذرد، دنیا چه وضعی الآن دارد.

حضرت عسکری از باب اینکه پدر هستند به امام عصر فرمودند که فرزندم دور از مردم زندگی بکن. در جاهای دور! یک خُرده خودت را کنار بگیر تا تو را نبینند^(۱)، تو را نشناسند و به تو صدمه‌ای وارد نکنند. چون تو آخرین ذخیره‌ی پروردگاری، آخرین فردی هستی که باید بیائی و دنیا را پر از عدل و داد کنی، تو صدمه نبین.

⇒ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى وَالِدَعْوَةُ الْحُسْنَى وَحَجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۱- «عَنْ حَبِيبِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يُونُسَ بْنِ شَاذَانَ الصُّعَانِي قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ الْأَهْوَازِيِّ فَسَأَلْتُهُ عَنْ آلِ أَبِي مُحَمَّدٍ فَقَالَ: يَا أَخِي لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ أَمْرِ عَظِيمٍ حَجَجْتُ عَشْرِينَ حِجَّةً كُلًّا أَطْلُبُ بِهِ عِيَانَ الْإِمَامِ فَلَمْ أَجِدْ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا إِلَى أَنْ قَالَ فَقُلْتُ سَيَدِي لَقَدْ بَعُدَ الْوُطْنَ وَ طَالَ الْمَطْلَبُ فَقَالَ: يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدٌ إِلَيَّ أَنْ لَا أَجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَلَهُمُ الْخِزْيُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَأَمَرَنِي أَنْ لَا أَسْكُنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا وَغَرَهَا وَمِنَ الْبِلَادِ إِلَّا عَقَرَهَا الْحَدِيثُ «الْغَيْبَةُ لِلطُّوسِيِّ / كتاب الغيبة للحجه، ص ۲۶۳.



حضرت هم برای اینکه مردم صدمه‌ای به او نزنند یک گوشه کنار ایستاده. و الا فکر نکنید که ما همه‌مان عاشق آن حضرتیم!

دو سه روزی بیايد توی ماها زندگی بکند یک خُرده هم به وضعمان ایراد بگیرد، می‌گوییم آقا ما فکر می‌کردیم اگر تو بیایی وضع ما از نظر زندگی رو به راه‌تر می‌شود. حالا شما هم که ایراد می‌گیرید!

مگر بقیه‌ی ائمه چه بودند؟ چطور مردم با بقیه‌ی ائمه رفتار کردند؟

«امام زمان ارواح‌نفاذ ما را از خطرات حفظ می‌کند»

بیاییم امام زمان ارواح‌نفاذ را قبول کنیم. به خدا قسم ما خیال می‌کنیم امام نداریم. در زمان هر یک از ائمه مسلمان‌ها چون امامشان را می‌دیدند و حس می‌کردند، قبولش داشتند.

ما چون همه‌ی عقلمان توی چشمان است و چون حضرتش را نمی‌بینیم قبولش نداریم.

فکر نکنید همه قبول داریم نه! تعارف ندارد، آنطوری که باید قبول داشته باشیم قبولش نداریم!

این آقای که در بین ما هست و مواظب ماست. شما می‌گویید چطور مواظب ماست؟ یک بچه‌ای را که پدر دستش را می‌گیرد از میان خطرات عبورش می‌دهد این بچه خیال می‌کند که خودش از توی خطرات عبور کرده^(۱). نمی‌داند که پدر است که

۱ - «ذُكِرَ كِتَابٌ وَرَدَ مِنَ النَّاجِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ وَرَعَاهَا فِي أَيَّامٍ بَقِيَتْ مِنْ صَفَرٍ سَنَةِ عَشْرِ وَارْبَعِمِائَةٍ عَلَى الشَّيْخِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ النُّعْمَانِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ الْحَدِيثُ» بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

مواظب اوست.

ما هم نمی دانیم که امام زمان ارواحناده از این خطراتی که در دنیا هست از ما مواظبت می کند.

«مهمترین کار امام زمان ارواحناده دعا برای ما است»

امام زمان ارواحناده مهمترین کارش، و اصلاً مهمترین عبادتش دعا کردن برای انسان هاست!

مهربان تر از این آقا می خواهید؟ ممکن است داشته باشید؟

بیشترین کار حضرت اگر نگوییم تمام کارش، حتی فرج خودش را که می خواهد برای رفاه حال شما می خواهد و الا خودش چه در دنیا یا در آخرت باشد راحت است، کسی که «فِي جَنبِ اللَّهِ»^(۱)، است هیچ چیز برایش مسئله ای نیست، لذا هر چه می خواهد برای شما می خواهد، حتی توی دنیا که مانده برای خاطر شما مانده. که در دعای ندبه عرض می کنیم: «خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا» خدایا امام زمان ارواحناده را برای ما نگه دارنده و پناهگاه خلق کردی.

«امام زمان ارواحناده نگه دارنده ی ما از ناراحتی هاست»

که عصمت ما و نگهدارنده ی ما از تمام ناراحتی ها و بلاها و ضعف ها باشد.

۱ - «عَنْ عَلِيٍّ السَّائِي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ قَالَ جَنَّبُ اللَّهِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ كَذَلِكَ مَنْ كَانَ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الْمَرْفُوعِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى آخِرِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ كَائِنْ بَعْدَهُ» بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۶۲.



هر چه و هر که خواست اذیتمان کند برویم طرف او و بگوئیم: «یا صاحب الزّمان». هر فشاری بر ما آمد بگوئیم: «یا صاحب الزّمان». یکی از علماء می‌گفت: فلج شده بودم تمام اطباء به من گفته بودند تو معالجه نمی‌شوی!

من دوازده مرتبه گفتم: «یا مهدی» و پایم را بلند کردم و حرکت کردم و خوب شدم.

«امام زمان ارواحفاده، کشتی نجات ما هستند»

در این زمانی که عالم را عذاب الهی گرفته و همه دارند غرق در معصیت و شهوت و صفات رذیله می‌شوند و می‌خواهند از بین بروند، اگر ما دست توسّل به خاندان عصمت که نامشان کشتی نوح را نجات داد^(۱)، بزنیم ما هم نجات پیدا خواهیم کرد.

کشتی نجات در طوفان این دنیایی که پر از ظلم و جور شده، وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحفاده است.

شما اگر فرزند امام زمان ارواحفاده باشید و تخلّف از راه و روش آن حضرت کنید مانند پسر نوح، غرق می‌شوید.

۱ - «عن النبی أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَهْلِكَ قَوْمُ نُوحٍ أَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ شُقَّ الْأَوَاحُ السَّاجِ فَلَمَّا شَقَّهَا لَمْ يَدِرْ مَا يَصْنَعُ بِهَا فَهَبَطَ جِبْرِيلُ فَرَأَاهُ هَيْئَةَ السَّفِينَةِ وَمَعَهُ تَابُوتٌ بِهَا مِائَةُ أَلْفٍ مِسمَارٍ وَ تِسْعَةُ وَ عَشْرُونَ أَلْفَ مِسمَارٍ فَسَمَرَ بِالْمِسمَارِ كُلَّهَا السَّفِينَةَ إِلَى أَنْ بَقِيََتْ خَمْسَةُ مِسمَارٍ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مِسمَارٍ فَأَشْرَقَ بِيَدِهِ وَ أَضَاءَ كَمَا يَضِيءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّي فِي أَفْقِ السَّمَاءِ فَتَحَيَّرَ نُوحٌ فَأَنْطَقَ اللَّهُ الْمِسمَارُ بِلِسَانٍ طَلِقٍ ذَلَقِي أَنَا عَلَى اسْمِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَهَبَطَ جِبْرِيلُ فَقَالَ: لَهُ يَا جِبْرِيلُ مَا هَذَا الْمِسمَارُ الَّذِي مَا رَأَيْتُ مِثْلَهُ فَقَالَ: هَذَا بِاسْمِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ اسْمُهُ عَلَى أَوَّلِهَا عَلَى جَانِبِ السَّفِينَةِ الْأَيْمَنِ الْحَدِيثُ «بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۳۰»

حضرت نوح به پسرش گفت: پسر من با ما سوار شو و با کافرین نباش^(۱).

به خدا قسم همین امروز امام زمان ارواحناده که پدر این امت است به همه‌ی شما می‌فرماید: فرزندانم، با ما باشید، یعنی آنچه آنها دوست دارند در زندگیتان پیاده شود و آنچه آنها تنفر دارند با شما نباشد و در زندگیتان پیاده نشود. حالا از اسمتان گرفته تا دکور زندگی و خانه‌تان و فرزندانان.

با کافران نباش، یعنی شکلت را مثل کفار قرار نده!

فکرت را مثل کفار قرار نده!

خدا می‌داند همین یک جمله را اگر ما عمل کنیم به همه‌ی حقایق می‌رسیم.

«امام زمان ارواحناده خفی الالطاف هستند»

به طور کلی عنایات حضرت ولی عصر با عنایات ذات مقدس پروردگار وحدت دارد، یعنی اگر خدا نخواسته باشد عنایتی به کسی بکند، امام زمان ارواحناده هم عنایتی نمی‌کند و اگر امام زمان ارواحناده عنایتی نکند، خدا هم عنایتی نمی‌کند، پس عنایتشان وحدت دارد و خدای تعالی یکی از صفاتش «خفی الالطاف»^(۲) است یعنی الطافش را خیلی نمی‌خواهد به رُخ شما بکشد.

کسی که خفی الالطاف است وقتی کاری یا عنایتی برای کسی می‌خواهد بکند حتی خودش زمینه‌سازی می‌کند، که به نام دیگری تمام بشود.

درباره‌ی حضرت سجاد هست که پسر عمویی داشتند، آن حضرت شب‌ها به

۱ - سورة مبارکه هود، آیه ۴۳.

۲ - بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۴۰۴.



صورت ناشناس پیش او می رفتند و مقداری دینار به او می دادند.

او می گفت: علی بن الحسین به من هیچ خیری نمی رساند، خدا هم از طرف من به او جزای خیر ندهد!

حضرت سجّاد این کلمات را می شنیدند و تحمّل و صبر می کردند و خودشان را به او معرفی نمی کردند که وقتی آن حضرت شهید شدند پسر عمویشان متوجّه فقدان آن مرد خیر شد و فهمید که آن ناشناس حضرت سجّاد بوده است و بر سر قبر آن حضرت آمد و گریه کرد^(۱).

این معنای خفی الالطاف است.

امام زمان ارواحناده هم همین طور است، اگر می خواهید بفهمید امام زمان ارواحناده و خدا چه الطافی به شما کرده اند، در مجموع بنشینید فکر کنید، می بینید هر چه خواسته اید از اوّل عمرتان مثلاً هفت یا هشت حاجت داشته اید به شما داده اند.

شاید سؤال کنید چرا همانجا که دعا کرده اید نداده اند؟

برای اینکه می فهمیدید کار آنها است و این خلاف «خفی الالطاف» بودن آنها است.

مثلاً مرضی داشتی و گفتی: «یا صاحب الزّمان» مرا شفا بده.

از همان لحظه رو به شفا و بهبودی می روی اما برای اینکه به نام خودشان تمام نکنند، دکتر و بیمارستان هم می روید و به نام طبیب هم تمام می شود!

۱ - «كَانَ لَهُ عَلَى الْحُسَيْنِ ابْنُ عَمٍّ يَأْتِيهِ بِاللَّيْلِ مُتَنَكِّراً فَيَنَاولُهُ شَيْئاً مِنَ الدَّنَانِيرِ فَيَقُولُ لَكِنَّ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ لَا يَوَاصِلُنِي لَأَجْزَاهُ اللَّهُ عَنِّي خَيْراً فَيَسْمَعُ ذَلِكَ وَ يَحْتَمِلُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَعْرِفُهُ بِنَفْسِهِ فَلَمَّا مَاتَ عَلَى فَقَدَهَا فَحِينَئِذٍ عَلِمَ أَنَّهُ هُوَ كَانَ فَجَاءَ إِلَى قَبْرِهِ وَ بَكَى عَلَيْهِ» بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۰.



بخش دوم

ربویت و تعالیم امام زمان
عجل العالی
فرج الشریف





«امام زمان ارواحناده با غیبتشان ما را تربیت می‌کنند»

امام عصر حتی در همین غیبتشان مربی ما هستند؛ اگر غائب نباشند شاید شما اینطور اظهار علاقه نکنید و تا این حد به مقام مقدّسش معرفت پیدا نکنید.

طبع انسانِ نازل، طبع انسانی که تربیت نشده این است که هر چه را زیاد دید برایش ارزش قائل نیست. در زمان ائمّه‌ی اطهار مردمانی بودند که زیاد خدمت امام می‌رسیدند، امّا آن محبّت و معرفتی که شما امروز نسبت به امام زمانتان دارید آنها نداشتند مگر در مراحل خیلی بالا.

انسان وقتی یک نفر را زیاد دید برایش احترام قائل نمی‌شود! این طبع انسان است. اگر امام زمان ارواحناده الآن تشریف بیاورد روزهای اوّل مختصری برایش احترام قائلیم البته به شرطی که به خیر و شرّ ما و به وضع زندگی ما کاری نداشته باشد! امام زمان ارواحناده با همین غیبتش ما را تربیت می‌کند.

همین که گاهی متوسّل می‌شوی می‌گویی: «یا صاحب الزّمان»، همین برای تو کافی است بیشتر از این لیاقت نداری!

کسانی بودند که شب و روز در خدمت امام زمان ارواحناده بودند امّا کوچک‌ترین بی‌ادبی، نسبت به حضرت نداشتند.

اولیاء خدایی بوده‌اند که خیلی نسبت به اهل بیت اظهار علاقه می‌کردند، هر کار امام می‌کرد کوچک‌ترین خطوری در دلشان نمی‌گذشت.

«حکمت را باید از امام زمان ارواحناده دریافت کنیم»

کسی که تزکیه‌ی نفس کرد و یک مقدار هم در مراحل کمالات قدم برداشت، آن وقت به جایی می‌رسد که از منبع حکمت که فاطمه‌ی زهرا است، حکمت در قلبش ریخته می‌شود.

حکمت آن آب زلالی است که منبعش فاطمه‌ی زهرا است، صاحبش رسول اکرم و ساقی‌اش علی بن ابیطالب و سایر ائمه هستند. برای من و شما ساقی حکمت از آن حوض کوثر، حضرت بقیة الله ارواحناده است.

همین الآن که شما اینجا نشسته‌اید ممکن است امام زمان ارواحناده به وسیله‌ی آن ظرفش و با دست مقدّسش از حوض کوثر جدّش به شما عنایت کند که در دعای ندبه عرض می‌کنیم: «وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ، بِكَاسِهِ وَ بِيَدِهِ».

«بیده»، یعنی با اعمال قدرت او، که اگر حضرت در خصوص کسانی که تزکیه کرده‌اند و به کمالاتی رسیده‌اند اعمال قدرت بفرماید، انسان هر چه توان و ظرفیت داشته باشد از این کوثر می‌گیرد و می‌چشد و به جان فاطمه‌ی زهرا اگر از آن حکمت در دل شما جاری شد و سیراب شدید، بعد از آن تشنه‌ی هیچ چیز نمی‌شوید. اگر ما بتوانیم حجة بن الحسن را به خودمان مهربان کنیم. اگر ظرفمان را تمیز کنیم و به محضرش ارائه بدهیم و به قلبمان ظرفیت زیادی بدهیم و خلاصه محبت آن حضرت را به خودمان جلب و جذب کنیم، همه‌ی نعمت‌ها به ما داده شده است.



«کلاس‌های امام زمان ارواحنافداه در بُعد ملکوتی دائر است»

اگر ما یک خُرده‌ای تکان بخوریم و از خواب غفلت بیدار بشویم، و یک بیداری صددرصدی در وجود ما پیدا بشود، همین الآن هم کلاس‌های امام زمان ارواحنافداه در بُعد ملکوتی‌اش هست.

کتابش که قرآن باشد هست و معلّمش هم که حضرت ولی عصر باشد هست و با این بدن هم لازم نیست شما بروید سر کلاس بنشینید بلکه باید ارتباط روحی پیدا کنید، یعنی اوّل تزکیه‌ی نفس کنید خودتان را پاک کنید، بعد صریح قرآن است که کسی که حکمت به او داده شود، خیر کثیر به او داده شده^(۱).

اگر انسان خودش را پاک کند و از آن حوض کوثر استفاده کند، از آن خیر کثیر استفاده کند، یک چشمه‌هایی از حوض کوثر حضرت بقیة الله ارواحنافداه باز می‌شود می‌آید پشت سدّ قلب او جمع می‌شود تا در مرحله‌ی خلوص از کنار این سدّ یک چشمه‌هایی باز می‌شود، می‌آید به زبان^(۲)؛ حرف می‌زند، حرفش حکمت است، عملش حکمت است.

بیائیم این هواهای نفسانی را کنار بگذاریم؛ این شیطنتها را کنار بگذاریم؛ این لجبازی‌ها را با خدا کنار بگذاریم؛ این سنگ‌هایی که توی این راه حکمت افتاده اینها را لایروبی کنیم، اینها را کنار بگذاریم؛ این چشمه‌ی حکمت را در دلمان باز کنیم؛ تزکیه‌ی نفس کنیم و مراحل کمالات را ان شاء الله بیمائیم.

۱ - سورة مبارکه بقره، آیه ۲۶۹.

۲ - «عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

تا کی می خواهیم همه اش به این فکر باشیم که لباسمان اینطور است، فرشمان اینطور است، خانه مان آنطور است، قیافه مان آنطور است؟! دائم به ظاهر پردازیم و هیچ ارتباطی با روحمان و با امام زمانمان نداشته باشیم؟ یک خُرده ای تکانی بخوریم. و همین تکان خوردن ان شاء الله انسان را به حقایق می رساند.

خدا می داند به یک حقایقی می رساند که حضرت ابراهیم هم آرزویش را می کشید. به یک حقایقی می رساند که همه ی انبیاء گذشته آرزویش را می کشیدند و شماها رسیده اید و قدرش را نمی دانید.

«تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی».

«چراغها را خاموش کرده

و از خورشید وجود امام زمان ارواحنا فداه استفاده کنیم»

کمیل روزی پشت سر امیرالمؤمنین سوار بر یک اسب شده بود، در حالی که حضرت را در بغل گرفته بود پرسید: «یا امیرالمؤمنین ما الحقیقة»، حقیقت چیست؟ حضرت فرمودند: «ما لک و الحقیقة». تو را چه به حقیقت؟

وقتی اصرار کرد حضرت مقداری برایش توضیح دادند سپس فرمودند: «إِطْفِئِ السَّرَاجَ فَقَدْ طَلَعَ الصُّبْحُ» یعنی چراغ را خاموش کن که صبح طلوع کرد^(۱).

مرحوم حاج ملا آقا جان درباره ی همین جمله آنقدر حرف می زد، آنقدر مطلب می گفت که باید انسان یک مقدار در اخلاص و خلوص کار کند تا حکمت از قلبش به



زبان‌ش جریان پیدا کند که بتواند مثل ایشان صحبت کند.

چراغ‌ها را خاموش کن صبح طلوع کرد.

این چراغ‌هایی که شماها روشن کرده‌اید را باید خاموش کنید تا امام زمانتان طلوع کند.

این دلبستگی‌هایی که دارید باید ندیده بگیرید.

هر چیزی غیر از خدا و امام زمان ارواح‌افاده باشد و شما به آن تکیه کرده باشید و دلبستگی پیدا کرده باشید، به خودشان قسم اینها از بین رفتنی است و بیخود اعتماد کرده‌اید، بیخود اعتنا کرده‌اید. باید آن چراغ ازلی روشن بشود و خورشید تابانی که پیغمبر اکرم و ائمه اطهار او را تشبیه کرده‌اند به خورشیدی که پشت ابر است در زمان غیبت کبری، طلوع کند^(۱). هرچند که خورشید پشت ابر نیست، ما پشت ابریم؛ چون خورشید، منظومه‌ی شمسی را نور می‌دهد.

امام زمان ارواح‌افاده، خورشید وجود مقدّسش در غیبت نیست.

این حجاب‌ها را برطرف کن، قدم‌های تزکیه‌ی نفس و کمالات را بردار برو آنطرف که این ابرهای روی سرت نباشد، می‌بینی خورشید چطور پشت ابر نیست و تا حالا تو پشت ابر بوده‌ای!

اگر گناهات پاک بشود، صفات رذیله‌ات فرو بریزد، این ابرهایی که به اسم گناه و صفات رذیله روی فکر تو، روی وجود تو، روی روح تو را گرفته اینها را بشکافی، همین الآن می‌بینی عجب آفتاب خوبی است و خورشید کاملاً نور می‌دهد.

۱ - «عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِالْقَائِمِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ: إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْبُيُوتِ أَنْهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيُّونَ نُورَ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳.

چون امام زمان ارواحناده غائب نیست تو غائبی!

امام زمان ارواحناده در غیبت کبری نیست ماها در غیبت کبری هستیم، لیاقت می خواهد، یک لیاقتی می خواهد که این مردم از این دنیای دنی، از این پستی، از این پائینی بیایند بالا و روی ابر قرار بگیرند تا هم خورشید را ببینند و هم لذت ببرند و هم از این هوای کثیف نجات پیدا کنند.

لذا بزرگترین تشبیه را حضرت رسول اکرم راجع به فرزند عزیزش حضرت بقیة الله کرده، و ان شاء الله از خدا می خواهیم برسید به آنجا که از یک طرف خورشید بتابد و از یک طرف هم قلب شما مثل آینه نور خورشید را جذب کرده و پخش کند، وقتی به آنجا رسیدید آن وقت می فهمید معنی نور خورشید یعنی چه!

هیچ چراغی، هیچ نورافکنی، به این نور نمی رسد، همه ی نورها را باید بگذارید کنار که فرمود: «إِطْفِئِ السَّرَاجَ فَقَدْ طَلَعَ الصُّبْحُ». چراغها را خاموش کن که صبح طالع شد.

«امام زمان ارواحناده تمام علم را می آورد و بشر را کاملاً رشد می دهد»

تمام سعادت و تمام خواسته ی خدا به دست این وجود مقدس انجام خواهد شد. می آید سر کلاس بشریت، درس انسانیت را می دهد، تمام انبیاء و اولیاء و صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و سیزده معصوم ، از حقایق و معارف حقّه ی پروردگار دو حرف از بیست و هفت حرف را بیان کرده اند و بیست و پنج بخش دیگر از علم را ان شاء الله امام زمان ارواحناده برای بشریت نقل می کند^(۱).

۱ - «عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَلِمْ سَبْعَةَ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَغْرِفَا



اگر فرض کنید الآن تزکیه‌ی نفس، دوازده سیزده سال طول بکشد، آنجا با یک جمله، با یک عمل، با یک لا اله الا الله گفتن، با یک دعا خواندن، با دو رکعت نماز خواندن تمام مراحل را طی می‌کنید، حضرت یک درسی می‌دهد که همه‌ی این درس‌ها در مقابل آن هیچ و کم فایده است.

«حضرت عیسی، در انتظار تعلیمات امام زمان ارواحنا فداه است»

وقتی امام عصر بیاید، همه را به طرف معنویات دعوت می‌کند.

معنویات را ماها الآن نمی‌فهمیم، یعنی دقیقاً نمی‌فهمیم!

نمی‌فهمیم که مخلصین به کجا می‌رسند و چه هستند؟ چطور ارتباط با پروردگار دارند، این را نمی‌فهمیم، یعنی نه ما، بلکه حتی علماء و مراجع و اولیاء خدای در حدّ خیلی بالا هم نمی‌توانند بفهمند.

انسان وقتی به آنجا رسید یک معلّمی می‌خواهد مثل امام زمان ارواحنا فداه. شما فکر نکنید که حضرت عیسی که با امام عصر می‌آید و شاید دو هزار سال است منتظر است، فقط می‌آید دو رکعت نماز پشت سر حضرت بخواند^(۱) و برگردد به آسمان! نه. می‌خواهد بیاید از این منبع فیض استفاده کند. دو هزار سال است منتظر است که

⇒ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَهَا سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۱- «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ لَهْمُ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَلَدِي. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قِيلَ فَمَنْ وَلَدُكَ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعْتَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصَلِّي خَلْفَهُ» کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۰.

بیاید از محضر حضرت بقیة الله ارواحنا فدا استفاده کند.

شما می‌گویید چرا حالا استفاده نمی‌کند؟ چون هنوز حضرت درسش را شروع نکرده؛ با یک نفر هم هیچ وقت کلاس باز نمی‌کند!

مخصوصاً وقتی در قیامت مقام حضرت جعفر و حمزه آنقدر بالاست که می‌توانند انبیاء را شفاعت کنند^(۱)، مقام حضرت عیسی آنقدر در مقابل حضرت ولی عصر زیاد نیست که حضرت وقتش را تنها برای او صرف کند.

لذا حضرت ولی عصر منتظر است، خدا هم منتظر است که این کلاس ان شاء الله باز بشود و بشریت بیایند سر این کلاس بنشینند.

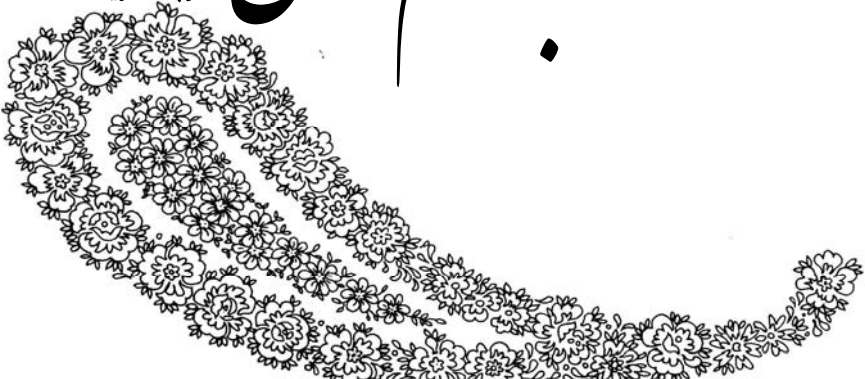
۱- «عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ، فَقَالَ: لِي: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - الْخَلَائِقَ، كَانَ نُوحٌ أَوَّلَ مَنْ يَدْعَى بِهِ، فَيَقَالُ لَهُ: هَلْ بَلَغْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقَالُ لَهُ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ . قَالَ: فَيُخْرِجُ نُوحٌ، فَيَتَخَطَّى النَّاسَ حَتَّى يَجِيءَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ عَلَى كَثِيبِ الْمِسْكِ وَمَعَهُ عَلِيٌّ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّتَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا» فَيَقُولُ نُوحٌ لِمُحَمَّدٍ : يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - سَأَلَنِي: هَلْ بَلَغْتَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَقُلْتُ: مُحَمَّدٌ، فَيَقُولُ: يَا جَعْفَرُ، وَ يَا حَمْزَةُ، اذْهَبَا وَ اشْهَدَا لَهُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «فَجَعْفَرُ وَ حَمْزَةُ هُمَا الشَّاهِدَانِ لِلْأَنْبِيَاءِ بِمَا بَلَغُوا» فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَعَلِيَ أَيْنَ هُوَ؟ فَقَالَ: «هُوَ أَعْظَمُ مَنْزِلَةً مِنْ ذَلِكَ» كَافِي، ج ۱۵، ص ۶۰۷.



فصل پنجم

ملاقات با امام زمان

عجل الله تعالی
فرجه الشریف



۱- «راه‌های ملاقات با امام زمان ارواحناده»

«ملاقات با امام زمان ارواحناده دو نوع است»

بدون تردید ملاقات با آن حضرت دو نوع است:

نحوه‌ی اوّل: ملاقات روحی با امام زمان ارواحناده است. یعنی روی معرفت کامل و با توجّه به اینکه او امام مفترض الطّاعة است و این شخص پیرو اوست باشد. با توجّه به اینکه او «عین الله» است، «وجه الله» است، «ید الله» است، صفات عالی‌ه‌ی الهی را دارد و بلکه مظهر آنها است^(۱) باشد و انتظاری که از این نوع ملاقات دارند این است که از آن حضرت کمالات روحی بخواهند؛ این نحوه ملاقات مخصوص اهل معرفت است که یک ملاقات بسیار خوبی است.

نحوه‌ی دوّم ملاقات مربوط به جنبه‌های روحی نیست، بلکه در این ملاقات فقط می‌خواهد آقا را در یک لباسی دیده باشد، فقط می‌خواهد که چشم و ابروی حضرت را دیده باشد و دنبال جنبه‌های ظاهری می‌گردد، چنین ملاقاتی مربوط به کمالات انسان نیست.

پیغمبر اکرم که بالاتر از امام زمان ارواحناده بوده‌اند، ابوسفیان‌ها و بعضی از

۱- در مورد معرفت امام و عبارات مذکور در کتاب «در محضر استاد» ج ۲ صفحات ۲۳ و ۲۴ و قسمت «سرگذشت خلقت نور مقدّس» صفحات ۳۰ تا ۳۵ توضیحات کاملی داده شده است.

منافقین هر روز ایشان را می دیدند، در عین حال کمالی هم از آنها معروف نیست؛ اما از مثل اویس قرنی که اصلاً پیغمبر اکرم را ندید ولی ملاقات روحی با آن حضرت داشت، معروف است^(۱).

حضرت ولی عصر هم با پیغمبر اکرم و ائمه‌ی اطهار فرقی نمی‌کند. پس اگر انسان با معرفت، برای کسب فضیلت از محضر حضرت، با ایشان ملاقات کند، دلیل بر کمالاتش است.

اما اگر با معرفت نباشد و تنها یک صورتی، یک چشم و ابرویی دیده باشد، مهم نیست. شاید هر روز صدها نفر اینطور به محضر حضرت مشرف می‌شوند و حضرت را می‌بینند، چون آن وجود مقدس در بین ما زندگی می‌کند و طبعاً همه او را می‌بینند که یا بعد و یا همان موقع او را می‌شناسند، و یا اینکه تا زمان ظهور و یا هر وقت که خدا بخواهد او را نمی‌شناسند که طبیعی است این ملاقات دلیل بر کمالات کسی نمی‌باشد اما بی‌فائده هم نیست.

«کسب معرفت امام زمان ارواحانفاده مهمتر از ملاقات با حضرت است»

نکند خدای نکرده شما اگر به مسجد جمکران می‌روید از امام عصر بخواهید

۱ - «عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: شَهِدَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنَ التَّابِعِينَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بِصِفِّينَ شَهِدَا لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ بِالْجَنَّةِ وَلَمْ يَرَهُمْ أَوْيسُ الْقَرْنِيُّ وَزَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ وَجُنْدَبُ الْخَيْرِ الْأَزْدِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْإِخْتِصَاصُ، ص ۸۱. «عن الفضائل لابن شاذان، رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ تَفُوحُ رَوَائِحُ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَ شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أَوْيسُ الْقَرْنِيُّ أَلَّا وَ مَنْ لَقِيَهُ فَلْيَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أَوْيسُ الْقَرْنِيُّ فَقَالَ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهَائِهِ غَابَ عَنْكُمْ لَمْ تَفْتَقِدُوهُ وَ إِنْ ظَهَرَ لَكُمْ لَمْ تَكْتَرِثُوا بِهِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فِي شَفَاعَتِهِ مِثْلُ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ يَوْمٍ بِي وَ لَا يَرَانِي وَ يَقْتُلُ بَيْنَ يَدَيِ خَلِيفَتِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي صِفِّينَ» بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵.

که فقط و فقط قیافه‌ی مقدّس آن حضرت را ببینید و به معرفت آن حضرت توجّه نداشته باشید.

عمده، معرفت آن حضرت است و الاّ چه بسا ممکن است همه‌ی شما حضرت را دیده‌اید ولی در آن موقع نشناخته باشید.

آقا در بین ما هست ^(۱) او ما را می‌بیند ما هم او را می‌بینیم ^(۲) امّا آنچه ارزش دارد معرفت امام است.

کوشش کنیم که به حقیقت معرفت برسیم.

با یک چشم ممکن است نگاه کنید حضرت را در اتاق خلوتتان ببینید و با یک چشم هم ممکن است چهل شب چهارشنبه بروید مسجد جمکران و یک مرتبه هم او را ببینید.

«هر زمان اراده کنیم امام زمان ارواحنا فداه را خواهیم دید»

راجع به حضرت ولی عصر یک جور دیگری فکر کنید.

به خدا قسم آقایان همانطوری که آقا به شیخ محمد کوفی وقتی سؤال کرد که باز کجا خدمتتان برسم؟ فرمودند: «متی تُرید» هر جا تو بخواهی، هر وقت تو اراده کنی!

۱ - «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا» فرازی از دعای ندبه، مفاتیح الجنان.

۲ - «عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرِ فِي قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ يَقُولُ إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ لَشَبَهَا مِنْ يَوْسُفَ إِلَى أَنْ قَالَ فَمَا تُتَكْرَرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ وَأَنْ يَكُونَ صَاحِبُكُمْ الْمَظْلُومُ الْمَجْحُودُ حَقَّهُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ فُرُشَهُمْ وَلَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حِينَ قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ إِنَّكَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يَوْسُفُ» الغيبة للنعماني، ص ۱۶۳.

هر وقت بخواهید امام زمان ارواحناده را می بینید متها این چشمان را باید عمل کنیم.

به جان خودش قسم، امام زمان ارواحناده همه جا هست.

یکی از دانشمندان بود من با او راجع به امام زمان ارواحناده صحبت کردم.

گفت: شنیده ام شما کتاب هایی نوشتید راجع به حضرت ولی عصر؟ این مردم طمع پیدا می کنند که همه امام زمان ارواحناده را ببینند؛ من نفهمیدم منظورش چیست.

گفتم: خُب طمع پیدا کنند.

گفت: نه مگر می شود؟!

گفتم: علمای بزرگ چطور!

گفت: نه آنها هم نمی شود.

گفتم: یعنی آنها دروغ گفته اند؟

گفت: آنها اینطور فکر کرده اند، و الاّ نمی شود.

گفتم: مرحوم میرزا مهدی اصفهانی رحمه الله چطور؟

گفت: عجب بدبختی شده این قضیه ی ایشان که همه همین را استدلال می کنند!

خدایا ما چرا اینقدر کوریم؟ چرا اینطوریم؟ شما به یک کور هر چه بخواهید سر بسر بگذارید که رنگ قرمز را به او نشان بدهید نمی توانید.

خوشا به حال آنهایی که اگر هم کورند حرف چشم دارها را باور می کنند، بدبختی

این است که انسان کور باشد و حرف چشم دارها را هم باور نکند و برود توی چاه بیافتد، برود توی مزبله بیافتد، پایش توی نجاست فرو برود.

چشم جان باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی

به امام عصر قسم، شما اگر چشم دلتان را باز کنید همه جا امام زمان ارواحناده را خواهید دید. «متی تُرید» هر جا تو بخوای، تو بخواه؛ اینها خواستن نیست! هر که را طاووس خواهد جور هندوستان کشد نابرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

۲- «امکان ملاقات با امام زمان ارواحناده»

«دیدن امام زمان ارواحناده روی مصالحي است که خودشان در نظر می گیرند» دیدن (بدن) امام زمان ارواحناده روی مصالحي است، مربوط به پاکی یا ناپاکی یا اینکه شخص عالم باشد یا جاهل باشد نیست.

مصالحي که حضرت ولی عصر منظور می کنند یا این است که ملاقات با آن حضرت موجب هدایت یک عده ای می شود، مثلاً یک نفر خدمت امام زمان ارواحناده می رسد و مطلب حقی برایش مسلم می شود، اعتقادات شیعه برایش مسلم می شود و می آید بین فامیلش می گوید و فامیل همه شیعه می شوند^(۱).

یا معجزه ای را امام زمان ارواحناده انجام می دهد مثل قضیه ی اسماعیل هرقلی که یک مملکتی متوجه اش می شوند^(۲) که در اینجا هم اعتقاد به وجود امام زمان ارواحناده مطرح است.

حالا ایشان خیلی آدم خوبی بوده؟ نمی دانم. ممکن است یک آدم معمولی هم باشد.

۱ - مثل جریان تشرف آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله و بحرالعلوم یمنی رحمه الله، کتاب ملاقات با امام زمان ارواحناده، ملاقات چهلیم، ص ۱۷۷.

۲ - ملاقات با امام زمان ارواحناده، ملاقات هشتم، ص ۵۳.

یکی از علمای بزرگ که من شهادت می‌دهم که از اوّل تکلیف یک مکروه انجام نداده بود در اواخر عمرش می‌گفت: من در طول عمرم به یک کسی که بگویم ممکن است حضرت باشد برخورد نکرده‌ام.

می‌دانید چرا؟

چون یقین و ایمان او خوب بوده بنابراین دلیلی ندارد که خدمت حضرت برسد. آدم‌های بدی هم داریم که خدمت حضرت رسیده‌اند. دیدن امام زمان ارواح‌نفاذ دلیل بر کمال نیست چون بالاترش پیغمبر اکرم بوده که ابوسفیان یا عثمان یا هر یک از اصحاب هر روز خدمت حضرت ممکن بود برسند. بنابراین تشرّف به خدمت حضرت دلیل بر پاکی و خوبی و علم شخص نیست، بلکه مصالحی را خود حضرت در نظر می‌گیرند که تشرّفی انجام می‌شود.

«هر که می‌گوید: نمی‌شود امام زمان ارواح‌نفاذ را دید، بدترین آدم است»

آن کسی که می‌گوید: امام زمان ارواح‌نفاذ را نمی‌شود دید یا بهائی است یا بهائی سیرت است یا مبلغ بهائی‌هاست.

می‌گویید: آدم خوبی است ما او را می‌شناسیم!

نخیر. همین حرفش دلیل بر این است که بدترین آدم است.

این شخص با این حرفش می‌خواهد بگوید تمام علماء، از زمان غیبت صغری تا حالا، همه دروغ گفته‌اند!

مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله، آسید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله، مرحوم شیخ انصاری رحمه الله، مرحوم سید بحر العلوم رحمه الله، مرحوم صاحب

جواهر رحمه الله، مرحوم سید بن طاووس رحمه الله، مرحوم شیخ مفید رحمه الله و... اینها همه دروغ گفته اند؟!

دوم اینکه می خواهد منکر امام زمان ارواحناده بشود، چون اگر یک چیزی باشد بگویند نمی شود دید، مثل این است که بگویند نیست!

خُب امام زمان ارواحناده توی این بدنِ گوشت و پوست و استخوانی هست یا نیست؟ اگر می خواهید بگویند نیست که التماس دعا، شما مسلکتان با ما فرق می کند. اگر می خواهید بگویند هست، خُب چرا نمی شود او را دید؟ پس بگویند اصلاً نیست! در واقع منظور این گونه افراد همین است که بگویند نیست. لذا با این افراد هیچ ارتباطی نداشته باشید.

«تشنه‌ی امام زمان ارواحناده بشویم تا با آن حضرت ملاقات کنیم»

شخصی به استادش گفت که: من چکار کنم امام زمان را در خواب ببینم؟ او گفت: فردا صبح می روی مغازه‌ی کَلّه پاچه فروشی، یک کَلّه پاچه می خری شورش می کنی، می خوری هر چه هم تشنه‌ات شد آب نمی خوری، ظهر هم یک غذای چرب و شوری بخور باز هر چه تشنه‌ات شد آب نخور، شب هم همین طور، بعد ببین چه خوابی می بینی.

او هم این کار را انجام داد، خیال کرد حضرت ولی عصر را در خواب می بیند، صبح آمد گفت که: من خواب می دیدم که رفته‌ام سر چشمه آب می خورم؛ کوزه را سر می کشم آب می خورم؛ پارچ را سر می کشم آب می خورم؛ رفته‌ام لب شیر، آب می خورم، همه‌اش خواب آب می دیدم.

استاد گفت: تو تشنه‌ی آب بودی خواب آب دیدی، «تشنه‌ی امام زمان ارواحناده

باش تا خواب امام زمان ارواحناده را ببینی».

محبت حضرت بقیة الله ارواحناده باید در دل‌های ما آنقدر شدید باشد که چه عرض کنم.
گفت:

چو شوگیرم خیالت را در آغوش سحر از بسترم بوی گل آید

به خدا قسم این طوری است؛ یک دوستی داشتیم که شب و روز می‌گفت: «یا صاحب الزمان»، من وقتی که نگاهش می‌کردم توی بسترش که خوابیده بود آنقدر می‌گفت: «یا صاحب الزمان» «یا صاحب الزمان» تا خوابش می‌برد، و هر شب هم خواب امام زمان ارواحناده را می‌دید؛ محبت این نتیجه‌اش است.
در بیداری هم انسان می‌تواند.

آنهایی که در بیداری خدمت امام زمان ارواحناده رسیده‌اند اکثراً محبتشان آنها را به محضر امام زمان ارواحناده رسانده، محبت داشته‌اند.

عده‌ای در یک مجلس خدمت حضرت ولی عصر رسیدند، یک نفر از وجود مقدس حضرت استفاده‌ها کرده بود و با آن حضرت حرف زده بود و صحبت کرده بود، یک نفر آنجا بود ولی نشناخته بود و بعداً قبول کرد و شناخت، یک نفر دیگر هم که آنجا بود هر چه دلیل آوردند که ایشان امام زمان ارواحناده بوده می‌گفت نه. بعد هم حتی حاضر نبود قبول کند.

این مربوط به چیست؟ مربوط به همان علاقه است، شخصی که علاقه به پول و مادیات دارد اگر یک مقدار پول به او بدهند او امام زمان ارواحناده را می‌خواهد چکار کند؟ که اگر امام زمان ارواحناده را هم می‌خواهد برای همین می‌خواهد.

«قدم به قدم به امام زمان ارواحنا فدا» نزدیک شویم»

ان شاء الله به حضرت نزدیک شوید، از خواب دیدن به بیداری دیدن، و از بیداری دیدن به کنارش قرار گرفتن، و از کنارش قرار گرفتن به اطاعت امرش را کردن و ان شاء الله از یاوران آن حضرت باشید، این راهش است؛ والا دورادور آدم چه کاری می تواند بکند؟!

منتظر باشید! هر جا می روید نگاه کنید امام زمانتان را شاید ببینید؛ اگر مسلمانید، اگر شیعه هستید، اگر اهل تزکیه ی نفس هستید، حرف احدی را در این ارتباط گوش ندهید.

آقا را می شود دید.

حتماً هم هست و حتماً هم من خواهم دید.

نهایتش این می شود که نباید به کسی گفته بشود! خُب به کسی نگوئید.

هر کسی لیاقت ندارد اسم آقا را با گوشش بشنود، ان شاء الله همین طور باشید، من در بین دوستانی که با من مانوس بوده اند کمتر سراغ دارم که خدمت حضرت نرسیده باشند، مگر آنهایی را که نمی شناسم.

هر کدامتان نرسیده اید از قافله عقب هستید!

هر کدامتان نرسیده اید، این را بدانید که شک و شبهه هایی که از ناحیه شیطان است به قلبتان وارد شده والا هر کدام یا در خواب و یا در بیداری خدمت حضرت رسیده اند و من اکثریتان را می شناسم.

آن کسی که در دل محبت حجة بن الحسن را دارد، لحظه ای دوری را طاقت نمی آورد.

خدا رحمت کند، پدرم به من (زمانی که بچه بودم) می گفت اگر دیدی کسی در می زند رفتی در خانه، دیدی آقای است و این خصوصیات را دارد تو حرف زن! بیا زود خبرش را به من بده!

یک شب در عمره در مکه در خدمتش بودم، پاهای ایشان ورم کرده بود، کلیه های ایشان مریض بود. آخر شب آمدم در مسجد الحرام دیدم نشسته گریه می کند. من خیال کردم این شرطه ها اذیتش کرده اند.

گفتم: چرا گریه می کنید؟

گفت: از سرشب مکرر برای حضرت طواف کرده ام اما هنوز خدمتش نرسیده ام.

این را از دلتان پاک کنید که حضرت ولی عصر را نمی شود دید!

این رجس را از دلتان پاک کنید که حضرت ولی عصر در بین ما نیست و در بیابان ها و آنجا که معلوم نیست، زندگی می کند!

در دعای ندبه می گوید: «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّْا» ان شاء الله امیدواریم این حرف ها تأثیر کند.

نام مقدس امام زمان ارواحنا فداه را تبلیغ کنید. بگذارید امام زمان بیایند در زندگی ما. بیایند در خانه ی ما. بیایند در جامعه ی ما.

«گریه بر امام حسین سبب ملاقات با امام زمان ارواحنا فداه می شود»

اگر کسی یک سال صبح و شب بر سید الشهداء گریه کند، سال تمام نمی شود جز اینکه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را ملاقات می کند. و یکی دو نفر تجربه کرده بودند برای من هم نقل کردند.

به خاطر اینکه این کاری است که حضرت بقیة الله ارواحنافداه خودش انجام می دهد، طبق آن زیارتی که از ناحیه ی مقدّسه نقل شده که «فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً»^(۱). یا جدّاه اگر نبودم که یاریت کنم، هر صبح و شام برایت گریه می کنم.

صبح بنشین یک مقداری با خودت همین هایی که از منبری ها شنیده ای را بگو و گریه بکن.

«برای ملاقات با امام زمان ارواحنافداه، ظرفیت ایجاد کنیم»

لزومی ندارد کسی که به او الهام شده که این شخص امام زمان ارواحنافداه هست به دیگران هم بگوید!

بعضی افراد بوده اند که مکرّر خدمت حضرت رسیده اند اما چون به مردم دیگر هم می گفتند حضرت ارتباطشان را با آنها قطع کرده اند.

و اینهاروی مصلحت است که آقا مصلحت می دانند یک شخص چشمش به جمال آقا بیافتد و ایشان را بشناسد و یا الهام به او بشود و در مورد دیگری ممکن است مصلحت نباشد.

انسان باید شرح صدر داشته باشد و شرح صدر این است که انسان خودش را در مقابل هیچ چیز نبازد مثل یک ظرف بزرگ که هر چه هم در آن بریزند پر نمی شود و از

۱ - «زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ أَوْرَدَهَا السَّيِّدُ وَ غَيْرُهُ وَ الظَّاهِرُ أَنَّهُ مِنْ تَأْلِيفِ السَّيِّدِ الْمُتَرْضَى رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ فِي مَضْبَاحِ الرَّائِرِ إِلَى أَنْ قَالَ لَيْنَ أَخَرْتَنِي الدُّهُورَ وَ عَاقَبَنِي عَنْ نُصْرَتِكَ الْمُقَدُّورُ وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بَدَلُ الدُّمُوعِ دَمًا حَسِرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا وَ تَحَسُّراً عَلَى مَا دَهَكَ وَ تَلَهَّفاً حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَ غَضَّةِ الْإِكْتِيَابِ» بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱

سرش نمی ریزد.

بعضی افراد که ظرفیتشان کم است قادر به کنترل خود نیستند و به محض مشاهده‌ی حضرت بیهوش می‌شوند این گونه اشخاص باید شرح صدر پیدا کنند، قوی شوند، مخصوصاً کسانی که آرزو دارند در خدمت حضرت باشند؛ اگر بنا باشد که تا صدای حضرت را بشنوند و یا جمال ایشان را زیارت کنند بیهوش شوند که نمی‌شود.

* * *

ماها از امام زمانمان غافلیم. شاید هم این غفلت یک مقدار برایمان نعمت باشد.

یک نفر از دوستان می‌گفت: چرا من آقا را نمی‌بینم؟

گفتم: همان بهتر که نبینی. اگر یک دفعه امام زمان ارواحفاده را ببینی و خدا دل تو را محکم نگه ندارد و غفلت به تو ندهد به خدا قسم نمی‌توانی یک لحظه زنده باشی.

امام زمان ارواحفاده رهبر متقین است. متقین درجه‌ی اعلا خاک پای حجة بن الحسن ارواحفاده هستند.

شما می‌توانید امام متقین را ببینید؟

دیدن امام و معرفت به کمالات و مقامات عظیم او و علم به اینکه تمام ماسوی‌الله تحت فرمانش هست داشتن و زنده ماندن؟! محال است.

یا باید انسان معرفت پیدا نکند و او را یک فرد عادی بداند، یا باید او را خیلی مستعدش کنند، خیلی او را بسازند و یا اینکه جانش را تقدیم حضرت بقية الله ارواحفاده بکند که:

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم

این متاعی است که هر بی‌سرو پایی دارد.

«طریقه‌ی ملاقات با امام زمان ارواحناده در بیداری»

(لذا) اگر یک جایی ابتدائاً به شما الهام شد که شخصی حضرت بقیة الله ارواحناده هست، خوب نگاهش کنید، لذت ببرید، بهره برداری کنید، و چون در بیداری است به طرفش نروید، اگر حضرت بخواهند خودشان شما را به طرفشان می‌کشند و با شما حرف می‌زنند و چون اختیار در دست آن حضرت است به شما خودشان را معرفی می‌کنند، همانطوری که به علامه‌ی حلی رحمه الله معرفی فرمود. لذا با ادب باشید.

مرحوم مجلسی بزرگ رحمه الله، پدر علامه‌ی مجلسی رحمه الله از علماء بسیار بزرگ بود، می‌گوید: وارد حرم سامرا شدم دیدم آقا آنجا تشریف دارند، دست‌ها را از آستین عبا کشیدم، زیارت جامعه را خواندم، مثل مدّاح‌ها که می‌ایستند، من هم با ادب زیارت جامعه را خواندم.

بعد حضرت فرمودند: «بیا جلو»

من ترسیدم بی ادبی کنم، یکی دو قدم رفتم جلو که اطاعت امر ایشان را بکنم.

فرمودند: «بیا جلو».

رفتم جلو، رفتم جلو، تا آن که من را در بغل گرفتند و فرمودند: «نعمة الزيارة»^(۱)،

این زیارتِ جامعه، زیارت بسیار خوبی است.

ای کاش شک‌ها و تردیدها و حرف‌های بیهوده دیگران را از دل بیرون بریزیم.

من نمی‌گویم هر وقت خدمت حضرت رسیدید برای دیگران بیان کنید، چون

گاهی می‌شود انسان را عجب می‌گیرد، ولی اگر این نیست، برای مردم بگویید.

بهترین دلیل بر اثبات وجود مقدّس حضرتش دیدن آن حضرت است.

به دنیا اعلام کنید: ای مردم دنیا! که همه شما منتظر منجی آخر الزمان هستید، ما منجی را داریم می بینیم و در خدمتش هستیم.

«امام زمان ارواحناده در چشم ما تصوّف می فرمایند»

من افرادی را سراغ دارم که، بعضی هایشان چهل مرتبه، بعضی هایشان نود مرتبه خدمت امام زمان ارواحناده رسیده اند. اینکه حضرت ولی عصر گاهی به صورت های مختلفی دیده می شوند، اینطور فکر نکنید که حضرت اینقدر برای شما ارزش قائلند که برای شما تغییر قیافه می دهند! نه.

در چشم شما تصوّف لحظه ای می کنند که شما یک طور دیگری می بینید، مکرّر دیده شده، در یک حجّ، در مسجد الحرام، تقریباً در یک روز، چند شکل حضرت را یک نفر دیده بود و همه اش هم یقین داشت که امام زمان ارواحناده است.

آمده بود می گفت: چطور می شود؟

من به او گفتم: آقا، در چشم تو تصوّف کردند.

حالا چرا این کار را می کنند؟ برای اینکه آشنا نشویم، ما ظرفیت نداریم، تا حضرت را شناختیم، دو سه دفعه به یک شکل و یک قیافه دیدیم، می رویم رفقا را خبر می کنیم، می گوئیم بیا بیاید! من آقا را پیدا کردم! به همدیگر می گوئیم، کم کم آنچه که خدا نمی خواهد انجام می شود.

اگر مکرّر خدمت حضرت رسیدید با لباس های مختلف، با قیافه های مختلف، گاهی تنومند، گاهی لاغر، گاهی با یک صورت های دیگر خدمت حضرت رسیدید انکار نکنید.

«اصحاب خاص، امام زمان ارواحنا فدا را همیشه به یک صورت می بینند»

حضرت ولی عصر به صورت های مختلف دیده شده اند، انسان در هر لباسی ممکن است امام زمان ارواحنا فدا را زیارت کند جز لباس معصیت کاران.

حتی کسانی که مکرر حضرت را دیده اند می شود گفت: دو دفعه هم به یک قیافه ندیده اند، ممکن است دو نفر حضرت را در یک لحظه ملاقات نمایند و هر کدام به یک شکلی ایشان را ببینند و تصرّفی در چشم آنها بشود، مگر آن اصحاب خاص، که برایشان مسئله شاید اینطوری نباشد.

ایشان را اگر انسان ببیند و در چشمش تصرّف نشده باشد و واقعیت را ببیند در حدود ۴۰ ساله یا کمتر می بینید، اما اگر تصرّف شده باشد حضرت را به هر شکلی ممکن است ببینید که آن طرف نتواند نشان خاصی از حضرت در ذهنش باقی بگذارد.

* * *

امام زمان ارواحنا فدا همیشه به یک صورت دیده نمی شوند.

اگر حضرت ولی عصر همیشه به یک صورت دیده شوند، طبعاً وقتی یک شخص آن حضرت را در جایی دید، ایشان را خواهد شناخت و اگر آن حضرت را به دیگران هم معرفی کند، همه خواهند شناخت و کم کم حضرت ولی عصر از غیبت بیرون می آیند.

لذا یا باید آن حضرت در چشم طرف تصرّف کنند، یعنی امام را طور دیگری ببیند و یا در خودشان تصرّف کنند، یعنی به صورت های مختلف دیده شوند و آنچه ظاهراً بیشتر بدست آمده، همان تصرّف در چشم افراد است.

و البته اگر کسی سرّ نگه دار باشد بعید نیست حضرت را به شکل همیشگی شان ببیند.

۳- «موانعی در ملاقات با امام زمان ارواحنافداه»

«فکر مسائل دنیوی، مانع از شناختن امام زمان ارواحنافداه در ملاقات‌ها است»

انسان ممکن است زیاد خدمت حضرت برسد ولی متوجّه نشود، به خاطر این که فقط در فکر زن و بچه و به فکر دنیا است.

کسی که فکرش به دنبال زندگی و زن و فرزندش است قطب‌نمای قلبش خراب است و از کار افتاده، مثل قطب‌نمایی که کنارش آهن گذاشته باشند، این قطب‌نما نمی‌تواند جهت را خوب نشان بدهد، لذا می‌گویند اطراف قطب‌نما آهن و امثال آن نباید باشد.

بچه‌ی انسان، همسر، گرفتاری‌های خانه و زندگی، همه‌ی اینها آهن‌هایی است که در اطراف قطب‌نمای وجود انسان است و اگر از اینها قطع باشد، یعنی به اینها وابستگی نداشته باشد این قطب‌نما کار خودش را می‌کند و تا در یک مجلسی حضرت تشریف آوردند، قطب‌نما به کار می‌افتد.

شیطان اگر احساس کرد که قلب انسان دارد قطب‌نمایی می‌کند و قطب عالم امکان را نشان می‌دهد سریعاً خودش را می‌رساند تا عقربه‌ی قطب‌نمای انسان را منحرف کند، لذا اوّل کاری که می‌کند ایجاد شک است، دوّمین کاری که می‌کند می‌گوید: به عنوان خودنمایی به کسی که کنارت هست بگو!

«زیاد دیدن امام زمان ارواحنافداه برای بعضی عادی می‌شود»

این را بدانید که هر چیزی که مشخص باشد قدرش را مردم نمی‌دانند، این یک جریان طبیعی است، شما امام زمان ارواحنافداه را چقدر دوست دارید؟ خوابش را هم

بینید چند روز خوشحالید، اگر امام زمان ارواحناده بیاید و ظاهر باشد، ما این قدری که الآن غائبانه دوستش داریم آنجا دوستش نداریم! چون بالآخره انسان کار و زندگی دارد؛ دوست داشتن هم حدی دارد، کار داریم، زندگی داریم، زن و بچه داریم، هزار جور گرفتاری داریم!

آنهایی که در زمان امام صادق بودند فکر نکنید که همه‌ی آنها محبتشان کمتر از شما بوده، نه. ولی چون دائماً در محضرش بودند آن وجود مقدس برایشان عادی شده بود.

۴- «ملاقات‌هایی با امام زمان ارواحناده»

«ملاقات شخص مسلول با امام زمان ارواحناده»

مرحوم آسید محمد باقر یکی از علمای مشهد بود می‌گفت مسلول شده بودم، آمدم در صحن حضرت رضا ، دیدم یک آقایی آن وسط دارد راه می‌رود. گفتم نکند این مولای من، امام زمان من باشد؟

تا آمدم بگویم: آقا من مریضم.

یک نیم نگاهی به من کرد، کسالتم به کلی رفع شد.

آقا جان یک نیم نگاهی، یک گوشه‌ی چشمی به ما هم بفرماید.

«آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»

«آیا شود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند؟»

«ملاقات حاج محمد علی فشندی با امام زمان ارواحناده»

در همین تهران یک پیرمردی بود که یکی دو سال قبل از دار دنیا رفت به نام مرحوم حاج محمد علی فشندی. ایشان نقل می‌کرد که من یک مدّتی کاروانی داشتم که به مکه می‌رفتم؛ شب هشتم ماه ذی‌الحجه که یک شب جلوتر از آن شبی است که حجاج معمولاً به عرفات می‌روند، من به عرفات رفتم، چادرها برپا بود اما کسی نبود. شرطه‌ها آمدند به من گفتند که تو که امشب وسایلت را به عرفات آورده‌ای، باید خودت محافظ وسایلت باشی.

من گفتم: مانعی ندارد، بیدار می‌مانم و وسایلم را حفظ می‌کنم.

می‌گوید: ساعات نیمه شب بود دیدم آقای وارد خیمه‌ی من شد.

به من گفت: «حاج محمد علی، سلام علیکم».

من هم جواب سلامشان را دادم. ایشان آمدند نشستند در حالی که من او را نمی‌شناختم! یک چند نفر جوان‌های تازه محاسن به صورت درآمده هم در خدمتش بودند. اینها بیرون ایستادند، ما با هم داخل خیمه نشستیم.

ایشان گفتند که: «می‌دانی امشب چه شبی است؟ خوشا به حالت، امشب شبی است که جدّم حسین در عرفات بوده و دعا می‌کرده».

گفتم: حُب امشب باید ما چکار کنیم؟

آقا فرمودند که: «دو رکعت نماز بخوان تا با هم دعا کنیم».

دو رکعت نماز خواندیم، بعد آقا نشست رو به قبله یک دعایی خواند، که خیلی سطحش بالا بود، من بعد از نماز خواستم دعا را حفظش کنم و همیشه داشته باشم.

آقا فرمود: «این دعا را فقط امام، حق دارد بخواند».

باز هم متوجه نشدم ایشان که هستند!

بعد به من فرمودند: «چای آورده‌ای، چای داری؟»

گفتم: آقا خوب شد گفتید. چای برای مسافرین گرماده‌ی خسته، بعضی وقت‌ها از همه چیز لازم‌تر است. من اتفاقاً چای را فراموش کرده بودم.

آقا فرمودند: «چای با من».

رفتند بیرون چای آوردند دم کردیم. اصلاً چای نبود، شیرین، معطر، که من لذت

عجیبی از خوردن این چای بردم، با هم خوردیم. بعد فرمود که «غذایی داری؟»

گفتم: نان و پنیر دارم.

گفتند که: من پنیر نمی‌خورم.

گفتم: ماست هم داریم. یک قدری نان و ماست با هم خوردیم و بعد من یک خُرده

تردید پیدا کردم که این آقا کیست که اینجا آمده و در این نیمه‌ی شب با من انس گرفته.

خوشا به حال آنهایی که ولو نشناسند، ولو نفهمند، یک لحظه با حجة بن

الحسن روبرو بشوند. آنهایی که آقا را دیدند و شناختند، به خدا قسم بعدش دیوانه

شدند، دیوانه‌ی عشق او، دیوانه‌ی محبت او، دیوانه‌ی الطاف و عنایات او شدند.

می‌گوید: با خودم فکر کردم این آقا کیست؟ پرسیدم: الان آقا امام زمان ارواحنا فدا

کجا هستند؟

فرمود: «الآن توی خیمه نشسته‌اند».

گفتم: روز عرفه آقا کجا تشریف دارند؟

فرمودند: «در دامن جبل الرحمه»

بعد به من فرمودند: من پنجاه ریال سعودی به تو بدهم تو برای پدرم یک عمره‌ی مفرده انجام می دهی؟

گفتم: اسم پدر شما چیست؟

فرمود: «سید حسن».

گفتم: اسم خودتان چیست؟

فرمود: «سید مهدی».

باز نشناختم، پول را گرفتم. اسم پدرشان و اسم خودشان را یادداشت کردم.

بعد از آقا سؤال کردم که: آیا شب عرفه امام زمان ارواحناده به خیمه‌های حجّاج تشریف می آورند؟

فرمود: «به خیمه‌ی شما می آیند چون شما شب عرفه روضه‌ی عمویم ابوالفضل العباس را می خوانید و به آن حضرت متوسّل می شوید».

بعد هم به من فرمودند: «من باید بروم».

حرکت کردند و از خیمه رفتند، من نشستم با خودم فکر کردم این آقا که بود؟ با من اینطور فارسی صحبت می کرد، اسم مرا برد، اسم پدرش حسن بود، اسم خودش مهدی بود، این که بود؟ بلند شدم نگاه کردم، در عرفات کسی نبود، هر چه نگاه کردم آقا را ندیدم! نشستم زار زار گریه کردم که چطور من امام زمانم را نشناختم.

فردا در کاروان نشسته بودیم روحانی کاروان یک دفعه شروع کرد به خواندن روضه‌ی ابوالفضل العباس! من دیدم علامت درست است، من هم نشستم گریه کردم، یک چشمم به در خیمه است که کی آقا وارد می شوند و دارم اشک می ریزم، دیگر حوصله‌ام سر آمد، دیدم روضه دارد تمام می شود و آقا تشریف نیاوردند، بلند شدم از در خیمه بیرون آمدم، دیدم آقا سرش را گذاشته به دیوار خیمه.

من هم سرم را گذاشتم این طرف خیمه و با آن حضرت مشغول گریه کردن شدم، دیگر تصرف در من شده بود، نتوانستم حرکتی کنم و نه حرفی بزنم تا آقا تشریف بردند.

«لطف امام زمان ارواحنا فدا به حاج علی بغدادی»

حاج علی بغدادی دارد می‌رود مزد کارگروهایش را بدهد، شب جمعه است، حضرت دستش را می‌گیرند او را بر می‌گردانند به او محبت می‌کنند، اظهار لطف می‌کنند برایش زیارتنامه می‌خوانند.

الآن اگر کسی به من بگوید: برایم زیارتنامه بخوان، هر چه هم آدم محترمی باشد، می‌گویم: مگر من زیارتنامه خوانم؟!

آقا زیارتنامه برایش می‌خوانند. آخرش می‌فرمایند که: «امام زمانت را می‌شناسی؟» می‌گوید: بله.

می‌فرماید: «سلام کن».

سلام می‌کند.

حضرت جوابش را می‌دهند^(۱).

ما کجا هستیم؟ چرا حضرت برای ما مردمی که با امیدی، با یک محبتی، ولو با بار گناه آمده‌ایم، تشریف نیاورند؟ چرا لااقل امیدوار نباشیم؟ چرا ما مردم اینقدر تیشه به ریشه‌ی سعادت‌مان می‌زنیم؟

خدای تعالی می‌فرماید: که ما منت گذاشتیم که یک چنین پیغمبری به مردم دادیم،

یک چنین امامی به مردم دادیم. مَنّت گذاشتیم، «حَتَّى مَنّ عَلَيْنَا بِكُمْ^(۱)» بر ما مَنّت گذاشته‌اند. ما کجا چنین لیاقتی داریم! خدا می‌داند سلیمان‌ش هم لیاقت ندارد که یک نگاه به صورت امام زمان ارواح‌نفاذ بکند، این اعتقاد من است، اما آقائی آنهاست که می‌آمدند.

امام حسن و امام حسین جنازه‌ی علی بن ابیطالب را که دفن کردند، وقتی بر می‌گشتند به منظره‌ای برخورد کردند!

کوری در خرابه می‌گفت: ای آقای من، ای عزیز من، چه شده که چند روزی از من خبر نمی‌گیری؟

معلوم است حضرت به او سر می‌زدند!

یا مشابه آن قضایایی است که از ائمّه دیگر نقل می‌کند.

آن وقت امام زمان ارواح‌نفاذ نمی‌آید از ما خبری بگیرد؟

خدایا این ایمان و اعتقاد را از ما نگیر. چرا نیاید؟ حضرت خودش می‌فرماید «وَوَرَّثَنَا الْعَفْوَ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ^(۲)». می‌دانید این جمله یعنی چه؟ یعنی برادران یوسف او را توی چاه انداختند، می‌خواستند او را بکشند، بعد وقتی آمدند دیدند زنده است او را به غلامی فروختند، آن همه او را اذیت کردند، وقتی خدمت حضرت یوسف آمدند، حضرت یوسف به آنها فرمود: «لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ^(۳)». امروز بر شما باکی نیست، من از شما گذشتم.

حضرت می‌فرماید: «ما همان عفو و همان رحمت را از حضرت یوسف به ارث

۱ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲ - کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴. والغیبة للطوسی ص ۲۹۰

۳ - سورة مبارکه یوسف، آیه ۹۲.

بر داریم».

ای وای بر ما که این مسائل را نمی‌فهمیم.

من عرض می‌کنم: آقا! حضرت یوسف شاگرد ابجد خوان مکتب شما در عفو و رحمت بود.

اما آقا لطف دارند؛ شما این قضایایی که تشرّف خدمت حضرت پیدا شده را بخوانید ببینید حضرت چقدر مهربان‌اند، چقدر لطف دارند، چقدر بزرگوارند.



فصل ششم

ایام خاص و رابطہ آنها با امام زمان

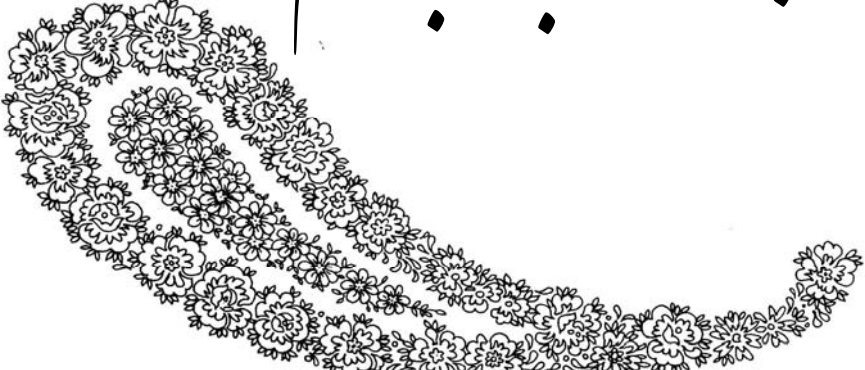
عَلَّاهُ
وَجَّهَ الشَّرِيف





بخش اول

رابطه ماه شعبان با امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف





«شب نیمه‌ی شعبان، شب مناجات با امام زمان ارواحناده است»

شب نیمه‌ی شعبان به خاطر میلاد مسعود حضرت بقیه الله ارواحناده قدر و ارزش بیشتری پیدا کرده است ولی شب قدر شب حکومت امام عصر است که احیاء شب نیمه‌ی شعبان مستحب است و کسی که در آن شب احیاء نگه دارد و عبادت کند در روز و زمانی که دل‌ها می‌میرد دل او نخواهد مُرد^(۱).

ولی در عین حال من در مورد شب نیمه‌ی شعبان احیاء را به شما توصیه نمی‌کنم. زیرا عبادت باید طوری باشد که انسان نشاط داشته باشد، اگر خوابتان نمی‌آید و شب نیمه‌ی شعبان می‌خواهید با خدا مناجات کنید، با امام زمان ارواحناده مناجات کنید که خوشا به حالتان، ولی اگر بخواهید آب به صورت بزنید و قهوه بخورید تا خوابتان نبرد! و عدس بخورید که اشک چشمتان زیاد شود! این گونه عبادتِ تحمیلی ارزشی ندارد!

باید همیشه عبادات را با نشاط انجام دهید، عبادت باید از دل برخیزد از قلبتان

۱ - «عَنِ ابْنِ كَرْدُوسٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَحْيَاءَ لَيْلَةَ الْغَيْدِ وَ لَيْلَةَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمًا تَمُوتُ الْقُلُوبُ» بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۱۳۲. «رَوَى عَنِ السَّيِّدِ يَحْيَى بْنِ الْحُسَيْنِ فِي كِتَابِ الْأُمَالِي حَدِيثًا أَسْنَدَهُ إِلَى مَوْلَانَا عَلِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ مِنْ شَعْبَانَ مِائَةَ رَكْعَةٍ بِأَلْفِ مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ يَمُوتُ الْقَلْبُ وَلَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى مِائَةَ مَلَكٍ يُؤْمِنُونَهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ ثَلَاثُونَ مِنْهُمْ يَبْشُرُونَهُ بِالْجَنَّةِ وَ ثَلَاثُونَ كَانُوا يَعْصِمَانَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ ثَلَاثُونَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ عَشْرَةَ يَكِيدُونَ مِنْ كَادِهِ» بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۴۱۵.

باشد.

شب نیمه‌ی شعبان توصیه می‌کنم کاری کنید که ان شاء الله تو جهتان به خدای تعالی و امام زمان ارواحنفاذ زیاد باشد و با خدا و امام عصر زیاد مناجات کنید.

«نیمه‌ی شعبان در مراحل کمالات تاثیر فوق‌العاده‌ای دارد»

نیمه‌ی شعبان انسان را به جایی می‌رساند که تمام مراحل کمالات را که بی‌نهایت است، به آن اندازه که عمر ما فرصت می‌دهد یکجا پیمائیم.

مراحل کمالیه‌ی رضا، اخلاص، خلوص، توحید، فناء فی الله، تا جائی که انسان وقتی می‌خواهد خدا را ببیند به سیمای مقدّس حضرت ولی‌عصر نگاه کند.

ماه شعبان ماهی است که انسان باید کوشش کند با خدا مانوس شود. آنهایی که اهل حقیقت و کمالات هستند و کسانی که ره صد ساله را یک شبه می‌روند و کسانی که یقظه‌شان خیلی کامل است، نیمه‌ی شعبان که می‌رسد باید به آنچنان جایی رسیده باشند که دیگر هیچ مانع و هیچ جدایی و هیچ حجابی بین آنها و خدای تعالی نباشد، لذا وقتی حجابی بین آنها و خدا نبود، بین آنها و امام زمان ارواحنفاذ هم نخواهد بود.

به همین خاطر از نیمه‌ی شعبان به بعد گفته‌اند این دعا را بخوانید: «اللهمَّ إِنِّ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَأَغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ»^(۱). خدایا اگر در مدّتی که

۱ - «عَنِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ فَقَالَ: يَا أَبَا الصَّلْتِ إِنَّ شَعْبَانَ قَدْ مَضَى أَكْثَرُهُ وَ هَذَا آخِرُ جُمُعَةٍ فِيهِ فَتَدَارَكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ تَقْصِيرُكَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ وَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى مَا يَعْنِيكَ وَ أَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ تُبِّ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكَ لِيَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَدَعَنَّ أَمَانَةَ فِي عُنُقِكَ إِلَّا أَدَيْتَهَا وَ لَا فِي قَلْبِكَ حَقْدًا عَلَى مُؤْمِنٍ إِلَّا نَزَعْتَهُ وَ لَا ذَنْبًا أَنْتَ مُرْتَكِبُهُ



از ماه شعبان گذشته مرا نبخشیده‌ای و مرا به اوج نرسانده‌ای و تمیزم نکرده‌ای و هنوز پابند به پایم هست، در مابقی از ماه شعبان مرا به آن مرحله برسان و مرا ببخش.

در دوره‌ی سال بعد از شب قدر به دلایل علمی و عقلی و روائی، بهتر از شب و روز نیمه‌ی شعبان وجود ندارد^(۱).

شب نیمه‌ی شعبان برای عقب افتاده‌هایی است که از سه عید گذشته یعنی از تولد امام حسین و تولد حضرت ابا الفضل و تولد حضرت سجاد کمک نگرفته بودند و نتوانستند استفاده کنند، آنها باید از شب نیمه‌ی شعبان خیلی استفاده کنند.

شب نیمه‌ی شعبان، شبی است که دعای کمیل وارد شده است^(۲) برای این که کسی که می‌خواهد توبه کند از شب نیمه‌ی شعبان شروع کند تا غروب روز نیمه‌ی شعبان، ان شاء الله برسد و مراحل را طی کند.

* * *

⇒ اِلَّا قَلَعْتَ عَنْهُ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَ عَلَانِيَتِهِ - وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ - اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفُ رِّ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْتِقُ فِي هَذَا الشَّهْرِ رِقَابًا مِنَ النَّارِ لِحُرْمَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ». بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۷۲.

۱ - «عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ قَالَ: سِئِلَ الْبَاقِرُ عَنْ فَضْلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَعْبَانَ فَقَالَ: هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِيهَا يُنْخَلِّ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَ يَغْفِرُ لَهُمْ يَمَنَّهُ فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ آتَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَرُدَّ سَائِلًا لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مُعْصِيَةً وَ إِنَّهَا اللَّيْلَةُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِإِزَاءِ مَا جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّنَا فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَ التَّنَائِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَ جَلَّ...» بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۸۵.

۲ - «رُوي أَنَّ كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ النَّخَعِيَّ رَأَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَاجِدًا يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي لَيْلَةٍ مِنْ شَعْبَانَ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ...» مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۴۴.

شب و روز نیمه شعبان آن ره صدساله را یک شب می شود رفت. این ها را می گویم به خاطر اینکه شماها قدر این ایام را بدانید و الاً حالا حالاها خیلی کار دارد که ما به آن حقایق برسیم و توقع هم نداشته باشید که شب نیمه شعبان تمام مراحل کمالیه را بپیمایید و بعد صبح آن روز هم دیگر راحت باشید، نه ما گرفتاری هایی داریم که این ها هر روز روزی ده ها حجاب را در مقابل ما به وجود می آورد و ما اگر این ده ها حجاب و یک مقدار از حجاب های گذشته را جبران نکنیم عقب می افتیم. نیمه شعبان را خیلی باید اهمیت داد یعنی *إن شاء الله* آنقدر باید اهمیت بدهید، از هر جهت، از جهت عبادت، در دوره سال بعد از شب قدر به دلایل علمی و عقلی و روایی بهتر از شب نیمه و روز نیمه شعبان وجود ندارد، چون شب قدر و روز قدر هم همین طور است.

شب نیمه شعبان دعای کامل وارد شده است برای اینکه توبه بکنند از شب نیمه شعبان شروع بکنند تا غروب روز نیمه شعبان *إن شاء الله* شاید به یک جایی برسند و بالاخره بدانید که در ماه مبارک رمضان باید در کنار امام زمان خود سر سفره احسان پروردگار بنشینید، چون شما هم دعوت هستید و امام زمان ارواحنا فداه هم دعوت است، همه دعوت هستند.

* * *

ما آن قدری که به فکر همه چیز هستیم به یاد امام زمان خود نیستیم و آمادگی برای ظهور مقدس آن حضرت نداریم. من روز نیمه شعبان در این جا گفتم که چرا یک حرکتی برای حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیست؟ روز نیمه شعبان است و روز با این عظمت همه یک راهپیمایی بکنند و همه بگویند ما امام زمان را می خواهیم.

* * *

ان شاء الله فردا شب، شب نیمه شعبان است. من یک خواهشی از همه شما دارم



ان شاء الله آخر شب، نماز امام زمان را بخوانید و بعد از نماز همه‌ی افراد را دعا کنید، شما نسبت به یکدیگر آشنایید. برایشان عیدی بگیرید. همه دست به دست هم بدهید، از امام زمان عیدی بگیرید. یکی یکی اسم ببرید. من هم برای همه شما عیدی می‌خواهم. باید عیدی را همه‌تان برای همه بگیرید. دعا کنید، امام زمان خودش مصالح را خبر دارد. خودشان می‌دانند ما چه می‌خواهیم چه نمی‌خواهیم، چه احتیاج داریم، چه کسر داریم، چه چیزی را باید زیاد داشته باشیم. اینها را خود آقا اطلاع دارند و می‌دانند. شما فقط و فقط دعا کنید، چون این دستور است.

* * *

امام زمان ارواح‌نفاذ مظهر علم پروردگار است، امام عصر عین الله است، اذن الله است، هیچ فرقی با خدا ندارد چه از امام زمان حاجت بخواهید چه از خدا، چه بگویید یا الله چه بگویید یا صاحب الزمان فرقی نمی‌کند.

خدا و امام زمان از نظر مصلحت اندیشی، از نظر علم به مصالح شما و سایر چیزها یکی هستند. به امام زمان ارواح‌نفاذ هم حرف یاد ندهید که شما از خدا بخواهید که به من این چیزها را بدهد، خودشان می‌دانند که از خدا بخواهند.

ان شاء الله شب نیمه‌ی شعبان خودتان را بسازید، آماده بکنید برای این که دعاهایتان مستجاب شود. از ساعت ۱۱ شب به بعد ان شاء الله این نماز را بخوانید. بنشینید رو به قبله، اگر زن و شوهری در صراط مستقیم هستند، دوتایی بنشینند با هم بخوانند. خدا رحمت کند استادم مرحوم حاج ملا آقا جان به من می‌گفتند که بنشین و بچه‌هایت را هم دور خودت جمع کن، بیایید همه با هم بروید در خانه‌ی امام زمان . خوش به حال آنهایی که همه با هم، زن و شوهر با دختر و پسرشان، رو به قبله می

نشینند. ﴿وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ﴾^(۱) همه یک هدف دارند. می‌گویند ﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَكْنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾^(۲)! ای عزیز! ای بزرگ! ای محبوب! ای آقای من! «مَسَّنَا وَأَهْلَكْنَا الضُّرَّ» ما و اهلمان را، این وضع دنیا، این فشارها، این ناراحتی‌ها، لمس کرده، ما را گرفته، بیا استثنائاً این پیمان‌های که برای ما در نظر گرفته‌اید، که چقدر به ما روزی بدهید، چقدر سلامتی بدهید، چقدر به ما محبت کنید، این را بیشتر کنید. «فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا» به ما صدقه بدهید. چقدر خوب است آدم صدقه‌خور امام زمان ارواحناده باشد. «إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» خداوند صدقه‌دهندگان را جزا می‌دهد.

ان شاء الله فراموش نکنید و از خدا فرج مولایمان صاحب الزمان ارواحناده را بخواهید. اگر آقا ظهور کردند تا فردا شب، که ان شاء الله همه به استقبالشان می‌رویم! ان شاء الله جزء یارانشان خواهیم بود و باید مانند بنیان مرصوص، یک دیوار محکم در مقابل دشمن باشیم. و امیدواریم در زیر سایه‌ی امام زمان باشیم و همه‌مان ان شاء الله با هم به استقبال حجة ابن الحسن ارواحناده برویم.

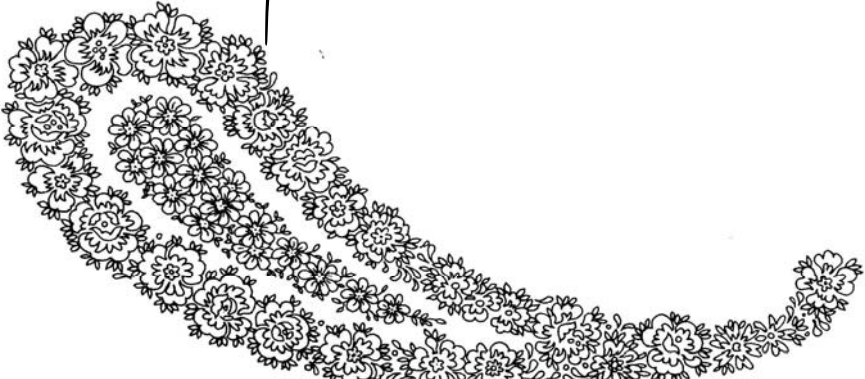
۱ - سورة مبارکه يوسف، آیه ۹۳

۲ - سورة مبارکه يوسف، آیه ۸۸



بخش دوم

ماه رمضان و سفره امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف



«در ماه رمضان سر سفره‌ی امام زمان ارواحناده بنشینیم»

در ماه رمضان و در شب قدر ممکن است انسان کلی از مراحل سیر و سلوک را طی کند، که این به خاطر محبتش به خدا و جهاد با نفس و لطف پروردگار نسبت به اوست.

کوشش کنید که ان شاء الله در ماه رمضان در آن اطاقی که امام زمان ارواحناده سر سفره نشسته خودتان را آنجا قرار بدهید. آنجا پروردگار متعال برای آن عده یک الطاف خاصه‌ای دارد، یک عنایات خاصه‌ای به آن جمع می‌کند؛ اگر وارد آن اتاق بشویم هم لذت معنوی می‌بریم و هم لذت مادی که در آنجا مهربانی پروردگار شامل همه می‌شود.

حالا معدن این مهربانی کجاست؟

معدن رحمت^(۱)، خاندان عصمت و طهارت هستند، که هر چه خودتان را نزدیک‌تر به آن معدن کنید بیشتر چیز گیرتان می‌آید و برای ما امروز حجة بن الحسن معدن رحمت است.

۱ - «السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا أَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِکَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْیِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَائِنِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ أَصُولِ الْکَرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِیَاءِ النَّعَمِ...» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.



«شب قدر، شب سلطنت امام زمان ارواحنافداه بر عالم هستی است»

شب قدر بالاتر از شب نیمه‌ی شعبان است، علّتش هم این است که در شب قدر عظمت و سلطنت و بزرگواری حضرت بقیة الله ارواحنافداه معلوم می‌شود.

ما در عالم دنیا چشمان بسته است. با چشم ظاهرمان بیشتر از این محدوده چیزی را نمی‌توانیم ببینیم؛ چشم باطنمان هم که بنا به اندازه‌ی تجربیات و علممان خیلی محدود و کوچک است و یک دایره‌ی کوچک و محدود معنوی را بیشتر نمی‌توانیم ببینیم!

اما در مقابل آن اسرار و عالم ملکوتی که هست چشم ما یا خیلی نابیناست یا خیلی محدود است، لذا روی ما نمی‌شود حساب کرد.

ولی اولیاء خدا و ملائکه و ارواح که یا در عالم ذر و یا در عالم برزخ هستند اینها می‌فهمند که شب قدر چه شب با عظمتی است و چقدر حضرت بقیة الله ارواحنافداه در شب قدر عظمتشان ظاهر می‌شود.

در روز نیمه‌ی شعبان بدن ظاهری حضرت در این عالم متولّد شده که خیلی اهمیت دارد که نباید کوچک تصوّر بشود ولی در شب قدر عظمت آن حضرت، سلطنت آن حضرت و استعلای حضرت حجة بن الحسن بر جهان و بر عالم هستی ظاهر می‌شود لذا پروردگار متعال شب قدر را بهتر از هزار ماه قرار داده است که در یک بُعد سلطان‌های عالم و بلکه تمام شخصیت‌های عالم هر چه سلطنت کرده‌اند و هر چه اظهار قدرت کرده‌اند و هر چه اظهار وجود کرده‌اند این یک شب، عظمتش بیشتر از عظمت آنها است^(۱).

۱ - «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ مِنْ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ قَالَ وَ قَوْلُهُ تَنْزَلُ

«بهترین دعاها در شب قدر، دعا برای امام زمان ارواحناده است»

یکی از چیزهایی که در شب قدر باید به آن توجه شود دعا برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است که در میان دعاهایی که در کتابها هست بهترینش باید در بهترین شب دستور داده شود، یعنی بدانید همیشه اینطور بوده؛ وقتی انسان فرصت بسیار کمی دارد و لحظات سرنوشت ساز است باید مطالبی در آن فرصت کوتاه گفته شود که هم مفید و هم مختصر باشد.

فرض کنید به شما ملاقاتی با رئیس جمهور داده اند و یک دقیقه بیشتر وقت ندارید، باید حتی یک سال فکر کنید و حساب کنید که در قالب یک دقیقه چه بگویید که تأمین سعادت عمرتان را بکند، حرفت را زده باشی و مطلبت را رسانده باشی که فرموده اند «خیر الکلام ما قلّ و دلّ»^(۱) یعنی بهترین سخن ها آن سخنی است که دلالت کند بر آنچه که در قلبت می گذرد و کوتاه باشد.

بنابراین باید یک دعایی دستور بدهند که از لحظات شب قدر کمال استفاده را ببری و شما باید این یک شب را که فرصتش زیاد نیست تمام لحظاته را حساب کنید. زیرا در این لحظات می خواهید بروید درب خانه ی خدا. باید چه بگویید که در این فرصت کم، تقدیرات لا اقل دوره ی سال و یک عمر شما تأمین شود؟

⇒ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ أَى مِنْ عِنْدِ رَبِّهِمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِكُلِّ أَمْرٍ سَلَامٍ بحارا الأنوار، ج ۲۵، ص ۷۰.

۱ - «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا دَلَّ وَ جَلَّ وَ قَلَّ وَ لَمْ يَمِلْ» أنوار العلویة، ص ۴۸۹. تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۸۸.



این دعای کوتاه را گفته‌اند که «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن»^(۱) تا آخر دعا که این دعا در شب قدر دستور داده شده که خیلی مختصر و کوتاه و عمیق و پر مغز و پرفایده است را بخوانید.

«توجه به امام زمان ارواحنفا ده در شب قدر»

حاج ملا آقا جان شب بیست و سوم ماه رمضان «دعای اللهم کن لولیک...» را زیاد می‌خواند. چون آن شب، شبی است که تنها دعای شما باید سلامتی وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنفا ده باشد. تمام فکرتان آن حضرت باشد، به آن حضرت بگویید: ای دنیای من، ای آخرت من، ای نعمت من، ای بهشت من، ای نعیم من. همه چیزتان حضرت باشد^(۲).

«شب قدر، همه‌ی کارها دست امام زمان ارواحنفا ده است»

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^(۳). شب قدر بهتر از هزار ماه است، به خاطر این که کارها دست حجة بن الحسن است.

در شب قدر کارتان این باشد، توی همان عالم تصورتان، دستتان به دامن حجة بن

۱ - این دعای شریف را تمام کتب روایی در زمره اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ذکر فرموده‌اند مانند: کافی، ج ۴، ص ۱۶۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۰۳. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹.

۲ - «فَكُنْ أَنْيْسِي فِي وَحْشَتِي وَمُقِيلَ عَثْرَتِي، وَ غَافِرَ زَلَّتِي وَ قَابِلَ تَوْبَتِي، وَ مُجِيبَ دَعْوَتِي وَ وَلِيَّ عِصْمَتِي، وَ مُعْنِي فَاقْتِي، وَ لَا تَقْطَعْ عَنكَ وَ لَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي يَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي» فرازی از مناجات مریدین مفاتیح الجنان، مناجات خمسة عشر.

۳ - سورة مبارکه قدر، آیه ۳.

الحسن باشد و از آقا بخواهید که امشب نام شما را در زمره ی سَعْدَا بنویسد. شقی نباشید که خدای نکرده مردم آزار باشید، زبانتان که باز می شود مردم از زبانتان بترسند، از نگاهتان بترسند، از وجودتان وحشت کنند، از حضورتان وحشت کنند اینطور نباشید.

«شب قدر، دست به دامن امام زمان ارواحنفا ده بشویم»

امشب وقتی چراغ ها خاموش شد یک کاری می گویم در ذهنتان باشد و آن این است که فرض کنید الان امام زمانتان نشسته یک دفتری هم جلوی شما گذاشته شما هم دارید نگاه می کنید، که این کارهای ما در سال گذشته است، اسم ما را هم کنارش نوشته اند که فلانی جزء اشقیاء است، جزء بدبخت ها است.

دامنش را بگیرید، بگویید آقا جان خواهش می کنم آن را قلم بزنید، اسم ما را جزء خوشبخت ها بنویسید - همین طور ساده، هیچ مشکلی ندارد - به خدا قسم من چطور برای شما ثابت کنم که این مطلب واقعیت دارد، به ذات مقدس پروردگار قسم می خورم، خودشان چون گفتند بیایید، ما می خواهیم اسمتان را بنویسیم، تقدیراتان را بنویسیم، چون خودشان گفتند بیا، فرجام هم دارد، می شود یک کاری کرد.

من شب های احیاء غالباً این مسئله در فکرم هست که عبا ی آقا را بگیریم، شما هم گوشه ی قبایش را بگیرید، هر جا که دستتان می رسد بگیرید، بگویید: آقا خواهش می کنم به جان مادران زهرا سلام الله علیها، آقا شما را به جان امیرالمؤمنین قسمتان می دهم هر کاری که می توانید بکنید، اینکه کنار اسم من نوشته اید شقی و بدبخت، این را پاک کنید، خواهش می کنم^(۱).

۱ - «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أَم الْكِتَابِ أَسْأَلُكَ بِآلِ يَس خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَفْوَتِكَ



ان شاء الله این کار را بکنید، و بعد برای من هم دعا کنید، برای خودتان هم دعا کنید، برای دوستانتان هم دعا کنید.

«شب قدر، شب ملاقات با امام زمان ارواحنافداه است»

شب قدر شب معرفت است، شب لقاء است، شب ملاقات با امام زمان ارواحنافداه است.

فکر نکنید منظور از ملاقات این است که حضرت با بدن تشریف بیاورند، این که در مجلس گفته می شود آقا هست، نگاه نکنید که کدام یک از این آقایان امام زمان ارواحنافداه است، مقصود این است که همانطوری که خدا هست امام زمان ارواحنافداه هم هست.

سعی کنید با چشم عین الیقین امام زمان ارواحنافداه را ببینید و با آن حضرت ارتباط روحی برقرار کنید.

«انتظار تشریف فرمایی امام زمان ارواحنافداه در مجالسمان»

ما حتی امیدواریم که حضرت توی مجلسمان تشریف بیاورند.

شب قدر بالاخره حضرت در یک جایی از این کره ی زمین هستند، یک جایی باید باشند، خُب چه اشکال دارد؟ اگر بگویید: شأنشان نیست که هیچ جای این کره ی زمین شأن حضرت نیست که تشریف داشته باشند.

اگر بگویید: مقامشان ایجاب نمی کند، که هیچ جای کره ی زمین که نه، تمام افلاک

⇒ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَأَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَي حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي عِنْدَكَ فِي أَمِ الْكِتَابِ شَقِيئاً مَحْزُوماً مُقْتَرّاً عَلَى فِي الرِّزْقِ فَأَمَحْ مِنْ أَمِ الْكِتَابِ شَقَائِي وَحِزْمَانِي وَأَثْبَتْنِي عِنْدَكَ سَعِيداً مَرْزُوقاً فَإِنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أَمِ الْكِتَابِ» بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۷۲.

ایجاب مقامشان را نمی‌کند، چون در زیارت جامعه عرض می‌کنیم: «خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَاراً وَ جَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ»^(۱). خُب هر چه یک جمعیتی ضعیف‌تر باشند، کمتر باشند، کم شخصیت‌تر باشند، پست‌تر باشند، یک بزرگی توی آن مجلس وارد بشود تواضع بیشتری کرده، مهربانی بیشتری کرده، محبت بیشتری کرده.

ما نمی‌گوییم لیاقت ما ایجاب می‌کند، امّا آقا شما تشریف بیاورید. آقائی شما ایجاب می‌کند که به مجلس ما تشریف بیاورید.

من بچه بودم به استادم یک جمله‌ای گفتم، خیلی تعجب کرد که من چطور این حرف را زدم.

من گفتم: دوست دارم امام زمان ارواحناده را ببینم.

ایشان گفت که: تو هنوز بچه‌ای.

گفتم: اگر به لطف آقا باشد، به سنگی هم ممکن است این لیاقت را بدهند. امّا اگر به بزرگواری ایشان باشد، به شخصیت ایشان باشد، هیچ کس لیاقت محضرش را ندارد.

آن امامی که حضرت سید الشهداء و حضرت صادق می‌فرمایند: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^(۲). اگر من زمانش را درک می‌کردم خدمتگزارش بودم،

تمام زندگی‌ام را در خدمت او می‌گذراندم، چه کسی لیاقت دارد؟

امّا آقا خیلی مهربان است، یک جاهایی تشریف برده‌اند، با کسانی ملاقات کرده‌اند که اصلاً اینها حضرت را نمی‌شناختند. توی این قضایایی که نقل شده، مهربانی‌هایی کرده‌اند که انسان تعجب می‌کند.

۱ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲ - «عَنْ خُلَادِ بْنِ الصَّفَّارِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَلْ وَلِدَ الْقَائِمُ فَقَالَ: لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» الغيبة



بخش سوم

شب عاشورا و امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف



۱- «حزن امام زمان ارواحناده در شب عاشورا»

«شب عاشورا، شب عزای امام زمان ارواحناده است»

«یا حجة الله، یا صاحب الزمان» امشب شما در همهی مجالس یک سری می زنید، شما صاحب عزا و فرزند حسین بن علی هستید. الان کجائید؟ نمی دانیم.

ولی دوستان بدانید اگر بنا باشد آقا در تمام دنیا امشب به شیعیان سری بزند در یک لحظه در همه جا ممکن است تشریف داشته باشد این صاحب عزای بزرگ، این نمایندهی پروردگار، این آقایی که متواضع است، محبتی دارد حتی به مجلس کوچک ما هم ان شاء الله قدم گذاشته و می گذارند.

یا بقیة الله آجرک الله فی مصیبة جدک ابی عبدالله الحسین .

شب و روز عاشورا حضرت بقیة الله ارواحناده خواب ندارد، حضرت علی بن موسی الرضا به پسر شیب فرمود: یابن شیب، هلال ماه محرم که ظاهر می شود قلب ما معصومین هم محزون می شود و روز به روز حزنمان زیاد می شود تا شب عاشورا که دیگر قرار نداریم سر روی خاک می گذاریم اشک می ریزیم^(۱).

۱- «عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ الرضا إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَحَرِّمَانِ فِيهِ الْقِتَالَ



یا حجة بن الحسن، الآن در کجا سرت را روی زمین گذاشته‌ای و داری در مصیبت ابی عبدالله الحسین گریه می‌کنی؟

امشب امام زمان ما همه جا حاضر است، روایت هم دارد که هر کجا ذکر مصیبت حضرت سید الشهداء می‌شود خیمه‌ی امام حسین است پس اینجا خیمه‌ی امام حسین است و امام زمان ما هم که مسلط بر ما است و بر ما احاطه دارد و وضع ما را ملاحظه می‌کند حتی از اراده‌ی دل ما اطلاع دارد، اینجا حاضرند.

«امام زمان ارواحناده صاحب عزای مجلس سید الشهداء هستند»

من یک مطلبی را از یکی از اولیاء خدا شنیده بودم که: در روی کره‌ی زمین هر مجلسی که امشب و فردا به نام مقدّس ابی عبدالله الحسین بر پا بشود امام زمان ارواحناده به عنوان صاحب عزای آن مجلس تشریف می‌آورند.

حضرت همه جا هستند، همانطوری که جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین در یک شب چهل جا بودند، حضرت بقیه الله ارواحناده هم امشب در همه جا تشریف دارند. آنهایی که پرده‌ها و حجاب‌های زیادی دارند فرض کنند، تصوّر کنند، و آنهایی که پرده‌ها و حجاب‌های گناه و معصیت و محبت دنیا را از دل بیرون کرده‌اند ببینند، احساس کنند و امام زمانشان را در کنار خودشان مشاهده کنند.

⇒ فَاسْتُجِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَ هُتِكَتْ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَ سُبِي فِيهِ دَرَارِينَا وَ نَسَاؤُنَا وَ أَضْرَمَتِ النَّيِّرَانُ فِي مَضَارِينَا وَ انْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثِقَلَيْنَا وَ لَمْ تُرْعَ لِرُسُولِ اللَّهِ حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونِنَا وَ أَشْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثَتْنَا الْكُرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحِطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ قَالَ كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى صَاحِبًا وَ كَانَتْ الْكَأَبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةٌ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَةٍ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

۲- «برنامه امام زمان ارواحناده در شب عاشورا»

«امام زمان ارواحناده در شب عاشورا»

برنامه‌ی سید الشهداء را پیاده می‌کند»

امشب یک کاری حضرت سید الشهداء کرد که به نظر من هر سال امام عصر این کار را می‌کند.

امام عصر طبق عقائد شیعه و طبق عقیده‌ی همه‌مان احاطه‌ی علمی بر همه‌ی افراد دارند^(۱). لذا احاطه‌ی علمی آن وجود مقدّس در همه‌ی مجالس هست.

از طرفی حضرت ابی عبد الله الحسین طبق روایات با امام زمان ارواحناده یک هدف دارند، یک روح‌اند؛ خُب این روح مقدّس در این مجلس هست و تشریف دارند، شما هم که هستید، شب عاشورا هم که هست، برنامه را هم که سید الشهداء داده.

چکار کرده؟ چراغ‌ها را خاموش کردند^(۲).

شما چون نمی‌خواهید بروید من نمی‌گویم چراغ‌ها را خاموش کنید چون شما

۱- «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَشِيرٍ الْخُثَعَمِيُّ سَمِعُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ: عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِيهِ تَبَيَّنُ كُلُّ شَيْءٍ» کافی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲- «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فَدَنَوْتُ مِنْهُ لَأَسْمَعَ مَا يَقُولُ لَهُمْ وَأَنَا إِذْ ذَاكَ مَرِيضٌ فَسَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ أَتُنْبِئُ عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ النَّتَاءِ وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوءَةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفِيدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ» مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۹۸.



همه شما ان شاء الله هستید. همه شما مؤمنید، دلیلش هم این است که ما خیلی از سال‌ها شب عاشورا گفته بودیم که چراغ‌ها را خاموش کنند و تعهد کنیم و جزء برنامه باشیم، کسی نرفت.

شما نمی‌روید، کجا می‌خواهید بروید؟

آنهایی که شب عاشورا رفتند آنقدر پشیمان شدند، آنقدر به بدبختی افتادند و فلاکت دیدند که حساب نداشت! کجا می‌خواهید بروید که از آقا ابی‌عبدالله الحسین مهربان‌تر باشد، از سید الشهداء در قیامت پر محبت‌تر باشد؟

* * *

اصحاب امام زمان ارواحنا فداه مثل دیوار بتونی هستند تکان نمی‌خورند، نمونه‌اش هفتاد و دو نفر اصحاب سید الشهداء هستند.

حضرت فرمودند: بیاوید حالا که معامله‌ای کردید و قراری بسته شد جاهایتان را ببینید، فردا که ثمن این باغ بهشت را دادید تحویل‌تان داده می‌شود، نگاه کردند همه‌شان دیدند، خوشا به حالشان.

یکی از اصحاب امشب با دیگری شوخی می‌کند می‌خندد او می‌گوید که: امشب شب خنده است؟ می‌گوید: به خدا قسم من تمام عمرم اهل شوخی و مزاح نبودم ولی امشب خوشم، فردا با امام زمانم وارد بهشت می‌شوم، چه از این بهتر که کسی یک راهی را با امام زمانش برود؟

ای خدا، آیا می‌شود ما هم با امام زمانمان در یک راه قرار بگیریم؟

یا الله، آیا می‌شود ما هم با حجة الحسن ارواحنا فداه در یک راه و در یک مسیر باشیم؟

* * *

اگر شب عاشورا را عظمت بدهید و خودتان را در خیمه‌ی ابی عبد الله الحسین یا در خیمه‌ی حضرت بقیه الله ارواحنfade بدانید، خیلی پیشرفت می‌کنید.

امشب مجلسمان را در عالم معنا به صورت خیمه‌های ابی عبد الله الحسین بدانیم، در روایت دارد هر جا مجلس عزای برای سید الشهداء برپا می‌شود، آنجا مثل زیر گنبد حضرت سید الشهداء است، مثل خیمه‌های حضرت سید الشهداء است، شماها آمده‌اید فقط روی محبت به ابی عبد الله الحسین و محبت به امام زمان دور هم جمع شده‌اید.

حضرت سید الشهداء فرمود: این مردم با من کار دارند^(۱)، من که اسلام واقعی هستم با آنها طرفم. این حرف‌ها را امام زمان ارواحنfade هم خواهد فرمود، الآن هم می‌گوید.

اگر حضرت ابی عبد الله فرمود: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»^(۲)، به خدا قسم اگر گوش دلتان را باز کنید امام زمان ارواحنfade هم دائماً به شما مردم می‌گوید که: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» آیا کسی هست که به من کمک بدهد؟

شماها کمک کنید تا ظهور حضرت جلو بیافتد، شما جوری حرکت کنید، جوری

۱ - «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ قَدْ تَوَتَّ مِنْهُ لِأَسْمَعَ مَا يَقُولُ لَهُمْ وَ أَنَا إِذْ ذَاكَ مَرِيضٌ فَسَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اإِلَىٰ أَنْ قَالَ: إِنِّي قَدْ أَذْنْتُ لَكُمْ فَأَنْطَلِقُوا جَمِيعاً فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي ذِمَامٌ هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَأَتَّخِذُوهُ جَمَلًا وَ لِيَأْخُذْ كُلُّ رَجُلٍ بِيَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ تَفَرَّقُوا فِي سَوَادِكُمْ وَ مَدَائِنِكُمْ فَإِنَّ الْقَوْمَ إِنَّمَا يَطْلُبُونَنِي الْحَدِيث». مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۹۸.

۲ - «أَمَا مِنْ مُعِيْثٍ يَغِيْثُنَا لَوْجُهُ اللهُ أَمَا مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُوْلِ اللهِ» بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۲. «و لما فجع الحسين بأهل بيته و ولده و لم يبق غيره و غير النساء و الذراري نادى هل مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُوْلِ اللهِ هل مِنْ مُوحِدٍ يَخَافُ اللهُ فِينَا هل مِنْ مُعِيْثٍ يَرْجُو اللهُ فِي إِغَاثَتِنَا» بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۶.



تمرین کنید که اگر الآن صدای حضرت بقیة الله ارواحناده بلند شد که: «بیاید مرا یاری کنید» همه شما حاضر باشید. نگوید حالا من مثلاً زندگی ام بهم ریخته است، وضعم ناجور است، من نمی توانم با این شکل و قیافه با امام زمان ارواحناده روبرو بشوم! اینجوری نباشید.

«امام زمان ارواحناده اصحابش را تصفیه می کند»

ابی عبدالله الحسین اصحابش را تصفیه کرد، یقیناً حجة بن الحسن هم اگر فردا روز قیامش باشد حتماً باید ما را تصفیه کند. افراد ناباب بروند بیرون، افرادی که می خواهند بعداً معصیت کنند، ظلم کنند، دزدی کنند، خیانت کنند، دروغ بگویند، غیبت کنند اینها بروند بیرون؛ چون اینها لایق محضر حجة بن الحسن نیستند.

«امام زمان ارواحناده با افراد ناخالص هم گام نمی شود»

وقتی که برنامه ی کربلا شروع شد حسین بن علی با افراد ناخالص همگام نشد همانطوری که حضرت بقیة الله ارواحناده هیچ گاه با افراد ناخالص هماهنگ و یکی نمی شود.

لذا سید الشهداء برای اینکه افراد ناخالص را از میان اصحابش جدا کند با یک قاطعیت تمامی شب عاشورا نشست با آنها صحبت کرد و فرمود: «امشب هر مردی در خیمه های من باشد فردا کشته می شود»^(۱) یعنی آنهایی که به خاطر دنیا پشت سر پسر

۱ - «عن أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين في حديث: إن الحسين قال لأصحابه في ليلة اليوم الذي قتل فيه: إني غدا أقتل و تقتلون كلکم معی، لا یبقى منکم واحد» إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۴، ص ۵۳.

پیغمبر راه افتاده‌اند حواسشان جمع باشد.

امام زمان شما هم به شما همین را می‌گوید، آنهایی که برای دنیا، ظهور حضرت بقیة الله ارواحانفاده را می‌خواهند حواسشان جمع باشد که از دنیا خبری نیست، لذا اصحاب امام زمان ارواحانفاده، آن اصحاب خالصش اگر از اصحاب سید الشهداء پرارزش تر نباشند کمتر نیستند!

«امام زمان ارواحانفاده همه‌مان را غریب می‌کند»

امام زمان ارواحانفاده تا شما را غریب نکند، شما را به عنوان بهترین یار خودش انتخابتان نمی‌کند^(۱).

حالا ای رونده‌ها، ای کسانی که نمی‌توانید ببینید نام مقدس حجة بن الحسن برملا بشود، نمی‌توانید خودتان را حاضر کنید که در رکاب حجة بن الحسن باشید، بروید.

۱- «رَوَى عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ: هَبْهَاتِ هَبْهَاتِ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرَبُوا ثُمَّ تُغْرَبُوا ثُمَّ تُغْرَبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى الْكَدْرَ وَ يَبْقَى الصَّوُّ» الغيبة للطوسی، كتاب الغيبة للحجة، ص ۳۳۹. فی حدیث طویل «قَالَ الصَّادِق وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبِهِ لِيَصْرَحَ الْحَقُّ عَنْ مُحْضِهِ وَ يَصْفُو الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ بِازْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ حَبِيبَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يَخْشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقُ إِذَا أَحْسُوا بِالْإِسْخَالَافِ وَ التَّمَكُّينِ وَ الْأَمْنِ الْمُتَنَشِّرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ» کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۶. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُنْصُورٍ الصَّقَلِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ الْحَارِثُ بْنُ الْمُغْبِرَةِ وَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا جُلُوسًا وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَسْمَعُ كَلَامَنَا فَقَالَ: لَنَا فِي أَى شَيْءٍ أَنْتُمْ هَبْهَاتِ هَبْهَاتِ لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُغْرَبُوا لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَا وَ اللَّهُ مَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشَقَّى مَنْ يَشَقَّى وَ يَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ» کافی، ج ۱، ص ۳۷۰.



کسی به شما تحمیل نکرده، ولی بدانید که اگر رفتید، رفته‌اید تا جائی که دیگر ممکن است راه برگشتن نداشته باشید.

هر کسی به درد این راه نمی‌خورد، هر کسی نمی‌تواند سیر الی الله بکند، آن هم همراه امام زمان ارواحناده. لذا همین جا تصمیم بگیرید.

آقایان به خدا قسم این جلسات اگر فایده‌اش درست شدن شماها نباشد، تصمیم شما برای درست شدن نباشد، یک پول ارزش ندارد، تصمیم شما باید بر این باشد که از یاران حجة بن الحسن باشید.

امام حسین ما امام زمان ارواحناده است و کربلای ما هر جایی است که باید از امام زمان دفاع کنیم. «کُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا وَ كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا».

پس شما تصمیم بگیرید!

«امام زمان ارواحناده در این زمان هم، یار می‌خواهند»

می‌خواهی در این وادی وارد بشوی؟ دوست داری که جزء آنهایی باشی که خدای تعالی در وصفشان فرموده: ﴿صَفَّا كَانْتَهُمْ بُنَيَانٌ مَرصُوصٌ﴾^(۱)؟ می‌خواهی جزء آنها باشی؟

فرق نمی‌کند آقا ولی عصر ظهور بکنند یا نکنند.

یکی از اشتباهات ما این است که بعضی فکر می‌کنند امام زمان ارواحناده به این زودی‌ها ظهور نمی‌کند!

مگر امام عصر در زمان غیبتش یار نمی‌خواهد؟ مگر نمی‌خواهد یک عده نام

او و هدف او و خدای او و دینی که اجدادش آنقدر خون در راهش دادند حفظ کنند؟
بله می خواهد.

به وسیله‌ی چه کسی می خواهد این کارها انجام بشود؟ به وسیله‌ی شما دوستانی
که به خاطر شب عاشورا جمع شده‌اید.

۳- «تجدید عهد با امام زمان ارواحنفاده در شب عاشورا»

«سالی یک بار با امام زمان ارواحنفاده، تجدید بیعت کنیم»

به خدا قسم، به جان خود ابی عبدالله الحسین قسم، اگر از امشب (شب عاشورا) تا فردا غروب یک سره اشک بریزید و تمام زنجیرها را به بدنتان خُرد کنید و تمام شرائط عزاداری را انجام بدهید ولی با امام زمانتان تعهد نکنید که من همیشه با شما هستم، زیاد از این شب و روز بهره‌مند نشده‌اید.

اگر امشب همان کاری که حسین بن علی به عنوان درس به ما آموخت ما در مقابل امام زمانمان انجام ندهیم بهره‌ای از شب عاشورا نبرده‌ایم!

سالی یک دفعه لااقل باید شب عاشورا تعهدتان را تجدید کنید و اگر نمی‌توانید و این گونه نیستید بروید؛ زیرا اگر هفتاد و دو نفر بمانند، اگر سیصد و سیزده نفر هم از تمام کره‌ی زمین برای امام زمان ارواحنفاده بمانند بهترند تا افراد ضعیف و ناتوانی که با هر بادی می‌لغزند و تحت تأثیر هر سخنی قرار می‌گیرند! یک روز صوفی‌اند، یک روز کوفی! یک روز مسلمان‌اند و یک روز کافر! یک روز فاسق‌اند و یک روز متدین! یک مدّتی نماز شب می‌خوانند و یک مدّتی نماز صبحشان هم قضا می‌شود! هر روزی یک جوری هستند، هر روزی یک برنامه‌ای دارند، این آدم‌ها اصلاً ارزشی ندارند،



«همج رعاع» هستند که امیر المؤمنین درباره‌شان می‌فرماید: «اتباع کل نائق یملون مع کل ریح»^(۱) یعنی به وسیله‌ی باد این طرف و آن طرف می‌شوند، تابع هر صدایی هستند، تابع هر آهنگی هستند، هر روزی یک‌جوری می‌خواهند دینشان را ملعبه‌ی خودشان قرار بدهند!

«همه چیز در دستان امام زمان ارواحنافداه است»

شما چه می‌خواهید که امام زمان ارواحنافداه نداشته باشد؟
 دنیا می‌خواهید زیر سایه‌ی امام زمان ارواحنافداه است.
 آخرت می‌خواهید زیر سایه‌ی حجة بن الحسن است.
 نعمت می‌خواهید زیر سایه‌ی حضرت است.
 هیچ کس عقلش را از دست نداده که راه صحیح را انتخاب نکند، حرکتِ پشت سر حجة بن الحسن را انتخاب نکند و به خاطر همسرش، به خاطر فرزندش، و به خاطر مالش از این چراغ هدایت و از این سفینه‌ی نجات دور بشود! من فکر نمی‌کنم.

«در شب عاشورا تکلیفمان را با امام زمان ارواحنافداه روشن کنیم»

امشب شب عاشورا است، باید امشب تصمیم بگیرید، هر کس می‌خواهد فردا باز برود دنبال گناه و معصیت، و قلب امام زمان ارواحنافداه و حضرت سید الشهداء را برنجانند تکلیفش را روشن کند.
 تصمیم بگیرید.

می خواهید با خاندان عصمت باشید یا نه؟

می خواهید کمک امام زمانتان باشید یا نه؟

همه شما می توانید الآن در دل، با حجة بن الحسن صحبت کنید و با خدا قرارداد ببندید.

خدا می داند اجل در تعقیب ماست، بالاخره خواهیم مرد، بالاخره از بین می رویم، پس کاری کنیم که تا از دنیا رفتیم حضرت سید الشهداء بغل را باز کند و بفرماید: «عزیزم خوش آمدی». حضرت بقية الله ارواحفاده یک ظرف آب به ما بدهد و بفرماید: «تو تشنه ای، از راه دوری آمده ای»، که در دعای ندبه می گوئیم «وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِقًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ».

خدا شاهد است من خودم در قلب، این تصمیم را می گیرم، شما هم این تصمیم را بگیرید که با حضرت ولی عصر باشیم، با سید الشهداء باشیم.

«مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ»^(۱) ما به شما ایمان داریم، همانطوری که اولین نفرتان را دوست داشتیم، همانطور که امیرالمؤمنین را دوست داشتیم، همانطوری که سید الشهداء را دوست داریم؛ همانطور هم آخرین نفرتان که امام عصر باشد را دوستش داریم.

خدایا تو شاهی که ما از جبت و طاغوت (که اولی و دومی هستند) بیزاریم^(۲)، یک لحظه نمی خواهیم با آنها باشیم، ما بیزاریم از هر کسی که به غیر شما متوسل باشد و

۱ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲ - «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْإِسْطِطَاعَةِ إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ: فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ يَغْنَى بِالْإِمَامِ وَ عَزْرُوهُ وَ نَصْرُوهُ وَ اتَّبَعُوا الثَّوْرَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ يَغْنَى الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْْبُدُوهَا وَ الْجِبْتُ وَ الطَّاغُوتُ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ الْعِبَادَةُ طَاعَةُ النَّاسِ لَهُمْ» کافی، ج ۱، ص ۴۲۹.



روش غیر شما را پیش بگیرد، هر کس که از غیر شما اطاعت کند ما از همه آنها بیزاریم. شما اینجور مردمی هستید و باید هم باشید.

ان شاء الله وقتی که حضرت بقیة الله ارواحفاده ظهور کند آنجا خودتان را نشان خواهید داد، برکات خدا بر شما خواهد بود، رحمت خدا بر شما خواهد بود و شما رستگارانید.

* * *

همان مطالبی که آن شب سید الشهداء برای اصحابش فرمود، به خدا قسم امشب امام زمان ارواحفاده اگر گوش دلتان را باز کنید برای شما بیان می کند. اینجاست که عرض می کنم: آنهایی که خودشان را آماده نمی بینند، آنهایی که می خواهند بعد از این هم اهل گناه باشند آقا حجة بن الحسن می فرماید که: از مجلس بیرون بروند. بروند مشغول گناه و معصیت خودشان بشوند.

آنهایی که تعهد می بندند، آنهایی که از این لحظه با امام زمانشان هم پیمان می شوند بمانند؛ شماها باید در کنار خیمه ی حضرت حجة بن الحسن خیمه بزنید، ان شاء الله همه شما از اصحاب و یاران حجة بن الحسن باشید. بالاخره حضرت یک روزی ظهور می کند و انتخابتان می کند، به فکر باشید به یاد آقایان باشید.

* * *

سید الشهداء سرش را پائین انداخت تا هر که می خواهد برود برود. تو هم چشم دلت را باز کن امام زمانت هم همین کار را می کند، آقا سرش را پائین انداخته تصمیمت را بگیر.

رفتن تو همین است که تصمیم گیری. رفتن تو همین است که تعهد نکنی، که از این به بعد دیگر گناه نکنی و از این به بعد دیگر بد نباشی!

تصمیم بگیر بیا توی این هفتاد و دو نفر، چون امام زمان ما می خواهد دنیایی را اصلاح کند، پس خیلی یار و یاور می خواهد، هفتاد و دو نفر برای او کم است، همه ی شما را می پذیرد، چشم دلت را باز کن بین طوماری در دستش گرفته.

کیست که بماند و تعهد بکند؟

آقا حجة الله، من از زبان اکثر و بیشتر دوستان عرض می کنم.
آقا جان اگر قطعه قطعه مان کنند، اگر با قیچی بدنمان را قطعه قطعه کنند دست از یاری تو بر نمی داریم.

حضرت ابی عبدالله سرش را بلند کرد، یک نگاهی به این جمع که مانده بودند کرد و فرمود: چرا شما نرفتید؟

عرض کردند: آقا یک عمر آرزو داشتیم در محضر باشیم حالا کجا برویم؟
ما هم عرض می کنیم: «یا صاحب الزمان» آقا جان، ما هم یک عمر آرزو می کشیدیم که جمال تو را ببینیم حالا دست از دامن برداریم؟ ابدًا.

آقا اگر هفتاد مرتبه ما را بکشند، بدنمان را بسوزانند و دو مرتبه زنده مان کنند دست از یاریت بر نمی داریم.

امشب توی آن تاریکی یک عده این حرف ها را زدند و فردا هم نشان دادند.
شما هم به خدا قسم اگر با کمال قاطعیت و جدّیت به امام زمانتان قول بدهید که از این به بعد از یاران آن حضرت باشید، آقا امام زمان ارواحنا فداه همان عملی که امشب ابی عبدالله الحسین با اصحاب و یارانش کرد، با شما می کند.

می دانید چه کرد؟

گفت: حالا بیاید جاهایتان را در بهشت ببینید.



امشب حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، بُریر و زُهریر همه آمدند نگاه کردند، آیا این باغ پر اهمیت در کنار پیغمبر اکرم و در کنار فاطمه زهرا و در کنار امام مجتبی مال ماست؟

بله مال شماست فردا شب این موقع آنجا هستید.

یا بقیة الله، آیا می شود ما هم در بهشتِ ظهور شما باشیم و دست هایمان را بلند کنیم و بگوییم: ای مردم دنیا دیدید راست گفتیم؟ ای دشمنان امام زمان ارواحناده دیدید ما مولا داریم؟ دیدید ما آقا داریم؟ ای مردم دنیا دیدید ما یک روز عزیز شدیم؟ دیدید شما چگونه ذلیل شدید؟

یا بقیة الله ما هم الآن در خیمه ی شما نشستیم، ان شاء الله از یاران شما محسوب بشویم.

«تعهداتی با امام زمان ارواحناده در شب عاشورا»

مولا جان یا بقیة الله ما الآن در محضر شما تعهد می کنیم، قرارداد امضاء می کنیم که اگر برای رضایت شما هزار مرتبه ما را قطعه قطعه کنند و با آتش بسوزانند ما کاری که شما را ناراضی کند ان شاء الله انجام نخواهیم داد.

ولی آقاجان «وَضَاعَتِ الْأَرْضُ» دنیا بر ما تنگ است، ما را به گناه می کشاند، شیطان ما را به سوی گناه دعوت می کند، نفس اماره ی بالسوء ما را به طرف بدی می کشاند، آقاجان شما به ما کمک کنید، شما محبت کنید.

آقاجان به خودتان قسم، به خاک پایتان قسم اگر شما دست محبتتان همیشه بر سر ما باشد ما هیچ گاه گناه نمی کنیم، هیچ وقت معصیت نمی کنیم؛ کوچک ترین کاری که شما را ناراحت کند نخواهیم کرد، و از شما می خواهیم همانطوری که اصحاب سید

الشهداء فردا نشان دادند که چگونه در راه سید الشهداء فداکاری می کنند که فرمود: «لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي»^(۱). من اصحابی را ندیدم که بهتر از اصحاب خود باشند، آقا جان می شود ما هم زیر سایه ی شما باشیم و شما دستی بر سر ما بکشید و بفرمایید: «لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي» ؟

آقا جان خیلی گناه کردیم، خیلی معصیت کردیم، مولای ما، قربانت برویم مولا جان.

امام زمان ارواحنا فدا به قدری مهربان است که در یکی از توقعات به یکی از دوستانش جمله ای می فرماید که من نمی توانم آن جمله را عرض کنم.

جان همه ی عالمیان فدای خاک پای شما، شما اظهار محبت می کنید، شما آقاید، شما بزرگید، آقا جان ما آماده ایم ما حاضریم در رکابت باشیم، قول می دهیم دیگر معصیت نکنیم، قول می دهیم واجباتمان را انجام دهیم، آقا جان قول می دهیم تزکیه ی نفس کنیم، قول می دهیم با دشمنانت انس نداشته باشیم، قول می دهیم با معصیت کارها رفت و آمد نکنیم.

می دانید آقا در جوابتان چه می فرماید؟

می فرماید: من هم قول می دهم که در دنیا و آخرت سعادت مند باشید، بنده ی خوب خدا باشید، زیر حمایت من، به تمام سعادت ها برسید.

۱ - «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فَدَنَوْتُ مِنْهُ لِأَسْمَعَ مَا يَقُولُ لَهُمْ وَ أَنَا إِذْ ذَاكَ مَرِيضٌ فَسَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ إِلَى أَنْ قَالَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ آبَرَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْراً أَلَّا وَ إِنِّي لَأَظُنُّ يَوْمًا لَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ أَلَّا وَ إِنِّي قَدْ أَذْنْتُ لَكُمْ فَانْطَلِقُوا جَمِيعاً فِي جِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ حَرَجٌ مِنِّي وَ لَا ذِمَامٌ هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا الْحَدِيثُ «بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲»



من هم قول می‌دهم که شما در دنیا با من و در شب اول قبر با من و در عالم برزخ با من و در بهشت با من باشید.

خوشا به حالتان، شب عاشورای خوبی دارید امشب.

همین طوری که شما الآن زمزمه دارید و با امام زمانتان دارید حرف می‌زنید، اصحاب حسین ابن علی هم توی خیمه‌هایشان جمع بودند، ولی مردم آن وقت مثل شما با معرفت نبودند، محبتشان به امام زمانشان این قدری که شما محبت دارید نبود.

لذا وقتی که چراغ‌ها را روشن کردند دیدند هفتاد و دو نفر بیشتر باقی نماندند. اما شماها را من می‌دانم لااقل هشتاد در صد شما جمعیت این تعهدات را دادید، این قولها را دادید و از فردا دیگر به طرف گناه و معصیت نخواهید رفت.

آقا جان ما آماده‌ایم، جانمان به قربانت.

آقا یا بقیة الله، من می‌بینم اکثر اینها اگر الآن شما ظاهر بشوید و تشریف بیاورید و بگویید: «هر کس با من است باید جانش را بدهد»، اینها می‌گویند: «جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم».

انشاء الله هر یک از شماها تنها به امام زمانتان می‌گویید: آقا ترک گناه که کاری نیست، انجام واجبات که چیزی نیست، اگر هفتاد مرتبه ما را بکشند و دو مرتبه زنده‌مان کنند، دست از یاری شما بر نمی‌داریم.

همین اظهار ارادتتان، همین گریه‌هایتان نشان می‌دهد که شما این طوری هستید. و ان شاء الله همین طور خواهید بود. نکند امام زمان ارواحنا فداه سرش را بلند کند ببیند از هزار نفر، هفتاد نفر مانده‌اند!

خدایا اگر می‌خواهد این طوری بشود، جان ما را قبل از این امتحان بگیر.

دل‌هایتان را متوجّه حضرت کنید.

* * *

یا بقیة الله ما ان شاء الله نمی‌رویم، تعهّد می‌کنیم که مطیع شما باشیم.

آیا شما ما را قبول می‌کنید؟

حالا از دلت بپرس ببین امام زمانت قبولت کرده یا نه؟

چطور بپرسی؟

ببین اگر گنا‌هانی که در گذشته می‌کردی حالا برایت تنفر آور است معلوم می‌شود قبولت کرده، اگر از این به بعد راه کمالات را در پیش می‌گیری قبولت کرده، اگر دستت را از دامن امام زمان ارواح‌نفا‌ده کوتاه نمی‌کنی قبولت کرده است.



بخش چهارم

عَلَيْهِ السَّلَام
وَجَّاهُ الشَّرِيف

رابطه روز جمعه با امام زمان



«روز جمعه روز مهمانی امام زمان ارواحنا فداه است»

شب و روز جمعه تعلق به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دارد.

در زیارتش می‌گوییم که: «هَذَا يَوْمُكَ وَ أَنَا فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ. وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكَرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْإِجَارَةِ وَ فَاضِلٌ عَلَيَّ وَ أَجْرُنِي صَلَوةُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ آلِ بَيْتِكَ وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَيَّ يَدِيكَ»^(۱).

من در امروز که روز توست در پناه تو هستم، در کنار تو هستم. و تو ای آقای من، ای مولای من، کریمی از اولاد کرام هستی، مأموری به ضیافت و از طرف خدا امر شده‌ای که مرا مهمان کنی، و به من پناه بدهی، پس پناه منم بده، پس مرا مهمان کن، صلوات خدا بر تو و بر فرزندان باد.

«وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَيَّ يَدِيكَ». ما در روز جمعه انتظار ظهور تو را داریم و ظهور حق به دست توست.

تمام یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر، ائمه اطهار، اینها همه آمدند ولی زمینه نبود، مردم آمادگی‌اش را نداشتند که حق را صددرصد ظاهر بکنند و در اختیار مردم بگذارند. اما حجة بن الحسن از خصوصیاتش این است که ظهور حق به دست اوست، می‌آید و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.



حالت انتظار را داشته باشید، ماها باید جزء منتظرین باشیم، خانه‌ی دل‌مان را از تمام صفات رذیله پاک کنیم، تمام مقدمات آمدنش را فراهم کنیم.

* * *

درباره‌ی روز جمعه کمی فکر کنید، از صبح که بیدار می‌شوید مهمان امام زمان ارواحناده هستید، شما را به خدا، غیر از این است که اگر مهمان یک رئیس جمهوری بودید، از چند روز قبل خوشحال بودید و تا چند روز بعد هم تعریف آن مهمانی را می‌کردید؟ ولو به شما بی‌اعتنایی هم کرده بودند!

در دعای روز جمعه عرض می‌کنیم: و من امروز مهمان و پناهنده به شما هستم ای مولای من^(۱).

لذا قبل از اذان صبح باید بگوییم: به به، ما مهمان امام زمان ارواحناده هستیم. ببینید چقدر مهم است و ما چقدر آن را جدی گرفته‌ایم؟

«در روز جمعه، هر کجا هستید متوسل به امام زمان ارواحناده باشید»

روز جمعه روزی است که همه منتظرند آقا ولی عصر ظاهر شوند «الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ»^(۲) آنهایی که بیشتر از من و شما می‌سوزند، بیشتر از ماها در ارتباطند، بیشتر از ماها امام زمانشان و موقعیت حجة بن الحسن را می‌فهمند آنها زیاده‌تر محزون می‌شوند.

یک کسی از من می‌پرسید: آیا حتماً باید دعای ندبه را صبح خواند؟

۱ - «و انا فيه ضيفك و جارک فاضفني و اجرني صلوات الله عليك» مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان ارواحناده در روز جمعه.

۲ - مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان ارواحناده در روز جمعه.

گفتم: به نظر من باید بیشتر عصر خواند. عصر انسان بهتر حال پیدا می کند که دعای ندبه را بخواند، بخاطر اینکه توقّع داشته امروز امام زمانش ظهور کند حالا می بیند ظهور نکرده و متأثر می شود.

روز جمعه متعلّق به حضرت ولی عصر است در هر کجا که هستید به یاد آن حضرت باشید.

«روز جمعه به دنبال الطاف امام زمان ارواحناده باشیم»

(لذا در ساعت آخر روز جمعه) از دو جهت دست امام زمان ارواحناده قویاً به دامن پروردگار است تا خدا به شما الطافی بکند. آن ساعت آخر روز را هر جا هستید حتّی در پارک هم که هستید، حتّی شده یک «یا صاحب الزّمان» بگویید و حاجات خود را بخواهید که در حدیث است یک ساعت از روز جمعه ساعت دعا است^(۱).

«ساعت آخر روز جمعه متعلّق به امام زمان ارواحناده است»

انسان در روز جمعه نباید مشغول کارهای دنیایی باشد. دو قسمت از کارهاست که باید در روز جمعه انجام بشود، یک بخش آن، بخش عبادات است، عباداتی که در روز جمعه باید انجام بشود یک مقداری مستحبات است که دعاهاى زیادی در روز جمعه وارد شده، از جمله دعای ندبه است، دعای سمات است، دعاهاىی است که در کتاب مفاتیح الجنان ذکر شده، نمازهای ائمه‌ی اطهار

۱ - «عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ قَالَتْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يَؤْفِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ قَالَتْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَى سَاعَةٍ هِيَ قَالَ إِذَا تَدَلَّى نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ قَالَ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَقُولُ لِغُلَامِهَا اصْعَدِي الظَّرَابَ فَإِذَا رَأَيْتِ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو». بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۶۹.

بخصوص نماز حضرت بقیة الله ارواحانفاده در ساعت آخر روز جمعه است.

یک بخش آن هم بخش نظافت و کارهایی است که در این ارتباط است.

در روایاتی هست که روز جمعه یک ساعت دارد که در آن ساعت هر کس دعا بکند دعایش مستجاب است^(۱). بعضی از علماء گفته‌اند آن ساعت، ساعت آخر روز جمعه است. به مناسبت اینکه اگر روزها را تقسیم به دوازده ساعت کنید، ساعت اول متعلق به امیرالمؤمنین است، ساعت دوم متعلق به امام حسن ، ساعت سوم متعلق به امام حسین تا ساعت آخر روز که تعلق به حضرت بقیة الله ارواحانفاده دارد.

لذا بهترین کارها این است که انسان نماز هر یک از ائمه را در همان ساعت خودشان بخواند، مثلاً نماز امیرالمؤمنین را در بین الطلوعین بخواند و نماز امام عصر را در ساعات آخر روز بخواند.

و هفته هم هر روزش متعلق به هر یک از معصومین است و روز جمعه هم متعلق به حضرت ولی عصر ارواحانفاده است.

بنابر این ساعت آخر روز جمعه از دو جهت تعلق به امام عصر دارد، یکی از نظر ساعات که ساعت آخر روز مربوط به حجة بن الحسن است و یکی هم از جهت روز، که روز جمعه روز آن حضرت است.

* * *

۱ - «قَالَ الصَّدُوقُ وَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجُمُعَةِ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ إِلَى أَنْ قَالَ» أَلَا إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً وَ هُوَ سِيدُ أَيَّامِكُمْ وَ أَفْضَلُ أَعْيَادِكُمْ وَ قَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِالسَّعْيِ فِيهِ إِلَى ذِكْرِهِ فَلْتَعْظُمُ رَغَبُتُكُمْ فِيهِ وَ لَتُخْلَصُ نِيَّتُكُمْ فِيهِ وَ أَكْثِرُوا فِيهِ التَّضَرُّعَ وَ الدُّعَاءَ وَ مَسْئِلَةَ الرَّحْمَةِ وَ الْغُفْرَانِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَسْتَجِيبُ لِكُلِّ مَنْ دَعَاهُ وَ يُوْرِدُ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَ كُلُّ مُسْتَكْبِرٍ عَنْ عِبَادَتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ وَ فِيهِ سَاعَةٌ مُبَارَكَةٌ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ فِيهَا شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ». وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۳۷۹.

این که می‌گویند: دعای ندبه را در روز جمعه بخوانید به خاطر این است که واقعاً ما در فراق امام زمان ارواح‌ناده هستیم. در این دعا می‌گوییم: خدایا بنده کوچک تو مبتلا به عشق امامش شده، آقایش را به او نشان بده^(۱).

مشکل ما این است.

کوشش کنید که ساعت آخر روز جمعه را به بطلالت نگذرانید، ولو چند دقیقه‌ای دعا کنید، ولو چند دقیقه‌ای توجّه به خدا کنید، هر چه هم به غروب نزدیک تر می‌شوید بیشتر ارزش و اهمیت دارد.

در خانه‌ی یکی از شاگردان خوب مرحوم حاج ملا آقا جان رحمه الله بودیم یک دفعه به ساعت نگاه کرد و گفت: ساعت آخر روز جمعه است، قدری دعا کنیم، افراد مختلفی در آنجا بودند، همه را وادار کرد که دعا بکنند.

پایان جلد اول

۱- «اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكَرْبِ وَ الْبُلُوَى، وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعَنْدَكَ الْعُدُوَى، وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى. فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبْدَكَ الْمُتَبَتِّلِي، وَ أَرِهْ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى» مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

معرفی برخی از آثار حضرت استاد سید ابیطی

ردیف	نام کتاب	توضیحات
۱	اتحاد و دوستی	اولین کتاب مؤلف. در مسائل اخلاقی و دوستیایی از نظر دین مقدس اسلام و روانکاوان جهان
۲	پرواز روح	پیرامون شرح حال اولیاء خدا بویژه مرحوم حاج ملا آقاخان زنجانی رحمته
۳	ملاقات با امام زمان عج	جریان کسانی که به محضر مبارک حضرت بقیة الله رسیده‌اند توأم با مطالبی که انسان را به کمالات روحی دعوت می‌کند
۴	در محضر استاد ۱	درباره امراض و صفات رذیله روحی و راه درمان آن‌ها
۵	در محضر استاد ۲	درباره مراحل کمالات، خلقت ملائکه، عالم ملکوت و شیطان و فعالیت‌های آن
۶	سیر الی الله ۱	درباره مراحل تزکیه نفس از مرحله یقظه تا مرحله صراط مستقیم
۷	سیر الی الله ۲	پرسش و پاسخ درباره مرحله یقظه، توبه و استقامت
۸	سیر الی الله ۳	پرسش و پاسخ درباره مرحله صراط مستقیم و محبت
۹	سیر الی الله ۴	پرسش و پاسخ درباره مرحله جهاد با نفس و عبودیت و کمالات
۱۰	شبهای مکه	سفر نامه مؤلف به کشورهای ترکیه، سوریه و حجاز و بحث‌هایی با علمای اهل سنت در این ممالک و مناظراتی با عالیم بزرگ مکه
۱۱	مصلح غیبی	پاسخ به ۷۰ سؤال مربوط به حضرت بقیة الله عج که به واسطه این کتاب از طرف دانشگاه سوریه مدرک دکترای افتخاری به مؤلف اهداء گردید
۱۲	مصلح آخرالزمان	درباره اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس که در یونان برگزار گردید و بیان نظرات کلیه ادیان جهان درباره حضرت بقیة الله ارواحنا فداء
۱۳	انوارصاحب‌الزمان عج	پاسخ به ۲۵۸ سؤال مربوط به حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء
۱۴	عوامل پیشرفت	عوامل و مسائلی که سبب پیشرفت هر قوم و جمعیتی که بخواهند در جهان به موفقیت کامل برسند
۱۵	عالم عجیب ارواح	دارای سه بخش: بخش اول روح در عالم قبل از این عالم؛ بخش دوم روح در این عالم؛ بخش سوم روح در عالم بعد از این عالم
۱۶	توضیح آیات قرآن	اثبات اعجاز قرآن کریم و توضیح آیات قرآن از ابتداء تا آیه ۱۱۰ سوره بقره
۱۷	راه خدا	درباره مسائل اخلاقی و اجتماعی و اماکن مقدسه مکه و مدینه و آداب سفر
۱۸	دو مقاله	مقاله اول: درباره مناہج تفسیری قرآن کریم - مقاله دوم: درباره اعجاز قرآن کریم
۱۹	رسول اکرم ص	شرح حالات رسول اکرم ص و چهل حدیث از آن حضرت
۲۰	امیرالمؤمنین ع	شرح حالات و فضائل امیر المؤمنین ع و نقل چهل حدیث از کتب اهل سنت در فضائل آن حضرت
۲۱	انوار زهراء ع	شرح حالات و فضائل حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و فضائل سادات عظام
۲۲	امام مجتبی ع	شرح حالات و فضائل امام مجتبی ع و بیان چهل حدیث از کلمات آن حضرت
۲۳	امام حسین ع	شرح حالات و فضائل امام حسین ع و روایاتی در فضیلت زیارت آن حضرت و نقل کامل واقعه کربلا
۲۴	امام سجاد ع	شرح حالات و فضائل امام سجاد ع و نقل قضایای قبل و بعد از عاشورا و پاسخ به چند سؤال پیرامون آن حضرت
۲۵	امام کاظم ع	شرح حالات و فضائل امام کاظم ع و بیان چهل حدیث از آن حضرت
۲۶	امام هادی ع	شرح حالات و معجزات امام هادی ع و بیان احادیثی از آن حضرت
۲۷	فضائل فرزندان حضرت زهرا ع	بیان پانزده امتیاز از فضائل فرزندان حضرت فاطمه زهرا ع

۲۸	مثال های حکمت آمیز	بیان بیش از ۴۰۰ مثال از مثال های حکمت آمیز مؤلف
۲۹	وظایف سالک الی الله ۱	برداشت های مؤلف از ابتدای قرآن تا پایان سوره کهف در موضوع تزکیه نفس
۳۰	وظایف سالک الی الله ۲	برداشت های مؤلف از سوره مریم تا پایان قرآن کریم در موضوع تزکیه نفس
۳۱	تربیت فرزند	بیان نکاتی مهم پیرامون تربیت فرزند و آداب احترام به والدین
۳۲	سه کلام	پاسخ به سؤالاتی پیرامون روح، ایمان و کفر، ملک و ملکوت
۳۳	عقائد	۳۰ جلسه اعتقادات درباره مباحث توحید، نبوت، امامت و معاد
۳۴	کتاب علی (ع)	روایاتی پیرامون کتاب علی علیه السلام که به املاء پیامبر اکرم (ص) و کتابت علی (ع) می باشد
۳۵	ازدواج و همسر داری	درباره ازدواج و همسر داری و مسائل اخلاقی پیرامون آن
۳۶	سخن روز	سخنان مؤلف که هر روز به مناسبت های مختلف در سایت ایشان قرار می گرفت
۳۷	محبوبه الهی	بیان شانزده مزیت خانم ها بر آقایان
۳۸	کلیدهای خوشبختی	کلام های کوتاه کلیدی مؤلف برای گشایش قلوب افراد
۳۹	امام زمان (ع) در بیانات استاد (۱)	برگزیده ای از بیانات استاد درباره امام زمان (ع)
۴۰	پاسخ به سؤالاتی پیرامون حضرت بقیه الله (ع)	پاسخ به ۹۴ سؤال درباره حضرت بقیه الله ارواحنا فداه
۴۱	پاسخ به سؤالات کوثر	پاسخ به ۶۴ سؤال درباره کوثر (فاطمه زهرا (ع))
۴۲	پاسخ به سؤالات توحید	پاسخ به ۱۴۹ سؤال درباره توحید
۴۳	پاسخ به سؤالات نبوت	پاسخ به ۱۲۴ سؤال درباره نبوت
۴۴	پاسخ به سؤالات امامت	پاسخ به ۳۳۹ سؤال درباره امامت
۴۵	پاسخ به سؤالات معاد	پاسخ به ۹۴ سؤال درباره معاد
۴۶	پاسخ به سؤالات تقوا و اعتصام	پاسخ به ۸۳ سؤال درباره تقوی و اعتصام و خطبه همام
۴۷	پاسخ به سؤالات قرآن	پاسخ به ۲۵۳ سؤال درباره قرآن
۴۸	پاسخ به سؤالات نماز	پاسخ به ۱۴۵ سؤال درباره نماز و آداب آن
۴۹	پاسخ به مشکلات فلسفی و اعتقادی	پاسخ به سؤالاتی درباره مسائل فلسفی و اعتقادی که در کانون بحث و انتقاد دینی مشهد پاسخ داده شد
۵۰	پاسخ به مشکلات جوانان	پاسخ به ده ها سؤال مهم جوانان شیعه
۵۱	پاسخ به ۷۷ مشکل دینی	پاسخ به ۷۷ سؤال که در کانون بحث و انتقاد دینی مشهد از مؤلف پرسیده شده است
۵۲	حل مشکلات دینی	پاسخ به ۱۷۲ سؤال که در کانون بحث و انتقاد دینی مشهد توسط مؤلف جواب داده شده است
۵۳	جواب مسائل دینی	پاسخ به ۷۸ سوال درباره مسائل مختلف دینی
۵۴	سؤالات متفرقه از استاد	پاسخ به ۳۳۵ سؤال در موضوعات مختلف
۵۵	سوال شما و پاسخ ما	پاسخ به ۷۹ سؤال که در کانون بحث و انتقاد دینی مشهد به آنها جواب داده شده است
۵۶	پاسخ ما	پاسخ به سؤالات خصوصی و عمومی که در کانون بحث و انتقاد دینی مشهد به آنها جواب داده شده است



- ❖ از حضرت بقية الله (عليه السلام) غافل نباشيد. او امام زمان ماست.
- ❖ گاهی می‌شود یک عمر بر انسان گذشته، حتی به فکر دیدن حجة بن الحسن (عليه السلام) هم نیفتاده و بدتر از آن این است که اگر خدا این توفیق را به کسی داد، با او معاشرت می‌کنند.
- ❖ امام زمان (عليه السلام) زنده است، در بین ماست. که در دعای ندبه عرض می‌کنیم: «يَنْفَعُ الْبَشَرُ مِنْ مُغِيبٍ لَمْ يَخْلُ مَلَأَ»
- ❖ صبح به صبح بنشینید و بگویید: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ».
- ❖ اگر با ادب هستید، بایستید، دست به سینه بگذارید و به آن حضرت اظهار ادب کنید.